

# تصادم ديموكراسى ها

و

## آتوكراسيها

آيا مى توان ديموكراسى را نجات داد؟

نويسنده

پوهاند بشير احمد زكريا

بشير احمد زكريا : ام. ڊى. فيلو امريكن كالج آف سرجنز، پوهاند متقاعد و لكچرر خاص  
پوهنتون كولمبيا، كالج دوكتوران طب و جراحان

B.A. Zikria, MD, FACS Emeritus Professor and Special Lecturer Columbia University,  
College of Physicians & Surgeons

ترجمه : رحمت آريا

۲۰۲۲

## مندرجات :

اهداء

امتنان

معرفی نویسنده

پیشگفتار

## دیموکراسی های باستان

## قسمت اول

### فصل اول

دیموکراسی های باستان

تعریف دیموکراسی

اول : ريفراندم آتن يا ديموکراسی مستقيم

دوم: محاکمه سقراط

سوم : اهميت محاکمه سقراط

چهارم : جمهوری روم – ديموکراسی نماينده يا ديموکراسی غير مستقيم

### فصل دوم

سائر ديموکراسی های باستان

اول : ديموکراسی ها در افريقا

دوم : ديموکراسی ها در شرق ميانه (بين النهرين)

سوم : ديموکراسی های آسيای جنوبي (جنبش روشانيه)

چهارم : ديموکراسی ها در هند

پنجم : ديموکراسی ها در چين

## دیموکراسی های معاصر

## قسمت دوم

### فصل سوم

تکامل ديموکراسی ها

اول : تولد ديموکراسی امريکا

دوم : ایدیولوگهای دیموکراسی برتانیه : هابس، آدم، هوم، لاک

سوم : اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا

چهارم : قانون اساسی ایالات متحده امریکا

پنجم : ایدیولوگهای دیموکراسی امریکا و مقالات شان

همیلتن، مدیسن، جی

ششم : ایدیولوژیست های دیموکراسی امریکا

جفرسن، آدامس، فرانکلین

هفتم : نقش جورج واشنگتن : پدر معنوی ملت

## فصل چهارم

اولین جمهوریت فرانسه

اول : ایدیولوگهای دیموکراسی فرانسه

دکارت، مونتسکیو، روسو

دوم : انقلاب فرانسه ،

جمهوریت پنجم فرانسه

## فصل پنجم

### سائر دیموکراسی های عملی

اول : دیموکراسی سویس

دوم : انتخاب چندگانه سویتزرلند : مختلط : ریفراندوم دیموکراسی - مستقیم، و دیموکراسی نماینده - دیموکراسی غیر مستقیم

سوم : تکامل سیستم حزبی امریکا

چهارم : احزاب سیاسی و گروه های ذینفع

پنجم : احزاب سیاسی کوچک امریکا

ششم : حزب جمهوریخواه

هفتم : حزب دیموکرات

## قسمت سوم

### فصل ششم

تکامل دیموکراسی ها

اول : فلسفه دیموکراسی

دوم : انتروپولوژی دیموکراسی

سوم : کثیرالفرهنگی – چند فرهنگي

چهارم : ديموکراسي و صلح جهاني

## فصل هفتم

بحران معاصر در ديموکراسي ها

اول : تيوري هاي سياسي معاصر امريکا

الف : جان راولز

ب : رابرت نوزيک

ج : تام هارتمن

د : ان اپليام

ی : جان ج. مئوساکه

## فصل هشتم

بيماري هاي موجود ديموکراسيها

اول : ديموکراسي و صلح

دوم : ديکتاتوري و فاشيزم

سوم : اعراض و علائم بيماري هاي ديموکراسي

چهارم : انارشيزم منحيث دشمن ديموکراسي

پنجم : مدل ديموکراسي سويس

ششم : مدل ديموکراسي مئوساکه

## قسمت چهارم آینده ديموکراسي

### فصل نهم

اختلالات اجتماعي – رواني اخير

اول : فرقه و فرقه گرایی

دوم : خصوصيات فرقه گرایی

الف : رهبر فرقه – طرز رفتار

ب : اعضای فرقه – طرز رفتار

سوم : ناهمبستگی فوگ (سايکوجنيک فوگ)

الف : علت

ب : مداوا

چهارم : معلومات بیشتر راجع به فرقه و فرقه گرایی

الف : هفت علامت یک فرقه

ب : علائم و اعمال فرقه ها

ج : سایکولوژی فرقه گرایی

## فصل دهم :

ساختار معاصر دیموکراسیها

اول : دیموکراسی باید با تکامل جوامع رشد نماید

الف - تکامل جوامع و دیموکراسی ها

ب - پیدایش و خروج انسان ها از افریقا

ج - تکامل دیموکراسی به عنوان بخشی از تکامل انسان

دوم : وحدت ملی و مدرنیته برای تکمیل کردن دیموکراسی امریکا

الف - وحدت ملی

ب - تعادل مؤلفه های ریفرندام و نماینده در دیموکراسی امریکا

سوم : انقلاب صنعتی چهارم

روند های غول پیکر

الف: فیزیکی

ب : دیجیتل

ج : بایولوژیکی

د : ترکیب هر سه

چهارم : اثرات منفی انقلاب صنعتی چهارم

الف : اقتصادی، ملی، جهانی و اجتماعی

ب : رنسانس فرهنگی جدید

## فصل یازدهم

اقدامات مدرن برای تازه سازی دیموکراسیها

اول : نیاز مبرم برای اتصال مردم و دولتها

دوم : آیا دیموکراسی الکترونیکی می تواند چنین نظم را ایجاد کند؟

سوم : تیوری ریاضیاتی دیموکراسی

چهارم : الکترونیک مردم را با نماینده های شان مجدداً وصل می کند

## فصل دوازدهم

آینده دیموکراسی امریکا

اول: دیدگاه دیموکراسی امریکا تزلزل ناپذیر باقی می ماند

دوم : اعلامیه دیدگاه امریکا همچنان پابرجاست  
سوم : ریفراندم دیجیتال اعلامیه دیدگاه امریکا را تقویت می کند  
چهارم : نقش ریفراندم - تقویت شده بوسیله تکنالوژی معلوماتی  
الف : تخمین تمایل مردم بخاطر تأمین ارتباط با نمایندگان شان  
ب : ابزار تیوریکی  
ج: کشمکش قدرت اقتصادی جهانی

### پس گفتار

ظهور یک چشم انداز جدید از دیموکراسی  
الف - آیا پیشرف علم و تکنالوژی می تواند منشاء دیموکراسی را آشکار سازد؟  
ب - زندگی و اراده آزاد  
ب : فعل مختار و دیموکراسی

### ضمیمه اول

دیموکراسی ها در رقابت عیله اتوکراسیها  
ضمیمه دوم

الف: فلسفه زندگی  
ب : جهانی شدن

### ضمیمه سوم

اول - فلسفه جدید دیموکراسی  
دوم- فلسفه جهان گرایی و آینده  
الف : جهانی گرایی منحیث یک فلسفه  
ب : فلسفه دائمی - جهان گرایی  
ج : مقالات فلسفه جهانی و یا جهان - جهان گرایی

## اهداء

در جهانی که با تهدید های جدی بسوی انقراض روبروست این قلم، کتاب حاضر خویشرا، به مانند کتاب سال ۲۰۲۰ خویش معنون به " جنگ های بی پایان : میکانیزم جدید برای صلح جهانی و نقش کوید - ۱۹ در دهه ۲۰۲۰"، برای توانمند سازی دیموکراسی امریکا اهداء میکند.

فیلسوف بزرگ امریکا جان دیوی [۱]، یک قرن پیش بالای جوانان امریکایی صدا کرده بود که " دیموکراسی باید با هر یک از نسل های ما از نو زاده شود." این کتاب در واقع پیگیری همان هدف است، این هدف نه تنها برای ایالات متحده امریکا بلکه برای تمام جهانی است که با انباشت ابر های تیره فاشیزم و دیکتاتوری تهدید میشود. در اینجا باید ثابت کنیم که ابراهام لینکلن در بیانیه گتیسبرگ [۲] خود چه گفته بود : " این دولت از مردم، توسط مردم، برای مردم نباید از روی زمین محو گردد." صدای لینکلن پس از یکصد و پنجاه و هشت سال بار دیگر در گوش ملت طنین انداز است تا "منحیث ملت انقسام ناپذیر، تحت سایه خدا" خود را دوباره وقف دفاع و حفظ دیموکراسی دو صد و چهل و پنج ساله امریکا نمایند. تصادم کنونی دیموکراسی با اتوکراسیها، تا کنون ایدیولوژیک به نظر میرسد. ما باید در حال حاضر و در آینده برای دهه های که در پیش رو داریم، از تسلیم شدن دیموکراسی به دیکتاتوری و یا از تسلط کامل بر آن بوسیله نیروهای فاشیست پاپولست جلوگیری کنیم. ما باید به پا خیزیم و از آن نه با راکت و بمب ها دفاع کنیم بلکه با نیروی لوگو ها و قلم ها از آن دفاع کنیم. تاریخ چندین بار این ضرب المثل را به اثبات رسانده است که " قلم (یک ایده یا لوگوها) قوی تر از هزاران شمشیر است،" و یا "فضیلت همیشه بر شر پیروز میشود." این کتاب هر نوع ایده یا نظریه دیگر یا ساختار معاصر برای سعادت فرد و "خیر علیا" و سعادت ملت ها را که بتواند بهتر از دیموکراسی باشد مورد چلنج قرار می دهد. انسان ها در طول تاریخ، یا از طریق خلقت یا از طریق تکامل خود از چیزی بهره مند بودند که هیچ موجود دیگر از آن برخوردار نبود، و آن منحصر به فرد ترین موهبت اراده آزاد بود، که از خود زندگی انسان - برای محافظت از زندگی وی صادر شد تا آزادی انتخاب داشته باشد - آزادی جستجو و رسیدن به تعادل یا رضائیت مطلوب زندگی به عنوان سعادت. بر همین مبنا بود که یکی از نوایغ امریکا، دیموکراسی را دقیقاً در سه کلمه چنین تعریف کرد : زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی.

---

<sup>1</sup> - John Dewey

<sup>2</sup> - Gettysburg Address

## امتان

من بدون همکاری بیدریغ، حمایت و مشوره های خردمندانه یار و یاور پنجاه و چهار سال زندگی مشترک با همسر عزیز و با شکوهم که با لبخند زیبا و همیشگی شان همواره روحیه مرا با خود و فدا کاریهایش بالا برده، نمی توانستم کتاب هایم را بنوسیم، کار های تحقیقاتی لابراتواری/ کلینیکی را انجام دهم و یا برای دادن لکچر به اکناف جهان سفر نمایم. از خداوند متعال سپاسگذارم که تمام این فرصت ها را به من عنایت فرمودند تا در جهان دیموکراسی زیست کنم، و این باعث شد تا شریک زندگی خود را در لندن بیابم، با هم اولاد ها داشته باشیم و سپس نواسه های ما به جهان آمدند که زندگی ما را سرشار از شادی و سرور ساختند. همچنان از دو تن دخترانم، دو تن فرزندانم و شش تن نواسه هایم بخصوص از نادیه جان بیست من، که تازه از کالج فارغ شده اند، سپاسگزارم که به خاطر محبت و حمایتش بمن افتخار و آرامش خاطر بخشیده است. بدون آنها نمی توانستم سعی و تلاش هایم را به ثمر برسانم. برادرانم همواره طی سعی و تلاشهایم بمن یاور و الهام بخش بوده اند. ولی بیشتر از همه به ابهت پدرم ارج بی پایان می گذارم که سیاستمدار، دیپلومات، مؤرخ، شاعر و جهان بین بودند، کسیکه در سرتاسر زندگی ام برایم سرمشق و الهام بخش بوده اند.



## معرفی نویسنده

دلیلی که این قلم چنین مقدمه را مطرح می‌سازد این است که به باور من هر خواننده حق دارد که سوابق مهم نویسنده را بداند تا مستقل از جهت گیری سابقه ارائه شده توسط نویسنده، قضاوت خود را داشته باشد. باز هم مؤلف با سوابق خود، افتخار شرح یک تعداد از تجربیات اجتماعی - سیاسی را دارد که خود تجربه نموده و نیز با یک تعداد از نظریات پدر بزرگوار خود آشنایی داشته ام.

با اثر پذیری از پیشینه خانوادگی ام، شغل دوم من دیپلوماسی در سیاست بین المللی است. پدرم منچیت وزیر معارف، وزیر امور خارجه و سفیر افغانستان به دربار سلطنتی سنت جمیز [1] «دربار سلطنتی حاکم بریتانیا - م»، سفیر افغانستان به ترکیه، عربستان سعودی، سوریه و لبنان ایفای خدمت نموده اند. در نتیجه من منچیت یک کودک، یک نوجوان و پس از مهاجرت ما به ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۶ که آخرین ۱۳ سال زندگی پر بار شانرا با من سپری کردند، تحت تأثیر تجربیات پدر قرار گرفتم. مزید بر آن من به کتاب ضخیم خاطرات او که در کتابخانه شخصی وی در یکه توت کابل در میان ۶۰۰۰ کتاب جای داشت دسترسی داشتم. جالب آن است که پدرم قبلاً در سال ۱۹۲۱ به نیویارک، نیو جرسی و واشنگتن پی. سی. آمده بودند؛ اوشان متعاقب جنگ سوم افغان - انگلیس بوسیله اعلیحضرت امان الله در معیت یک هیأتی به اکناف جهان فرستاده شده بودند تا برسمیت شناختن استقلال و آزادی افغانستان را به دست آرند.

پس از زمانیکه سمّت وزارت امور خارجه را به عهده داشتند بوسیله «انتونی ادن» [2] در ژنوا، سویتزرلند برای ریاست جامعه ملل نامزد شدند. متأسفانه ایشان به دلیل تهاجمات سربازان شوروی در امتداد سرحدات شمالی افغانستان، به کابل فراخوانده شدند.

بدین ترتیب «انتونی ادن»، «آغا خان» را که نمایندگی از «راج بریتانیا» میکرد بجای پدرم معرفی نمودند؛ موصوف از سال ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۸ منچیت رئیس جامعه ملل ایفای خدمت نمودند.

من طی ۴۵ سال به صد ها شاگرد طب، کار آموزان و رزیدنت جراحی را تدریس نموده ام و هم طی بیست سال گذشته به عنوان استاد ممتاز و مدرس خاص به تدریس ادامه داده ام. من در بسیاری از ایالات امریکای شمالی، در اروپا، شرق میانه و چین لکچر داده ام. متجاوز از هفتاد مقاله عملی نوشته ام که توسط متخصصین رشته های مربوطه تحت بررسی دقیق قرار گرفته اند، در پوهنتون کولمبیا اساس تحقیقات «موی رگی» را گذاشتم و تجربیاتی داخل ارگانیزم و بیرون ارگانیزم را بالای سوختگی ها، شوک های خونریزی مغزی، شوک عفونت خون و تورم را منچیت پاسخ اساسی به اکثریت امراض انجام دادم. برای برسمیت شناختن سیستم مویرگی منچیت یکی از ارگان های مهم حیاتی انسان سخت کار کردم که ۲۰۰ بار بزرگتر

1 - Court of St. James

2 - Anthony Eden

از سطح بدن ما (BSA)، است، پوست ما منحنی یک ارگان حیاتی ۱,۷ متر مربع در مقابل بستر ۴۰۰ مترمربع مویرگ است. به عنوان یک محقق امور طبی ۱۰ حق ثبت اختراعات ایالات متحده آمریکا را دریافت کرده ام و اهدائیۀ یک اعشاریه دو میلیون دالری (NIH (SSIR را در بدل تحقیقات و کتب چاپ شده ام دریافت نمودم؛ کتاب تحقیقی من «آسیب های پرفیوژن و سندروم کلینیکی نشت مویرگی»<sup>۱</sup> به عنوان علت نارسایی چندین عضو بدن یاد میشود ، این کتاب منحنی کتاب مرجع یا رفرنس در لابراتوار های طبی مورد استفاده قرار دارد، علاوه بر آن دو کتاب کوچک طبی هم نوشته ام.

بعد از تقاعد از امور جراحی، کتاب ، «یک خانه، یک خانواده، یک آینده» (جهان گرایی به عنوان یک فلسفۀ دائمی) [۱] را نوشتم و هم سه کتاب دیگر در بارۀ جنگها و فرهنگ ها در افغانستان نوشته ام. آخرین کتاب من در نوامبر سال ۲۰۲۰ معنون به «جنگهای بی پایان : میکانیسم جدید برای صلح جهانی و نقش کوید – ۱۹ در دهۀ ۲۰۲۰» [۲] از چاپ برآمد.

همچنان بعد از «سقوط افغانستان» که بوسیله کودتای کمونیستی و اشغال شوروی در ۲۸ اپریل سال ۱۹۷۸ – ۱۹۷۹ بوقوع پیوست درگیر سیاست شدم. [۳] دو ماه بعد از آن کودتا، نویسنده یکی از بنیانگذاران جبهه ملی نجات افغانستان به رهبری جلالتماب صبغت الله مجددی بود که بعد ها ششمین رئیس جمهور افغانستان شدند.

نویسنده بعد از کوشش زیاد توانست پنج شفاخانه خیموی برای پناهندگان افغان را به دست آرد ولی بعد از اینکه اولین شفاخانه بکار گذاشته شد، آن شفاخانه بوسیله طیارات میگ شوروی بمبارد شد. من و «داکتر عبدالله عثمان» که یک طبیب متعهد و بشر دوست بودند یک مکتب دخترانه (کودکستان – تا صنف ششم) را در پشاور پاکستان (NWFP) گشودیم.

به تداوی مهاجرین بیمار پرداختیم، کلینک ها را اساس گذاری کردیم، و به جوانان مواظبت از «ترومای» عاجل را تدریس کردیم و نیز چندین تن از معاونین داکتر را در پشاور، کویت، بلوچستان آموزش دادیم. مؤلف یکی از اعضای " کمیته شانزده نفری " پادشاه سابق اعلیحضرت ظاهر شاه" هم بوده و هم پادشاه را در سال ۱۹۹۸ در شرایط قریب به مرگ نارسایی متعدد ارگان بدن، در روم و بعد در لندن و نیز در سال ۲۰۰۴ در دهلی جدید درمان نموده ام. چندین بار منحنی یک متخصص در برابر سنا و مجلس نمایندگان حاضر شده ام تا در بارۀ استعمال اسلحه های کیمیاوی- بایولوژیکی شوروی شهادت بدهم و هم در تلاش های «سناتور بزون» بخاطر متحد شدن ائتلاف شمال با طالبان در سال ۱۹۹۶ بدون کدام مؤفقت شرکت جسته ام.

[۴]

چندین تن از دانشمندان علوم سیاسی پس از متجاوز از ۲۰۰ سال تکامل جوامع بشری و محیط ها با پیشرفت تصاعدی ساینس و تکنالوژی، ضرورت نوسازی دیموکراسی های لیبرال را تائید کرده اند. اینکه دیموکراسی های لیبرال چگونه نوسازی

<sup>1</sup> - Perfusion Injuries and Clinical Capillary Leak Syndrome

<sup>2</sup> - One Home, One Family, One Future” (Universalism as a Perennial Philosophy)

<sup>3</sup> - Wars Without End: A New Mechanism for World Peace and The Role of COVID-19 in 2020s

<sup>4</sup> - Ghaus, Abdul Samad. *Fall of Afghanistan*. Pergamon-Brassy International Defense Publishers; Washington D.C., New York, London, Beijing, Tokyo.

<sup>5</sup> - Bashir Zikria. *Foreign Policy and Arms Control Implication of Chemical Weapons*. 97th Congress, 2nd Session, Congressional report. pp.111-113. July 13, 1982.

گردند منجر به چلنج در راستای تحقیق و مطالعه سه ساله من شد. باید بخاطر داشته باشیم که آنچه را ما در باره عدالت اجتماعی، حقوق بشری و "رویای امریکا" می دانیم همه آن بزرگترین مواهب دیموکراسی ، اند. من معتقدم که با دانش و تکنالوژی امروزی می توانیم یک تعداد بیماری ها و امراضی را مورد مداوا قرار دهیم که طی دو نیم قرن گذشته به داخل لیبرال دیموکراسی ها رخنه نموده و باعث ضعف آنها شده و آنها را طعمه آسانی برای استبداد های هژمونیک ساخته اند.

## پیشگفتار

در قرن بیست و یکم امروزی، جهان ما در معرض تهدید نیرو های ویرانگر صنعتی - همگرا قرار دارد که محیط زیست سیاره ما را درون سوز کرده و تهدید به هولوکاست جنگ افزار های اتمی، کیمیاوی - بایولوژیکی و نابرابری های شدید در نژاد، ثروت و عرضه مواد خوراکی می کنند. ما توسط بیماریهای ساری، سو مصرف از مخدرات و کارتل های مسلح مواد مخدر و مجتمع صنعتی نظامی "که همه را" مسلح میسازند، تهدید می شویم. علاوه بر موارد فوق، دولت های که حاکم بر بشر اند نیز بد رقم کار می کنند زیرا دیموکراسی های شان در حال شکست اند و رقابت اقتصادی شرق و غرب در حال افزایش است و احتمال وقوع فاجعه نظامی وجود دارد! در کتاب اخیرم "جنگ های بی پایان: میکانیزم جدید برای صلح جهانی و نقش کوید ۱۹ در دهه ۲۰۲۰" ما در باره نیرو های مخرب همگرای جهان ما، و نیرو های سازنده برای غلبه بر آنها بحث کردیم. [۱] در این کتاب می خواهم پیرامون یافتن راه حل های ممکنه برای دیموکراسی های متزلزل با شما بحث و تحقیق کنم که اگر اصلاح نه شوند ممکن است منجر به شکست غیر قابل تصور دیموکراسی ها گردد. شاید بگویید، "پس چه چیزی جدید است؟" بگذارید توضیح نمایم. آیا فکر کرده اید که همه ملت ها با یک سیستم اعتقادی فراگیر زندگی می کنند؟ بیایید بگوییم: "بلی چنین است و باید چنین کنند!" ملت ها و دولت ها دو روی یک سکه اند. یکی بدون آن دیگری وجود ندارد! زیرا سیستم حکومتداری، قوی ترین عنصر برای رفاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت هاست. بدون "قرار داد اجتماعی" یا یک توافق ضمنی میان مردم و حکومت، ملت ها نمی توانند برای مدت طولانی وجود داشته باشند. شکی نیست که از نظر کار آیی دولتها، دولت های خود کامه و دیکتاتور با رنگ های پر رنگ در مسابقه پیروز میشوند! ولی تاریخ جهان گواه صادق ماست که همیشه مبارزه بین آزادی و استبداد وجود داشته است! در حالی که در گذشته تعداد کمی از دیموکراسی ها با مردمان شاد برای مدت زمانی محدود شکوفا شده اند، ولی دولتهای ظالم اکثراً توسط قیام ها و یا انقلاب های که اغلب با حمام خون ختم میشوند، سرنگون شده اند.

با این حال باید بپذیریم که برخی از ملت ها که سابقه بسیار طولانی در حکومت خود کامه یا دیکتاتوری دارند با تأسف وقت فراوان برای شان در کار است، زیرا دیموکرات سازی ملت ها یک پروسه چندین نسلی است و متناسب است با سطح بلوغ سیاسی و تکامل انتروپولوژیکی هر ملت.

معهدا، در اینجا نگرانی ما مربوط به دیموکراسی معروف امریکا است که بقیه جهان به آن به عنوان الگو می نگرند، ولی اخیراً این دیموکراسی توسط بخش های قانونگذاری، اجرائی و قضائی خود غیر متوازن شده است. برخی از متخصصین سیاسی امریکا معتقد اند که شکاف در قوای حاکم به قدری گسترده شده که خود را به هیچ راه حل سریع نمی رسانند! شکاف نگرانی ها و نیازهای مردم و فلسفه منفعت طلبانه دولت «نخبه گرا» مبنی بر "قدرت به هر قیمتی" بطور نگران کننده ریشه دار شده است! پس چگونه مردم امریکا می توانند دیموکراسی دو قرنه خود را نجات دهند؟

<sup>1</sup> - Wars Without End: A New Mechanism for World Peace and The Role of COVID-19 in 2020s

در فصول بعدی پس از تجزیه و تحلیل کامل تاریخ دیموکراسی ها، ممکن ما به امکانات عملی برای از بین بردن فاصله و شکاف بین مردم و دولت پی ببریم. ما باید نبرد ها و بن بست های جاری بین دو حزب سیاسی اصلی و ناسازگاری خود را کاهش دهیم تا سلامت " دیموکراسی امریکا" را بازیابی کنیم. ما باید منافع دو قطبی شده دیموکراسی/ امریکا را به نحوی تنظیم کنیم تا آن را به عنوان حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم بار دیگر پاسخگو تر و مسؤولیت پذیرتر بسازیم. اولین چیزیکه باید انجام شود اتصال مجدد مردم با حکومت شان است که عمدتاً توسط ابزار های موجود عصر مدرن، تکنالوژی معلوماتی دیجتل ( IT ) و ارتباط الکترونیکی (ET) انجام شده میتواند.

# قسمت اول

## دیموکراسی های اعصار قدیم

### فصل اول

دیموکراسی های باستان

تعریف دیموکراسی

نخست اصطلاح، موضوع مورد بحث ما یعنی مردم سالاری یا «دیموکراسی» باید تعریف گردد. تعریف لغوی دیموکراسی چنین است: این اصطلاحی است مرکب و مأخوذ از لغت ترکیبی یونانی «دیموکراتیا» (*dēmokratīā* (δημοκρατία) که دیموس (*demos*) به معنی «مردم» و کراتوس *kratos* به معنی «حکومت»؛ و به معنی واقعی کلمه، دیموکراسی، یعنی حاکمیت مردم است که پسانها به عنوان حکومت اکثریت مردم تعریف شده است.

قبل از پرداختن به پیچیدگی های مفهوم «دیموکراسی» باید بحث خود را به بحث خاص تر محدود کنیم زیرا دیموکراسی برای کثله وسیع مردم صدق میکند مانند یک قبیله، یک جامعه انسانی و یا یک ملت که نشاندهنده یک شیوه یا ابزار سازمانی و یا به بیان ساده میکانیزم حاکمیت است. وگر نه با توجه به ریشه شناسی معنایی دیموکراسی ما وارد بحث جامع دیگری از دید زبانشناسی، منطق صوری<sup>[۱]</sup>، شکل گیری مفهوم یا ایده، هرمنوتیک<sup>[۲]</sup> (هنر و علم تفسیر متون)، پدیده شناسی<sup>[۳]</sup>، می شویم و مهمتر از آن حضور «حقیقت» در مفهوم دیموکراسی است. آن حقیقت چیست؟

نگران نباشید، ما وارد مباحث «ذهن چیست؟»، «دانش چیست؟»، و «واقعیت چیست» نخواهیم شد. برای جلوگیری از سردرگمی ما باید بحث خود را محدود به ساختار «قواعد توسط یک گروه» و یا وضع قوانین توسط مردم برای حکومت خود شان، در برابر قوانینی که توسط یک فرد یعنی یک پادشاه یا یک دیکتاتور وضع میشود، متمرکز سازیم. دیموکراسی سلطنتی<sup>[۴]</sup> توسط مگناکارتا<sup>[۵]</sup> (۱۵ جون ۱۲۱۵ م) در برتانيا به عنوان یکی از قدیمی ترین دیموکراسی های غربی آغاز شد. ما در باره دیموکراسی برتانيا بحث نخواهیم کرد چون که هم سلطنتی و هم موروثی است و این بحثی است خارج از محدوده این کتاب.

### اول : فلسفه سیاسی :

برای ادامه بحث در تاریخ و تکامل «دیموکراسی» منحصیث یک موضوع، ما باید نظم و ترتیب عمومی را که در آن یافت میشود بدانیم. بسیاری از دانشمندان منشاء آنرا در تولد فلسفه سیاسی دنبال می کنند.

<sup>1</sup> - formal logic

<sup>2</sup> - hermeneutics

<sup>3</sup> - phenomenology

<sup>4</sup> - monarchical democracy

<sup>5</sup> - Magna Carta

طی سالیان ۵۰۰ - ۳۰۰ قبل میلاد در شهر آتن یونان، (دیموکراسی های اعصار قدیم)، سه تن از فیلسوفان چشم به جهان گشودند و آنجا زندگی کردند. از آزمان تا حال بسیاری معتقد اند که پس از آنکه دانش کتب آنها، در قرون وسطی که رنسانس بزرگ را با خود همراه داشت، بما منتقل شد کمترین ابعاد ان بما روشن شده اند.

اولین فیلسوف سقراط (۴۷۰ - ۳۹۹ ق. م) بود که خود را "دایه" نظریات و مفاهیم می خواند. سقراط از طریق دیالوگ های خود، به ما نحوه طرح سؤالات را با استفاده از کنجکاوی و استدلال منطقی با آگاهی ذاتی انسانی (ادراک) آموخت و در های از معلومات قابل مشاهده را به عنوان یافته ها باز و آن یافته ها را بطور معقولانه به عنوان شعباتی از دانش چون تاریخ، فیزیک، میتافیزیک، هندسه، هنر، کیهان شناسی و غیره تنظیم کرد. این فیلسوفان بما آموخت که چگونه می توانیم خرد را با اندوختن علم و تجربه عملی کسب نمائیم.

افلاطون (۳۴۸ - ۴۲۸ ق. م) به عنوان مشهور ترین شاگرد سقراط، میتودلوژی دیالکتیک سقراط را در اثر سی و چهار جلدی خوی بنام «دیالوگ های افلاطون» حفظ کرد. ارسطو (۳۲۲ - ۳۸۴ ق. م) به نوبه خود به عنوان شاگرد افلاطون اساس فلسفه سیاسی را گذاشت و به قول «پیتر هال»<sup>۱</sup> «این اساس» آنقدر ممل بود که طی دو هزار سال گذشته به سختی کسی یافت نه شد تا چیزی کوچکی را بر آن اضافه سازد» ارسطو متجاوز از ۳۴ جلد اثر افلاطون را لای به لای زیر و رو، تقطیر و فلتر نمود و حاصل آن منجر به ایجاد "فلسفه سیاسی" شد. در اواخر قرن بیستم، فیزیکدان مشهور و میتافیزیکست بزرگ برتانوی «الفرد نورث وایت هد»<sup>۲</sup> اظهار داشت: "مصوون ترین شخصیت پردازی سنت فلسفی اروپائی، از یک سلسله پاورقی های افلاطون تشکیل شده است."<sup>۳</sup>

ما امیدواریم که در فصل های بعدی جوابهای مناسب به اکثریت سؤالات تان را پیرامون منشاء، تکامل و مبارزات جاری دیموکراسی ها دریابیم و ممکن است با ما در فورمولبندی دیموکراسی اپدیت<sup>۴</sup> شده تر کمک نماید. افلاطون طی سه دیالوگ خود "جمهوریت"، "قوانین" و "سیاستمدار" کوشش می کند تا چنان "دولت ایده آلی" را بسازد که بر اساس فضیلت برپا و بر عدالت استوار باشد. هر دو لغت "فضیلت" و "عدالت" به معنی "نیکی" هستند که بطور سنتی مرتبط به مصوونیت، صلح، هماهنگی و "شادی" اند. مفهوم عدالت در مورد دو فرد، در مورد اجتماع یا یک ملت صدق می کند که قرار داد اجتماعی حکمرانی در آن در درجه اول بر عدالت تکیه دارد. مفهوم عدالت از آرزومندی انسان برای کرامت و احترام برابر، انصاف، دسترسی برابر به نیازها و آرمانها سرچشمه میگیرد و باوی به عنوان یک انسان نه یک حیوان برخورد صورت گیرد. این همان چیز است که خشت و سمنت تهداب یک حکومت دیموکراتیک را تشکیل می دهد. افلاطون استدلال می کند که "عدالت نه حق برای اقویا و نه امتیاز برای قوی ترین است بلکه حق بهترین ها و امتیاز برای جامعه در کل است."

<sup>1</sup> - Peter Hall

<sup>2</sup> - Alfred North Whitehead

<sup>3</sup> - Korab-Karpowicz, W. J. *Plato: Political Philosophy*. Internet Encyclopedia of Philosophy (IEP). Anglo American University of Prague, Czech Republic: A. N. Whitehead on Plato/Core Curriculum/ [www.college.columbia.edu](http://www.college.columbia.edu)

<sup>4</sup> - updated

افلاطون می گوید که عدالت امر انحصاری برای کدام جامعه یا جناح یک جامعه بشمول احزاب سیاسی امروزی نیست بلکه عدالت به منافع عمومی جامعه در کل توجه دارد و باید به نفع هر کس باشد. افلاطون در "جمهوریت" و "قوانین" خود این نظریه را قویاً رد می کند که گویا عدالت توسط اقویا و یا افراد قدرتمند تأمین میشود، افلاطون ثابت می سازد که عدالت یک ارزش جهانی است و عدالت بنیادی است برای یک نظم سیاسی عادلانه.

افلاطون برای دیدگاه دولت آرمانی، از تیزس اصلی دیالوگ به عنوان "عدالت" استفاده کرد، که بطور سنتی به عنوان فضیلت درک میشود و با نیکی مرتبط است؛ پس بنیان هر نظم سیاسی خوب باید به عدالت استوار باشد تا به نفع همه باشد. تمام دیالوگ "جمهوریت" افلاطون برحول این محور می چرخد تا استدلال خود را در دفاع از عدالت بطور قانع کننده چنان ارائه کند که عدالت به عنوان "یک ارزش جهانی" و تهداب برای بهترین نظم سیاسی باشد. [۱] ما باید در مورد "تحلیل مفهومی" افلاطون که یک پروسه ذهنی است بیشتر تأمل کنیم، این پروسه روشن کردن منشاء اشیاست که بر بنیاد آن "اجزای متشکله" واقعی آنرا درک خواهیم کرد [۲] و ما آنرا در فصول بعدی توضیح خواهیم کرد.

## دوم : دیموکراسی ريفراندم مستقیم آتن (۴۶۰ - ۳۲۰ ق.م)

هر چند در یونان، دولت - شهر های دیگر با سیستم های تا حدودی دیموکراتیک مانند دولت - شهر های آرگوس، ایتراي، رودز و سیراکوز [۳] وجود داشتند، اما آنها نمی توانستند بهترین دیموکراسی ريفراندم را در آن عصر نمایندگی کنند. معهذا دیموکراسی آتن که یکصد و چهار سال دوام آورد شاید بهترین نوع دیموکراسی با بلندترین درجه برابری سیاسی برای شهروندان واجد شرایط مرد بوده باشد. آن دیموکراسی یونان چنان زمینه سواد آموزی ابتدائی، تحصیلات اولیه، کار و استخدام، شرایط بهتر زندگی، اخلاق مدنی و صلح را به شهروندان خود زمینه سازی کرد که حسادت سائر دولت - شهر ها را بر انگیخت. با گذشت زمان و با افزایش روجه تزاید نفوس شهری هیچ فضا یا جای عملی برای تجمع این همه هزاران شهروند و افزایش مشکلات برای نشان دادن رأی خود چه از طریق بلند کردن صدای شان، یا بلند کردن دست های شان و یا انداختن سنگچل های رنگه در سبد رأی وجود نداشت. غالباً صدای رأی دهندگان شنیده نمیشد و یا بوسیله ثبت کنندگان رأی دیده نمی شدند که رأی خود را می دادند. تداوم چنین دیموکراسی مستقیم که بیشتر به عنوان دیموکراسی ريفراندم شناخته میشود نه (دیموکراسی نماینده) عملاً غیر ممکن شد. زمانیکه هزاران هزار شهروند نمی توانستند در مکان بزرگ زیر یک سقف برای بحث و یک مناظره باهم جمع گردند پس این پروسه غیر عملی شد که عمدتاً به دلیل مشکلات لژیستیک ارتباطات بود و با گذشت زمان به دیموکراسی نماینده روم تبدیل شد.

<sup>1</sup> - Grube, G.M.A. Rev. By Reeve, C.D.C. *Plato Republic*. Hackett Pub. Co. Inc. U.S.A.1992.

<sup>2</sup> - Annas, Julia, & Waterfield, Robin.. *Plato Statesman*. Cambridge University Press.UK, New York, Australia., Spain.1995, 1997, 2000, 2005.

<sup>3</sup> - City-States of Argos, Erythrai, Rhodes and Syracuse



دولت - شهر یونانی به عنوان (پولیس/پالیس<sup>[۱]</sup>) [شهر - در یونانی - م] شناخته می‌شد که توسط کلیستنس<sup>[۲]</sup> رهبری می‌شد، کسیکه اولین دولت دیموکراتیک را در ۵۰۸ - ۵۰۷ ق. م اساس گذاشت و به عنوان "پدر دیموکراسی" آن خوانده شد<sup>[۳]</sup>. این در واقع تولد دیموکراسی "ریفراندم" بود که برای اداره موجود حکومتی، ودفاتر قضائیی آن و برای مجمع قانون گذار «ایکلیسیا»<sup>[۴]</sup> که تنها و تنها متشکل از مردان آتنی بود، شهروندان عادی را بر حسب تصادف انتخاب می‌کردند، متمایز شد.<sup>[۵]</sup>

شهروندان واجد شرایط می‌توانستند در مجمع عمومی قانونگذار صحبت کنند و رأی بدهند. ولی طبق رسوم، آنها مکلف بودند تا در کارزارهای جنگی نیز شرکت نمایند. بنابر این دولت - شهر آتن بطور مستقیم توسط شهریان واجد شرایط مجمع قانونگذار (ایکلیسیا) اداره می‌شد و (بولیا<sup>[۶]</sup>) یا شورای متشکل از ۵۰۰ تن شهریان که توسط «ایکلیسیا» انتخاب می‌شدند برای اداره امور روزانه آتن تعیین شد. بولیا در اصل از میان شورای اشراف که به پادشاهان سابق مشوره می‌دادند، شکل گرفته بود. در این دیموکراسی جدید، اعضای شورا بوسیله (قرعه<sup>[۷]</sup>) فقط برای یکسال انتخاب می‌شدند. تحت زعامت (سولون<sup>[۸]</sup>) فیصله های مهم محکمه در دربار مردم (هیلیا<sup>[۹]</sup>) شنیده می‌شد. با حذف فقیرترین طبقه، (بولیا) ۴۰۰ - ۵۰۰ عضو داشت؛ بلندترین چوکی های دولتی (ارکونز) (مجریان قانون<sup>[۱۰]</sup>) تنها برای دسته ثروتمند و پر عاید اختصاص داده شده بود. فقط ۵۰ نفر از اعضای شورای ۵۰۰ نفره به عنوان رهبران (بولیا) بنام (پریسانی<sup>[۱۱]</sup>) برای مدت یکسال انتخاب می‌شدند. هر ماه یک پریسانی جدید انتخاب می‌شد و جایگزین پریسانی اسبق می‌شد. بولیا به استثنای روزهای جشن و روزهای بدشگون، همه روزه جلسه دائر می‌کرد. ارسطو می‌گوید: در پهلوی سائر اصلاحات، کلیستن سوگند بلوتیک<sup>[۱۲]</sup> را هم معرفی کرد که برای اعضای جدید شورا پس از گذراندن مؤفانۀ (داکومینزیا<sup>[۱۳]</sup>) (بررسی) ملزم شد. ۹ تن رئیس (پرودروی<sup>[۱۴]</sup>) به قید قرعه انتخاب می‌شد و فقط یکبار لقب را به دست می‌آورد، صورت جلسات را نظم می‌بخشید و رأی ها را ارزیابی می‌کرد. مجمع مردم (اکلیسیا) این قدرت را داشت تا هر شهروندی را از آتن با رأی مخفی که برای مردم (پولیس/پالیس) یا بسیار نیرومند یا خطرناک شده بود طرد کند؛ اعضای ایکلیسیا متشکل از مردان ۱۸ ساله یا بالاتر از آن بودند که از آزادی بیان، و رأی

1 - polis

2 - Cleisthenes

3 - Boardman, John (1988). The Cambridge Ancient History, Vol 4. Cambridge University Press. ISBN 9780521228046

4 - Ekklesia

5 - Beck, H, A Companion to Ancient Greek Government, John Wiley & Sons, 2013

6 - Boule (bolai)

۷ - Sortition : تقسیم با قرعه : یکی از روش های حکومت است که در آن مقامات سیاسی از طریق نمونه گیری تصادفی از میان مجموعه ای بزرگی از نامزدها انتخاب می‌شوند. منطق نهفته در این پروسه از این دیدگاه منشاء می‌گیرد که "قدرت فساد آور است." به همین دلیل آتنی های باستان، هنگام انتخاب افراد برای گرفتن قدرت سیاسی، بجای انتخابات از روش نمونه گیری تصادفی از میان جمعیت استفاده می‌کردند. بنابراین در دیموکراسی آتن باستان، تقسیم با قرعه روش سنتی و اصلی برای انتصابات سیاسی بود و استفاده از آن به عنوان یکی از خصوصیات اصلی یک دیموکراسی واقعی در نظر گرفته می‌شد. امروزه sortition معمولاً برای انتخاب اعضای هیئت منصفه در سیستم های حقوقی مبتنی بر کامن لا استفاده می‌شود. -

۸ - 'Solon' سولون : ۶۳۰ - ۵۳۰ ق. م. دولتمرد، قانونگذار، عضو هیئت مقننه و شاعر یونان بود. - م

9 - Heliæa

10 - Archons (magistrates)

11 - prytany

12 - Bouleutic Oath

13 - dokimasia (investigation).

14 - Proedroi

برخوردارند بودند اما قضات یا اعضای هیأت مجریه قانون و هیئت منصفه باید بیش از ۳۰ سال می داشتند. متأسفانه زنان، بردگان، و ساکنان خارجی کاملاً از روند سیاسی حذف شده بودند.<sup>[۱]</sup>،<sup>[۲]</sup>

در نیمه اول قرن ۴۰۰ ق.م. گزنفون که خود یکی از نخبه گان آتن بود عمدتاً برای مخاطبان قشر نخبه گان در باب آموزش شهروندی نخبه گان می نوشت. گزنفون طبقه ممتاز یا نخبه خود را صدا میزد تا "تصورات برتری پسندانه خود را بر اساس تولد یا ثروت کنار بگذارند و خود را به عنوان افرادی که می توانند رهبریت مؤثری در این زمینه داشته باشند باز آفرینی نمایند، افرادی که توانایی رهبریت مؤثر به شهر دیموکراتیک داشته و در خدمت شهروندان آن باشند. گزنفون اشرافی غول آسا یا خیلی سترگ نبود که در محیط دیموکراتیک جا نه داشته باشد... اما یک متفکر و اصلاح طلب پراگماتیک یا عملگرا بود که در صدد دادن اطمینان به اعضای شایسته نخبگان بود تا قدم بردارند و در چهارچوب دیموکراسی رهبری را به عهده بگیرند" گفتار از متیو. ر. کریس. <sup>[۱]</sup>،<sup>[۲]</sup>،<sup>[۳]</sup>،<sup>[۴]</sup>،<sup>[۵]</sup>،<sup>[۶]</sup>،<sup>[۷]</sup>،<sup>[۸]</sup>،<sup>[۹]</sup>

نقاشی قرن نهم بوسیله فیلیپ فولتز که پریکلس سیاستمدار آتنی را در حال سخنرانی مشهور در مراسم تشیع جنازه سربازان جنگ در مقابل مجمع مردم به تصویر می کشد

<sup>1</sup> - Sommerstein, Alan. Oath and State in Ancient Greece. Walter de Gruyter. ISBN 9783110285383, 2012.

<sup>2</sup> - Aristotle. Constitution of the Athenians. 22.2 During, Ingemar, Aristotle in the Ancient Biographical Tradition, Goteborg, 1957.

<sup>3</sup> -Christ, Matthew R. Xenophon and the Athenian Democracy: The Education of an Elite Citizenry. Cambridge University Press, 2020.

<sup>4</sup> -Ferguson J, et al. Political and Social Life in the Great Age of Athens. Ward Lock Education Co Ltd. 1979.

<sup>5</sup> -Thucydides. The Landmark Thucydides. Free Press, 1998.

<sup>6</sup> -Herodotus. The Landmark Herodotus. Anchor Books, 2009

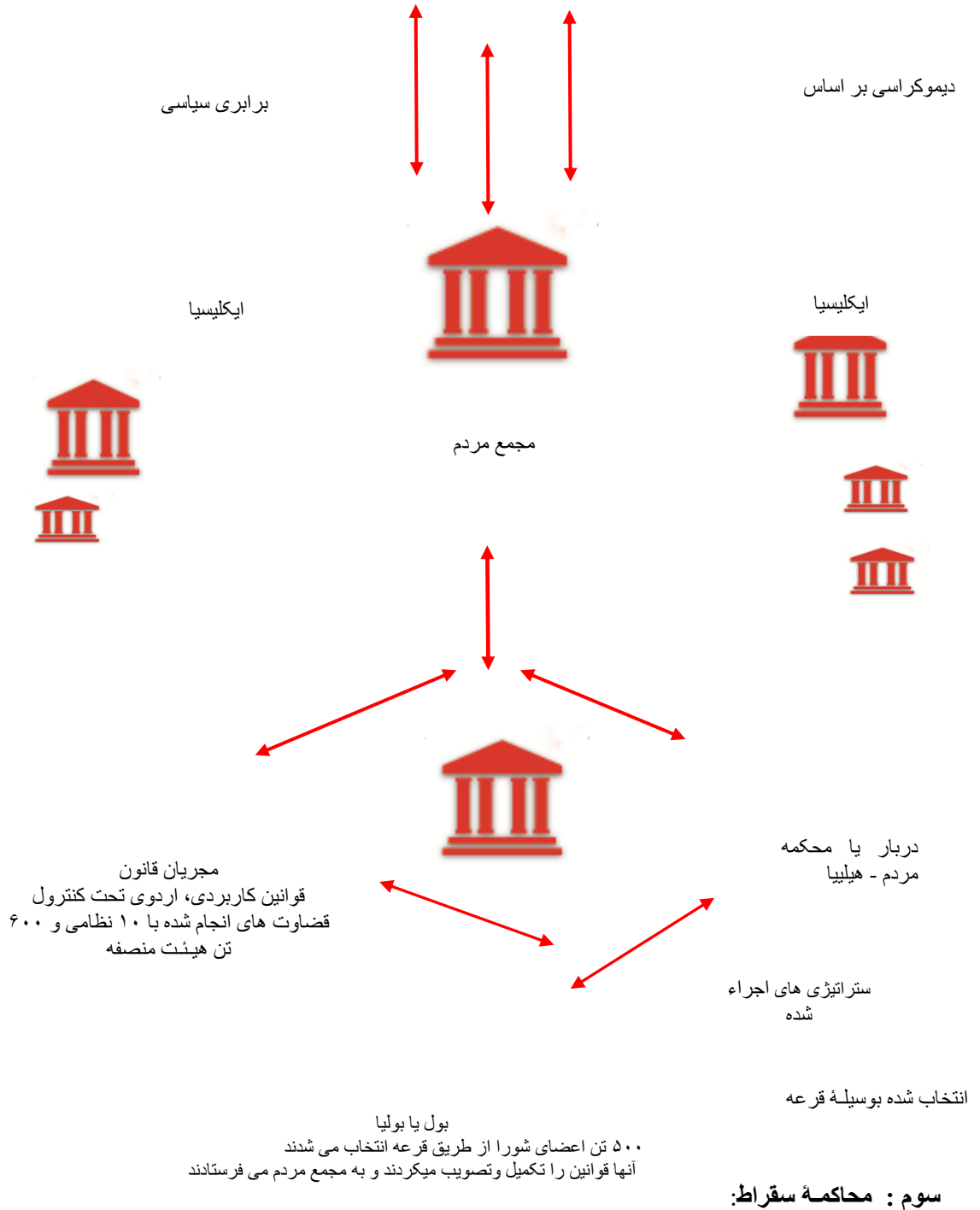
<sup>7</sup> -Nichols T, et al. The Oxford Handbook of Hellenic Studies. Oxford University Press, 2009

<sup>8</sup> -Kizil, A, et al. A Companion to the Classical Greek World. Wiley-Blackwell, 2010.

<sup>9</sup> -Hornblower, S. The Oxford Classical Dictionary. Oxford University Press, 2012.



## کل شهروندان دولت – شهر آتن



افلاطون شاگرد سقراط (۴۶۹ - ۳۹۹ ق. م)، سقراط را «عقل‌ترین و عادل‌ترین انسان، در بین تمام انسان‌ها» میدانست. سقراط در سال ۳۹۹ ق. م توسط مجمع ۵۰۰ نفری شهروندان «بول» محاکمه شد و به اساس دو اتهام نقض قانون، مجرم شناخته شد. یکی بی‌تقوایی (اسیبیا<sup>[۱]</sup>) در برابر خدایان یونانی، «معرفی خدایان جدید»، و دوم «فاسد ساختن جوانان» آتن از طریق طرح پرسش‌های سیاسی - فلسفی از شاگردانش، بر فرض ضعیف ساختن اقتدار دولتی بود! سقراط به علت دو اتهام یاد شده محکوم بمرگ شد تا با نوشیدن زهر شوکران اعدام گردد. گزارش‌های محاکمه و اعدام سقراط، توسط افلاطون در چهار دیالوگ نوشته شده است: *عذر خواهی*، *یوتیپرو*، *فایدو* و *کریتو*<sup>[۲]</sup>. یکی دیگر از شاگردان او، *گزنفون آنتی* نیز *عذر خواهی سقراط* را برای هیئت قضایی نوشت. [۳]، [۴]

شایان ذکر است که قضاتی که سقراط را محاکمه کردند عبارت بودند از: ملتوس<sup>[۵]</sup> (متعصب مذهبی)، انیتوس<sup>[۶]</sup> (جنرال سابق که نقش مهمی در بهم اندازی ۳۰ تن دیموکرات مستبد داشت) و لیکون<sup>[۷]</sup> (خطیب بلند پرواز). پاسخ سقراط به این دو اتهام، متضاد و تحقیر آمیز بود. او احترام زیادی برای آنتی‌ها قائل نبود که معتقد بودند دیموکراسی آنها بر اساس «فضیلت» است ولی آنها معنی واقعی آنرا نمی‌دانستند!

جالب است که در یک کمیدی تئاتری بنام «ابرها» نوشته اریستوفان<sup>[۸]</sup> (۴۲۳ ق. م)، سقراط به عنوان یک فیلسوف سوفسطایی، سوفسطایی‌ها به عنوان افرادی با شهرت بلند پروازانه، تا حدودی شبیه شکاکان مدرن، به تصویر کشیده شد. تفسیرهای متعددی از محاکمه سقراط توسط فیلسوفان، هنرمندان و مؤرخان صورت گرفته است، و جالبتر اینکه علاقمندی نوشته‌های معاصر در باره *عضل سقراط* در دیموکراسی افزایش یافته است. در سال (۱۹۸۸ م) محاکمه سقراط توسط آی. اف. ستون<sup>[۹]</sup> نوشته شد؛ نامبرده معتقد است که این فیلسوف بخاطری میخواست اعدام شود تا مخالفت فلسفی خود را به قضاوت‌های دیموکراسی آنتی از طریق توده‌ها، از طریق عوام الناس توجیه کند! نمایشنامه اندرو ایروین<sup>[۱۰]</sup> (۲۰۰۹) در باب محاکمه سقراط وفاداری سقراط را به مردم سالاری مستقیم خیلی عمیق به نمایش میگذارد، این نمایشنامه پذیرش گناه سقراط را بخاطر حفظ صلح و حفظ دیموکراسی آتن به تصویر می‌کشد. دیموکراسی آتن برای مدت هشت ماه (۴۰۴ - ۴۰۳ ق. م) تحت فشار پاشنه‌های الیگارشی بیرحمانه‌سی زورگو قرار گرفته بود، این سی‌تن با دولت - شهر رقیب سپارت همدست شده بود تا قوانین دیموکراتیک شهر آتن را با قوانین الیگارشی (قدرت در دست یک‌عده اقلیت - ژ) بازنگری کنند، در واقع مشابه با قوانین

<sup>۱</sup> - asebeia : در یونان باستان اتهامات هتک حرمت و تمسخر به اجسام مقدس، بی‌احترامی به خدایان دولتی و بی‌احترامی به والدین و اجداد مرده همه جرم محسوب میشدند- م

<sup>۲</sup> - Apology, Euthyphro, Phaedo and Crito

<sup>۳</sup> - Suzanne, Bernard, *Plato and his dialogues*. Home - Biography, History of interpretation - New hypothesis

<sup>۴</sup> - Ziolkowski, John. *Plato's Similes: A Compendium of 500 Similes in 35 Dialogues*. plato.chs.harvard.edu

<sup>۵</sup> - Meletus

<sup>۶</sup> - Anytus

<sup>۷</sup> - Lycon

<sup>۸</sup> - Aristophanes

<sup>۹</sup> - I.F. Stone

<sup>۱۰</sup> - Andrew Irvine

دولت - شهر سپارت، حال آنکه قوانین دولت مردم آتن بروی دیوار ستوا باسیلیوس<sup>۱</sup>] حک شده بود و تاهنوز در سرتاسر اکروپولیس<sup>۲</sup>] چون شعاع آفتاب می درخشید.

در شرایط پرآشفته نگران کننده امروزی در میان دیموکراسی ها، راه ساده تری برای بیان آن وجود ندارد جز آنچه که ابراهام لینکلن در سخنرانی خود در گنیسبرگ به تاریخ ۱۹ نوامبر سال ۱۸۶۳م در مورد دیموکراسی مردم به عنوان " حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم" گفته بود. حال آنکه اکنون دیموکراسی نماینده، تقریباً به الیگارشسی «حکومت یک گروپ» تبدیل شده است که نماینده به اصطلاح "جمهوریت مردم" می باشند. از نظر اکثریت متخصصین، دیموکراسی امریکا ترکیبی است از دیموکراسی ریفراندم مستقیم و دیموکراسی نماینده - به عنوان دیموکراسی جمهوری خواهانه است.

### چهارم : اهمیت محاکمه سقراط

فیلسوف عالیمقام، افلاطون بیش از سی و چهار دیالوگ نوشت<sup>۳</sup>. چهار گفتگوی افلاطون ما را با تأکید بر محاکمه سقراط و مرگ او فرا می خواند تا در مورد آن رویداد مهم فکر کنیم. افلاطون به نحوی بیان می کند که هر خواننده باید آنرا برای خودش تفسیر کند که چرا سقراط حکم اعدام را پذیرفت، حال آنکه آن دو اتهام را خودش رد کرده بود؟ سقراط خودش با جمله آغازین خود به عنوان یک فیلسوف ما را متحیر می سازد : " می دانم که نمی دانم" و نادانی خود را همراه با بی گناهی خود در برابر دو اتهام اعلان می کند، اولی "بی تقوایی یا کفر" از طریق معرفی خدایان جدید که دولت شهر آتن را به چلنج کشانید و دومی " فاسد ساختن اذهان جوانان آتن" از طریق آموزش آنها برای زیر سؤال بردن اقتدار دولت آتن! اجازه دهید تفسیر و برداشت خود را برای شما توضیح دهم، چرا سقراط این خردمند ترین و دانا ترین مرد زمان خود سؤال گناه خود را رد کرد ولی مجازات اعدام را رد نه کرد؟ همچنان چرا سقراط، تبعیدی را که طی یکماه پس از صدور حکم به او پیشنهاد شده بود نه پذیرفت بلکه منتظر مرگ خود ماند؟ ما فکر نمی کنیم که این فیلسوف بزرگ هفتاد ساله گویا بخاطر نا امیدی و افسردگی از دیموکراسی آتن راه آسان نوشیدن زهر شوکران را انتخاب کرده باشد! نه! سقراط مطمئناً که ترسو و جبون نبود. سقراط بالاتر از همه یک معلم بود. افلاطون او را دایه افکار جدید خواند و مفاهیم آن فضایی را روشن کرد که او خود را به عنوان عبرت جاویدان، برای یک هدف بالاتر با میل و رغبت قربانی کرد! سقراط می خواست به ما بیاموزاند که در کنار همه نیاز های مادی بشر، بُعد دیگری نیز وجود دارد، بُعد معنوی عزت، شرافت، صداقت، وفاداری، اطاعت از قوانین اخلاق و مهمتر از همه، تسلیم شدن کامل سقراط به حقیقت منحصر به فرد. هر آتنی می دانست که برخی از شاگردان او رواقیون، برخی دیگر سوفسطائیون و بدبینان بودند که آتنی ها آنها را خوش نداشتند. بدتر از همه تعداد کمی از آنها به الیگارشسی مستبد سی زورگو تعلق داشتند و توسط همین افراد "مجلس مردم" برانداخته شدند که او را تحت محاکمه قرار داده بودند. این مجمع شهروندان به تازگی از دوران حکومت استبدادی سی مستبد بیرون شده بود که در سالهای ۴۰۳ - ۴۰۲ ق.م به مدت هشت ماه ادامه داشت. معهذاً شهریان آتن به خوبی می دانستند که سقراط یک هم شهری وفادار بود که در گذشته در چندین جنگ

1 - Stoa Basileios

2 - Acropolis

3 - Fine, Gale, ed. Oxford Handbook of Plato, Chapter 3 "The Platonic Corpus" p63-87 (OUP) 2008.

پلوپونی<sup>[۱]</sup> برای آتن شجاعانه جنگیده بود. هر چند وی از طبقه اشراف نبود ولی تقریباً همه در آتن به او به عنوان یک فیلسوف بزرگ و یک معلم احترام می گذاشتند. برخی از اعضای «بول ۵۰۱ نفری» از اعضای هیئت منصفه، پدران شاگردان وی بودند که ممکن است از او کینه در دل داشتند! طبق «معذرت خواهی» نوشته افلاطون، سقراط بدون تردید به تعهد الهی ایمان داشت که به مأموریت تداوم فلسفه و آموزش به هر قیمتی بود ادامه داد. لازم به ذکر است که سقراط با اکثریت ۲۸۰ رأی در مقابل ۲۲۱ محکوم شد. افلاطون بعداً اظهار تأسف میکرد که چرا او تنها به ۳۰ رأی بیشتر که از نظر قانونی برای کسب یک بر پنجم اعضای مجمع لازم بود، نجات نیامد؟

سقراط و افلاطون هر دو تصور و برداشتی از الهی مثل همیشه خیرخواهانه، صادق، مقتدر و عالمانه داشتند. سقراط به اولوهیتی ایمان داشت که همیشه براساس عقلانیت عمل میکرد. اعضای هیئت منصفه نه تنها سقراط را به دلیلی به چلنج کشیدن خدایان سنتی شهر محکوم کرد بلکه بیعت ظاهری وی را با موجود کاملاً بدیع رب النوع (دایمون<sup>[۲]</sup>) که برای هر کسی دیگری در یونان ناآشنا بود، محکوم کردند. اصرار سقراط مبنی بر دسترسی مستقیم او به رب النوع باعث شد که او در برابر جمعی که او را محکوم به اعدام کرده بود مجرم تر از قبل شناخته شود. من معتقدم که این متفکر بزرگ هر جنبه ای از وضعیت انسانی خود را با هر یک از پیامد های آن سنجیده بود. وی بخوبی میدانست که دیموکراسی مستقیم (دیموکراسی ریفراندوم) برای مردم آتن به خوبی کار کرده است، اما اکنون تحت تهدید «سپارتای» خودکامه قرار گرفته است که اخیراً دولت – شهر آتن را شکست داده بود. از آنجا که دیموکراسی آتن پس از سرنگونی سی مستبد و خودکامه خیلی متزلزل باقی ماند، می توانست هشت ماه قبل به راحتی بیک حکومت خود کامه و مستبد باز گردد. سقراط قدرت نمادگرایی قهرمانانه و اخلاق و آسیب شناسی آتنی ها را به خوبی می دانست. دیموکراسی آتن به شدت به زمان کافی نیاز داشت تا استحکام یابد. برای تحکیم پایه های دیموکراسی مستقیم آتن به «یک بره قربانی» نیاز بود. بنابر این سقراط شجاعانه و با افتخار جام زهر شوکران را برای به سلامت ماندن حقیقت دیموکراسی و تداوم آن بر روی زمین، بلند کرد. وی حیات خود را برای ماندگاری اصول دیموکراتیک قربانی کرد چونکه خود را ناجی دیموکراسی آتن می دید. دقایقی بعد او آخرین نفس خود را برای بالاترین هدف غیر قابل انکار بشریت، زندگی، آزادی و شادی بشریت بیرون داد! جاویدانگی سقراط و افلاطون هیچ اندازه ای در پهنه زمان ندارد، آنها تا زمانی که ذهنهای متفکر و قلبهای با احساس وجود داشته باشند زنده خواهند ماند! به قول جدی ترین شاگرد سقراط، آنتیستنس<sup>۳</sup>، سقراط به این باور بود که فضیلت برای خوشحال کردن ما کافیسست، خردمندان خود کفا استند، تنها فضیلت ها اند که نجابت دارند، چیز های خوب از نظر اخلاقی خوب استند و چیز های «بد پایه» و «بد اساس» پائین تر از

1 - Peloponnesian

2 - daimon

3 - Antisthenes

کرامت انسانی اند. اپیکتتوس<sup>[۱]</sup>، رواقی رومی که سقراط را تحسین میکرد باری گفته بود: " هر چند سقراط نیستید ولی به عنوان یکی از آرزوهای تان که سقراط شوید زندگی کنید." <sup>[۲]</sup>، <sup>[۳]</sup>، <sup>[۴]</sup>، <sup>[۵]</sup>، <sup>[۶]</sup>، <sup>[۷]</sup>، <sup>[۸]</sup>

امید روح کسی را که در تقدس و عدالت زیست می کند گرمی میدارد  
 وپرستار عصر خود است  
 و همراه سفر او  
 امید قویتر از آن امیدی است که بتواند روح نا آرام انسان را تحت تأثیر قرار دهد  
 شاعر یونانی: پیندر: ۶۰۰ ق.م



<sup>1</sup> - Epictetus  
<sup>2</sup> -(Enchiridion 50)  
<sup>3</sup> -Socrates (469-399 B.C.E.),Internet Encyclopedia of Philosophy: rep.utm.edu (University of Tennessee at Martin).  
<sup>4</sup> -Schofield, M. *Plato* (427-3470 BC). *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*. ISBN 9780415250696. Retrieved 2008. 2016.  
<sup>5</sup> -Guthrie, W.K.C. *A history of Greek Philosophy: Vol 4, Plato: The Man and His Dialogues*; Cambridge University Press. 1986.  
<sup>6</sup> -Jovett, Benjamin. *The Trial and Death of Socrates*, Bibliotech Press. 2008.  
<sup>7</sup> -Grube, GMA, Reeve CDC, *Revised. Plato Republic*. Hackett Publishing Company, Inc. 1992.  
<sup>8</sup> -Jovett, Benjamin. *Plato: Complete Works by Plato*. Translation. Las Vegas. Made in USA. 2021.



نقاشی از ژاک لویی دیوید در سال ۱۷۸۷م؛ متوسط: روغن بر پارچه نقاشی در موزیم میتروپولی / بینگ/ سفراط جام زهر شوکران را بر میبارد. از راست به چپ: اچکراتیس، کریتو دستش روی زانوی سقراط، زندانبان جام زهر به سقراط می‌دهد، افلاطون در حالت نشسته در انتهای تخت، ماتم برپا کرده، اپلودوروس، فیدو و امثالهم در سر تخت

## پنجم: جمهوریت روم – دیموکراسی نماینده - غیر مستقیم

قدمات دولت – شهر «سلطنت» روم از ۷۵۳ تا به ۵۰۹ ق.م بر می‌گردد. داستان روم در واقع با افسانه رموس و رومولوس<sup>[۱]</sup> در ازمنه های خیلی سابق آغاز میشود، رموس و رومولوس دو تن دوگانگی های اند که توسط گرگ برای شان شیر داده شده و یک چوپان آنان را بزرگ کرده اند. شایان ذکر است که تواریخ مردم ایام باستان غالباً در لایه های اساطیر پیچیده شده که ممکن است بعضی نشانه های قابل تشخیصی را در مافی الضمیر جمعی شان از خود بجا گذاشته باشند. ریموس از روی حسادت برادرش رومولوس را کشت. برخی می‌گویند به همین دلیل است که تاریخ امپراتوری روم با خون و خونریزی شکل گرفته است! به دنبال شش پادشاه اول که فرومانروایان نسبتاً خیرخواهی بودند، پادشاه ظالم و مستبد لوسیوس تارکوینیوس سپریس<sup>[۲]</sup> (مغرور)، پس از حکمرانی بیست و پنج ساله اش توسط یک قیام مردمی سرنگون شد و جمهوری روم در سال ۵۰۹ ق.م تأسیس شد. رومیان پس از ۲۴۴ سال دیگر پادشاه نمی‌خواستند، بنابراین اینها دولت خود را به عنوان جمهوریت (ریپبلیک) (رس – پوبلیکا<sup>[۳]</sup>) یعنی دولت روابط اجتماعی به عنوان ملکیت مردم یا دولت مردم انتخاب کردند. این در اوایل زمانی آغاز شد که یک گروه ۱۰۰ نفری برای مشوره پادشاهان روم ایجاد شده بود. پسانها این گروه مشورتی به ۳۰۰ نفر افزایش یافت. پس از فتح یونان، تأثیرات فرهنگی آتن بصورت واضح و قاطع نه تنها در حکومت، بلکه در هنر ها و خدایان پانتئون<sup>[۴]</sup> روم نیز مشهود بود. جالب است وقتی پادشاهان از روم اخراج شدند و جمهوری شکل گرفت، اختیارات حکمرانی از دست سنای روم خارج شد و به دست یک ارگان مشورتی تحویل داده شد درست مانند یک ارگان مشورتی قدرت که دو تن از مقامات هیئت اجرایی را انتخاب میکردند و بنام *انجمن ها یا شوراهای* یاد میشدند. جمهوری روم اولین دولتی بود که به مردم اجازه میداد تا مقامات اجرایی خود را انتخاب کنند. این یک دولت پیچیده با قانون اساسی، قوانین دقیق و مشرح و مقامات منتخب مانند سناتورها بود. این در واقع بعد از ریفراندم، دیموکراسی مستقیم دولت – شهر آتن، اولین نماینده دیموکراسی نماینده، دیموکراسی غیر مستقیم در قاره اروپا بود. جمهوری روم به مدت ۴۲۸ سال (۵۰۹ – ۲۷ ق.م) دوام کرد و بتدریج بیک امپراتوری بزرگ تبدیل شد که تحت کنترل مستبدان بلند پرواز قرار گرفت. جولیس سیزار<sup>[۵]</sup> به تنهایی مبدل به اولین قنصل امپراتوری شد. سیزار توسط گروهی از سناتورها به قتل رسید، بجایش کسی که سیزار او را هم برادر زاده خود خوانده

1 - Remus and Romulus

2 - Lucius Tarquinius Superbus

3 - Republic (*Res - publica*)

4 - Pantheon

5 - Councils

6 - Julius Caesar

بود و هم فرزند خوانده اش بود، اوکتاویوس<sup>[۱]</sup> اولین پادشاه<sup>[۲]</sup> موروئی شد (۶۳ ق.م. - ۱۹ م.) اوکتاویوس (عصر پکس رومانا<sup>[۳]</sup>) را صادر کرد. با خود کشی مارک انتونی در سال ۳۰ میلادی، مرگ بروتوس<sup>[۴]</sup> و خود کشی نیرو<sup>[۵]</sup> در سال ۶۶ میلادی و با دوام جنگهای داخلی از ماه جون سال ۶۸ میلادی تا دسمبر سال ۶۹ میلادی بود که امپراتوران گالبا، اوتیو او ویتلیوس<sup>[۶]</sup> یکی پس از دیگر به عنوان آخرین امپراتوران رومی سقوط کردند. بنیاد امپراتوریهای روم در حالی فروریخت که جمهوری روم دیگر در سال ۲۷ قبل از میلاد به پایان رسیده بود ولی امپراتوری روم به عنوان امپراتوری روم غربی تا ۴۷۶ بعد از میلاد نیز دوام آورد. کرسی امپراتور بمانند تخت سلطنتی میراثی نبود، جمهوریت روم تبدیل بیک امپراتوری شد و کرسی شورا یا قنسل واحد (قیصر) مبدل به تاج و تخت امپراتور میراثی به برادرزاده اش اکتیویوس شد!

## الف : قانون اساسی روم :

قانون اساسی جمهوری روم در طول ۲۴۴ سال رشد و تکامل یافت. این قانون شامل برخی از آداب و رسوم سلطنتی روم و برخی از ضوابط یا قواعد اصلاح نشده بود که قبل از سال ۵۰۹ ق. م قوانین کتبی سلطنت های رومی بودند. قانون اساسی روم در سرتاسر تاریخ خویش دچار تغییراتی شده است، این تغییرات ناشی از تضاد منافع میان اریستوکراسی یا اشرافیت و پللیها<sup>[۷]</sup> به عنوان شهروندان عادی رومی به میان آمده است.

## ب : قانون دوازده لوحه<sup>[۸]</sup>

این قوانین حقوق ووظایف شهروندان دولت - شهر روم را بیان میکرد. تغییرات مکرر در قوانین ناشی از تضاد منافع سناتوران که نمایندگی از طبقه ثروتمند میکرد و شهروندان عادی یعنی طبقه پائین یا دهاقین خورد به میان می آمد. آداب ، رسوم و عنعنات قدیمی رومیان همه در این مجموعه دائمی از قوانین ادغام شدند. این قوانین در دیوار های (فورم رومانا<sup>[۹]</sup>) - میدان شهر روم) نمایش داده شد. جالب آن است که این قوانین تا کنون بنام " قانون کامن لا" در پوهنخی های حقوق در اکناف جهان تدریس می شوند.

## ج : عناصر نماینده دیموکراسی (غیر مستقیم) جمهوری روم عبارت بودند از :

<sup>1</sup> - Octavius

<sup>۲</sup> - Principate مأخوذ از لاتین پرنسیپس princeps به معنی رئیس یا فرد اول. درست از سال ۲۷ ق. م. به بعد از زمان آگوستوس بود که این نام بعضاً در دوران امپراتوری اول روم کار برد داشت. - م

<sup>۳</sup> Pax Romana : یا age of Pax Romana به معنی " صلح رومی" پکس رومانا پس از آگوستوس شروع شد ، سپس اوکتاویوس ، مارک انتونی را ملاقات و او را در جنگ اکتیم در سال ۳۱ ق.م شکست داد. آگوستوس یک حکومت نظامی از بزرگترین بزرگان نظامی را ایجاد کرد و اقتدار اصلی را به خود اختصاص داد. او با پیوند دادن این بزرگان ، بیک عنوان واحد ، چشم انداز جنگ داخلی را حذف کرد. - م

<sup>4</sup> - Brutus

<sup>5</sup> - Nero

<sup>6</sup> - Galba, Otho, and Vitellius

<sup>7</sup> - plebeians

<sup>8</sup> - Duodecimo Tabulae

<sup>9</sup> - Forum Romana

۱) مجمع (Comitia Plebis): نمایندهٔ مجموع مردم بشمول طبقهٔ پائین یا خرده دهاقین (Plebeians-plebs)

۲) مجمع (Comitia Curiata): فقط نماینده طبقهٔ ثروتمند (Patricians)

۳) (Comitia Plebis) + (Comitia Curiata) = Plebian Tribune (تربییون طبقهٔ پائین را می ساخت).

مجامع یاد شدهٔ فوق، قدرت رد قوانین، اجرای عدالت، اعلان جنگ و یا صلح و قدرت انتخاب قضات را داشت.

۴) شوراها: Councils: از میان اعضای سنا دو شورا انتخاب می شد که هر دو شورا به عنوان سران دولت قدرت مساوی داشتند.

۲) سنا: آنها دو شورا را از اعضای سنا انتخاب میکردند و به قضات مشورت می دادند و در انتخاب شان بدون داشتن صلاحیت قانونی تأثیر گذار بودند. [۱]، [۲]

۳) قضات: Magistrates: مردم آنها را انتخاب میکردند تا صلاحیت ها و اختیارات قضایی، مذهبی و نظامی را عملی نمایند. همچنان آنها صلاحیت دعوت مجامع و ریاست آنها را داشتند. [۳]

۴) تربییون مردم عادی: Plebeian Tribune:

در نتیجهٔ اعمال فشار توسط شهروندان عادی طبقهٔ پائین (plebeians) بود که یک مجمع مقتدر با داشتن حق ویتو ایجاد شد که می توانست هر نوع اقدام سیاسی را رد ویا فردی را از بی عدالتی نجات دهند.

پسانها دوازده لوحه، (Leges Duodecim Tabularum)، یک کد قانونی برای همهٔ روم با بیان حقوق ووظایف رومی وضع و نشر شد که به جمهوری روم هدایت می داد؛ این کد در واقع تا حال در اروپا در پوهنخی های حقوق تدریس میشود.

[۱]، [۲]، [۳]، [۴]، [۵]، [۶]، [۷]، [۸]

## Graphics of Roman Government

<sup>1</sup> - Strauman, B. 'Constitutional thought in late Roman republic'. History of Political Thought. 32:281. ISSN 0143-781. 2011.

<sup>2</sup> - Lintott, A. The Constitution of Roman Republic. Oxford: Oxford University Press. ISBN0-19-926108-3, 2003.

<sup>3</sup> - Abbot, F.F. A History and Description of Roman Political Institutions (3 ed.) New York: Noble Offset Printers Inc., 1963.

<sup>4</sup> - Abbott. Ditto. p 155.

<sup>5</sup> - Beard, Mary. SPQR: a history of ancient Rome. New York: Liveright Publishing, 2015. ISBN978-0-87140-423-7.

<sup>6</sup> - Jolowicz, H.F. Historical Introduction to the Study of Roman Law. Cambridge University Press. 1952.

<sup>7</sup> - Crawford, M.H. 'Twelve Tables' In Hornblower, S., Spawforth, A., Eddinow, E. (Eds.). Oxford Classical Dictionary (4th ed.)

<sup>8</sup> - Steinberg, S. 'The Twelve Tables and Their Origins: An Eighteenth-Century Debate' *Journal of the History of Ideas*: Vol. 43, pp. 379-396, 381, 1982.

# Graphic to be redone ROMAN REPUBLIC'S REPRESENTATIVE DEMOCRACY

Page 28



همین جا یا در همین نقطه (کریا پومپیانا Curia Pompeiana) زیر مجسمه پومپئی (Pompey) است، پومپئی جنرالی است که سعی کرد رئیس اتوکراتیک یا خودکامه جمهوری روم شود. جولیس سیزار بعد از به دست آوردن لقب دیکتاتور روم، عهد سپرد که با مصارف گزاف روم امپراتوری پارتی [Parthian Empire] یا امپراتوری اشکانی را در شرق فتح خواهد کرد، بسیاری سناتوران به این معتقد بودند که یگانه راه برقراری رسوم جمهوری و استقرار حاکمیت قانون، کشتن قیصر است.

توفانهای تاریخ همواره تکرار میشوند

همانگونه که سر های مستبدان

به پای پومپئی به زمین می ریزند

بشیر احمد زکریا

ششم : دیموکراسی ريفراندم تاریخی «دیموکراسی مستقیم» در برابر دیموکراسیهای نماینده

معایب دیموکراسی نماینده		معایب دیموکراسی ريفراندم	
دیموکراسی نماینده		دیموکراسی ريفراندم	
۱	نفوس زیاد و سازمان بزرگ	۱	نفوس کم و سازمان کوچک
۲	مسئولیت به سلسله مقامات موکول میشود	۲	مردم مسئولیت رأی شانرا ندارند
۳	مقامات با اکثریت آرای گروپ بخاطر منافع شان نه بر اساس شایستگی و لیاقت انتخاب میشوند	۳	مقامات بطور تصادفی از طریق قرعه یا رأی انتخاب میشوند نه بر اساس شایستگی و لیاقت
۴	مقامات برای مدت طولانی انتخاب میشوند، ۲ - ۴ سال یا تا ختم عمر؛ انکشاف تخصص و خیلی قدرتمند اند	۴	مقامات برای مدت کوتاه ۱ تا ۲ سال بدون انکشاف تخصص و بدون قدرت خدمت می کنند
۵	احزاب سیاسی به عنوان مراکز قدرت تشکیل میشوند؛ طبقه ثروتمند و محروم	۵	هیچ حزب و مرکز سیاسی قدرت وجود ندارد تنها ثروتمند در برابر غریب
۶	ملت ها و امپراتوریا با میلیونها نفر تقسیم کار و هیئت ذیصلاح، افزایش نقص بیروکراتیک - غیر مؤثر - یا ناکار آبی	۶	بیشتر شدن نفوس یعنی " مجتمه مردم" زیر یک سقف، که قادر به بحث و گفتگو و ارتباط از طریق صدا نیستند و یا همدیگر را نمی شنوند یا دست را بلند کرده نمی توانند یا مشکل در انداختن سنگچل های رأی در اثر کثرت نفوس زیر یک سقف دارند - ایجاب اقدامات مؤثر را میگرد
۷	دیموکراسی نماینده برتری در تحصیلات و تخصص دارد که کشور غیر صنعتی ندارد	۷	دیموکراسی مستقیم مستلزم سواد یا حد اقل تحصیل است
۸	دیموکراسی نماینده مناسب و در خور دنیای جهانی شده است ولی معایب آن می تواند به بهتر شدن وسایل ارتباطات بهبود یابد	۸	در دنیای که از لحاظ اقتصادی و فرهنگ جهانی شده است دیموکراسی مستقیم ناممکن است

## فصل دوم

### سائر دیموکراسیهای عصر باستان

به قول انتروپولوژیست ها یا بشرشناسان، "مجتمعات سیاسی" یا "حکومت بر اساس مجمع" یا "حکومت بوسیله شورا" از واحد های خانواده، قبائل در قریه جات تکامل یافته و ممکن است آغاز آن به عصر حجر [۱] برگردد. شورا های روستا ها دارای پیوند های خانوادگی بودند و تصمیماتی مانند جنگ و صلح، مهاجرت و قضاوت بالای جنایات تنها توسط گروههای ۳۰ نفری یا بیشتر از بزرگسالان مرد گرفته میشد. با ظهور شهرهای بزرگ که نفوس بیشتر را احتوا میکرد سائر انواع حکومت مانند سلطنت، یا الیگارشسی تحت سلطه پادشاه یا امپراتور یا اریستوکراسی (حکومت اشراف، مالکان ثروتمند اراضی یا اشراف) شکل گرفتند. بررسی ما از تکامل جوامع سیاسی نشان می دهد که بشر در مجموع تنها و تنها برخی از (DNA) را که به (جمجمه یافت شده در افریقا - م - لوسی - استرالوپیتیکس [۲]) سه میلیون سال قبل یا آدم و هوا بر می گردد به اشتراک نمی گذارند بلکه همه شیوه های اجتماعی شان را که حکومت بخشی از بسته بندی های اجتماعی آن اعصار است به اشتراک می گذارند. [۳]، [۴]، [۵]

### اول : امپراتوریهای افریقا

قبیله گرایی، هویت نیرومند اتنیک و فرهنگی دارد. برخی منابع چنین نظر داده اند که مغز انسان به دلیل ضرورت تکاملی جهت بقا و نیاز غذایی و مصونیت خود، همپیوند با قبیله گرایی است. در افریقا ۳۰۰۰ گروه قومی وجود دارد. گروپ

<sup>1</sup> - Paleolithic

<sup>2</sup> - 'Lucy' (Australopithecus)

<sup>3</sup> - Study Suggests 3.2 Million-Year-Old Lucy Spent lots of time in trees. New York Times. Retrieved Nov. 30, 2016.

<sup>4</sup> - Tompkins, S.. The Origins of Humankind: Cambridge University Press. p. 136. ISBN 978-0-521-46676-9

<sup>5</sup> - Genesis 2:4-3:24 NIV.

های قبائیل زولو بزرگترین دسته قومی در جنوب آفریقا اند. پروسه ملت سازی در آفریقا علی الرغم افتخارات شکوهمند و توانایی های از دست رفته، مانند سائر قاره ها به علت قبیله گرایی گسترده آن، بطی شده است [۱].

در عصر قرون وسطی در غرب آفریقا، سه امپراتوری بزرگ وجود داشت که خیلی ثروتمند شدند، یعنی گانا، مالی و سانگهای [۲]. آنها تجارت جهانی طلا را بیشتر از هر قدرت اروپایی دیگر انجام دادند. قبلاً سلطنت های آفریقایی، سرزمین های مستعمره بودند، مردم شان دارای ساختار های چند ملیتی با جمعیت های مختلف بودند که از طریق جنگ و تسخیر نیرومند به سازمانهای سیاسی منحیث یک هستی واحد متحد شدند.

آنها در مراتع سرحد جنوبی صحرای بزرگ متمرکز بودند که بنام سلطنت های (ساحلی) نامیده میشدند. گانا در این منطقه طی سالهای (۷۵۰ - ۱۰۷۸م) تسلط کامل داشت. پس از سال ۱۲۳۵م امپراتوری مالی دومین و بزرگترین نیروی غالب شد و سانگهای منحیث سومین سلطنت نیرومند با محوریت (گوا) بیشتر بطرف شرق آفریقا شد. همزمان با توسعه تجارت برده های اتلانتيک، این امپراتوریهای آفریقایی غربی در اواخر قرن هجدهم به قدرت بزرگی ارتقاء یافتند. در آفریقایی غربی چهارده امپراتوری و سلطنت بود؛ سه امپراتوری در آفریقایی مرکزی؛ چهار امپراتوری و سلطنت در آفریقایی جنوبی؛ آفریقایی شرقی یک امپراتوری و سه سلطنت داشت؛ دماغه یا جنوبی ترین نقطه آفریقا در سرزمین باستانی پونت [۳] که قدامت تاریخی آن به ۲۵۰۰ ق.م میرسد حاوی بیست و سه سلطنت بود. بقیه همه امپراتوریها در طول قرون ۵ تا ۱۹ بودند. معهذ سرتاسر جهان بامردم و کشور های شمال آفریقا آشنا اند :

۱) مورکو : خانواده سلطنتی ادريس (۷۸۹ - ۷۹۴ م - خانواده سلطنتی الوايت (۱۶۶۶ تا حال)

۲) الجزایر : خانواده سلطنتی رستمی (۷۷۶ - ۹۰۹ م)

۳) اشغال عثمانی الجزایر (۱۵۱۵ - ۱۸۳۰ م)

۴) تونس : الغلابیدیان (۸۰۰ - ۹۰۹م) خانواده سلطنتی حفصید (۱۲۵۰ - ۱۵۱۷ م)

۵) سودان : سلطانات سنار (۱۵۰۲ - ۱۸۲۱ م)

ما در بررسی خود عناصر خیلی ناکافی دیموکراسی را در امپراتوریها و سلطنت های فوق پیدا کردیم، که نمی توان آنرا بنام دولت های دیموکراتیک حساب کرد. قبیله گرایی آفریقایی با شجره های خاندانی، قیاس و اسطوره هم سویی دارد. [۴]، [۵]، [۶]

## دوم : دیموکراسی های شرق میانه (بین النهرین)

1 - Okogu, J.O. Umadjara, S.O. Tribalism as a Foiled Factor of African Nation-Building J. Educ. & Practice; ISSN 2222-1735 (Paper): Vol.7, No.7, 2016.

2 - Ghana, Mali and Songhai

3 - Goa

4 - Punt

5 - James, P. Globalism, Nationalism, Tribalism: Bringing theory Back: London; Sage Pub., 2006

6 - Max, D. 'Social beliefs and individual thinking tribal society' In Robert, A. Mammers; David, K.

7 - David, K. Anthropological Theory. Transactional Pub., pp. 453-464, 2007.

مؤرخ دنمارکی تورکلید جیکبسن<sup>[۱]</sup> پس از مطالعات شان در ۱۹۴۳م می گوید که گیلگمش<sup>[۲]</sup> به عنوان رهبر در حماسه گیلگمش سومری کسی است که فاقد قدرت اتوکراتیک یا خودکامگی و فاقد قدرت دولتی بود، قدرت وی بر اراده افراد آزاد دولت - شهر سومری متکی بود. (۲۷۰۰ - ۲۹۰۰ ق.م) از نظر او، این اولین و آخرین رهبر نوعی دیموکراتیک را نشان میدهد که بوسیله قدرت استبدادی حاکمان بعدی بین النهرین از پا در آورده شد. جیکبسن می پذیرد که به دلیل کمبود تخصص در اجراءات دولتی و پاشان بودن ساختار دولتی، این دولت می تواند تنها به عنوان " دیموکراسی بدوی" قلمداد گردد و مشکل است که " الیگارشسی بین النهرین" را از " الیگارشسی بدوی" متمایز ساخت. [۳]، [۴]

### سوم : دیموکراسی در هندوستان

در شبه قاره هند دیموکراسی های بدوی و اولیه از قرن ششم قبل از میلاد تا قرن چهارم میلادی، وجود داشت. دیودورس<sup>[۵]</sup> مدعی است که سلطنت سلوکی متعاقب مرگ الکسندر ایجاد شد و در سرزمین های قبل از سلطنت سلوکی نهاد های اولیه دیموکراتیک مانند "سنگها" و " گاناها"<sup>[۶]</sup> در حدود ۴۰۰ - ۶۰۰ ق.م وجود داشت، وی تاریخ الکسندرکبیر را با فتح پارتیا<sup>[۷]</sup> و هند پس از دو قرن نوشت<sup>[۸]</sup>. دیودورس نوشت که دولتهای مستقل دیموکراتیک در هند وجود داشت. یک پادشاه " گانا" بنام " راجا" یک مجمع مشورتی داشت که در آن مانند دیموکراسی اولیه انگلستان در مورد مسائل عمده دولت، بطور منظم بحث صورت می گرفت. انتخاب یک راجا یا گانا به عنوان رئیس منتخب حکومت همواره بمانند انگلستان توسط طبقه اشراف صورت می گرفت. گانا از طبقه کشتیاورن<sup>[۹]</sup> در ریگویدا<sup>[۱۰]</sup> به عنوان طبقه خیلی بلند تعریف شده است. در دوره گاتما بودا<sup>[۱۱]</sup> دروازه این مجمع بروی همه افراد ثروتمند و فقیر باز بود. این جمهوری های اولیه بنام " گانا سنگها"<sup>[۱۲]</sup> یاد میشد مثلاً در قبائیل مالا ها<sup>[۱۳]</sup> که در شهر های کوسینگره<sup>[۱۴]</sup> و وجینور یا وریجی<sup>[۱۵]</sup> بودند. در پادشاهی بزرگ مگدهه<sup>[۱۶]</sup> مجامع

1 - Thorkild Jacobson

2 - Gilgamesh

3 - Ridley, R.T. The Saga of an Epic: Gilgamesh and the Constitution of Uruk. *Orientalis*, 69(4), 2000.

4 - Isakhan, B. (2007). Engaging "Primitive Democracy," *Mideast Roots of Collective Governance. Middle East Policy*, 14(3), pp.97-117, 2007.

5 - Diodorus : مؤرخ قرن اول قبل المیلاد یونان باستان است که تاریخ عظیم جهانی بنام Bibliotheca historica را در چهل جلد نوشت که از آنجمله صرف ۱۵ مجلد آن باقی مانده است. وی این تاریخ را بین سال های ۶۰ تا ۳۰ ق.م نوشت. این تاریخ در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول تاریخ اسطوره ها تا تخریب شهر تروا است که از نظر جغرافیوی مرتب و حاوی سائر مناطق جهان از جمله مصر، هند، عربستان تا اروپا را احتوا می کند. بخش دوم حاوی جنگ تروا است. تا ماگ الکسندر است. بخش سوم حاوی سده ادب تا سال ۶۰ ق.م است.

6 - Gana : گانا در سانسکریت : गण in سانسکریت و پالی به معنی رومه، دسته، نیرو، تعداد قبیله سلسله طبقاتی است. همچنین می تواند برای مجموعه از همراهان اطلاق گردد و میتواند بشکل یک تجمع یا انجمن مردمی برای دستیابی به اهداف مشترک تشکیل گردد. گانا می تواند به شورا ها یا مجامعی اطلاق گردد که برای بحث در مورد مسائل مذهبی یا موضوعات دیگر تشکیل گردد. در هندویزم گانی ها مأمور شیوا اند و در کوه کیلاش زندگی دارند. گاناشا توسط شیوا به عنوان رهبر شان انتخاب شده است. - م

7 - Parthia and India

8 - Siculus, Diodorus; G. Booth (Translator); H. Valesius, et al. The Historical Library of Diodorus in 15 books added to fragments of Diodorus. London; J Davis. 1814.

9 - Kshatriya Varna

10 - Gana sangha

11 - Mallas

12 - Kusinagara

13 - Vajiinor or Vriji

14 - Magadha



جمهوریخواه مانند راجاکمارا<sup>۱</sup> وجود داشتند. شایان ذکر است که دانشمندان در این نظریه اختلاف دارند که آیا این جمهوری ها، مانند جمهوری سنگها ها و گاناها به دلیل سیستم طبقاتی چهار طبقه ورنه و نقش قدرتمند خانواده های اشراف هند " دیموکراتیک" تلقی شوند یا نه. [۱]، [۲]، [۳]

## چهارم : دیموکراسی های جنوب – غرب آسیا (جنبش روشانیه)

در شرق میانه و جنوب – غرب آسیا، بمانند سائر مناطق قاره آسیا روستا های قبیلوی، سلطنت ها و امپراتوریها تا کنون بصورت دیکتاتوری اداره می شوند. ولی چندین قوم و ملت ها و یا گروههای مذهبی وجود داشتند که شباهتی با حکمروایی دیموکراتیک داشتند. در میان آنها گاه ناگاه یگان فیلسوف – شاه خیرخواه به سبک افلاطون در اسرائیل باستان، در ابتدای اسلام و بودییزم وجود داشت که حکمروایی شان استوار بر اصول دیموکراتیک بود. یکی از آنها که اخیراً با اصول جهان گرایی و دیموکراسی آشنا بود پیر روشن (۱۵۸۵ – ۱۵۲۵ م) بود که در میان پښتونها یک رئیس قومی و معنوی بود. این قبائیل، قانون سنتی بنام پښتونولی دارند که اکنون بنام افغانولی شناخته میشود و تا حدودی شبیه قانون (برهون آیرلند<sup>۲</sup>) است که در میان برخی از قبائیل گلیک آیرلند<sup>۳</sup> اعمال میشود. پیر رویشان که بنام بایزید نیز شناخته میشود جنبش روشانیه (روشنگری) را در قرن شانزدهم در تیرای وزیرستان آغاز کرد و دامنه آن تا کرم، بونیر، سوات، لویه پکنیا، لوی کندهار و ننگرهار گسترش یافت. آنها مجالس قومی خود را به نام لویه جرگه (مجلس بزرگ) داشتند و هر قبیله در یک دایره بزرگ گرد هم می آمدند و همه برخوردار از امتیاز رأی، برابری در منافع مدنی، معارف و بالاتر از همه هر فرد ذکور و اناث برخوردار از عدالت مساوی بود. جنبش روشانیه (جنبش روشنگری) به عنوان جریان رهایی از امپریالیزم سیاسی و مذهبی امپراتور کبیر هند آغاز شد. این جنبش در آغاز درگیر یک جنگ رهایی بخش بود. جالب اینجاست که کتاب های پیر روشن اخیراً در کتابخانه «توبینگن»<sup>۴</sup> جرمنی طی دیجتل سازی کتب تاریخی اعصار قدیم کشف شد. یکی از این کتب که به پشتو ترجمه شده «خیرالبیان» نام دارد که این قلم آنرا به بسیار سختی دریافت کرد، در این کتاب بایزید بر برابری کامل زن و مرد

1 - Rajakumara

2 - Siculus, Diodorus; Oldfather, C.H. (Translator); Library of History: Loeb Classical Library. Cambridge, MA: Harvard University Press. 1935.

3 - Sharma, J.P. Republics in Ancient India (15000-500 B.C.); Leiden, Netherlands. E. J. Brill. 1968.

4 - Smith, V.A. Indian Antiquary, xxxii, pp. 233-36. 1903

5 - Irish Brehon Law

6 - Gaelic-Irish tribes

7 - Tubengen, Germany

در تمام ابعاد حقوق بشری تأکید می‌کند و شکی نیست که این اولین کسی است که آنرا چنین به صراحت بیان کرده است. از بین دوازده کتاب وی تنها نصف آن زنده مانده اند که اکثراً در کتابخانه‌های شخصی خانواده‌گی مردم بودند. [۱]، [۲]، [۳]، [۴]

### پنجم : دیموکراسی‌ها در چین :

#### تائوئیسم در چین باستان

تائوئیسم یا دائوئیسم [۵] در چین یک رسم فلسفی است که بر زندگی هماهنگ با دائو [۶] تأکید می‌کند. سه مکتب اصلی فکری سیاسی وجود دارد : قانون‌گرایان، تائوئیست‌ها و کنفوسیوس‌ها که از قرن ششم تا چهارم قبل از میلاد ایجاد شده بودند. حقوق‌گرایان آخرین مکتب از سه مکتب وسیع فوق‌الذکر است که به طور تقریبی صرفاً به حد اکثر قدرت دولت اعتقاد داشتند و به حاکمان توصیه می‌کردند که چگونه این قدرت را منحیث دیکتاتوری اتوکراتیک افزایش دهند. تائوئیست‌ها اولین آزادیخواهان جهان بودند که عملاً به دخالت دولت در اقتصاد و یا جامعه هیچ اعتقاد نداشتند ولی کنفوسیوسی‌ها در این مسئله مهم میانه‌رو بودند. تاکنون جالب‌ترین فیلسوفان سیاسی چینایی تائوئیست‌ها [۷] بوده‌اند که توسط شخصیت بسیار مهم ولی خیلی افسانوی و اسطوری، لائوتسه [۸] تأسیس شده بود؛ تاریخ تولد لائوتسه باید قبل از تاریخ تولد پیرو مشهور وی یعنی قبل از سال ۳۶۹ ق. م باشد. معلومات کمتری در باره زندگی لائوتسه وجود دارد ولی شکی نیست که وی یکی از آشناهای هم‌عصر و شخصی با کنفوسیوس بود.

گفته شده که « قوانین و مقررات دولتی لائوتسه» بیشتر از موهای پوست گاو است! لائوتسه را در برابر فردیت، یک ستمگر خبیث تعریف کرده‌اند، به قول یک فردگرای چینایی : از پلنگ‌های وحشتناک نباید آنقدر ترسید که از لائوتسه باید ترسید! لائوتسه با اشاره به تجربیات مشترک بشر، نتیجه‌گیری هوشمندانه خود را چنین خلاصه کرد : « هر آنقدر تابوهای مصنوعی

<sup>1</sup> - Schimmel, Annemarie. Islam in the Indian Subcontinent. BRILL. p. 87. ISBN 9004061177.1980.

<sup>2</sup> - Vincent Smith; Oxford History of India volume Vol: VI; P- 325-40

<sup>3</sup> - Richards, John F. *The Mughal Empire*. The New Cambridge History of India. Cambridge University Press. pp. 50–51. ISBN 9780521566032.1993.

<sup>4</sup> - Wikipedia. Pir Roshan.

<sup>5</sup> - Taoism or Daoism

<sup>6</sup> - Dao

<sup>7</sup> - Taoists

<sup>8</sup> - Lao Tzu

و محدودیت ها در جهان بیشتر باشد مردم بیشتر فقیر میشوند... هر قدر قوانین و مقررات برجسته تر و اهمیت داده شوند همانجا دزدان بیشتری وجود خواهند داشت" لائوتسه گفته بود: " بنابر این خردمندی می گوید: من هیچ اقدامی نمی کنم، هنوز مردم خود را تغییر نمی دهند، من آرامش را دوست دارم و مردم خود را اصلاح می کنند، هیچ اقدامی نمی کنم و مردم خود را ثروتمند می کنند..." وی برای جنبش اجتماعی امیدی نمی ببیند تا یک حکومت ظالم و ستمگر را اصلاح کند، وی با بدبینی راه کنونی، راه تائویست را توصیه می کند تا از جامعه خارج گردد و عقب نشینی نماید و خواسته های جسمانی و شهوانی را محدود سازند. دو قرن بعد تر پیرو بزرگ لائوتسه، چوانگ تسه<sup>[۱]</sup> (۳۶۹ - ۲۸۶ ق. م.) بر اساس نظریات استادش در زمینه (عدم تداخل<sup>[۲]</sup>) نظرش را ایجاد و به نتیجه منطقی "انارشیزم فردگرا" رسید. "چوانگ مقتدر که حکایات را با ادبیات تمثیلی می نوشت، در تاریخ اندیشه بشری اولین انارشیزم بود." چوانگ تسه فداکاری لائوتسه را نسبت به تیوری عدم تداخل در اقتصاد) زینت بخشید و مخالفت شدید خود را با سلطه حکومت ابراز کرد. چوانگ تسه ناگزیر بود بالای ایده " نظم خود جوش" کار نماید، که بعد توسط "پرودون"<sup>[۳]</sup> در قرن نهم میلادی به طور مستقل کشف شد، و توسط (اف. ا. فون هایک<sup>[۴]</sup>) از پوهنخی اتریش در قرن بیستم توسعه مزید یافت. [۴]، [۳]

بسیاری معتقد اند که بعضی میکانیزم های دیموکراسی ممکن است در فلسفه های مذهبی وجود داشته باشد اما وقتی به جزم مذهبی تبدیل می شود جایگاه خود را به عنوان دیموکراسی از دست می دهند.

معرفی مفهوم دیموکراسی مدرن در چین به نویسنده تبعیدی چینیایی لیانگ چیچائو<sup>[۵]</sup> نسبت داده می شود. وی در سال ۱۸۹۵م در بیجینگ در اعتراضات برای افزایش مشارک مردمی در زمان سلسله کوینگ<sup>[۶]</sup> آخرین سلسله حاکم چین شرکت کرد. در پی کمپاین سرکوبگرانه دولت علیه معترضان ضد چیانگ، لیانگ چیچائو مجبور به فرار به جاپان شد. لیانگ چیچائو آثار هابس، روسو، لاک، هیوم، بنتام و بسیاری دیگر از فیلسوفان غربی فلسفه سیاسی را ترجمه و در باره آنها ابراز نظر کرد. وی مقالات خود را بصورت مجموعه ای در مجلات متعددی منتشر کرد که مخاطبانش را به راحتی در بین روشنفکران چینیایی که تشنه توضیح این موضوع بودند مخاطب قرار میداد که چرا چین زمانی امپراتوری مهیبی بود ولی اکنون توسط قدرتهای خارجی در آستانه تجزیه قرار گرفته است. لیانگ در تفسیر دیموکراسی غربی از زاویه و منشور سابقه شدیداً

<sup>1</sup> - Chuang Tzu

<sup>2</sup> - Laissez – Faire : یک سیستم اقتصادی است که در آن معاملات بین گروه های خصوصی مردم عاری از هرگونه مداخله اقتصادی مانند مقررات و سیاستی ها است. Laissez - Faire به عنوان یک سیستم فکری مبتنی بر اصول متعارفی است که فرد واحد اصلی جامعه است و حق طبیعی آزادی را دارد، م

<sup>3</sup> - Proudhon

<sup>4</sup> -F.A. von Hayek

<sup>5</sup> - Rothbard, M.N. Economic Thought Before Adam Smith. An Austrian Perspective on the Historic Thought Vol 1. The towering figure of Confucius (551-479 BC): Edward Elgar Publishing Ltd., 1995, 2006.

<sup>6</sup> - Haywood, Matthew, Ph.D. Mandarin speaking writes "Moving forward, the most 'democratic' of thinkers that I know of was Huang Zongxi 黃宗羲 (1610-1695AD). As quoted on an information board I read at Three Pools Mirroring the Moon in Hangzhou, "[Huang] put forward the democratic idea that the people were the master while the monarch the servant. He advocated limiting the power of the monarch and safeguarding the basic rights of the people. ... To restate the obvious then, Imperial China did not experiment with democracy." Quadra.com

<sup>7</sup> - Liang Qichao

<sup>8</sup> - Qing dynasty

کنفوسیوسی خود، ایده های دیموکراسی را در طول قرن آینده شکل داد که در چین مورد استفاده قرار گرفت. وی به اصلاح و ریفورم تدریجی اعتقاد داشت تا چین به پادشاهی مشروطه با دیموکراسی مبدل گردد. هدف از " ریفورم یا اصلاحات صد روزه" تغییر چین در چنین سیستمی بود که به سرعت با کودتای ووکسو<sup>[۱]</sup> معکوس شد. در میان روشنفکران مترقی رقیب بزرگ لیانگ چیچائو *داکتر سون یات سن*، انقلابی جمهوری خواه بود. داکتر یات سن احساس میکرد که تا زمانی که پادشاهی چین وجود داشته باشد، دیموکراسی غیر ممکن است. دیموکراسی بخشی از پلاتفورم یا برنامه های وی بود، "سه اصل مردمی وی عبارت بودند از: اصل ۱) مردم را به عنوان ملت متحد ساختن (نشنلیزم)؛ ۲) حقوق مردم به دیموکراسی؛ و ۳) معیشت و رفاه مردم (مدنیت، شایستگی و حرمت). سن یات سن با به نقش- قدم لیانگ گذاشت و موافقت کرد که دیموکراسی یا حق رأی عمومی نمی تواند یک شبه در کشوری با رقم بلند بیسوادی و عدم آگاهی سیاسی اتفاق بیافتد. سن یات سن خواستار "سه مرحله انقلاب" تحت عنوان "آموزش سیاسی بود، وی معتقد بود قبل از اینکه انتخابات به وقوع بپیوندد مردم باید تحصیل داشته باشند.

برداشت اولیه مائو از "دیموکراسی جدید" مبتنی بر دیکتاتوری فوری پرولتاریا نبود که به جمهوری خلق چین مبدل شد. ولی مائو خسه تونگ خواستار برقراری *دیکتاتوری دیموکراتیک* مردم شد. حدود دهه ۱۹۸۰م، دولت در اولین دور با "گشایش و اصلاحات"، دهکده های انتخابات را ترتیب داد که در آن چندین نامزد مورد تأیید "حزب" قرار بود شرکت کند. قشر بالایی دولت بطور غیر مستقیم انتخاب می شد، کسان دیگر توسط دولت مورد بررسی دقیق قرار می گرفت. بنابر این افسران عالی رتبه در داخل حکومت یا اعضای حزب کمونیست بودند و یا از متحدین آن بنام *جبهه متحد* یا هوا خواهان مستقل بودند. احزاب مخالف موجود نبود زیرا آنها غیر قانونی اعلام شده بودند. افرادی که از حزب کمونیست حمایت میکردند دیدگاه ضد دیموکراتیک با شک و تردید طولانی مدت نسبت به دیموکراسی های نوع غربی داشتند که به زعم آنها با فرهنگ سنتی چین ناسازگار تلقی میشد. آنها تا هنوز معتقد اند که دولت قانونی آن نیست که مردم عادی بر آن تأثیر بگذارند، بلکه مشروعیت دولت باید نشاندهنده منافع علیای ملت باشد. رهبران اصلاحات پسا مائو در دهه ۱۹۸۰م استدلال میکردند که سابقه حزب در زمان مائو بد بود، اما این حزب بدون آنکه مجبور گردد خود را اصلاح کرد.

شی جین پینگ گفته است که دیموکراسی در چین یک *دیموکراسی تمام عیار* است که در آن همه تصمیمات مهم قانونی تنها پس از مشورت های دیموکراتیک و بررسی کامل گرفته میشود تا از تصمیم گیری درست و دیموکراتیک آنها پیروی شود، چنانچه این نکته در "گزارش رسمی دولتی در مورد سیستم احزاب سیاسی چین" سال ۲۰۰۷ شورای دولتی ذکر است.<sup>[۱]</sup>،<sup>[۲]</sup>

وقتی خواستند بدانند که دیموکراسی تا چه میزانی مناسب حال چین است و آنرا بین ۱ تا ۱۰ درجه بندی کردند، تنها ۲ فیصد آنرا به درجه کمتر از ۵٫۹۵ فیصد عدد ۶ یا بلند تر را دادند، ۷۶ فیصد بین ۸، ۹ و ۱۰ نمره دادند. معهذاً ۶۰ تا ۷۰ فیصد

<sup>1</sup> - Wuxu Coup

<sup>2</sup> - Kim, Jo. "Exploring China's New Narrative on Democracy". *thediplomat.com*. Archived from the original on 6 December 2019. Retrieved 10 April 2020.

<sup>3</sup> - "Xi says China's democracy is whole-process democracy – Xinhua | English.news.cn". *www.xinhuanet.com*. Archived from the original on 6 November 2019. Retrieved 7 April 2020.

پاسخ دهندگان می ترسیدند که برخی از اقدامات دیموکراتیک ممکن است آثار منفی ایجاد کند. ۲۶ فیصد پاسخ دهندگان با این جمله موافق یا قویاً موافق بودند که " سیستم های اقتصادی در نظام دیموکراتیک بد کار می کنند." ۳۵ فیصد شان با این جمله موافق بودند که دیموکراسیها قاطع نیستند و خیلی لفاظی اند. ۱۸ فیصد با این جمله موافق بودند که : " دیموکراسی ها در حفظ نظم خوب نیستند."

## قسمت دوم - حال

### فصل سوم

#### تکامل دیموکراسی ها

#### اول : تولد دیموکراسی امریکا

شکی نیست که "میکانیسم حکومتداری" در طول تاریخ دستخوش تغییرات تکاملی با کسب تجربیات و دانش جدید و ایده های جدید متفکران بزرگ و تغییر محیط های اجتماعی و فیزیکی شده است. ما قبلاً در مورد بزرگترین فیلسوفان تاریخ مانند سقراط، افلاطون و ارسطو در مورد حکومت، دیموکراسی و فضیلت بحث کردیم. این بزرگترین جنبش " عصر روشنگری" بود که ما در تاریخ باستان بشریت می شناسیم. دومین آن طی اولین "عصر روشنگری" بود که دانش تاریخ باستانی بشر را در مورد دیموکراسی مورد بررسی قرار گرفت. متعاقب "عصر روشنگری" چنانچه قبلاً در مورد بنیان گذاران پیشرو جمهوری امریکا ذکر شد، دیموکراسی توسط آنها پالایش یافت و مؤثر شد. در این جا باید به یکدهه از نویسندگان بزرگ انگلیس نیز اشاره کنیم که نوشته های شان بر رهبران بزرگ دیموکراسی امریکا اثر گذار بوده اند. نسلهای جدید مهم است بدانند که فرهنگ ها و تمدنها بر شانه های بزرگمردان و بزرگ زنان و نظریات شان بنا شده است.

#### الف : دیموکراسی برتانیای

**تامس هابیس** [۱] (۱۵۸۸ - ۱۶۷۹ م) :

تامس هابیس یکی از فیلسوفان بزرگ انگلیس است که از بنیانگذاران فلسفه مدرن سیاست شمرده میشود. معروف ترین کتاب وی (لیویاتان) (۱۶۵۱ م) [۲] است که در آن " تیوری قرار داد اجتماعی" [۳] را توضیح میدهد. تیوری سیاسی تامس هابیس " لویاتان" با این دکتورین آغاز میشود که پایه های یک دولت با ایجاد یک دولت مشروع و هدف یعنی " علم اخلاق" آغاز میشود. وی نوشت که بدون دولت یا جامعه سیاسی، افراد ناگزیر به " جنگ همه علیه همه" [۴] خواهند رفت. مردم برای ایجاد جامعه مدنی باید بیک قرار داد اجتماعی تن در دهند. وی همچنین در زمینه های دیگر مانند تاریخ، هندسه، الهیات و اخلاق نوشته است [۵].

**آدم سمیت** : (۱۷۲۳ - ۱۷۹۰ م) :

آدم سمیت فیلسوف و اقتصاد دان سکاتلندی بود که بیشتر به عنوان نویسنده کتاب " تحقیق در مورد ماهیت و علل ثروت ملل" (۱۷۷۶ م) شناخته میشود؛ این کتاب یکی از تأثیرگذار ترین کتابهای است که تا کنون نوشته شده است. آدم سمیت را ممکن به عنوان اولین اقتصاد دان در نظر گرفت. وی تصریح کرد : " تمام ثروت جهان نه از طریق طلا و نه از طریق نقره بلکه در اصل از طریق کار خریداری شده است" وی می افزاید، " برای دیگران باید احساس زیاد کنیم و برای خود کم؛ مهار کردن خود خواهی و اعمال محبت های خیرخواهانه اند که کمال طبیعت انسان را تشکیل میدهد. [۶]"

**دیوید هیوم** : (۱۷۱۱ - ۱۷۷۶ م) :

دیوید هیوم به عنوان یک سکاتلندی یکی از شخصیت های مهم در " عصر روشنگری" بود. دیوید هیوم هم مانند فرانسیس بیکن معتقد بود که تمام دانش بشر بطور کامل از تجربه بشریت مشتق شده است؛ وی وجود ایده های ذاتی را انکار کرد. دیوید هیوم مانند سایر فیلسوفان انگلیس چون جورج برکلی تجربه گرا بود. تیوری سیاسی هیوم به اساس دیدگاه محافظه کارانه در مورد مشروطه خواهی محدود، آزادی مطبوعات، اهمیت حاکمیت قانون و مالکیت خصوصی استوار است. بنیامین فرانکلین و جمیز مدیسن بسیار تحت تأثیر نوشته های او قرار گرفته اند. [۷]، [۸]

1 - Thomas Hobbs

2 - Leviathan (1651AD)

3 - Social Contract Theory

4 - bellum omnium contra omens

5 - Thomas, Hobbes. *Thomas Hobbes : Leviathan*. Rogers, G. A. J., Schuhmann, Karl (A critical ed.). London: Bloomsbury Publishing. ISBN 9781441110985. 2006.

6 - Williams, G.M. *Adam Smith, Wealth Without Nations*. London: Athol Books. ISBN 978-0-85034-084-6. 2000.

7 - Adair, Douglass. "That Politics May be Reduced to a Science": David Hume, James Madison, and the Tenth Federalist". *Huntington Library Quarterly*. 20 (4): 343-360; JSTOR 381627. 1957.

8 - Muller, J.Z. *Conservatism: An Anthology of Social and Political Thought from David Hume to the Present*. Princeton University Press. ISBN 978-0-691-03711-0. 1997.

## جان لاک : جان لاک (۱۷۰۴ - ۱۶۳۲):

جان لاک یک طبیب و فیلسوف سیاسی بود. وی ابزار میتودیکی تامس هابز یعنی وضعیت طبیعت را به عنوان شرایط طبیعی بکار انداخت که در آن انسانها در انجام هرکاری که آنها را خشنود بسازد آزاد اند تا آنها را با آزادی کامل ولی اخلاق انجام دهند و درک آلی یا میکانیکی<sup>[۱]</sup> خود را از مردم به عنوان موجودات پراحساس و نیازهای اساسی تشریح می‌کند. [۲] وی از این نظریه در «دو رساله دولت» در سال ۱۶۸۹، «قرار داد اجتماعی» در سال ۱۷۶۲ و در فصل سیزدهم «وضعیت طبیعی بشر در مورد سعادت و بدبختی آنها» حمایت کرد. (لیویاتان) [۳] [۴]

جان لاک تیوری "حق الهی پادشاهان" را رد کرد و معتقد بود که همه افراد دارای حقوق طبیعی زندگی، آزادی و مالکیت اند و در صورت غصب این حقوق، حاکمان باید بوسیله مردم خلع قدرت گردند حتی در صورت لزوم باید با استفاده از زور خلع قدرت گردند. جان لاک به تجربه گرایی معتقد بود، واقعیت کشف شده توسط احساس انسانها، و می‌گفت که همه ما با ذهنی مثل یک لوح سپید<sup>[۵]</sup> متولد شده ایم. وی از عبارت قرار داد اجتماعی استفاده کرد و به طبیعت انسان معتقد بود که اساساً بوسیله عقل و مدارا کنترل میشود، وی همچنین به تفکیک قوای ثلاثه: قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه اجرائیه معتقد بود. همچنان جان لاک در باره مبانی مبادلات اقتصادی و مالی با تیوری عرضه و تقاضا، سرمایه و توازن و تعادل تجارتي نوشت. جان لاک اصطلاح "خودیت" را چنین تعریف کرد: "چیز یا شی آگاه متفکر است (هر جوهری اعم از مادی یا معنوی، ساده یا مرکب مهم نیست) که قابل احساس باشد، یا از لذت و درد آگاه باشد، قادر به خوشبختی یا بدبختی باشد، و این آگاهی تا جایی گسترش یابد که برای خودش اهمیت دارد." [۶]، [۷]

<sup>۱</sup> - mechanistic understanding: در عربی این لغت را درست تر و پر معنی تر یعنی درک آلی گفته اند. درک آلی یا میکانیکی در فلسفه میکانیکی گرایی بر این اعتقاد است که طبیعت در کل (عمدتاً زنده جانها) مانند ماشینهای پیچیده یا مصنوعات پیچیده استند که از قسمت های تشکیل شده اند که فاقد هرگونه رابطه ذاتی با یکدیگر اند. در فلسفه این تیوری به دو طرز مختلف ارائه میشود: ایندو طرز تیوری میتافزیکی است ولی از نظر وسعت و عمق متفاوت اند. تیوری اول: تیوری جهانی در مورد طبیعت است دوم: تیوری محدود در مورد انسان ها و ذهن آنهاست که بطور جدی مورد بحث است. برای وضاحت بیشتر میتوان این دو تیوری را به عنوان میکانیزم جهانی و میکانیزم انسان شناسی از هم تفکیک نمود - م

<sup>۲</sup> - Locke, John. Woolhouse, Roger (ed.), *An Essay Concerning Human Understanding*, New York: Penguin Books, 1997.

<sup>۳</sup> - Aaron, Richard I., 1937, *John Locke*, Oxford: Oxford University Press, second edition 1955.

<sup>۴</sup> - Tuckness, Alex. *Lock's Political Philosophy*. The Stanford Encyclopedia of Philosophy. Edward N. Zalta (ed.), URL = <<https://plato.stanford.edu/archives/win2020/entries/locke-political>. Winter-2020.

<sup>۵</sup> - tabula rasa

<sup>۶</sup> - Vaughn, Karen "John Locke and the Labor Theory of Value" (PDF). *Journal of Libertarian Studies*. 2 (4): 311–26.1978. Archived from the original (PDF) on 19 October 2011.

<sup>۷</sup> - Goldie, Mark. *Lock and America*, in *A Companion to Lock*, Stuart, Mathew (Ed.), London: Wiley & Blackwell.2015.

## دوم : اعلامیه استقلال امریکا چهارم جولای سال ۱۷۷۶م (تامس جفرسن و کمیته پنج نفری)

ما این حقایق را بدیهی میدانیم که تمام انسان ها برابر خلق شده اند و یک سلسله حقوق غیر قابل انکار توسط خالق شان به آنها اعطاء شده است که از جمله حق حیات، حق آزادی و حق جستجوی خوشبختی است.... این کلمات " قدرتمند ترین و پر اهمیت ترین کلمات در تاریخ امریکا اند." و باور بر این است که این اعلامیه قاعده کلی و شالوده ای است که قانون اساسی ایالات متحده امریکا باید مبتنی بر باور های ابراهام لینکلن تعبیر و تفسیر گردد. [۱]، [۲]

مقدمه قانون اساسی امریکا (عکس از روی نسخه اصلی)



<sup>1</sup> - Ellis, Joseph J. American Creation: Triumphs and Tragedies at the Founding of the Republic; Vintage Books of Random House Inc. pp. 55-56, 2008.

<sup>2</sup> - McPherson, JM. Abraham Lincoln and the Second American Revolution: Oxford University Press, Oxford, NY, Toronto. 1992.



## سوم : قانون اساسی امریکا

قانون اساسی امریکا دارای هفت بند و سی و سه ماده الحاقیه است؛ ضمناً هر ایالت قوانین اساسی و متممات خود را دارد. این هفت بند نحوه ساختار و عملکرد دولت را شرح میدهد. سه بند اول قوای ثلاثه دولت و اختیارات آنها را اساس می‌نهد : قوه مقننه (کانگرس با مجلس نمایندگان و مجلس سنا)، قوه اجرائیه (دفتر ریاست جمهوری) و قوه قضائیه (سیستم محاکماتی فدرال) با سیستم کنترل و توازن برای جلوگیری از تسلط از هر کدام آنها.

## منشور آزادی ایالات متحده امریکا

۱) اعلامیه استقلال

۲) قانون اساسی

۳) لایحه حقوق

اینها طی دو قرن گذشته و ربع آن نمایندگی از ابزار برای بنیانگذاری و فلسفه (ایدیال های) ایالات متحده امریکا می‌کنند. قانون اساسی امریکا امروز یکی از طویل‌العمر ترین و پر سرمشق ترین قانون اساسی در جهان است.

## پنج ستون دیموکراسی امریکایی در ۱۷۹۱

متمم اول قانون اساسی، کانگرس را از ایجاد مانع در اجرای بعضی آزادی های مشخص فردی منع می‌کند:

۱) آزادی دین

۲) آزادی بیان

۳) آزادی مطبوعات

۴) آزادی گرد هم آیی (مظاهرات صلح آمیز)

۵) حق داد خواهی

## چهارم : مقالات فدرالیستی

ایدیالوژیست های قانون اساسی امریکا

هملتن، مدیسن، جی

اولین چکیده مقاله فدرالیستی : شماره اول :

بارها گفته شده که به نظر میرسد این امر مختص به مردمان این کشور بوده که در تصمیم گیری در مورد مسائل مهم، با رفتار و کردار خود سرمشق به دیگران شوند و ثابت سازند که آیا جوامع واقعاً قادر به ایجاد دولت خوب هستند یا نه، آیا اساس دولت را به غور، تعمق و انتخاب گذاشته می توانند یا اینکه آنها برای همیشه مقدر شده اند تا به ساختار های سیاسی شان اتکا کنند و یا اینکه این همه بر حسب تصادف و زور بوده است. --- الکسندر همیلتن

مقالات فدرالیستی در سال ۱۷۸۸م زمانی نوشته شدند که قانون اساسی، در بین اتحاد سیزده ایالت در کنوانسیون قانون اساسی در فیلادلفیا در ۱۷۸۷م، مورد بحث و مذاقه قرار داشت. سه روشنفکر جوان، الکسندر همیلتن، و جان جی از نیویورک و جمیز مدیسن از ویرجینا نوشتن این هشتاد و پنج مقاله را در تلاش برای تسریع تصویب قانون اساسی به عهده گرفتند. هدف آنها بطور خاص به منظور ایجاد حمایت عمومی برای تصویب توسط ایالت نیویارک بود که مایل نبود ولی نتیجه رأی آن هم مفید نبود. معهذ اکثر محققان این مقالات را سهم بزرگ ایالات متحده امریکا در اندیشه سیاسی غرب می دانند. مقالات مدیسن

و همیلتن را می توان در دو بخش اساسی خلاصه کرد. بخش اول به معایب *ماده های قدیمی کنفدراسیون* اشاره دارد و بخش دوم در باره *قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه قانون اساسی* است. این مقالات در روزنامه های شهر نیویورک بین اکتوبر ۱۷۸۷ و اپریل ۱۷۸۸ نشر شده اند. موضوعات اساسی این ۸۵ مقاله عبارتند از :

۱) ضرورت برای اتحاد نیرومند فدرال

۲) انفکاک قواء

۳) بررسی و تعادل میان شاخه های قوای ثلاثه یعنی قوه اجرائیه، قوه مقننه و قوه قضائیه دولت

۴) کثرت گرایی یا پلورالیزم

۵) نمایندگی مردم

تامس جفرسن طی نامه به برادرزاده خود بعد از بحث روی فلسفه جان لاک، *مقالات فدرالیست* ها را از نوشته های تیوریکی جان لاک [۱] طبقه بندی نموده می گوید : "با پائین آمدن از تیوری به عمل هیچ کتابی بهتر تر از *فدرالیست* ها نیست." حدس بر آنست که مدیسن در مقالات خود سعی کرده تا "دیموکراسی خالص" را تعریف کند.

#### الکسندر همیلتن (۱۷۵۷ - ۱۸۰۴)

همیلتن یک دولتمرد امریکایی، سیاستمدار، دانشمند حقوق، قوماندان نظامی، اقتصاد دان و بانکدار، و یکی از بنیانگذاران دیموکراسی و جمهوری امریکا اند. وی مروج و مفسر قانون اساسی ایالات متحده امریکا و یکی از سه نویسنده "مقالات فدرالیست" بود. وی در دوران ریاست جمهوری واشنگتن، منحیث وزیر مالیه امریکا کار کرد و بنیانگذار سیستم مالی امریکا و اساسگذار بانک امریکای شمالی و "فرست بینک / اولین بانک" ایالات متحده امریکا شد و نیز روزنامه نیویورک پوست و "گارد ساحلی" ایالات متحده امریکا را اساس گذاشت. وی یکی از فعال ترین اعضای کابینه واشنگتن بود؛ از او *اتحادیه فدرالیستی حمایت قوی* می کرد، *امادر باره تشکیل احزاب سیاسی تردید داشت*. بعد ها به عنوان وکیل سعی کرد *تاقانونی بودن بازار بین المللی برده داری را پایان بخشد*. همیلتن در سال ۱۸۰۴ م با کمپاین انتخاباتی گورنر نیویورک که از طرف معاون رئیس جمهور "بور" براه انداخته شده بود شدیداً مخالفت کرد. همیلتن در مبارزات انتخاباتی "بور" را به عنوان نامزد ناشایسته نامید و "بور" انتخابات را باخت. "بور" احساس کرد که وی انتخابات را از دست همیلتن باخته است پس او را به چلنج کشید تا "دویل" [۲] کند و او را کشت. برای همه ما مهم است بدانیم که احترام به نیاکان امریکایی که احساسات شدیداً جدایی ناپذیر وحدت خود با ملت را داشتند، چقدر اهمیت دارد. [۳]

#### جیمز مدیسن : (۱۷۵۱ - ۱۸۳۶)

1 - Trees, Andrew S. The Founding Fathers and the Politics of Character. Princeton University Press. NJ. 2004.

2 - duel

3 - Trees, Andrew S. The Founding Fathers and the Politics of Character. Princeton University Press. NJ. 2004.

مدیسن یکی از فیلسوفان و دولتمردان بزرگ نیاکان امریکایی است که به عنوان چهارمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا (۱۸۰۹ - ۱۸۱۷م) انتخاب شد و هم پنجمین وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا (۱۸۰۱ - ۱۸۰۹) بود. وی یکی از نویسندگان اصلی مقالات فدرالیست بود که نقش اساسی در تدوین و ترویج قانون اساسی و لایحه حقوق ایالات متحده آمریکا ایفاء کرد. برخی ها او را «پدر قانون اساسی» می دانند. در طول جنگ استقلال و پس از آن وی به عنوان عضو «کانگرس قاره» در ویرجینا مقر هیئت نمایندگان خدمت کرد. پس از تلاشهای موفقیت آمیز بزرگ برای تصویب قانون اساسی، وی به عنوان رهبر شناخته شده کانگرس و مشاور نزدیک رئیس جمهور واشنگتن تبدیل شد. برتانیه کشتی های امریکایی را متوقف ساخته بود، ناتوانی در رهایی این کشتی ها باعث شد که وی به عنوان رئیس جمهور برحال در سال ۱۸۱۲م علیه برتانیه اعلان جنگ بدهد. جنگ بدون نتیجه قطعی بود ولی ملت آمریکا با افتخار آنرا «دومین جنگ استقلال» از پادشاه برتانیه جورج سوم نامیدند. مدیسن به این نتیجه رسید که بالای یک دولت فدرال قوی اعتقاد پیدا کند، چنانچه قبلاً با آن مخالف بود یعنی وی مخالف دولت قوی مرکزی با قدرت فدرال با تامس جفرسن منحیث ضد فدرالیست بود که پسانها این جریان به عنوان حزب دیموکراتیک - جمهوری خواه تنظیم شد. وی در سن شصت و شش سالگی در سال ۱۸۱۷م از مقام دولت تقاعد کرد. مؤرخان وی را در بین رؤسای جمهور آمریکا بالاتر از اوسط درجه بندی نموده است. [۱]

### جان جی : (۱۷۴۵ - ۱۸۲۹)

جان جی یکی دیگر از بنیانگذاران امریکایی اما کمتر شناخته شده است ولی به عنوان یکی از سه تن نویسندگان مقالات فدرالیست خیلی خوب شناخته شده است. جان جی از خانواده ثروتمند تاجران ایالت نیویورک و شهر نیویورک از نسل هوگنوت فرانسوی و هالندی بود. وی که اصلاً وکیل بود در کانگرس دوم انتخاب شد و به عنوان رئیس کانگرس و سفیر آمریکا به هسپانیه از ۱۷۷۹ تا ۱۷۸۲م کار کرد. همچنان جان جی به عنوان دومین گورنر نیویورک و به عنوان اولین قاضی القضاات ایالات متحده آمریکا از ۱۷۸۹ تا ۱۷۹۵ خدمت کرد. نه تنها این بلکه برای مدت مؤقت منحیث وزیر امور خارجه آمریکا هم خدمت کرد. او به عناوین وطن پرست، دولتمرد بزرگ، مذاکرکننده، طرفدار تحریم بردگی و امضاء کننده پیمان پاریس در ۱۷۸۳م یاد شده است. [۲]

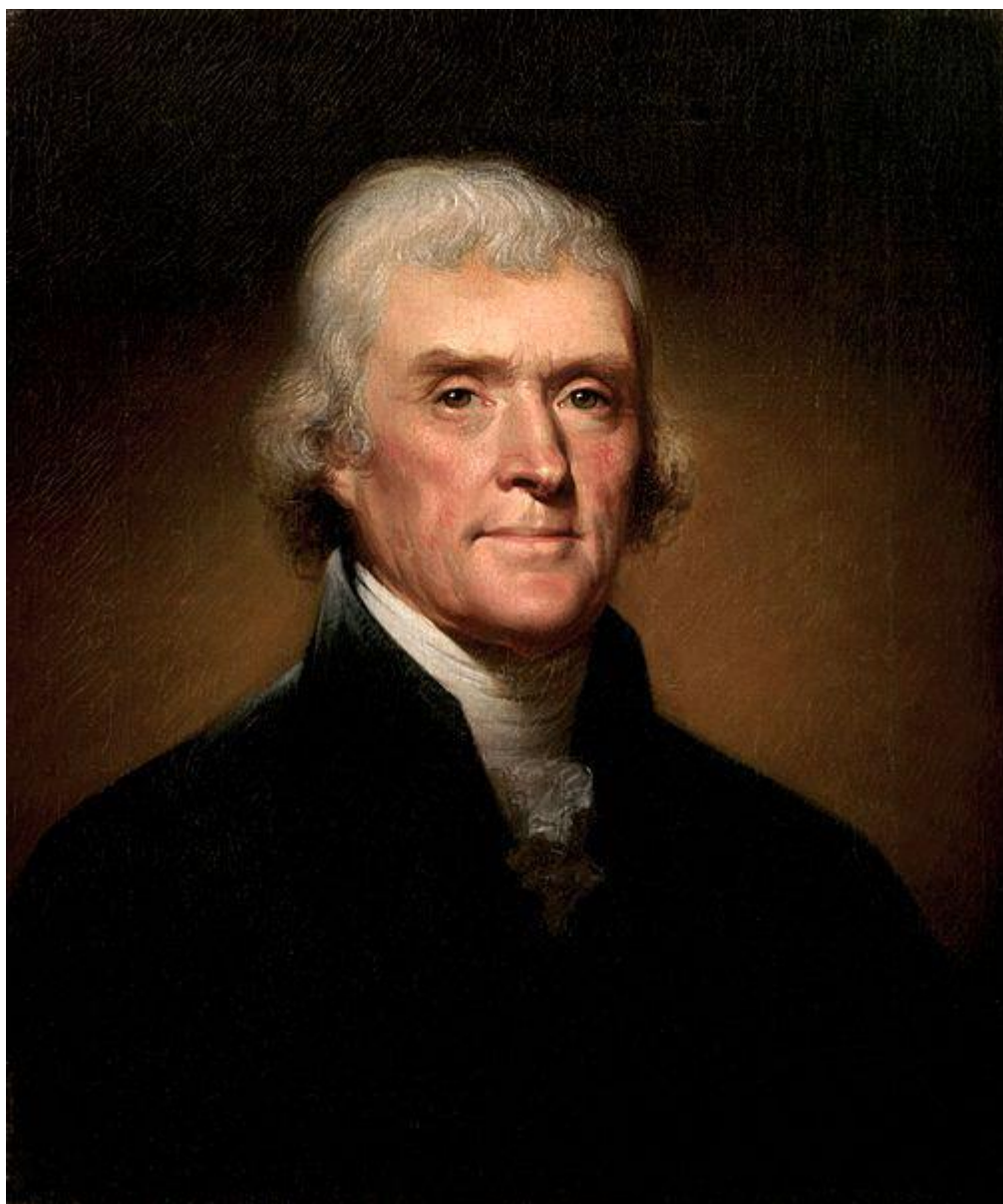
### پنجم : ایدیولوژیست ها و بنیانگذاران دیموکراسی آمریکا

فرض بر این است که فکر کنیم خوانندگان باید در باره اجداد دولت دیموکراتیک آمریکا معلومات بیشتری داشته باشند. تنها ترین چیزی که مؤلف می خواهد این است که آنها را در مباحث دیموکراسی ها بخاطر داشته باشید.

<sup>1</sup> - Campbell, Tom and Ball, Terence. *James Madison*. Taylor & Francis. London. 2008

<sup>2</sup> - Stahr, Walter. John Jay: Founding Father. Continuum Publishing Group. ISBN 978-0-8264-1879-1. 2006.

تامس جفرسن



صورت نگاری توسط رمبراند فیلد ۱۸۰۰  
سوگند به این محراب خداوند که در برابر هر نوع استبداد و ظلم بالای ذهن انسان دشمنی ابدی خواهم کرد.<sup>۱</sup>  
سومین رئیس جمهور امریکا (۱۸۰۹ - ۱۸۰۱) تاس جفرسن (۱۸۲۶ - ۱۷۴۳)

---

<sup>1</sup> - FoundingFathersQuotes.com

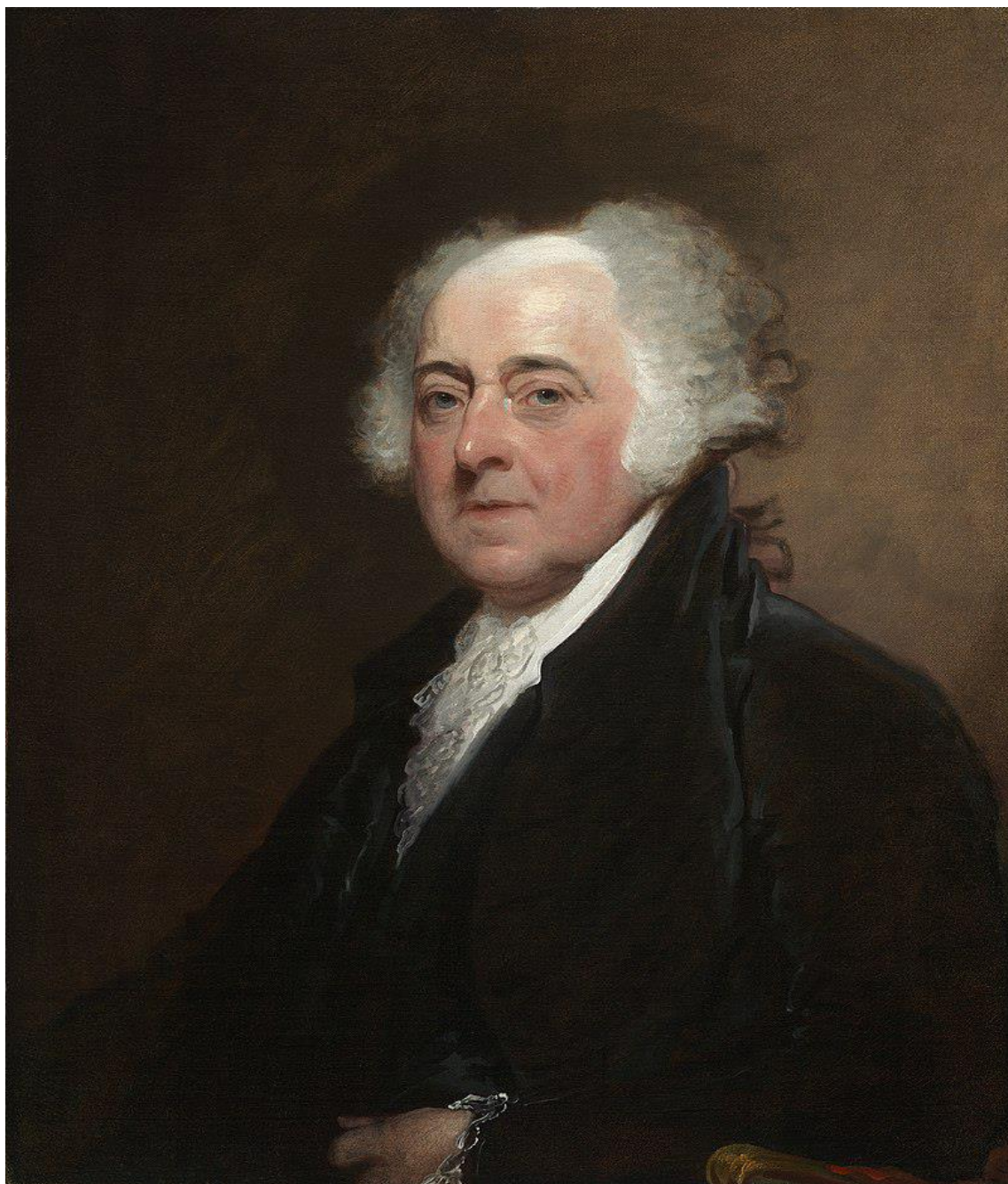
در اینجا ما از بزرگمردی حرف می‌زنیم که اعلامیه استقلال آمریکا را با قلم خود با تغییرات جزئی توسط بنیامین فرانکلین و جان آدمز نوشت. قلم او فرا تر از اعلامیه استقلال بود، و این چیز است که کمتر از اعلان جنگ علیه امپراتوری غول پیکر برتانیا نبود که سرزمین‌های آمریکا را به عنوان استعمارگران اشغال کرده بودند. او خود این جنگ را محض یک جنگ انقلابی نه بلکه یک جنگ واقعی برای استقلال نامید. وی به عنوان وکیل، فیلسوف سیاسی با تحصیلات عالی خیلی بلند شناخته شده است که دیموکراسی آمریکا را تعریف و در ساختار دولت جمهوری آن کمک کرده است. یکی از زندگینامه‌های او (ص. ۸۱۱، ۱۹۷۴م) که حتی در زندگی خصوصی او وارد شده و توسط لاس انجلس تایمز بازنگری شده در جایی با اشاره به رابطه اش با «سالی همینگز»<sup>[۱]</sup> می‌افزاید که تامس جفرسن «شخص جذاب و پیچیده بود که کثیر الاستعداد بودن و هوش او ملت را شکل داد ولی احساساتش به او کمک نمود تا خود را شکل دهد.» نویسنده او را به دلیل توانایی خارق العاده اش می‌ستاید که دیموکراسی آمریکایی را در سه کلمه خلاصه میکند: «زندگی، آزادی و شادی.» من و همسرم در سال ۱۹۶۸م در چند مایلی مونت چیلو جفرسن قریب به سکاٹسویل<sup>[۲]</sup> یک مزرعه‌ای را خریداری کردیم. من برای مدت سی و چهار سال خانه مونتچیلو جفرسن<sup>[۳]</sup> و باغهای را که منحصراً توسط وی دیزاین شده بود برای بسیاری از دوستان، خانواده‌ها و خارجیانی که به عنوان خانه تفریحی ما از ما دیدن میکردند نشان میدادیم. می‌گویند روزی جفرسن توسط یک گروهی از خبرنگاران هنگامی که کشت گلهای گلاب را میکرد در حالی گیر آمد که دستانش با کود حیوانی ملوث بود، یک خبرنگار از وی پرسید: «آقای رئیس جمهور! تو با کود گاو چی کار می‌کنی؟» جفرسن سرش را برگرداند و به او نگاهی کرده گفت: «پسر جان! آیا نمی‌دانی که این نوع باغبانی را گلپروری می‌گویند نه کود گاوی!» همه به قهقهه خندیدند. خبرنگار جدی دیگری از او پرسید: «آقای رئیس جمهور! اکنون که تقاعد نموده اید مهمترین دست آورد های تان چیست که آمریکایی‌ها شما را بیاد بیاورند؟» جفرسن از جایش برخاست، بالاپوش دراز اش را تکان داد و گفت: «می‌خواهم آنها مرا بخاطر سه کارم بخاطر داشته باشند: من اعلامیه استقلال را نوشتم، در تحریر قانون اساسی ما و تحریر لایحه حقوق شرکت نمودم و پوهنتون ویرجینیا را دیزاین و اعمار نمودم و من حیث رئیس آن پوهنتون کار نمودم.» سکوت حکمفرما شد، خبرنگار در ادامه پرسید: «تنها همین سه چیز؟ اما مهمتر از همه شما سومین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا، اولین وزیر خارجه، معاون رئیس جمهور نماینده در کانگرس، گورنر ویرجینیا و سفیر به فرانسه بودید!» جفرسن بعد از چند ثانیه سکوت گفت: «خوب پسر جان! تو پرسیدی که من کدام یک از بیشترین ارزش‌ها را دارم، همین‌ها اند.»<sup>[۴]</sup>

<sup>۱</sup> - Sarah "Sally" Hemings : سارا سالی همینگز : کینز دو نژاده (سیاه و سفید پوستی) بود که تامس جفرسن مالکش بود. مطالعات عصر امروز نشان میدهد که جفرسن با وی روابط جنسی داشته و پدرش طفل این کنیز بوده است. م

<sup>۲</sup> - Jefferson's Monticello, next to Scottsville, V

<sup>۳</sup> - Jefferson's Monticello

<sup>۴</sup> - Wikipedia. Internet



جان آدمز : نقاشی بوسیله گیلبرت سٹیوارت سی. ۱۸۰۰ - ۱۸۱۵ (۱۷۳۵ - ۱۸۸۶)

"اگر ازادی برای یکبار از دست رفت، برای ابد از دست میرود [۱]"

جان آدمز : دومین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا

---

<sup>1</sup> - FoundingFathersQuotes.com



## جان آدمز : (۱۷۳۴ - ۱۸۲۶)

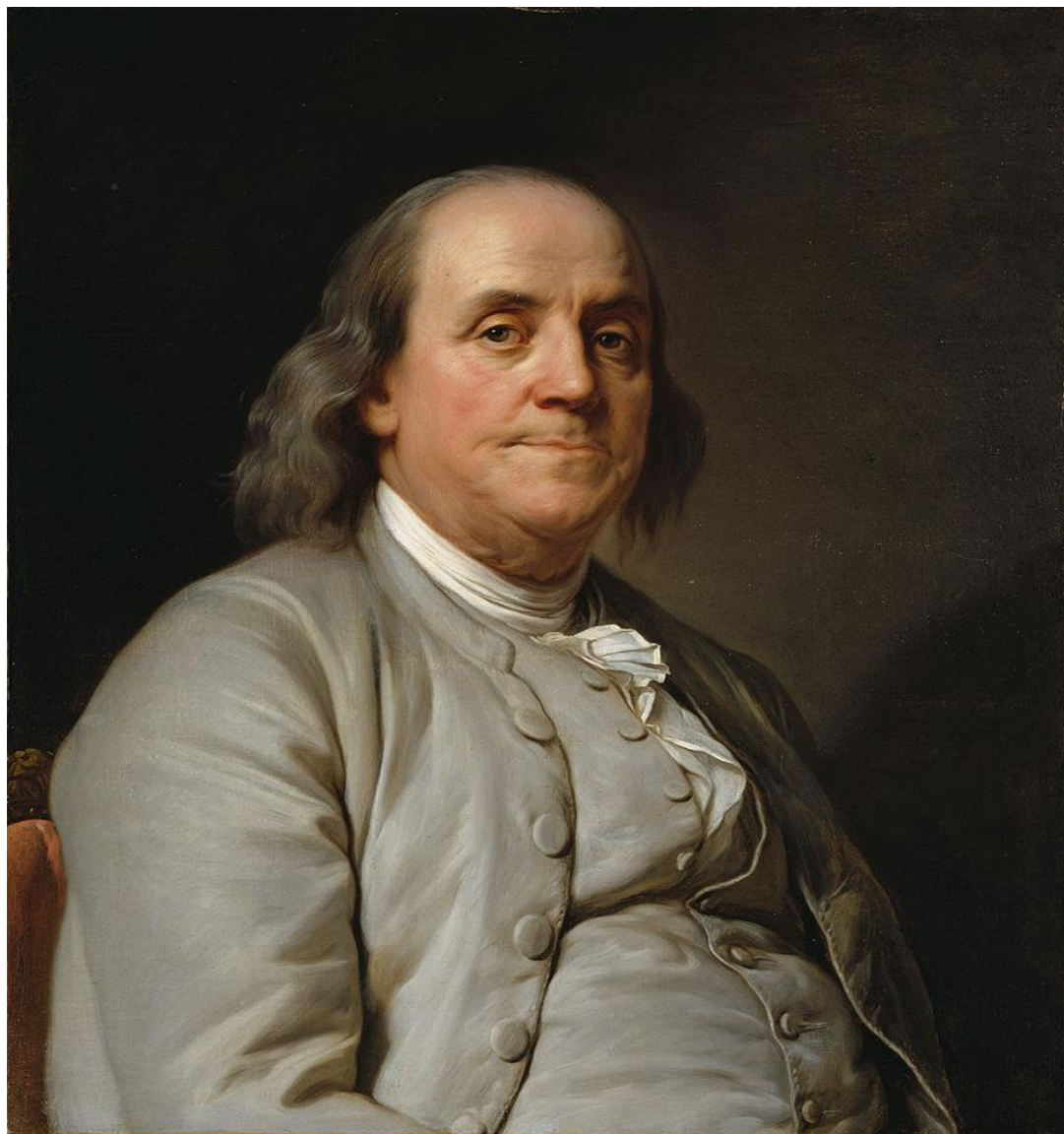
جان آدمز از ماساچوست از خانواده "تطهیریه [۱]" بود و در رشته حقوقی وکالت تحصیل نمود و پسان ها وکیل قانون اساسی شد. وی دومین رئیس جمهور، اولین معاون رئیس جمهور بود، نماینده به کانگرس قاره بی، سفیر به انگلستان، سفیر به هالند، نماینده به فرانسه بود و هم منحنیث رئیس کمیته نیروی بحری که خودش آنرا تأسیس کرده بود، خدمت نمود. وی قانون اساسی ماساچوست را نوشت، در مسوده اعلامیه استقلال با جفرسن شرکت کرد و مقاله خود را به عنوان "افکار در مورد دولت" نوشت که بر قانون اساسی ایالات متحده امریکا تأثیر زیادی گذاشت. وی برای یک دوره رئیس جمهور شد، معاقب آن رقیب وی جفرسن رئیس جمهور شد ولی بعداً تا اخیر حیات با هم دوستان خیلی نزدیک شدند. هر دو دوست خوب تا روز های اخیر زندگی شان مدام با هم ارتباط برقرار میکردند و تلاش زیاد می نمودند تا برای آخرین بار در زندگی شان برای چهارم جولای سال ۱۸۲۶م (روز اعلامیه استقلال امریکا) که مصادف با پنجاهمین سالگرد روز اسقلال امریکا بود زنده بمانند. هر دو به همین روز از دنیا رفتند، تو گویی آنها برای جشن ابدی "ارزشمند ترین و بالاترین هدف پراگماتیک بشریت برای زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی" اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا چیزی که کمتر از مختصرترین تعریف دیموکراسی نیست، وفات نمودند.

آدمز یکی از اولین میهن پرستان امریکایی بود، مقالات او در روزنامه بوستون منتشر میشد و بزودی در سال ۱۷۶۸م در کرونیکل لندن مقالاتش تحت عنوان "احساسات واقعی امریکا" و "رساله در باب توپ و قانون فنوئودال [۲]" دوباره چاپ شدند، و این در واقع مقاومت در برابر تصویب قوانین برتانیه و برعلیه مستعمرات انگلیس بود. او به عنوان یک انقلابی در سال ۱۷۷۳م از گردهم آیی "جشن چای بوستون" به عنوان "بزرگترین رویداد" یاد کرد که خودش آنرا تحت نام "حمله نا به هنگام وطن پرستان" تنظیم کرده بود، درین روز آدمز لباس سرخپوستان هندی «موهاوک» را به تن کرد و ۳۴۲ قطعی چای را در دریا ریخت که متعلق به شرکت کمپنی شرق الهند برتانوی بود، وی با این کارش به عنوان محرک جنگ استقلال قلمداد شد. آدمز در سال ۱۷۷۵م برای تشویق اتحاد ایالات مهاجرنشین، جنرال جورج واشنگتن را به عنوان ستر درستی از نامزد کرد. او سپس در اطراف بوستون گردهم آیی را دایر و در آن "مهارت و تجربه" واشنگتن و "شخصیت جهانی عالی" او را ستود. وی با نماینده کانگرس تامس جفرسن از ویرجینیا دوست شد و قطعنامه "لی" را تأیید کرد: "این ایالات مهاجرنشین حق دارند و باید حق داشته باشند که ایالات آزاد باشند." آدمز سپس کمیته پنج نفره را برای تدوین "اعلامیه استقلال" سازماندهی و انتخاب کرد. وی برای انجام این کار خود، تامس جفرسن، بنجامین فرانکلین، رابرت. ر. لیوینگستن و راجر شرمز را انتخاب کرد. جفرسن میخواست، آدمز این سند را بنویسد، اما آدمز "کمیته" را برای انتخاب جفرسن متقاعد کرد. جفرسن با کمال تعجب پرسید: "چرا نمی خواهید؟ شما باید آنرا انجام دهید." آدمز پاسخ داد که برای آن دلایل کافی دارم. جفرسن پرسید دلایلیش چه می تواند باشد؟ آدمز با قاطعیت گفت: "اولین دلیلش این است که شما ویرجینیایی استید و ویرجینیایی

<sup>۱</sup> - Puritan: پیوریتان ها یک گروه مذهبی مسیحی پروتستان های انگلیس در قرون ۱۶ و ۱۷ بودند که هدف شان تطهیر و پاکسازی کلیسای انگلستان از شیوه های کاتولیک رومی بودند و معتقد بودند که کلیسای انگلستان بطور کامل اصلاح نه شده است و باید بیشتر پروتستانت شود. پیوریتانیزم در تاریخ انگلستان نقش مهمی ایفاء کرده است. م

<sup>۲</sup> - Cannon and Feudal Law

باید در رأس این کار قرار گیرد. دلیل دوم این است که بی نهایت ناگوار، مشکوک و نا محبوب استم. شما خیلی غیر این استید، دلیل سوم آنست که شما می توانید ده برابر بهتر از من بنویسید. جفرسن با تردید گفت: " خوب اگر شما تصمیم گرفته اید، من تا آنجا که می توانم این کار را انجام خواهم داد." این دو دولتمرد بزرگ که تا حدودی در عده از مسائل سیاسی و اجتماعی – فلسفی باهم مخالف بودند، هیچ مشکلی برای غلبه بر احساس رقابت یا اختلاف نظر، نداشتند. نویسنده این قسمت های تاریخ را به دلیلی انتخاب کرده است تا به خوانندگان نشان دهد که بنیانگذاران دیموکراسی امریکایی چقدر عمیق فکر و از خود گذر بودند که خود مبدل به ندای جهانی برای بشریت شدند. [۱]



بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶ – ۱۷۹۰)

---

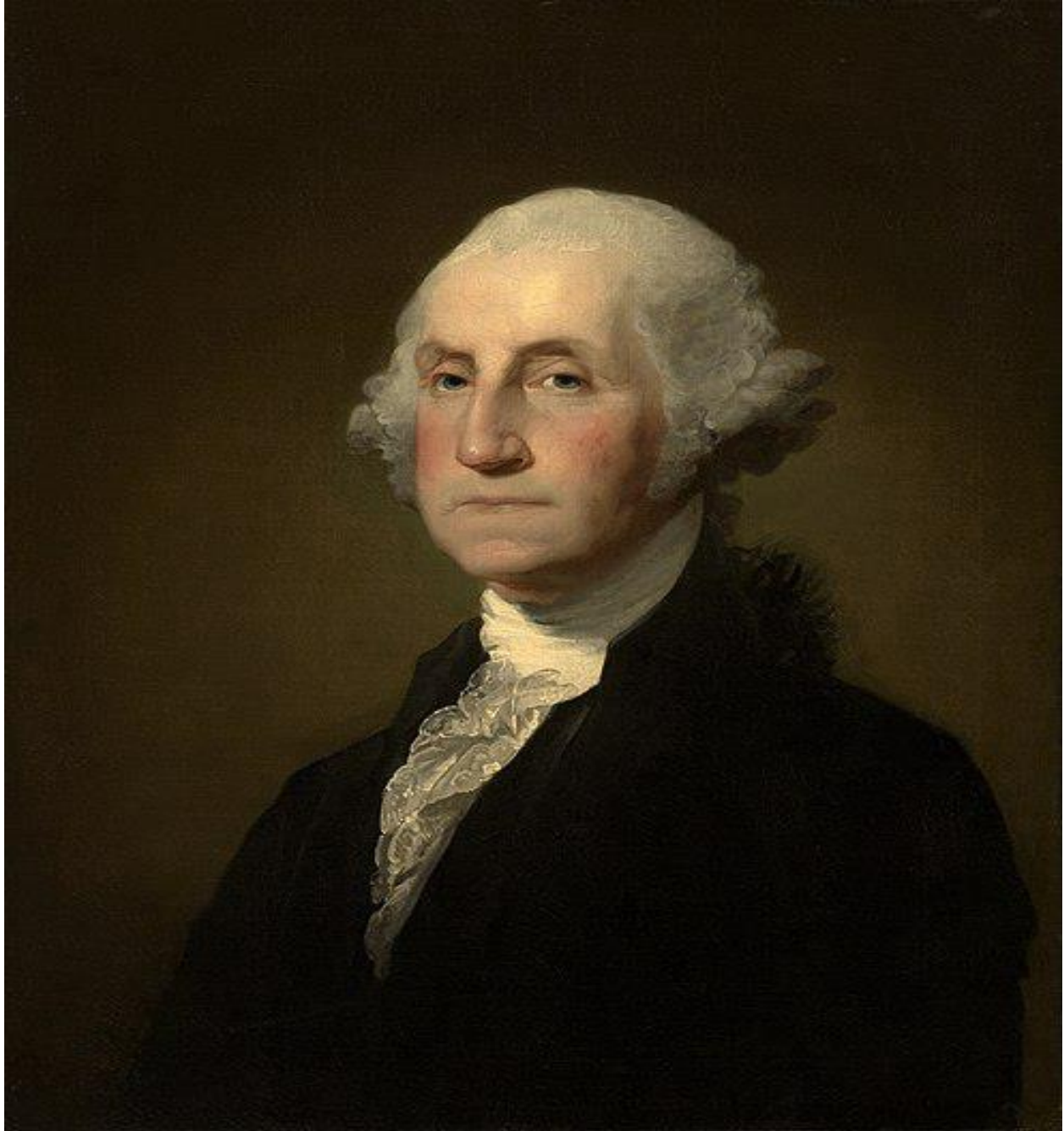
<sup>1</sup> - Wikipedia. Internet

## بنجامین فرانکلین (۱۷۰۶ - ۱۷۹۰)

بنجامین فرانکلین در بین نیاکان امریکایی مسن ترین شان بود که در بوستون متولد و در فیلادلفیا زندگی کرد، وی بحرالعلوم، نویسنده، دانشمند، مخترع، ناشر و فیلسوف سیاسی بود. وی نه تنها در امریکا بلکه در اروپا نیز یکی از روشنفکران برجسته "عصر روشنگری" بود. بنجامین فرانکلین در تاریخ ساینس به عنوان مخترع (میلۀ مانع صاعقه بر بلندای منازل)، عینک های دو عدسی، منقل فرانکلین و غیره و با کشف و تیوری های مربوط به الکتریسیته مرتبط، ثبت شده است. او برای اتحاد مستعمره امریکا با خستگی ناپذیری کار کرد و به عنوان "اولین امریکایی" شهرت یافت. او به عنوان یک امریکایی بزرگ شناخته میشود که اخلاق امریکایی را در ترکیب ارزشهای علمی صرفه جویی، کار سخت، تحصیلات، روح جامعه، نهاد های خود گردان ایجاد کرد، وی شدیداً مخالف استبداد مذهبی و سیاسی بود و با ارزشهای شکیبای عصر " روشنگری" و علمی خود آبدیده شده بود. والتر آیزکسن در نوشتن بایوگرافی فرانکلین در سال ۲۰۰۳م وی را چنین ستوده است: "مؤفق ترین امریکایی در عصر خود و تأثیر گذار ترین فرد در اختراع نوع جامعه ای بود که به امریکا تبدیل شد." وی چندین پوست دولتی را احراز کرد از جمله ششمین گورنر پنسلوانیا، سفیر به سویدن و فرانسه، اولین مدیر عمومی پوست ایالات متحده امریکا، مدیر عمومی پوست برتانیه - امریکا، سخنگوی اسامبلی پنسلوانیا و مؤسس و بنیادگذار پوهنتون پنسلوانیا. جالب است بدانید که فرانکلین نیز از یک خانواده «تطهیریه» بود و به عنوان یک دین گرای اخلاق گرا زندگی میکرد.[۱]

---

<sup>1</sup> - Wikipedia. Internet



صورت نگاری : بر اساس صورت نگاری نامکمل آنتنیوم بوسیله گلبیریت سیتواریت ۱۷۹۶  
اولین رئیس جمهور ایالات متحده امریکا جورج واشنگتن (۱۷۹۷ - ۱۷۸۹م)  
"وی به امریکایی ها در مورد اختلافات حزبی و جناح گرایی هشدار میدهد"

ششم : نقش جیورج واشنگتن (۱۷۳۲ - ۱۷۹۹م)

## پدر ملت

ما که در آستانه ورود به تاریخ دو صد و چهل و پنج ساله دیموکراسی امریکایی قرار داریم، در پنج هزار سال گذشته تاریخ جهان، هیچ دیموکراسی کارا و بهترتر از دیموکراسی امریکایی را پیدا کرده نمی توانیم. این دیموکراسی جدید جهانی، با موافقت نظر با اکثریت محققان، در سال ۱۷۷۶ با اعلامیه استقلال ایالات متحده و قانون اساسی ایالات متحده امریکا که در سال ۱۷۸۷ تصویب شد، در پیشگفتار تکان دهنده خود دیموکراسی واقعی را " ما مردم" اعلام کرد. برخی از دانشمندان آغاز تقویم دیموکراسی امریکا را از ۱۷ سپتمبر سال ۱۷۹۶ م می دانند. در روز سخنرانی تودיעی اولین رئیس جمهور امریکا، صدای جورج واشنگتن به هفده فیصد نفوس رسید که در آنزمان نفوس چهل میلیونی امریکایی بود. او را پدر ملت، پدر سخنگیر اما مهربان می دانند که ارتباطات نزدیک خود را برای تبادل نظریات با تمام نیاکان امریکا حفظ کرده بود. واشنگتن را به احتمال زیاد یکی از پخته ترین، متجرب ترین، داناترین، شجاع ترین و بزرگوار ترین رهبر اگر نه در سطح جهان حداقل در نیمکره غربی می پندارند. بدون تردید توصیه ها و دستورات وی به گفته برخی از محققان " بیش از آنچه که واشنگتن می توانست تصور کند بر تاریخ امریکا تأثیر گذاشته است." جورج واشنگتن بود که این دیموکراسی جدید، این جمهوری جدید را خیلی عالی تعریف کرد، این واقعاً یک آزمایش بود. این مشهور ترین و مهمترین سخنرانی در تاریخ امریکاست و تنها تا "سخنرانی گتیسبورگ" ابراهام لینکلن نفر دوم شناخته میشود. ذیلاً شما می توانید تجزیه و تحلیل مؤلف را از میان مهمترین نکات این گفتار مهم تاریخی بطور خلاص بیابید :

( ۱ ) او در رابطه با نزاع ها و جناح بندی های حزبی هشدار میدهد؛

( ۲ ) او ما را در برابر نفوذ خارجی یا درگیری های خارجی هشدار میدهد؛

( ۳ ) او خواهان اخلاق و حسن نیت در همه امور اجتماعی بود. علی الرغم آنکه بسیاری می خواستند او رئیس جمهور مادام العمر شان باشد ولی این مرد بزرگ در همین سخنرانی خود اعلام کرد که دو دوره ریاست جمهوری برایش کافی بود؛ حتی یکعهده می خواستند که پادشاه گردد!

( ۴ ) وی تأکید کرد : "وحدت دولت است که شما را ملت واحد می سازد و اکنون باید برایتان همچنان عزیز باشد... زیرا این ستون اصلی در زیر بنای ساختمان استقلال واقعی شماست، پشتیبان شما در داخل، به صلح شما در خارج از کشور است؛ برای امن شماست، برای حفاظت از جای و جایداد شما ؛ و برای حفاظت از همان آزادی است که شما به آن بلندترین ارزش را قایل اید؛ شما باید ارزش عظیم اتحاد ملت تانرا بخاطر سعادت جمعی و فردی به درستی حدس بزنید (تکیه بر کلمات از مؤلف است)

( ۵ ) " از این رو، همچنان مردم از ضرورت مؤسسات نیروی های نظامی که رشد کرده اند اجتناب خواهند کرد ... که باید به آزادی جمهوری خواهان بصورت خاص خصمانه تلقی شوند... تداوم اتحاد به عنوان اصیل ترین آرزوی انعطاف ناپذیر

وطنپرستانه ... خود، اندیشه قدرت و حق مردم برای ایجاد حکومت مستلزم وظیفه هر فرد برای اطاعت از دولت مستقر است...

۶) "من قبلاً با اشاره به تأسیس آنها بر اساس تبعیض جغرافیوی، خطر «تحرز» (یا حزبی شدن) دولت را به شما گوشزد کرده‌ام... تسلط متناوب یک جناح بر جناح دیگر، روحیه انتقام را، که در اختلافات حزبی قاعده طبیعی است، شدت بخشیده و در اعصار و کشور های مختلف مرتکب وحشتناکترین جنایات ها شده، که خود یک استبداد هولناک است.

۷) "نابسامانی ها و بدبختی های که ناشی از آن میگردد به تدریج ذهن انسان را به آن وا می دارد تا در جستجوی امنیت در ید قدرت مطلقه فردی میلان پیدا نماید؛ و دیر یا زود، رهبران یا رؤسای عده از جناح های غالب، ... همین میلان را به نفع تعالی اهداف خود، بر روی ویرانه های عمومی می چرخاند...

۸) "این واقعیت مسلم است که فضیلت یا اخلاق سرچشمه ضروری یک حکومت مردمی است... بنابراین به عنوان موضوع با اهمیت اصلی، مؤسساتی را برای اشاعت عمومی دانش ارتقاء دهید... ضروری است که افکار عمومی باید روشن شوند...."

۹) "حسن نیت و عدالت را نسبت به همه ملت ها رعایت کنید؛

۱۰) ... با دین و اخلاق صلح و هماهنگی را پرورش دهید و با همین دستور عمل کنید... این شایسته یک روشنفکر آزاد است، و در مدت نه چندان دور یک ملت عظیم، نمونه و مثال بزرگ و بدیع را به بشریت ارائه خواهد کرد که همواره با عدالت و خیر خواهی والا هدایت میشوند."

۱۱) ... "ملتی که نسبت به دیگری نفرت همیشگی یا علاقه دائمی دارد، تا حدودی برده است. او برده دشمنی یا محبت خود است، و یکی از اینها کافیت تا او را از وظیفه و منافع خود منحرف سازد."

۱۲) ... راه های نفوذ خارجی به طرق بیشماری وجود دارند، چنین دلبستگی ها برای یک میهن پرست واقعاً روشنفکر و مستقل نگران کننده است... چنین وابستگی یک ملت کوچک یا ضعیف به ملت بزرگ و نیرومند است که کشور ضعیف را مبدل به قمر کشور نیرومند و ملت نیرومند را دچار عقوبت می کند."

۱۳) ... "قاعده بزرگ رفتار ما در ملت های بیگانه گسترش روابط تجارتي ماست و تا حدیکه ممکن است باید با آنها ارتباط سیاسی کمتر داشته باشیم."

۱۴) ... رفتار بی طرفانه ممکن است بدون هیچ چیزی بیشتر از تعهدی استنباط شود که عدالت و بشریت بر هر ملتی تحمیل می کند، در مواردی که در آن آسیبی نیست باید اقدام به چنان عملی کنیم که روابط صلح آمیز و مؤدت نسبت به سایر ملل حفظ گردد. [۱]، [۲]، [۳]، [۴]، [۵]

---

<sup>1</sup> -Ditto.

<sup>2</sup> -Washington's Farewell Address, 108 th Congress, Second Session. Senate Publication No. 108-21, Washington, 2004.

<sup>3</sup> -"Washington's Farewell Address". University of Virginia, Charlottesville, Virginia: Papers of George Washington. Retrieved August 4, 2017.

<sup>4</sup> -Elkins, Stanley; McKittrick, Eric. *The Age of Federalism: The Early American Republic, 1788-1800*. Oxford University Press. pp. 489-499. ISBN 978-0-19-509381-0. 1995.

<sup>5</sup> -"A Brief Biography of George Washington". Mountvernon.org. Archived from the original on August 23, 2011, Retrieved September 19, 2009.



دیموکراسی امریکایی ترکیبی است  
از دیموکراسی های آتن و روم



جورج واشنگتن قانون اساسی ایالات متحده آمریکا را امضاء می کند

۱۷ سپتمبر ۱۷۸۷ : اچ. سی : کریستی پبلیک



## فصل چهارم

### اولین جمهوریت فرانسه

اول : ایدیالوگ های دیموکراسی فرانسه

رنه دکارت (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰)

این کتاب را ما با فیلسوفان آتن شروع کردیم، حال لازم است از دکارت به عنوان پدر فلسفه عصر جدید یاد کنیم. همچنین باید از او به عنوان پدر "عصر خرد" هم یاد کنیم که روش مبتنی بر استفاده از قدرت استدلال را بعنوان ابزاری برای کسب دانش آغاز کرد. شهرت دکارت بیشتر بخاطر بیان فلسفی او بود که اساس فلسفه خود را نشان میداد: "من فکر می کنم، بنابراین این من هستم" (در اصل بزبان فرانسوی است اما بیشتر با لاتین آن شناخته میشود: "Cogito, ergo sum"). دکارت مکتب فکری تجربوی را ایجاد کرد که با هابس، لاک، برکلی و هیوم موافق بود. شک و تردید او به فیلسوف یونانی سکستوس امپیریوس<sup>[۱]</sup> (قرن سوم میلادی) بر می گردد. این قلم، همچنان می خواهد به خوانندگان یاد آوری نماید که *افلاطون، برجسته ترین فیلسوف عصر باستان به این عقیده بود که شکل، قبل از کار کرد و یا "ایده" یا مفهوم مقدم بر ماده فیزیکی تشکیل شده است!* "نیروی حیات مقدم بر شکل مخلوقش است!" شاید به همین دلیل باشد که پیچیده ترین موجود، یعنی انسان، دارای دو بُعد میتافیزیکی و فیزیکی است.<sup>[۲]</sup> برای اولین بار در تاریخ، یک مکتب فلسفی بسیار منظم "عقل گرایی مدرن" تأثیر عمیقی بر اندیشه مدرن غربی وارد کرد. هر دو فیلسوف دکارت و اسپینوزا که در زمان جمهوری هالند زندگی می کردند، تفکر سبک دکارتی و تفکر سبک اسپینوزا و بعد ها لایبنیز دروازه های "عصر خرد" را گشودند. <sup>[۳]</sup>، <sup>[۴]</sup>، <sup>[۵]</sup>

<sup>1</sup> - Sextus Empiricus

<sup>2</sup> - Nadler, Steven. 2015. *The Philosopher, the Priest, and the Painter: A Portrait of Descartes*. Princeton University Press. ISBN 978-0-691-16575-2.

<sup>3</sup> - Moorman, R. H. "The Influence of Mathematics on the Philosophy of Spinoza." *National Mathematics Magazine* 18(3):108-15. 1943.

<sup>4</sup> - Lutz, Donald S. Relative Influence of European Writers on Late Eighteen-Century on American Political Thought. *American Political Science Review*; 78 (1): 189-97, 1984.

<sup>5</sup> - Pocock, D.F. *Contributions to Political Theory in Eighteen-Century*. Social Anthropology J.: Sheed & Ward. London, New York, NY. 1961.

او را تنها بنام مونتسکیو یاد میکردند؛ وی در خانواده‌ی از اشراف «بور دو» [۲] در فرانسه چشم به جهان گشود. مونتسکیو ابتداءً منحصراً قاضی کار کرد و بعد قیمومیت‌دار کاکایش «بارون مونتسکیو» شد که بعد از مرگش تمام دارایی‌ها و القاب او را بشمول لقب [۳] او در پارلمان «بور دو» هم به میراث گرفت. وی به مدت یک سال تا هجده ماه فی‌الترتیب در ایتالیا و انگلستان زندگی کرد. مشهورترین اثر وی «روح القوانین» است که در سال ۱۷۴۸ م به نام ناشناس نشر شد و بوسیله «تامس نوجنت» در سال ۱۷۵۰ م به انگلیسی ترجمه شد. کلیسای کاتولیک این کتاب و دیگر آثار او را در طول سالهای «۱۷۱۲ - ۱۷۷۸» ممنوع کرد. دولت برتانیه تفکیک قوای ثلاثه را به درستی توصیف نه کرده است، اما امکان دارد که نویسندگان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا قسمی از آن الهام گرفته باشند. در بسیاری از قوانین اساسی سرتاسر جهان، منبع اصلی تیوری تفکیک قوای ثلاثه تطبیق شده است. دانشمند علوم سیاسی «نونالد لوتز (۱۹۸۴)» می‌گوید که تیوری تفکیک قوای مونتسکیو و اختیارات حکومت و سیاست در امریکای برتانوی پیش از انقلاب استعماری، بیش از هر منبع دیگر بجز از انجیل، توسط بنیانگذاران امریکایی مورد استناد قرار گرفته است. [۴] پس از جنگ استقلال امریکا، کتاب مونتسکیو به عنوان یک منبع نیرومند برای بسیاری از بنیانگذاران امریکایی باقی ماند، مهم اینکه برای «پدران قانون اساسی» جمیز مدیسن و تامس جفرسن که هر دو از ویرجینیا بودند بزرگترین منبع بود.

مونتسکیو در کتاب در کتاب دوم روح القوانین خود - در مورد حکومت جمهوری - و قوانین، در رابطه به دیموکراسی - با این عبارات صحبت می‌کند: «وقتی بدنه از مردم دارای قدرت عالی باشد، به آن می‌گویند دیموکراسی. [۵] این عبارت درک ما را از دیموکراسی در قرن بیست و یکم روشن نمی‌سازد. ما در بخش دیگر این کتاب در باره مهم‌ترین موضوع "فلسفه دیموکراسی" بحث خواهیم کرد.

به قول «دی. اف. پوکوک [۶]»، «سوشیل انتروپولوژیست»، «روح القوانین مونتسکیو "اولین تلاش مداوم برای بررسی انواع جوامع بشری بود تا آنها را طبقه بندی، مقایسه و عملکرد متقابل نهادها را در درون جامعه مطالعه کند» [۷]. بسیاری از مطالعات مونتسکیو را در کتاب معروف وی اولین مطالعات در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، انتروپولوژی و روان‌شناسی اجتماعی

1 - Baron de La Brède et de Montesquieu

2 - Bordeaux

3 - président à mortier in the Bordeaux Parliament

4 - Lutz, Donald S. Relative Influence of European Writers on Late Eighteen-Century on American Political Thought. American Political Science Review; 78 (1): 189-97, 1984.

5 - Pocock, D.F. Contributions to Political Theory in Eighteen-Century. Social Anthropology J.: Sheed & Ward. London, New York, NY. 1961.

6 - social anthropologist D. F. Pocock

7 - Montesquieu, *The Spirit of the Laws*, Book 11, Chapter 6, "Of the Constitution of England." Archived 28 September 2013 at the Wayback Machine Electronic Text Center, University of Virginia Library, Retrieved 1 August 2012

می دانند! ناقوس فلسفه مونتسکیو در انقلاب ۱۷۹۳ فرانسه به صدا درآمد: "دولت باید طوری تنظیم گردد که هیچ انسانی از انسان دیگر نترسد!" [۱]، [۲]

## ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸)

روسو بسیار خوش چانس بود که در کانتون فرانسوی زبان ژنوا سوئیس متولد شد، جایی که همه شهروندان مردینه بالغ می توانستند به یک دولت نماینده رأی بدهند. وی فیلسوف، نویسنده و کمپوزر با فلسفه سیاسی شد که بر پیشرفت "عصر روشنگری" در سرتاسر اروپا و همچنان ابعاد خاصی از انقلاب فرانسه و توسعه تفکر سیاسی، اقتصادی و افکار آموزشی معاصر تأثیر گذاشت [۳]. کتاب های وی "سخنی در باب نابرابری" و "قرار داد اجتماعی" به عنوان سنگ بنای اندیشه سیاسی و اجتماعی معاصر محسوب میشود. مقاله روسو در مورد "گفتمان در مورد اقتصاد سیاسی" (۱۷۶۲) [۴] که در دایرة المعارف معروف «دیدروت» به چاپ رسید که با این عبارات چشمگیر آغاز میشود: "انسان آزاد خلق شده ولی در همه جا بسته به زنجیر است. آنانیکه خود را ارباب دیگران می پندارند در واقع برده های بزرگتری از آنها هستند." این گفتار شیپور انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و تأسیس اولین جمهوریت فرانسه در سپتمبر ۱۷۹۲ م شد. در دوران سلطه وحشت انقلاب (۱۷۹۳-۱۷۹۴) روبسپیر و سنت ژوست که خود را از نوشته های روسو الهام پذیر می دانستند منجر به کشته شدن ۴۰۰۰۰ نفر بشمول پادشاه و ملکه، تعداد زیادی از اریستوکراتان و یک شاعر بزرگ شد!

دانشمندان شک دارند که اندیشه های روسو بر انقلاب اولیه آمریکا و پدران بنیانگذار آمریکا تأثیر گذار بوده باشند. ولی انها همه به این دلیل ذاتی و مشهود مشترکاً معتقد بودند که "همه افراد برابر خلق شده اند" و این نظریات شان تا حدودی شبیه مفاهیم "اراده عمومی" و "رفاه عمومی" روسو بود که در قانون اساسی ایالات متحده آمریکا ذکر شده است. لازم به ذکر است که علی الرغم ارتباط تنگاتنگ جفرسن با فرهنگ فرانسه، همه اجداد امریکایی بدون استثنا از انقلاب خونین و خارج از کنترل فرانسه دلسرد و خاموش شدند! این قلم ملنفت نکته جالبی شده است که روسوی متولد سوئیس به شدت از اقتصاد سوئیس و کورسیکا، خانه های مستقل روستایی و شبیه نظامیان کانتونهای سوئیس که دارای نظم و ترتیب بودند، تمجید می کند. [۵]

<sup>1</sup> - Montesquieu, Jean-Jacques. David W. Carrithers (ed.). *The Spirit of the Laws: A Compendium of the First English Edition*. Berkeley: U California, 1977.

<sup>2</sup> - Ousselin, Edward (2009). "French Political Thought from Montesquieu to Tocqueville: Liberty in a Levelled Society? (review)". *French Studies: A Quarterly Review*. 63 (2): 219. doi:10.1093/fs/knn212. S2CID 143571779

<sup>3</sup> - Ousselin, Edward (2009). "French Political Thought from Montesquieu to Tocqueville: Liberty in a Levelled Society? (review)". *French Studies: A Quarterly Review*. 63 (2): 219. doi:10.1093/fs/knn212. S2CID 143571779

<sup>4</sup> -Rousseau, Jean-Jacques *The Social Contract and The First and Second Discourses*. Susan Dunn (ed.): Yale University Press, Vail-Ballou Press, 2002.

<sup>5</sup> - Ditto.

## دوم : انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹)

بسیاری از دانشمندان معتقد اند که انقلاب فرانسه تا حد زیادی مدیون " عصر خرد" و " عصر روشنگریست" که کتابها و نوشته های آن عصر منجر به گشودن دروازه های دیموکراسی، مشروطه خواهی، اعلامیه حقوق انسان و حقوق شهروندان، حق رأی، قوای مستقله ثلاثه دولت، فلسفه عقلانیت و نتیجه سازنده آنها منجر به دولت مردم، توسط مردم و برای مردم شد.

بدون تردید که این انقلاب کامگار امریکا علیه بزرگترین قدرت جهان بود که با ایجاد مدل دیموکراسی جمهوری پیشگام اعلامیه حقوق بشر توسط سازمان ملل متحد شد. به همین دلیل است که امروز پس از دو قرن، بشر در آستان زیباترین سیاره ایستاده است که عاقل ترین موجودات این جهان را در خود دارد؛ ما باید قدردانی از بزرگترین هدیه بشریت یعنی از دیموکراسی های گذشته، حال و ... دیموکراسی کاملتر در آینده داشته باشیم. [۱]، [۲]، [۳]

**چهارمین انقلاب جمهوریت فرانسه (اکتوبر ۱۹۴۶ - اکتوبر ۱۹۵۸).** پنجمین جمهوریت فرانسه (اکتوبر ۱۹۵۸ که از نوع حکومت پارلمانی - به جمهوریت ریاست جمهوری کنونی تعدیل شد).

---

<sup>1</sup> - Tomaselli, Sylvan. The Spirit of Nations. In Mark Goldie & Robert Walker, Eds., The Cambridge History of Eighteen-Century Political Thought: Cambridge University Press, 2006.

<sup>2</sup> - Zikria, B.A. One Home, One Family, One Future: That's one small step for man, one giant leap for Mankind: Author House, IN, USA, 2010.

<sup>3</sup> - Zikria, B.A. Wars Without End: A New Mechanism for World Peace and the Role of Covid-19 in 2020s. Xlibris. IN, USA, 2020.

## فصل پنجم

### سائر دیموکراسی های کارا

در تحقیقات ما برای عملکرد بهتر دولت دیموکراتیک در سراسر جهان، این سؤال مطرح شد که " کدام کشور در جهان دارای حاکمیت کامل با اصول دیموکراتیک، رفاه و خوشبختی است؟ " در کتاب سال ۲۰۲۰ این قلم معنون به " جنگهای بی پایان : میکانیزم جدید برای صلح جهانی " [۱]، تاریخ جنگ و صلح کشور ها مقایسه شده است. جالب است بدانید که سوئیس و ایالات متحده آمریکا در بسیاری از سطوح قابل توجهی نورم های فوق با هم شبیه بوده اند. سوئیس بدون تردید منحصیث یکی از کشور های کوچک، موفقیت فراسیون کانتون های مستقل (ایالات) خود را مدیون بی طرفی دائمی خود و مردم سخت زحمت کش خود می داند. از جانب دیگر، در حالی که ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بزرگترین، ثروتمند ترین و نیرومند ترین قدرتهای نظامی جهان است به احتمال زیاد موفقیت آن بر می گردد به قانون اساسی و دیموکراتیک آن، به آرمانهای دیموکراتیک آن، به منابع طبیعی آن، و مهمتر از هر چیز دیگر منابع بشری آن، ملتی جدیدی که ادغام هر نژاد، دین، فرهنگ و قومیت را در آن می بینید. امریکایی ها مردمان بسیار سخت کوش و مدبر بوده اند که برای وحدت بیشتر تلاش کرده اند، وحدتی که توسط نیاکان شجاع و خلاق شان آغاز و آرزوی زندگی با آزادی و شادی را برای همه داشتند. شکی وجود ندارد که دیموکراسی ایالات متحده آمریکا یکی از بهترین دیموکراسی های فعال تا امروز بوده است. با کمال تعجب می بینیم که مردم سوئیس که کشور کوچکی دارند در رتبه بندی بهترین ها، به درجه دوم قرار دارد! بنابر این دشوار نیست که بفهمیم هر دو ملتی که استقلال کامل، حقوق و آزادی خود را طی بیشتر از دو صد سال حفظ کرده اند باید یکدیگر را بهتر بشناسند و باید تبادل افکار بیشتری داشته باشند. وقتی قانون اساسی سوئیس را مطالعه می کنیم متوجه می شویم که این تنها دیموکراسی دیگری است که بیشترین شباهت را با دیموکراسی امریکایی و دولت آن دارد. ما به وضوح میدانیم که آنچه دولت هر کشوری و دیموکراسی آن را به بهترین شکل آن منعکس می کند، قانون اساسی و نهاد های دیموکراتیک آن است.

### اول : دیموکراسی سوئیس

ما در کتاب خود معنون "جنگهای بی پایان : میکانیزم جدید برای صلح جهانی" چاپ ۲۰۲۰م، تاریخ سوئیس را مورد بحث و بررسی قرار دادیم و چنین نتیجه گرفتیم: " بیش از دو صد سال است که سوئیس به آرامش و امنیت دائمی برای شهروندان خود ادامه میدهد، و با توسعه صنایع خود در بخش های (کیمیای، ادویه سازی، ماشین آلات و لوازم تکنیکی، ابزار دقیق، ساعات، جواهرات، محصولات زراعتی، وسایل نقلیه، منسوجات، چرم، رابر و پلاستیک) قادر شده است که با ثروتمند ترین سرانه ناخالص داخلی (تولید ناخالص داخلی) خود، تقریباً در ردیف همسری با ایالات متحده آمریکا قرار گیرد. مهمتر از

<sup>1</sup> -Zikria, B.A. *Wars Without End: A New Mechanism for World Peace and Role of COVID-19 in 2020s*. Xlibris Publishers, Bloomington, IN, USA. 2020.

همه، در مقیاس شادی و خوشی، مردم سوئیس امروز پس از ناروی و دنمارک در تمام جهان در رتبه مسرورترین ملت جهان قرار دارد.[۱] ۲۰۷ سال شده است که نه خون خود و نه خون دیگران را ریخته است و به عنوان مروج صلح چنان نقشی را ایفاء کرده است که ژنو به پایتخت مذاکرات صلح و محل امضای مهمترین معاهدات مبدل شده است.

## قانون اساسی سوئیس

قبل سال از ۱۷۹۸م، کنفدراسیون سوئیس مجموعه‌ای از ایالات مستقل و یک کنفدراسیون پراکنده بود. در سال ۱۷۹۸ جمهوری هلوتی توسط ناپلیون بالای سوئیتزلند تحمیل شد که در واقع آنرا می‌توان تصویر اولین جمهوری فرانسه استنباط کرد. در سال ۱۸۱۵م جمهوری سوئیس به یک کشور مستقل خود مختار با داشتن قانون اساسی خاص مبدل شد و بی‌طرفی دائمی آن توسط قوت‌های عمده اروپائی تضمین شد. قانون اساسی اول تجدید نظر شد زیرا برای هر کانتون (ایالت - م) جدا بود، که در سال ۱۸۴۸م به قانون اساسی فدرال سوئیس مبدل گشت. در سال ۱۷۹۰م قانون اساسی دو مجلسه آن مجلس کانگرس را به عنوان شورای ملی و سنا را به عنوان شورای دولتی تأسیس کرد. متعاقب آن، این قانون اساسی از طریق ریفراندوم‌ها و اصلاحات در هر دو سطح فدرال و سطح کانتون (ایالات) به طور قابل توجهی اصلاح و بازنویس شد. مهمتر از همه در سال ۱۸۹۱م "حق ابتکار" وضع شد و این حق به ترتیبی است که یک تعداد مشخص از رأی دهندگان می‌توانند درخواست اصلاح ماده قانون اساسی را بدهند. قانون اساسی سال ۱۸۹۹م در اول جنوری سال ۲۰۰۰ عملی شد و از سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ ده تغییر دیگر در آن وارد شده است. مقدمه قانون اساسی سوئیس، مانند مقدمه قانون اساسی ایالات متحده آمریکا با بلند کردن دست دعا بسوی خداوند، بشمول "آزادی و دیموکراسی، استقلال و صلح در همبستگی" به اضافه "همبستگی و صداقت و باز بودن نسبت به جهان" و با اعلان زبانهای جرمنی، فرانسوی، ایتالی و رومانیایی به عنوان زبان‌های رسمی آغاز میشود. این "وحدت ما در تنوع ماست" که خود، عزم راسخ مردم سوئیس و کانتون‌های آنرا در احترام به همدیگر بیان می‌کند [۲].

در اینجا به عوض مرور قانون اساسی بسیار طولانی سوئیس که بعد از هند دومین قانون اساسی بزرگ است، توجه شما را به چند نکته برجسته آن معطوف میدارم:

۱) "نیروی مردم با رفاه و آسایش ضعیف‌ترین اعضای جامعه اندازه‌گیری میشود"

۲) پایداری نظم سوئیس (فدراسیون سوئیس) بر اساس اصل وحدت در تنوع استوار است و متعهد به تأمین آزادی و رفاه برای همه خصوصاً برای ضعیف‌ترین اعضای ملت سوئیس است.

۳) قانون اساسی سوئیس دارای ۱۹۶ ماده است (مواد قانون اساسی که در سال ۱۸۷۴ - ۱۲۳ ماده بود در سال ۲۰۱۴ تا به ۱۹۴ ماده بلند شد).

1 - Zikria, BA. Ditto.

2 - Kley, Andreas: *Federal Constitution in German, French and Italian in the online Historical Dictionary of Switzerland*, 2011.

۴) اگر در قانون اساسی اصلاح کلی و جزئی وارد گردد این پیشنهاد باید از طریق پارلمان فدرال سوئیس و یا از طریق حکم ماده (حق ابتکار) که در عقب خود حمایت ۱۰۰۰۰۰ رأی دهنده را داشته باشد صورت می‌گیرد.

۵) قانون اساسی ۳۴ حق مردم را اعطاء و تضمین می‌کند: کرامت انسانی، برابری، دین و آداب و رسوم، آزادی بیان، آزادی رسانه، انجمنها، سکونتگاه، دارائی، آزادی اقتصادی، تحفظ قضائیی، شهروندی و حقوق سیاسی و غیره.

۶) اهداف اجتماعی: "مزید بر این هم فدراسیون و هم کانتون هر دو سعی می‌کنند تا هر فرد از مصونیت اجتماعی، بیمه اجتماعی که دربرگیرنده کبر سن، ناتوانی ها یا معیوبیت جسمانی، مرضی، تصادم در حوادث، بیکاری، زایمان، یتیمی اطفال و بیوه گی اند، برخوردار باشد.

۷) "سوئزرلند از (۱۲۹۱ میلادی) یک کشور جمهوری بود. اکنون توسط جمعی از هفت عضو اداره می‌شود که اعضای آن توسط دو مجلس نمایندگان پارلمان فدرال سوئیس انتخاب میشوند."

۸) "سوئیس مأمّن دیموکراسی مستقیم بوده است. «زورچر» به صراحت نوشت: "سوئزرلند و دیموکراسی در سالهای اخیر باهم تقریباً مترادف شده اند." از سال ۱۸۴۸م به بعد به عنوان یک دیموکراسی مستقیم از طریق ابزار مدرن قانون مستقیم یعنی- "ریفراندوم و "حق ابتکار" کار میکند. [۱]

۹) مشخصات فدرال: اول: وضعیت غیر مستقل بودن کانتون ها، دوم: برتری قانون اساسی سوئیس، سوم: موجودیت یک قانون اساسی مکتوب خیلی محکم و سخت که بر تقسیم قواء بین فدراسیون سوئیس و کانتون ها اثر می‌گذارد.

۱۰) دولت خود ترکیبی است از اشکال پارلمانی و ریاست جمهوری

۱۱) تمام اختیارات اجرائی فدراسیون توسط اعضای هفت نفره دولت فدرال اعمال میشود. هر هفت عضو به طور جمعی قدرت را اعمال می‌کنند. هر سال یکی از آن هفت نفر به عنوان رئیس جمهور و دیگری به عنوان معاون رئیس جمهور انتخاب میشود.

۱۲) فقدان "قوة قضائیه مستقل و قدرتمند" حکم ستره محکمه سوئزرلند راندارد. معهذاً، در نظام قانون اساسی "ستره محکمه" دارای موقعیت ثانویست. قضات محکمه فدرال توسط پارلمان فدرال برای دوره شش ساله انتخاب میشوند، هر چند کنوانسیون برای انتخاب مجدد قضات، دوره طولانی تری را تضمین می‌کند.

<sup>1</sup> -Kley, Andreas. Ditto

۱۳) مقررات مربوط به اردو: قانون اساسی تصریح می‌کند که سوئیس اردو خواهد داشت. سوئیس بوسیله یک نیروی شبه نظامی انتظام خواهد یافت که مسئولیت جلوگیری از جنگ را بر عهده خواهد داشت تا از کشور دفاع کند، صلح را حفظ و از مردم حفاظت کند و در مواقع اضطراری از مقامات ملکی حمایت نماید.

۱۴) سوئیس در سال ۲۰۰۲ از طریق رفراندوم مردم خود، خود را انزوای قرن‌ها رها ساخت و به سازمان ملل متحد پیوست (رفراندوم با بردن ۵۵ درصد آرای نفوس اعلام شد. رأی ۲۰۰۲ باعث شد که سوئیس اولین کشوری باشد که بر اساس رأی مردم به سازمان ملل متحد پیوست).

## دوم: سوئیزرلند چند انتخاب دارد: رفراندومها و ترکیبی از دیموکراسی مستقیم و دیموکراسی نماینده

در اینجا ما دستگاه دولتی و کشور بسیار کوچک سوئیس را از هر نظر با یکی از بزرگترین و پچیده ترین دولتها باداشتن اراضی بزرگ در تاریخ جهان مقایسه نمی‌کنیم! یگانه منظور این است تا بحث های در این مورد به راه انداخته شود تا از میان آن نظریات و شاید میکانیسم های را دریابیم که ممکن بتواند در تعالی مزید دیموکراسی امریکایی مساعدت کند. [۱]

"این کتاب سعی دارد تا شهودی از ابداعات و نوآوریهای دیموکراتیک در سر تا سر جهان از جمله، بودیجه مشارکتی در برازیل، مجامع شهروندان در زمینه انتخابات در کانادا، قوانین مستقیم در کالیفورنیا و سوئیس و تجربیات نوظهور در دیموکراسی الکترونیکی را جمع آوری کند."

## تفاوت های عمده بین دیموکراسی های رفراندوم و نماینده

۱) دیموکراسی نماینده کمتر دیموکراتیک است زیرا قدرت بیشتر بجای آنکه در دست مردم باشد در دست نخبه گان سیاسی است.

۲) حتی با وجود آنکه رأی دهنده معلومات کامل در اختیار دارد، پیچیدگی آن بستگی به عقاید شخصی یا باور های ایدیالوژیک نماینده دارد که رأی دهنده بالایش اعتماد می‌کند.

۳) مگر در دیموکراسی مستقیم رأی دهنده دچار کمبود معلومات داده شده می‌باشد یا آن تخصصی را ندارد که سیاستمدار دارد.

<sup>1</sup> - Smith, Graham. *Democratic Innovation: designing institutions for citizen participation. Political participation, Direct Democracy, Legislation, , Budget, Internet.* Cambridge University Press. Cambridge, UK, New York. ISBN: 9780521514774: 1966, 2009.



۴) «فلد، لارس پ.» و همکاران [۱] در سال (۲۰۰۰)، شواهدی را یافتند که برای کاهش دین اجتماعی، افزایش قدرت مردم با استفاده از رأی مستقیم خیلی امیدوار کننده اند. [۱]

۵) بگذار مردم فرمانروایی کند: چگونه دیموکراسی مستقیم می تواند با چلنج پاپولیست ها رویا رویی کند. کتاب جان مٹوساکه [۲] این موضوع را بیشتر تر مورد بحث قرار داده است. [۲]، [۳]، [۴]، [۵]

## سوم: تکامل سیستم حزبی ایالات متحده آمریکا

در حال حاضر بخصوص در این روز ها لازم است که به دلیل طرز رفتار ارتجاعی و عقب گرایانه احزاب سیاسی، ما در مورد مفهوم سیاسی سیستم حزبی در ایالات متحده آمریکا و شاید در سراسر جهان نیز بحث کنیم. ما در فصل سوم در باره آغاز جمهوری آمریکا پس از اعلام استقلال در سال ۱۷۷۶م و توشیح قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷م بحث کردیم، همان بود که اولین دیموکراسی پیشرفته در جهان ایجاد شد. نبرد های جاری ایکه بین احزاب سیاسی در حال حاضر در سراسر جهان در جریان است بالای دیموکراسی های لیبرال اثر منفی می گذارد. بسیار جالب است که قانون اساسی بی نهایت پیشرفته آمریکا که الگویی تقلید برای همه جهان است، در باره حقوق، امتیازات و عملکرد سیستم حزب سیاسی بحث نمی کند و به طور رسمی به احزاب نمی پردازد! آیا متعجبانه نیست که چرا؟

نیاکان آمریکایی، به خصوص جفرسن، مدیسن و همیلتن در باره احزاب سیاسی مشکوک بودند و آنرا به عنوان گروهی از اشخاصی خود خواه یا خود پرست می پنداشتند که منافع مشترک شان تنها حفظ موقعیت و ثروت شان بوده که برای حفاظت این امتیازات از هیچ نوع اقدامی مضایقه نه خواهند کرد. شاید به همین دلیل است که در چنین سند جامع و عمیقاً تحقیق شده مانند قانون اساسی آمریکا، سیستم حزبی ذکر نه شده است! با تصویب قانون اساسی در سال ۱۷۸۸م، آنده کسانیکه با محتویات قانون اساسی کاملاً موافق نبودند بنام گروپ ضد فدرالیست نامیده شدند و در این گروپ اشخاصی مانند بنجامین فرانکلین، مدیسن و جفرسن هم می آمدند.

<sup>1</sup> - Feld, Lars P. et al

<sup>2</sup> - Feld, Lars P. et al. *Decentralized Taxation and the Size of Government: Evidence from Swiss State and Local Governments*. Economic Journal: 2000.

<sup>3</sup> - John Matsusaka

<sup>4</sup> -Feld, Lars P., Schaltegger, A., Janine Studerus. *Risk sharing, regional stabilization, and redistribution: the role of fiscal mechanisms in Switzerland*. Oxford Economic Papers, 10.1093/oepegpaa036, 2020.

<sup>5</sup> -Lars P. Feld, Christian Frey, Christian, C., Schaltegger, A., Lukas A. Schmid, P. *Fiscal federalism and income inequality: An empirical analysis for Switzerland*. Journal of Economic Behavior & Organization, 10.1016/j.jebo.2021.02.028, 185, (463-494), (2021).

<sup>6</sup> -Budge, Ian. *Direct Democracy*. In Clark, Paul, Foweraker, Joe (Eds,) *Encyclopedia of Political Thought*. Taylor & Francis. ISBN 9780415193962, 2001

<sup>7</sup> -Matsusaka, John G. *Let The People Rule*. 2020. Referendum Institute (IRI), a nonprofit nonpartisan educational organization, since 2004. IRI tracks ballot propositions across the country, collects and assembles data for research purposes, and holds public events to discuss current issues. Professor Matsusaka's book will be discussed further down.

جیمز مدیسن در سند شماره ۱۰ «اسناد فدرالیزم» اظهار می‌دارد: «از مزایای پرشماری که یک اتحاد مستحکم به ارمغان آورده می‌تواند، آن یکی که شایسته‌ترین حمایت و پرورش است تمایل چنین اتحادی به در هم شکستن و مهار کردن خشونت حزبی (فراکسیونی) می‌باشد ... بی‌ثباتی، بیدادگری و هرج و مرجی که در مجامع عامه به وجود می‌آید در واقع آن بیماری مهلکی است که در همه جا حکومت مردمی را به کام مرگ کشانده است ... منظور من از حزب (فراکسیون) شماری از شهروندانی است که چه در جمع کل اکثریت باشند یا اقلیت، با هم همبسته بوده با انگیزه یک سائقه، اشتیاق یا منفعت مشترک با حقوق شهروندان دیگر و یا با منافع جمعی و همیشگی جامعه در تقابل قرار می‌گیرند ... اما عامترین و پایاترین منشأ حزب (احزاب سیاسی، PACs و غیره) [۱] توزیع ناهمگون و ناهمساز ملکیت است ... بهبوده است که گفته شود دولت‌مردان منور خواهند توانست این منافع متضاد را آشتی داده و همه را در خدمت خیر و صلاح عامه قرار دهند ... و اینکه عوامل حزب را نمی‌توان از میان برد و رستگاری از بالای آن در مهار کردن عواقب آن نهفته است ... و اینکه یک دموکراسی ناب ... هیچ درمانی برای بالای حزب ندارد.» [۲] (تکیه روی کلمات و ایزاد «احزاب سیاسی، PACs و غیره» از مؤلف است)

در این جا ذکر کتابی مهمی را لازم می‌دانم که در سال ۱۹۹۵م توسط جیمز آر. شارپ [۳] نوشته و چاپ شده است، جیمز پوهاند تاریخ در پوهنتون سیراکوز اند، کتاب اوشان به نام: سیاست امریکا در جمهوریت اولیه [۴]: ملت جدید در بحران، نشر شده است. خوانندگان محترم ما باید متوجه این امر باشند که امریکا در همان ابتدای تولد جمهوریت امریکا، درد زایمان سخت و کافی را متحمل شد. یگانه راهی که می‌توانست تهداب های تزلزل ناپذیر خود را اساس گذاری کند نوشتن قانون اساسی دقیقاً فکر شده بود.

یک منتقد تیز بین «ویلیام سفایر» از مجله نیویورک، باری در مورد مسئله بروز مشکلات سیستم حزبی بحث کرد. او داستان دراماتیک انکشاف سیاست افکار را در ملت جدید بازگویی میکند، وی نشان میدهد که با برگشت قرن، چگونه دشمنی بین مدافعان فدرالیست دولت و منتقدان جمهوریخواه شان، ملت را تا پرتگاه تجزیه، احتمال فروپاشی (اتحادیه)! سوق داد. " این زنده ترین افشای ریشه های مبارزات قدرت سیاسی فعلی ما بود."

پوهاند «شارپ» به ما یک مؤرخ بزرگ دیگر امریکایی را معرفی میکند و می‌گوید: "امیدوارم کتاب من به درک بهتر از تولد جمهوری ما کمک نماید. مؤرخ «چارلس اندریو» به ما یاد آوری میکند که "در رابطه به نگرش یک ملت نسبت به تاریخ خود، ما یک تعهد مهم داریم و این درست مانند پنجره ایست به درون روح ما؛ در حال حاضر از مردان و زنان چنین ملتی که اگر از نشان دادن صداقت و نیکو کاری، آزاد اندیشی و آزادی خود داری کنند نمی‌توان انتظار داشت که به تعهدات خود

<sup>1</sup> PAC – Political Action Committees – (translator)

<sup>2</sup> - Berger, Robert. E. *The Federalist Papers. Publius Papinius Statius*. ISBN: 109184836X, 2019.

<sup>3</sup> - James R. Sharp

<sup>4</sup> - American Politics In The Early Republic : The New Nation in Crisis

عمل کند و آگاهی مجانی و فزاینده نسبت به گذشته چیز نیست که آنها چیزی را می سازند که هستند. ( تکیه روی کلمات از مؤلف) [۱]، [۲]

لازم به تذکار مجدد است که منشاء دیموکراسی در میان مردم انگلیسی زبان در قرن سیزدهم با «مگناکارتای هیبیس کارپس» [۳] (اولین قانون علیه زندانی ساختن غیر قانونی) آغاز میگردد. این عنصر مهم دیموکراسی توسط مهاجرین پیشگام از انگلستان به جهان جدید آورده شد. همچنین باید به یاد داشته باشیم که سیستم دولت دو مجلسه به دولت – شهر آتن و جمهوری روم بر میگردد. در پادشاهی انگلستان دولت دو مجلسه توسط مجلس لاردها و مجلس عوام، بعد ها به عنوان کسانیکه موی مصنوعی بر سر می گذاشتند توری ها (کسانیکه از سیاست خیلی محافظه کارانه انگلیس پیروی و دفاع میکردند – م) در این اواخر خیلی نزدیک آنها به عنوان محافظه کار و کارگر شناخته شده اند. منشاء تکامل این دوگانگی، در ذیل به زبان ساده نشان داده شده است. [۴]، [۵]

### چهارم : احزاب سیاسی و گروههای ذینفع

این از سال های ۱۹۰۰ به بعد است که احزاب سیاسی در دوران ریاست جمهوری «تیودور روز ولت» و پس از آن به طور روز افزونی از محوطه اصلی خود در کانگرس و سنا به لابی و سازماندهی گروه های دارای منافع خاص مانند کمیته اقدامات سیاسی [۶] (PAC) رفته اند.

برخی ها معتقدند که گروههای ذینفع برای دیموکراسی ها هم نعمت و هم نفرین هستند. اگر کمیته های اقدامات سیاسی به عنوان بخشی ذاتی یا میراثی از دیموکراسی نمی بود، مردم نمی توانستند دولت های خود را در مورد خواسته های خود مطلع کنند.

بنیانگذاران امریکایی از چنین امکانی آگاه بودند، اما معتقد بودند که آنها یکدیگر را متعادل خواهند ساخت. متأسفانه که اغلب اوقات یک گروه ذینفع بزرگ با قدرت مالی و جاه طلبی های خود بالای گروه های دیگر غلبه می کند. بمیان آمدن چنین درز یا شکاف در تعادل بین آنها در نهایت منجر به پوپولیزم، از بین رفتن کامل اعتماد بین دولت و مردم میشود. این مشکل زمانی شکل جدی تری را بخود می گیرد که قانونگذاران از یکی از این گروه های حمایت کنند. این جاست که سیستم دو حزبی اجازه میدهد نبرد منافع را در درون کانگرس در اختیار داشته و دولت را در بن بست و بی کفایتی ها غوطه ور سازند. احزاب سیاسی و گروههای ذینفع اغلب اوقات درگیر نبرد ها بر مسائلی میشوند که بر حقوق و منافع اکثریت در برابر اقلیت اثر

<sup>1</sup> - Sharp, James.R. *American Politic's In The Early Republic: The New Nation in Crisis*. Yale University Press. ISBN 978-0-300-05530-6. 1993.

<sup>2</sup> - Andrews, Charles. *Colonial Background of the Revolution*. Yale University Press.. ISBN-13: 978-0300000047. 1994.

<sup>3</sup> - Magna Carta's Habeas Corpus

<sup>4</sup> - Jones, Dan. *Magna Carta: The Birth of Liberty*. Penguin Books, New York, NY. ISBN 9780525428299. 2015.

<sup>5</sup> - Hamilton A., Madison J., Jay, J. *The Federalist Papers*. Arawa. Unabridged Classics. Pub. In Las Vagus, USA, London, New Delhi, Seattle. Back cover says: Milestones in political history and philosophy are essential reading for student, lawyers, politicians, and those interested in the history of human rights.

<sup>6</sup> - political Action Committee (PAC)

گذار می باشند. متأسفانه احزاب سیاسی طوری رفتار می کنند که گویی مالک مردم هستند و بنابر این صاحب مردم هستند و آنها را تحت فشار قرار میدهند تا به یکی از طرفین تعلق داشته باشند. آنها بخاطر افزایش قدرت خود از طریق رأی دهندگان، میخواهند تا بار دیگر و بار دیگر انتخاب گردند. از آنجایی که گروه های ذینفع معمولاً روی موضوعاتی تمرکز می کنند که باعث ایجاد وحدت گروه شود، ولی اعضای حزب سیاسی قانونگذار نظرات متفاوتی در مورد یک موضوع می داشته باشند که نمی توان آنها را به عنوان یک بلاک مستحکم در نظر گرفت! با این حال، از اینکه گروه های ذینفع و ائتلاف بر اساس موضوعات مشخص ساخته میشوند، آنها نمی توانند جای احزاب سیاسی را بگیرند زیرا احزاب، نماینده گروه های بزرگ مردم و شهروندان با منافع و علایق متفاوت اند. برای حل این مشکل عدم تعادل، برخی از محققان معتقدند که دیموکراسی مستقیم، قدرت گروه قانونگذار را با قرار دادن موضوع در دست رأی دهندگان از طریق ریفراندوم، کاهش می دهد، که ممکن است مشکل را کمتر بسازد. [1]، [2]، [3]

دولت دو مجلسه (به اساس قدرت داخلی) در برابر "کمیتة اقدامات سیاسی" و ائتلاف ها و سائر گروههای ذینفع (به اساس قدرت بیرونی)

سائر گروههای ذینفع (خارجی)		دولت دو مجلسه (داخلی)		
گروه سیستم های بیرونی	حزب درون دولت	نادار	ثروتمند	
هیچکدام	مجموعات مردمی ایکلیسیا عدم موجودیت احزاب سیاسی	شهروندان	نخبه گان	دیموکراسی مستقیم آتن ۴۶۰ - ۳۲۰ ق.م.
هیچکدام	شهروندان دولت - شهر روم	پیلینیایی ها - اتباع دولت - شهر روم	اشراف	دیموکراسی ریفراندوم روم ۵۰۹ - ۲۷ ق.م.
هیچکدام	پارلمان	مجلس عوام توری ها یا محافظه کاران	مجلس لاردها (با موهای مصنوعی)	انگلستان قرن ۱۳ میلادی
هیچکدام	از نظر قانون اساسی هیچ حزب سیاسی به رسمیت شناخته نه شده است. اولین سیستم حزبی واشنگتن، همیلتن در برابر جفرسن و فرانکلین - غیر فدرالیست ها در برابر ضد فدرالیست ها	دهاقین کانگرس	زمینداران کانگرس	امریکایی : دیموکراسی مستقیم + دیموکراسی ریفراندوم ۱۷۹۲ - ۱۷۹۹ ۱۷۹۹ - ۱۸۲۸ [۴]
هیچکدام؟	دومین سیستم حزبی حزب جمهوریخواه ملی در برابر حزب دیموکرات حزب «ویگ هنری کلی» در برابر جمهوریخواهان «اندریو جانسن»	کانگرس جمهوریخواهان	کانگرس دیموکراتها در برابر	امریکایی [۶] ۱۸۵۴ - ۱۸۲۸
	سوومین سیستم حزبی	کانگرس	کانگرس دیموکرات ها	امریکایی ۱۸۵۴ - دهه ۱۸۹۰

<sup>1</sup> - Heany, Michael T. Brokering Health Policy: Coalitions, Parties, and Interest Group Influence. Political Policy, 31(5), pp. 887-944, 2006.

<sup>2</sup> - Allem, E.H., Bale, T. Political parties and interest groups: Disentangling complex relationships. SAGE Journals, Party Politics. 2011.

<sup>3</sup> - Berlucchi, A.B. Populism without host ideologies: A new home for voters with exclusionary attitudes in Italy's Five Star Movement? SAGE Journals. Political Studies. 2021.

	دیموکراتها در برابر جمهوریخواهان اتحاد اعمار مجدد بعد از جنگ داخلی ۱۸۷۷		جمهوریخواهان	[۵]
ائتلاف گروپهای ذینفع	جمهوریخواهان در برابر دیموکرات ها چهارمین سیستم حزبی اتحاد دیموکراتها، ضد- اعتمادیون و حق رأی زنان	شهروندان دیموکرات های ترقی خواه	نخبه گرایی جمهوریخواهان سیاست جدا سازی	امریکایی ۱۸۹۶ - ۱۹۳۲ [۶]
کمیته های اقدامات سیاسی	تسلط دیموکرات ها بر جمهوریخواهان پنجمین سیستم حزبی پس از رکود بزرگ، معامله بزرگ روزولت/ دولت رفاهی	کانگرس لیبرال دیموکراتها	نخبه گان ثروتمند ساختن محافظه کاران ثروتمند	سیستم امریکایی ۱۹۳۳ - ۱۹۶۸ [۷]
اتحاد گروپهای ذینفع		مجلس نمایندگان	جمهوری خواهان	
بانک ها و غیره				
احزاب بیرونی PAC و گروپهای ذینفع ائتلاف های بی شمار، بانک ها و غیره	ششمین سیستم حزبی تفت*: ۲۷مین رئیس جمهور امریکا = محافظه کاران در برابر راکفلر = میانه روان هر دو حزب دورنی	مردم غریب تر کانگرس دیموکراتها	نخبه گان کانگرس جمهوریخواهان دیموکراتهای قویتر و GOP یا جمهوریخوان جدا میشود	امریکایی ۱۹۶۸ - تا حال [۸]
*ویلیام هارورد تفت : بیست و هفتمین رئیس جمهور امریکا شکل اول				

اگر چه گروپ های ذینفع به عنوان احزاب سیاسی محسوب نمی شوند، اما بسیاری از آنها اهداف مشترکی دارند مانند کمیته های اقدامات سیاسی که برای اولین بار پس از جنگ دوم جهانی برای حمایت از حقوق کارگران اتحادیه های کارگری ظهور کردند. پس از آن بلافاصله بسیاری از گروپ های دیگر در حمایت از مشاغل و صنایع خاص تشکیل شدند. لابی گرانی که بر تمامی شاخه های حکومت تأثیر می گذارند در دوران ریاست جمهوری تئودور روزولت و پس از آن بیشتر نمایان شدند. امروز ما شرکت های غول پیکر، صنایع بزرگ و گروپ های سیاسی و اجتماعی نیرومندی داریم که جانب یکی از احزاب را سیاسی می گیرند و در اقدامات شان متحد میشوند. با افزایش ثروت ملتها، حتی آدم سمیت هم نمی توانست این عناصر سیاسی قدرتمند رو به رشد را پیش بینی کند. آنها با افزایش قدرت مالی، تعدد گروپها و تنوع شان می توانند شکاف بیشتر را در یک ملت ایجاد کنند! بنابر این مؤلف سعی نموده تا به ظهور این قوی ترین عامل ناخواسته علیه دیموکراسی امریکایی اشاراتی داشته باشند. تنها با آینده نگری دقیق قانونگذاری می توان چنین تهدید ها را علیه دیموکراسی به حداقل رساند. باید بخاطر سپرد که تقریباً ۲۶۰۰ کمیته های اقدامات سیاسی فعال، کمیته های اقدامات سیاسی ثبت شده توسط مشاغل مختلف، اتحادیه های کارگری، گروپ های تجارتي، سازمان های غیر انتفاعی، سازمان های صحتی یا سائر مؤسسات غیر انتفاعی وجود دارند.

به عنوان مثال، تنها در واشنگتن بی سی گروپ های کمیته های اقدامات سیاسی ذیل فعالیت دارند :

کمیته اقدامات سیاسی بانک فدرال آمریکا، کمیته اقدامات سیاسی انجمن بانکاران امریکایی، کمیته اقدامات سیاسی امریکن ایکسپرس<sup>[۱]</sup>، کمیته اقدامات سیاسی خدمات مالی امریکان<sup>[۲]</sup>، کمیته اقدامات سیاسی انجمن کپیتال ون - مک لین، وی. ای. [۳] و غیره. این لیست از کمیته های اقدامات سیاسی با توجه به هر نوع کار در ایالات متحده آمریکا تنظیم شده است. خوشبختانه ما یک مرکز سیاست های پاسخگو داریم که لیست جامع و همیشه تازه از کمیته های اقدامات سیاسی را در وب سایت شان ارائه می دهد. وبسایت OpenSecret.org تنها برای نشان دادن رونق کمیته های اقدامات سیاسی با توجه به منافع یا علائق شان ۲۹ کمیته دارند که در این ساحات کار می کنند: حسابداری، فضاوردی، حزب وابسته (دیموکرات - ۱۷، جمهورپخواه ۱۸)، تجارت زراعتی، مشروبات الکھولی، حیوانات، سکتور انرژی (بادی - ۱، آفتابی - ۱)؛ ذغال سنگ - ۵، برق - ۶؛ روغن و تیل - ۸، محیط زیست - ۳، نژادی - ۱۱، مالیه، بانکداری، کریدت و بیمه - ۱۹، حق داشتن تفنگ - ۲، ایدیالوژی (دو حزبی یا غیر حزبی - ۱)؛ محافظه کار - ۱۰؛ لیبرال - ۴۹؛ بقیه - ۱۲)؛ غذا و آشامیدنی باب - ۱۴، دخانیات، چرس - ۳، تمباکو - ۴، کارگر - ۱۰، رهبری (رهبری مجلس - ۳؛ اعضای مجلس - ۱۸؛ رهبران سنا - ۵؛ سناتوران - ۲۰، مقامات سابق منتخب و عمومی - ۲۰)؛ سقط جنین - صفر، لزبین، همجنسگرایان، دوجنسگرا و انسان های دوجنسیتی [۴]؛ ۶، ترانسپورت (هوایی - ۶؛ خط آهن - ۶، سرک - ۱، بنایی - ۱) امور خارجه - ۵

در خارج از چهارجوب حکومت برخوردار از امتیاز، کمیته های اقدامات سیاسی و گروپ ها منافع خاص [۵] با بودیجه و پرسونل هنگفت خود نقش مجلس نمایندگان و سنا را به خطر می اندازند که هدف آن ایجاد تعادل بین خواسته های مردم محافظه کار و مردم لیبرال به عنوان یک میکانیزم ضروری و اساسی برای بررسی و تعادل دیموکراسی دوجلسه امریکا است و بیش از ۲۰۰ سال با موفقیت کار کرده است. محافظه کاری و لیبرالیزم به دلیل سیستم های حزبی وجود ندارد. آنها به دلیل ماهیت ذاتی همه جوامعی وجود دارند. نسل های قدیمی تر بطور طبیعی به زندگی آرام خود در گذشته دلبستگی دارند که در آن امتیازات متعلقه خود را داشتند؛ در حالی که نسل جدید که تا حال ساکن نه شده و انرژی فراوان پر از کنجکاوی و احتمالات آینده دارند و بالاتر از همه تمایل شان به استقلالیت شان، علاقمندی شان نسبت به اینکه منحصیث یک فرد شناخته شوند، ادعای خودی، همه و همه آنها را بسوی یافتن چشم انداز های جدید سوق می دهد! مادامیکه میکانیزم بررسی و تعادل در یک جامعه دیموکراتیک ناپدید می شود، اکثر اوقات در ها را به روی دیکتاتوری باز می کنند! [۶] گروپ های ذینفع به عنوان ناظر عمل می کنند و اقدامات کانگرس، محاکم، و دولت را با توجه به نفع یا علاقه رأی دهندگان خود نظارت می کنند. این کار می تواند شامل ثبت رأی اعضای کانگرس و رتبه بندی آنها در مورد عملکرد خوب یا ضعیف آنها در یک موضوع خاص باشد. از سوی دیگر، گروپ های ذینفع در انتخابات شرکت نمی کنند. آنها به دنبال رأی مردم نیستند. خواننده نباید با آنچه در فوق مورد

1 - American Express PAC (AXP-PAC)

2 - American Financial Services PAC (AFSA PAC)

3 - Capital One Association PAC-McLean, VA, etc.

4 - LGBT- lesbian, gay, bisexual, and transgender

5 - special interest groups (SIGs)

6 - Heany, Michael T. Brokering Health Policy: Coalitions, Parties, and Interest Group Influence. Political Policy, 31(5), pp. 887-944, 2006.

بحث قرار گرفت آنرا با مبحث با گروه های حمایت از منافع [۱] و گروهیهای مدافعان سریعی [۲] اشتباه گیرند. وظیفه آنها برای یک موضوع عمومی تبلیغ کردن است اما از رأی دهندگان برای انجام اقدام خاصی حمایت نمی کنند. بسیاری از چنین گروه های تبلیغاتی که برای تبلیغات سیاسی ظاهر میشوند، مدعی اند که ارتباط شان با رأی دهندگان مسئله حمایت یا دفاع از منافع است و از رأی دهندگان نمی خواهند در غرض انتخابات اقدام خاصی انجام دهند! اگر چه گروه های ذینفع به عنوان احزاب سیاسی محسوب نمی شوند، اما بسیاری از آنها اهداف مشترکی دارند مانند کمیته های اقدامات سیاسی که برای اولین بار پس از جنگ دوم جهانی برای حمایت از حقوق کارگران اتحادیه های کارگری ظهور کردند. پس از آن بلافاصله بسیاری از گروه های دیگر در حمایت از مشاغل و صنایع خاص تشکیل شدند. لابی های تأثیرگذار بر همه شاخه های دولت در دوران ریاست جمهوری تئودور روزولت و پس از آن بیشتر نمایان شدند. [نوت مترجم: قسمت رنگه شده فوق، با عین کلمات در ص ۶۶ قبلاً آمده اند که آنها به همین رنگ، نشانی شده است.] [۳]، [۴]، [۵]، [۶]، [۷]، [۸]، [۹]، [۱۰]

### پنجم: احزاب کوچک سیاسی امریکا در عصر مدرن

۱) حزب آزادیخواه، خواهان سیاست خارجی غیر مداخله گرایانه و آزادی های مدنی با حد اقل نقش دولت تأکید می کند (شمار رأی دهندگان ثبت شده در مارچ ۲۰۱۶، ۴۱۱۲۵۰ رأی بود)

۲) حزب سبز [۱۱] به عنوان طرفدار محیط زیست چپگرا عمل می کند و محیط زیست - سوسیالیزم و احترام به تنوع، صلح و عدم خشونت را ترویج می کند (۲۵۰۰۰۰ رأی دهنده ثبت شده)

۳) حزب قانون اساسی [۱۲] یک حزب راستگراست که ملی گرایی امریکایی، محافظه کاری دیرینه (رسوم، حکومت محدود و جامعه مدنی همراه با هویت دینی، ملی و غربی) عیسویت، ضد سقط جنین و تأکید مزید بر قانون اساسی را ترویج می کند

<sup>1</sup> Interest Advocacy

<sup>2</sup> Express Advocacy

<sup>3</sup> -Allem, E.H., Bale, T. Political parties and interest groups: Disentangling complex relationships. SAGE Journals, Party Politics. 2011.

<sup>4</sup> -Berlusconi, A.B. Populism without host ideologies: A new home for voters with exclusionary attitudes in Italy's Five Star Movement? SAGE Journals. Political Studies. 2021.

<sup>5</sup> -Paul Kleppner, et al. The Evolution of American Electoral Systems. ISBN-13: 978-0313213793. 1983.

<sup>6</sup> -Byron E. Shaw and Anthony J. Badger, eds. Contesting Democracy: Substance and Structure in American Political History, 1775–2000.

<sup>7</sup> -Klar, Samara (2016-01-22). "Nine media myths about independent voters, debunked". Vox. Archived from the original on 2019-09-05. Retrieved 2019-03-07

<sup>8</sup> -Richard Hofstadter, The Idea of a Party System: The Rise of Legitimate Opposition in the United States, 1780–1840. Berkley University California Press. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0003055400130011> 1969, 1970.

<sup>9</sup> -Gordon S. Wood, Empire of Liberty: A History of the Early Republic, 1789–1815. Oxford University Press. ISBN 10: 0199832463 / ISBN 13: 9780199832460, 2011.

<sup>10</sup> -Chapman, M. Arguing Americanism: Pro-franco Lobbyists, Roosevelt's Foreign Policy, and the Spanish Civil War (New Studies in U.S. Foreign Relations). Kent State State University Press. SBN: 9781606350782. 2011.

<sup>11</sup> - Green Party

<sup>12</sup> - Constitution Party

(۱۰۰۰۰۰ رأی دهنده ثبت شده) حزب قانون اساسی، حزب مالیه دهندگان ایالات متحده امریکا است که اساس آن در سال ۱۹۹۲ گذاشته شد.

۴) حزب همبستگی امریکا مشتمل بر حزب دیموکرات عیسوی، لیبرال، سوسیال دیموکرات و محافظه کاری اجتماعی است. یک تعدادی از ایالت ها احزاب سیاسی دولتی خود را رسماً به رسمیت می شناسند مانند: حزب اتحاد، حزب ریفرم، حزب قانون طبیعی، حزب سوسیالیزم و آزادی، حزب طبقه کارگر و غیره.

سیاست در ایالات متحده امریکا از سال ۱۸۵۰م تحت سلطه دو حزب عمده قرار گرفته است، حزب جمهوریخواه و حزب دیموکرات. صف بندی دقیق تر این دو حزب در اواسط قرن بیستم بوقوع پیوست؛ چپ میانه لیبرال شد و حزب راست میانه به حزب محافظه کار تبدیل شد. ساختار آنها در مقایسه با سیستم های حزبی دیگر دیموکراسی غربی سرسری و سطحی است و به سطح ملی سازمان رسمی ندارند. احزاب امریکایی در مقایسه با احزاب محافظ کار و کارگر در انگلستان در رابطه با هویت عضویت شان کمتر محدودیت دارند و یا از لحاظ روانی و احساساتی کمتر با هویت سیاسی خود وابسته استند. [۱]

## ششم: حزب جمهوریخواه

### همچنان به نام (حزب اعظم قدیم<sup>[۱]</sup>) نیز شهرت دارد

حزب جمهوریخواه توسط مخالفان قانون کنزاس – نبراسکا در سال ۱۸۵۴م تأسیس شد. این حزب اجازه میداد تا برده داری در نواحی های غربی (امریکا – م) (یعنی کالیفورنیا، نوادا و یوتا - م) توسعه یابد. حزب جمهوریخواه از اصلاحات اقتصادی و حتی لیبرالیزم کلاسیک حمایت میکرد در حالی که تا این دم با گسترش برده داری مخالف بود. «ابراهام لینکلن» اولین رئیس جمهور شناخته شده به عنوان جمهوریخواه بود. تحت رهبری «لینکلن» و کانگرس جمهوریخواه بود که برده داری در ایالات متحده امریکا در سال ۱۸۶۵م ممنوع اعلان شد. حزب اعظم قدیم عمدتاً در دوره های سیستم حزبی سوم و چهارم مسلط تر شد. این حزب محافظه کار امریکایی در تأسیس خود به شدت به حمایت تعرفه گرایی گمرکاتی متعهد بود، اما در قرن بیستم از تجارت آزاد حمایت کرده است. [۲]. [۳]. [۴]. [۵]

<sup>1</sup> - Janda, Kenneth; Berry, Jeffrey M.; Goldman, Jerry. *The Challenge of Democracy: American Government in a Global World* (10th ed.). Boston: Cengage Learning. ISBN 978-0547204543. 2008.

<sup>2</sup> - GOP (Grand Old Party)

<sup>3</sup> - Paul Finkelman, and Peter Wallenstein, eds. *The encyclopedia of American political history*. ISBN-13: 978-1568025117. ISBN-10:1568025114. 2001.

<sup>4</sup> - Ruthland, Robert A. *The Republicans: From Lincoln to Bush*. University of Missouri Press. ISBN: 0-8262-1090-2. 1996.

<sup>5</sup> - Micklethwait, John; Wooldridge, Adrian. *The Right Nation: Conservative Power in America*. p. 15. "The country possesses the world's oldest written constitution (1787); the Democratic Party has a good claim to being the world's oldest political party." Penguin Press, New Work, 2004.



## هفتم : حزب دیموکرات

### قدیمی ترین حزب در امریکا و قدیمی ترین حزب بر اساس رأی دهندگان در جهان

حزب دیموکراتیک ایالات متحده امریکا در سال ۱۸۲۸م توسط (اندریو جکسن) و (مارتین وان بورن) تأسیس شد و منشای آن در ایدیولوژی «تامس جفرسن» و «مدیسن» ریشه دارد. حزب دیموکرات، محافظ کار و در ایالات جنوبی شهرت داشت و حامی برده داری بود. این حزب بطور مداوم تکامل یافت و در قرن بیستم در دوران ریاست جمهوری (لیندن ب. جانسن) از تگزاس با "انجمن بزرگ" خود از نظر مفهوم، حزب مترقی تر شد و به مسائل مربوط به حقوق شهروندی قویاً ایستادگی و تأکید کرد. تا سال ۱۹۹۶م دیموکرات ها به تدریج سلطه خود را در ایالات جنوبی ایالات متحده از دست دادند. با این حال، "حزب دیموکرات نوین" چپ میانه از عدالت اجتماعی، اقتصاد مختلط، لیبرالیزم اجتماعی و دولت رفاهی حمایت کرد. در حال حاضر، آنها در شمال غرب، ساحل غربی و در مناطق اصلی مراکز شهری قوی هستند. کارگران اتحادیه های کارگری، افریقاییان - امریکایی و لاتین تباران از حزب دیموکرات طرفداری می کنند. [۱]، [۲]، [۳]، [۴]، [۵]، [۶]، [۷]، [۸]، [۹]، [۱۰]

<sup>1</sup> -Sharp, James R. *American Politics In The Early Republic: The New Nation in Crisis*. Yale University Press. New Haven and London, 1993, *American Politics in the Early Republic*; Yale University Press, New Haven and London. 1995.

<sup>2</sup> -Witcover, Jules . *Party of the People: A History of the Democrats*. p. 3. "The Democratic Party of the United States, the oldest existing in the world " Random House Pub. ISBN: 0375507426. ISBN13: 9780375507427. 2003.

<sup>3</sup> -Kenneth F. *Encyclopedia of U.S. campaigns, elections, and electoral behavior: A-M*. SAGE. p. 176. ISBN 978-1-4129-5489-1. 2008.

<sup>4</sup> -Smith, James M. *Freedom's Fetters: Alien and Sedition Laws and American VG.*: ISBN-10: Cornell Univ. Press. 1966.

<sup>5</sup> -Robin Archer, *Why is There No Labor Party in the United States?*: Princeton University Press, 2007.

<sup>6</sup> -Richard Jensen, "The Last Party System: Decay of Consensus, 1932-1980" in Paul Kleppner, et al., *The Evolution of American Electoral Systems*. Greenwood, 1981.

<sup>7</sup> -Mathew Lavendusky, *The Partisan Sort: How Liberals Became Democrats and Conservatives Became Republicans*; University of Chicago Press, 2009.

<sup>8</sup> -Donald B. Cole. *Jacksonian Democracy in New Hampshire*. Harvard University Press. 1970.

<sup>9</sup> -Paul Gottfried, *Conservatism in America: Making Sense of the American Right*, p. 9, "Postwar conservatives set about creating their own synthesis of free-market capitalism, Christian morality, and the global struggle against Communism." 2009.

<sup>10</sup> -Tocqueville, Alexis de. *Democracy in America*. The University of Chicago Press. Chicago. ISBN 0-226-80532-8. 2000.

## قسمت سوم دیموکراسی های عصر معاصر

### فصل ششم

#### تکامل دیموکراسی

نخست ما باید منظور خود را از دیموکراسی، گذشته از این که ریشه یابی یا ایتیمولوژی آن چیست، مشخص سازیم. معنی دیموکراسی چیست، تنها این نیست که بگوییم "حکومت مردم" و نه به عنوان یک میکانیزم سیاسی ولی باید بیابیم که مفهوم اساسی دیموکراسی چیست؟

#### یک مفهوم میکانیکی [۱]

۱) حکومت توسط مردم: حکومت اکثریت؛ ترجیحاً با شامل بودن اکثریت آرای اقلیت ها با اوسط آنها که به میزان فیصدی آن مقایسه گردد، و (برای جلوگیری از استبداد اکثریت) موضوعی که بالای آن رأی گیری صورت می گیرد تجدید نظر صورت گیرد و بحث با اقلیت تا از استبداد اکثریت جلوگیری صورت گیرد.

۲) دولت با قدرت عالی خود روی مردم سرمایه گذاری کرده و مستقیماً توسط مردم بوسیلهٔ رفراندم (رفراندم اجباری یا رفراندم مشورتی) اعمال میشود و یا بصورت غیر مستقیم از طریق نمایندگان منتخب مردم با سیستم انتخابات نوبتی و انتخابات آزاد افراد (ترجیحاً فقط برای کوتاه مدت، برای جلوگیری از تمرکز قدرت) عملی میشود.

۳) یک دولت منفرد سازمان یافتهٔ سیاسی به اساس اصول دیموکراتیک

#### اول: فلسفهٔ دیموکراسی

دیموکراسی بیشتر با کلمهٔ یونانی آن به معنی "حکومت مشترک مردم" تعریف شده است، ولی این تنها معنی دیموکراسی از لحاظ علم الاشتقاق یا ایتیمولوژی است که از کلمهٔ «دیموکراتیکا» مشتق شده است. ما دیموکراسی را با جوانب عملکردی موجود در یک حکومت قانون - مدار که توسط مردم و برای مردم تشکیل شده باشد درک می کنیم. برای درک آن از دیدگاه تکوینی فلسفه، ما باید به این سؤال پاسخ بدهیم که "مفهوم دیموکراسی چیست؟" همانطوریکه افلاطون گفته بود قبل از یافتن قاعدهٔ کار برد یا عملکرد، باید "مفهوم فلسفی چیز" یا ماهیت آن را بیابیم. درست مانند مفهوم هر چیزی دیگر که در ایدهٔ آن

۱ - Mechanistic Functional Concept: در اینجا منظور از میکانیکی یا میکانیستیک: مربوط به تئوری هابست که پدیده ها را صرفاً از نظر فیزیکی یا قطعی توضیح میدهد. - م

یافت میشود، زیرا «ماده» چهار بُعدی، در اصل خود نه شکل دارد و نه عملکرد. چیز بی شکل «چیز بی بُعد» یعنی ایده، در ذهن ما منحصراً یک «مفهوم» به عنوان ایده قبل از بدست آوردن شکلی بطور سمبولیک با جزئیات پیچیده در کار ذهن انسان بیان میشود؛ برای به دست آوردن یک وجود چهار بُعدی باید شکل و عملکرد داشته باشد.[۱]

جالب است که «روسو» فیلسوف بزرگ علوم سیاسی در کتاب معروف خود «قرار داد اجتماعی» (کتاب سوم، فصل چهارم - دیموکراسی) می نویسد: «با در نظر گرفتن اصطلاح «دیموکراسی»، دیموکراسی به معنای دقیق آن هرگز وجود نداشته و هرگز هیچ دیموکراسی واقعی وجود نه خواهد داشت. این بر خلاف نظم طبیعیست که اکثریت بایدتاً حکومت کنند و اقلیت اداره شوند.» وی بعداً می افزاید: «به همین دلیل است که نویسنده معروف (مؤلف فکر میکند که منظور وی افلاطون است) فضیلت را به عنوان اصل پایه یک جمهوری (منظور وی دیموکراسی به دلیل سیاسی بود) مطرح کرد زیرا همه این شرایط بدون فضیلت نمی تواند دوام بیاورد؛ اما با عدم تمایز لازم، این نابغه درخشان (افلاطون) اغلب فاقد دقت و گاه روشنی بود و نمی دید که اقتدار حاکم در همه جا یکسان است، همان اصلی که باید در هر دولت خوب تأسیس شده به میزان بیشتر یا کمتر نقش داشته باشد؛ این مطابق به شکل یا نوع دولت و اقلیت دارد.»[۲] همانگونه که در این نقل قول ها مشاهده می کنید، «روسو» به دیموکراسی از جنبه عملی آن نگاه می کند نه از منظر «استنباط نظری یا تیوریکی» بُعد مفهومی آن. باید اضافه کرد که برداشت افلاطون از «ایده» به راحتی توسط او قابل درک نیست و یا روشن نمی شود؛ بنابر این ما می خواهیم آنرا با عملکرد قبل از شکل گیری که روزانه شاهد آن هستیم تعدیل کنیم. پس چرا باید بدنبال معنی فلسفی دیموکراسی باشیم؟ به گفته افلاطون با درک تهادی یک مفهوم، هسته اصلی آن و «ماهیت آن» ما به درک خالص ترین جنبه میتافیزیکی آن ایده می رسیم که ممکن است ما را در درک بهتر شکل و عملکرد آن کمک کند. [۳] در زمینه فلسفه مدرن، ضروری است که ما دیموکراسی را در پرتو کتاب اخیر «تیوری دیموکراتیک: مبانی فلسفی» مورد بحث قرار دهیم تا جنبه های فلسفی آنرا از طریق تحلیل مفهوم فلسفی آن درک کنیم. از منظر فلسفی جنبه های متعددی در فلسفه دیموکراسی وجود دارد: فلسفه تحلیلی دیموکراسی؛ فلسفه سیاسی دیموکراسی؛ اقتصاد دیموکراسی؛ دیموکراسی معیاری یا طبق نورم؛ ترکیب لیبرال دیموکراتیک؛ و فلسفه حقوقی دیموکراسی [۴] اجازه دهید با این برداشت شروع کنیم که اصل مرکزی دیموکراسی در این ایده نهفته است که هر فرد حق آزادی دارد. «تامس جفرسن» در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا از امپراتوری برتانیه، مبانی فلسفی دیموکراسی را حقوق مسلم زندگی (دفاع و حفظ آن)، آزادی و دنبال نمودن خوشبختی دانست. «جفرسن» یک محقق خود-پرورده و یک فیلسوف، سیاستمدار، وکیل مدافع، هنرمند، ادیب و مخترع قرن هجدهم بود که با ادبیات فرانسه آشنایی کامل داشت. وی بزرگترین مجموعه کتابها را در ایالات متحده آمریکا در زمان خود جمع آوری کرده بود. در جنگ سال ۱۸۱۴، اردوی برتانیه در پهلوی آنکه قصر سفید را آتش زد کتابخانه کانگرس را نیز به آتش کشاند. کتابخانه کانگرس برای تأسیس مجدد خود ۶۴۸۷ مجلد کتاب اورا که برخی از مجلدات آن بسیار کمیاب بودند به قیمت ۲۳۹۵۰ دلار خریداری کرد. جای تعجب

<sup>1</sup> - Grube, GMA, Reeve CDC, Revised. *Plato Republic*. Hackett Publishing Company, Inc. 1992.

<sup>2</sup> - Rousseau, Jean-Jacques *The Social Contract and The First and Second Discourses*. Susan Dunn (ed.): Yale University Press, Vail-Ballou Press, 2002.

<sup>3</sup> - Jovett, Benjamin. *Plato: Complete Works by Plato. Translation*. Las Vegas. Made in USA. 2021.

<sup>4</sup> - Tomaselli, Sylvan. *The Spirit of Nations*. In Mark Goldie & Robert Walker, Eds., *The Cambridge History of Eighteenth-Century Political Thought*: Cambridge University Press, 2006.

نیست که «جفرسن» یک دولتمرد بزرگ، وکیل، فیلسوف و یکی از اولین ایدیولوژیست‌های بود که دیموکراسی را در مشهورترین اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا که در سطح جهان شهرت دارد، با سه رکن آن یعنی زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی برای فرد و برای "عالیترین خیر ملت" بازتاب داده است. در ادامه تعریف فلسفه در باره دیموکراسی باید بپذیریم که دیموکراسی در طول تاریخ یک کلمه سیال و معروض به تغییر بوده است. و در نتیجه فلسفه دیموکراسی طبقه بندی خاص خود را ایجاد کرده است که در آن یک فلسفه سیاسی به عنوان شاخه از اخلاق عملی، کاربرد نورم‌های مشترک اخلاقیات بین‌فردی تلقی می‌شود. از سوی دیگر به عنوان فلسفه معیاری، مستقل از نظر اخلاقی، و اصول آن، اقدامات سیاسی خود را توجیه می‌کند. به این گونه مراد برخی از تیورین‌های دیموکراسی در مورد دیموکراسی به عنوان ضد تیزس جنگ، به معنی ایجاد امنیت و توازن قواء بین مردم و حاکمان است. به این لحاظ، "ارزشهای دیموکراتیک باید از لحاظ شکل و هم از لحاظ پایان‌خوشونت جمعی، به عنوان محدودیت تلقی شود، نه به عنوان منبع جدیدی برای مشروعیت جنگ."<sup>[۱]</sup>

یکی از کتابهای مفصل و علمی در باره دیموکراسی از فیلسوف ایرلندی، جیمز ال. هیلند بنام: "تیوری دیموکراتیک: بنیاد فلسفی"<sup>[۲]</sup> است. این کتاب که حاوی ۲۷۵ صفحه است برای محصلین تحصیلات تکمیلی نوشته شده که من هم یکی از آنها استم ولی باید اعتراف کنم که چند قسمت خیلی محدود آن کتاب برایم قابل درک نبود خاصاً در اغلب موارد از لغات «گالیک» استفاده صورت گرفته است. عناوین فصل‌های مورد بحث وی اگر به دقت مطالعه شود، آگاهی زیادی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد:

۱) فلسفه سیاسی تیوری دیموکراتیک؛

۲) دیموکراسی چیست؟ مسئله می‌تود؟

۳) دیموکراسی و مساوات سیاسی؛

۴) ابعاد کمی و کیفی: میزان حق رأی دادن و قاعده اکثریت؛

۵) تغییرات لیبرال، دیموکراسی به عنوان حقوق؛

۶) دیموکراسی، انارشسی و ترکیب لیبرال دیموکراتیک؛

۷) توجیه دیموکراسی؛

۸) دیموکراسی، قدرت، سلطه؛

۹) دیموکراسی و اقتصاد؛

۱۰) حدود منطقی دیموکراسی؛<sup>[۳]</sup>

<sup>1</sup> - Tomaselli, Sylvan. *The Spirit of Nations*. In Mark Goldie & Robert Walker, Eds., *The Cambridge History of Eighteenth-Century Political Thought*: Cambridge University Press, 2006.

<sup>2</sup> - James L. Hyland's, "*Democratic Theory: The Philosophical Foundation*"

<sup>3</sup> - Hyland, James L. *Democratic Theory: The Philosophical Foundations*. Manchester University Press./ St. Martin's Press USA. , Canada. JSBN 0-719CM-517-7. 1994.

وی در فصل دوم ما را به یاد سخنان «دال»<sup>[۱]</sup> در مورد دیموکراسی به عنوان ترکیبی از تیوری و عمل می‌اندازد که اغلباً هر دو باهم عمیقاً ناسازگار اند و حتی تا آن اندازه برانگیخته میشود که می‌گوید اصطلاح " دیموکراسی" و " دیموکراتیک" را باید به عنوان فساد جبران ناپذیر کنار بگذارید. «پوهاند هیلند» متأسف است که استفاده عمومی از این کلمه به " سمبول جدل" تبدیل شده است و چیزی بیش از معنای «احساس گرایانه» نیست که دلالت بر مشروعیت را با تأیید بسیار تحسین برانگیز فرض میکند. ما با او در موارد ذیل موافقیم: الف) این نتیجه گیری غلط است که " یونان باستان هر دو «دیموکراتیک» و سیستم سیاسی را اختراع کرد که در شرح آن گفته که باید خالص باشد و فاسد نباشد حال آنکه ۸۵ فیصد نفوس آتن مانند زنان، غلامان و ساکنان خارجی را از آن حذف کرده بودند. ب) دیموکراسی را نمی‌توان از نگاه ریشه شناسی لغوی آن توضیح نمود، این نامی است که مؤرخ «هرودت» به دیموکراسی یونان داده است (دیموس: و: کراتین: قانون مردم عادی یا حکومت عوام) و قوامیس لغات نمی‌توانند توضیح دهند که چیست؟ ج) معنی رأی دادن مردم "آزاد" به دلیل معنی شناسی آن زیر سؤال می‌رود (اقدام عمدی، به هدف معین، عمدی، ارادی، تصادفی، عکس‌العملی و غیره؛<sup>[۲]</sup> د) هچمنان ما با نقل قولی که وی از «جوزف شومپیتر»<sup>[۳]</sup> کرده موافقیم: "...میتود دیموکراتیک این است که نهادی باشد برای رسیدن به تصامیم سیاسی که در آن افراد برای کسب رأی مردم بوسیله مبارزه رقابتی، قدرت را بدست می‌آورند." (ذ) وجود "تعریف سازنده" از دیموکراسی؛ ر) همچنین سؤالی در مورد ماهیت عینی و بی‌انتهای دیموکراسی وجود دارد که در "پسگفتار" به آن خواهیم پرداخت؛ ز) از منظر فلسفی، جنبه‌های از دیموکراسی ایده آل سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ ی) یک روش طبیعی ارزیابی کمی "مرتب" کیفی و "مقیاس پذیر" به مفاهیم دیموکراسی وجود دارد که همیشه دلالت بر حضور چنین خصوصیتی تا حد مشخص می‌کند. همچنین به نظر ما در بطن دیموکراسی مفهوم برابری سیاسی از لحاظ طرز‌العملی و یا از لحاظ بنیادی تضمین شده وجود دارد و این حق در تعیین نتایج قابل اطمینان مساویاً به اندازه مؤثریت مشارکت رأی دهندگان تعبیر میشود. «پوهاند هیلند» متأسف است که کارهای علمی بسیار کمی در زمینه تیوری سیاسی دیموکراسی در مورد ساختارها یا سیستم‌های حاکمیت با تجزیه و تحلیل فلسفی معیاری انجام شده است.

ممکن آنچه را «جان دن»<sup>[۴]</sup> به این نتیجه رسانده که تیوری‌های معاصر دیموکراسی یا نومیدانه ایتوپایی استند یا در صورت واقع بینانه بودن کاملاً کسل‌کننده و غیر الهام بخش اند، درست باشد.<sup>[۵]</sup> «جوزف شومپیتر» در کتاب خود " سرمایه داری، سوسیالیسم و دیموکراسی" دیموکراسی را یک میتود سیاسی میداند که فقط می‌تواند " ارزش ابزاری" داشته باشد و آنرا ناتوان می‌داند که بخودی خود هدف باشد. آنچه این قلم می‌خواهد ثابت سازد آن است که دیموکراسی برای هر فرد بر حسب تصادف و یا برای همه بهتر از تسلیم شدن به حاکمیت دیگران است. همانطوریکه جان لاک به برابری طبیعی اعتقاد داشت، بدان معنی بود که " این حق مساوی است که هر انسانی از آزادی طبیعی خود برخوردار باشد، بدون آنکه تابع اراده یا اختیار شخص دیگری باشد."<sup>[۶]</sup>

<sup>1</sup> - Dahl

<sup>2</sup> - Schumpeter, Joseph. *Capitalism, Socialism and Democracy*. Allen & Unwin. London, UK. 1976.

<sup>3</sup> - Joseph Schumpeter, et al

<sup>4</sup> - John Dunn

<sup>5</sup> - Dunn, John. (Ed.), *Democracy: Unfinished Journey*. Oxford University Press. Pp. 239-266.1992.

<sup>6</sup> - Lock, John. *Two Treatises of Government*, (ed.) Peter Leslett. Cambridge University Press.1991.

ما با «ج.س. میل» [۱] موافقیم که از «دال» [۲] در این زمینه نقل قول می‌کند: «حقوق و منافع یک فرد یا هر شخص دیگر تا زمانی از نادیده انگاری و بی‌توجهی مصون است که شخص ذی‌علاقه یا خودش قادر است یا بطور معمول تمایل به دفاع از آن را دارد... انسانها تنها تا زمانی بصورت نسبی از شر دیگران در امان اند که خود قدرت اند و قدرت محافظت از خود را دارند.» [۳]

در حالی که برابری حقوق تحت یک دولت محدود امکان‌پذیر است و شرط اساسی آزادی فردی است، اما ادعای برابری موقعیت مادی تنها توسط دولتی با قدرت مستبدانه و تمامیت خواه می‌تواند بر آورده شود. [۴]

پس از جمع‌بندی این ایده‌ها، مفاهیم و فلسفه دیموکراسی، نویسنده این کتاب، آنچه را که طی بیش از سه سال تحقیق در این خصوص از کتب و مقالات موجود مأخذ گرفته و هم سابقه کار و دانش و تجربه زندگی خود را که در طی مدت هفت دهه در سه قاره زیسته با شما بحث خواهد کرد.

شکی نیست که «هایلند» در فصل دوم کتاب خود «دیموکراسی و میتود چیست؟ ما را به «حقیقت و روش» معروف «هانس گئورگ گدامر» [۵] می‌برد که در آن سعی می‌کند ما را از طریق «هرمنوتیک» آگاه سازد که هر چی باشد، علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی، انتروپولوژی یا فلسفه خود را به خطوط فکری پروسه‌های میتود ساینسی تسلیم نمی‌کند. [۶]

---

1 - J. S. Mill

2 - Dahl

3 - Dahl, Robert A. *Democracy and Its Critics*. Yale University Press. New Haven. 1989.

4 - Marx, Karl. *On the Jewish Question*. David MacLellan (ed.), Karl Marx: Selected Writings. Oxford University Press. 1977.

5 - Hans-Georg Gadamer

6 - Gadamer, Hans-Georg. *Truth And Method*. By Sheed & Ward Ltd. and Continuum Publishing Group. 1975, 1989, 2004. 89

## دوم : انتروپولوژی دیموکراسی

«جولیا پلی» - پوهنتون پنسلوانیا دیپارتمنت انتروپولوژی

مؤلف که انتروپولوژیست یا انسان شناس نیست ولی منحصراً طب اهمیت انتروپولوژی را می داند بخصوص زمانیکه یکی از عالیترین مفاهیم جامعه بشری «دیموکراسی» را در بر بگیرد، و خواهد یک دیدگاه مشهور انتروپولوژی را با شما در میان بگذارد. این انتروپولوژیست ها اند که از طریق میتود قوم شناسی می توانند روابط افراد را خارج از نهاد های سیاسی رسمی و نخبه پیدا نمایند و با توجه به جهان بینی های بدیل، بررسی معانی محلی، بحث های رایج، رقابت های متعدد و تغییر شکل های قدرت که در ادبیات عملی در مورد تغییرات دیموکراتیک نادر است، به مطالعه دیموکراسی می پردازند. لازم به ذکر است که یکی از انتروپولوژیست های اولیه که یک معلم و زبان شناس هم بود، «ویلهلم فون هومبولت» [۱] در اوایل دهه ۱۸۰۰م به این باور بود که " در زبان یک جهان بینی غیر صریح به عنوان سیستم مفهومی وجود دارد." وی بین پنج دیدگاه جهانی تمایز قائل شد : ( ۱ ) جهان درک شده، ( ۲ ) جهان تصور شده، ( ۳ ) دیدگاه از طریق ذهنیت فرهنگی، ( ۴ ) جهان شخصی و ( ۵ ) دیدگاه شخصی.

به نظر من برای درک روابط متقابل فرد با جامعه، قرار داد اجتماعی، فلسفه حقوقی و فلسفه دیموکراسی، ما باید به آن از دیدگاه انتروپولوژیست نیز نگاه کنیم. مطالعه انتروپولوژیست «جولیا پلی» در مورد جمع آوری نوشته های قوم شناسان یا (انترو گرافرهای) که در عرصه های وسیع مختلف کار میکنند تا خطوط تحقیق و تحلیل را به روی توسعه انتروپولوژی دیموکراسی بکشاید، برای مطالعه ما نمایان تر میشود. [۲]

بین سال های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ تعداد دولت های دیموکراتیک افزایش یافت، برخی از آنها به عنوان "دیموکراسی با جوش و خروش کم" نامگذاری شدند [۳]. در حالی که برخی از محققان با هیجان از آنها استقبال کردند ولی بسیاری در مورد تغییرات سیاسی بمیان آمده، تجدید تعادل و سازماندهی نظم تازه شک داشتند. این مورد از سوی مجامع علمی مورد استقبال قرار گرفته و بعضی آنها " موج سوم دیموکراسی" نامیدند. اما بعد ها محققان می خواستند در باره تغییرات رژیم و محبوبیت دیموکراسی در آن جوامع بیشتر بدانند. آنها شدت اعمال قوانین دیموکراتیک را در تحکیم رژیم ها، ثبات آنها، طول عمر و عمق تغییرات به دست آمده را در این دیموکراسی ها زیر سؤال بردند. بیشتر این مطالعات توسط دانشمندان علوم سیاسی، نهاد های سیاسی رژیم ها با مطالعه قوانین آنها و عملی کردن نورم های معروف دیموکراتیک انجام شده است. افزایش علاقه باعث انتشار نشریات بیشتری در مجله جدید دیموکراسی [۴] شد که توسط بنیاد ملی دیموکراسی [۵] حمایت میشود. این انتروپولوژیست با

1 - Wilhelm von Humboldt

2 - Paley, Julie. *Anthropology of Democracy*. Annu. Review of Anthropology. Vol.31. pp. 469-496. 2002.

3 - " (Gills et al. 1993)

4 - new Journal of Democracy

5 - National Endowment for Democracy

حساسیت اتنوگرافیکی، خارج از نهاد های سیاسی نخبه، بود که شیوه قوم شناسی یا اتنوگرافی را برای مطالعه پسا استعماری مردم بکار بست تا بداند که گذار به دیموکراسی برایشان به چه معنی است، مباحث شان در مورد این گذار چیست و ماهیت تغییرات پایه های قدرت را چگونه می بینند. مطالعات انسان شناسان اغلباً در چهار چوب جنبش های اجتماعی، یعنی حقوق بشر، بیرو کراسی، قوانین، خشونت، شبه نظامیان، پولیس و اردو برای حفظ امنیت مورد بحث قرار می گیرد. نقش دولت در مسائل فرهنگی، میزان جهانی شدن و آثار آن، جامعه مدنی و سازمانهای غیر دولتی و غیره چیست. متأسفانه نظر سنجی «پوهاند پالی» از لیست پروگرامهای کنفرانس و کتاب های به نمایش گذاشته شده انجمن انتروپولوژی امریکا نشان داد که کار کمی بخصوص در مورد موضوع دیموکراسی انجام شده است. معهد، پس از آزادی مستعمرات در شرق دور، افریقا و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، مسئله دیموکراسی برای این کشور های جدیداً به استقلال رسیده به چلنج بزرگتر برای دانشمندان علوم سیاسی و بعد برای انتروپولوژیست ها تبدیل شد. انتروپولوژیست ایالات متحده امریکا گروهی ساخت بنام " کمیته مطالعه مقایسه ملل جدید" و در سال ۱۹۵۹م توسط کارنیگی کارپوریشن پیشتیبانی شد. «در این زمینه، دیموکراسی یک فورم سیاسی جهانی بود که نشان دهنده پیشرفت به سمت مدرنیته بود.» «پوهاند پلی» در دهه ۱۹۹۰م با افزایش علاقه به رشته های مربوط به جامعه مدنی و لیبرال دیموکراسی، توجه دوباره ای به دیموکراسی پیدا کرد که در مقاله خود چکیده دانش جمع آوری شده توسط امریکایی ها همچنین انتروپولوژیست های افریقایی و امریکای لاتین را ارائه میدهد. ۹ ماه پس از اخراج نیرو های شوروی از افغانستان جهان با دیدن سقوط یکی از دو ستون قدرت شوروی شگفت زده شد؛ اردوی شکست ناپذیر سرخ شکست خورد و دوم شکست ایدیالوژی مارکسیستی دیکتاتوری پرولتاریا بود. «لیخ والیسا»<sup>[۱]</sup> با تشکیل کارگران پرولتاریایی " اتحادیه همبستگی اصناف" که به زودی بیک جنبش همبستگی نیرومند تبدیل شد، ایدیالوژی مارکسیستی را ریشه کن و حزب کمونیست را در پولند سرنگون نمود. در سال ۱۹۷۹م همان پرولتاریاها با ایدیالوژی ساری کمونیستی خود به زور قدرت قشون عظیم سرخ که دومین ستون قدرت شوروی را می ساخت زمین را زیر پای دیموکراسیهای غربی به لرزه در آورد و افغانستان را اشغال کرد. مبارزان آزادیبخش گوریلابی افغان پس از ده سال جنگ برای آزادی، اتحاد جماهیر شوروی را مجبور به عقب نشینی به مرز های " ماهواره ای" قدیم خود کرد. من در فیروزی سال ۱۹۸۰م به دعوت بلاک ضد بلشویک ملل<sup>[۲]</sup> به گرد همایی ۱۰۰۰۰ نفری تحت نام " ۴۵ ملت اسیر"<sup>[۳]</sup> در میدان مدنی بزرگ تورنتو، کانادا رسیدم<sup>[۴]</sup>. پس از محکومیت شدید حمله شوروی بالای افغانستان، اولین زنی که سمت وزارت امور خارجه کانادا را داشت، وزیر « فلورا مکدونالد»<sup>[۵]</sup> از من خواستند تا در این گرد همایی بزرگ که مدعوین بیرق های ۴۵ کشور اسیر و بیرغ افغانستان را در دست داشتند سخنرانی کنم. آنروز درجه برودت زیر صفر بود، من از مظاهره چپان خواستم تا پاهای شانرا چنان سخت بر زمین تکان دهند که گویی در همین نقطه فقط برای گرم کردن بدن شان دوش می کنند. صدای من در برابر شیشه های

<sup>1</sup> - Lech Valesa

<sup>2</sup>- Anti-Bolshevik Bloc of Nations (ABN)

<sup>3</sup> -45 Captive Nations

<sup>4</sup> - A Thesis of Alexander N. Sosenko for MA degree at University of Illinois, Urbana-2010 was a study of close working of Eastern European and Eurasians in Anti-Bolshevik Bloc of Nations (ABN). He concluded that ABN represented ethnicity, their interpretation of Russian Communism and its importance to the West and Western Idealism. (1943-1996).

<sup>5</sup> - Flora MacDonald



تعمیرات بلند منزل در ارتفاعات اطراف میدان بزرگ طنین انداز شد، من بر اساس حروف الفبا نام هر ملت اسیر را خواستم تا بیرق خود را بر افراشته و برای آزادی ملت خود فریاد بر آورند. سخنرانی را با این شعر به پایان رساندم : [۱]

عقاب های هندو کوه همالیا  
در آبی ترین آسمان  
بسیار بلند پرواز کرده اند  
آنان از بشریت می خواهند  
بیدار شوند و ببینند  
اینکه ما فقط وقتی انسان هستیم  
که آزاد باشیم  
که ما در پیشگاه خداوند قسم خورده ایم  
برای شکستن هر حلقه از هر زنجیره برده داری  
آیا درد فریاد نمی زند  
" یا مرگ یا آزادی!"  
ما نفس آن خالقی را داریم که ما را آزاد خلق کرده است  
آزادی داده شده ما با اراده آزاد ما برای ما زندگی می کند  
اراده آزاد،  
شرط مطلق آزادی ما را انتخاب کرده است  
بشیر احمد زکریا

(یادداشت مترجم : من شاعر نیستم و باید اعتراف نمایم که من اینجا نه توانسته ام این شعر زیبا را با همان لذت و زیبایی که در متن انگلیسی به درستی ترجمه کنم)

پس از خروج شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۹م، کمونیزم در پولند سقوط کرد و دقیقاً ۹ ماه بعد، سرنگونی سمبولیک دیوار برلین، آلمان شرقی و غربی را با هم متحد کرد و به جنگ سرد پایان داد. " در میان گفتگوی عمومی جنگ سرد، دیموکراسی از نظر ایدئولوژیک به عنوان نقطه مقابل کمونیزم شوروی عمل کرد و در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شد تا تلاش های ضد شورش و همچنین تحولات سیاسی را در امریکای لاتین، افریقا و آسیا و جا های دیگر موجه نشان دهد. " پس از جنگ جهانی دوم ، ایده پسا استعماری "مدرنیزم"، " اعتقاد به پیشرفت مستقیم، حقیقت مطلق، برنامه ریزی منطقی نظم های اجتماعی ایده آل و ستندرد سازی دانش و تولید آنها (نقل قول از هاروی [۲]) چیز های اند که بوسیله انتروپولوژیست ها نوشته شده اند. این ایده های مدرنیستی در روال کار «مؤسسه انکشاف بین المللی ایالات متحده آمریکا» [۳] و بانک جهانی عمدتاً برای ارتقاء و توسعه دیموکراسی در جهان گنجانیده شد. [۴]

1 - Zikria, B.A. *My Memoirs*. Unpublished.

2 - PRECIS 6 1987, cited in Harvey 1989, p 9

3 - USAID

4 - Ditto. Julia Paley.

یک عده کشور های آسیایی طور مثال منگولیا با فرهنگ سیاسی ۸۰۰ ساله خود توانست مفهوم دیموکراسی را به قول انثروپولوژیست ادراکی [۱] «سابلوف» [۲] (۲۰۰۱)، منافع جمعی را فراهم نماید مانند چنگیز خان که « مبتدی ترین اصول دیموکراتیک» را بدون در نظر گرفتن حق فردی تدوین نمود. «چین منحصی یک جامعه دیموکراتیک سوسیالیستی» به عنوان کشوری بخود می بالد که دسترسی به مسکن، غذا، معارف و تحصیلات عالی، مراقبت و مواظبت های صحی و سائر مزایا را برای اتباع خود تهیه میدارد. سنگاپور با دنبال کردن سیاست « دیموکراسی مالکیت خانه» به خود می بالد که در آن به اتباع خود از «مالکیت عمومی خانه، معارف و تحصیلات با کیفیت بلند و توسعه اقتصادی بی پایان» اطمینان می دهد. این بدان معنی است که ممکن دیموکراسی معانی متبادلی داشته باشد، اصطلاح دیموکراسی تنها به این توجیه نمی شود که مردم سقفی بر سر داشته و شکم شان پُر باشد بلکه دیموکراسی به معنی انتخابات و آزادی فرد است که در آن به مردم اجازه داده میشود تا در تعیین آینده خود طبق دلخواه شان نقش داشته باشند. نامگذاری چنین دولتهای « دیموکراتیک» که توسط الیگارشی مطلقه با تیوریهای خود شان اداره می شوند با رهبری هوس آلود و هر دم خیال شان واجد شرایطی پنداشته نمی شوند که واقعاً دیموکراتیک خوانده شوند.

مشکل جهان سوم قاعده ایست که توسط صندوق بین المللی پول (MIF) اعمال میشود؛ سازمان تجارت جهانی (WTO) که در آن تصمیمات توسط متخصصین در مراکز صنعتی از فواصل دور گرفته میشود و اغلب با قانونگذاران منتخب محلی در تضاد قرار می گیرند بیشتر اوقات در زمینه تلاش برای دیموکراسی ناکام می مانند. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انهدام دیوار برلین، مبارزه علیه دیکتاتوریهای نوظهور، رژیم های نظامی در امریکای لاتین و آسیا و ظهور آپارتاید در افریقا، عقیده «جامعه مدنی» بار دیگر اهمیت سیاسی خود را در مخالفت با رژیم های سرکوبگر بدست آورد. بنابر این است که «جامعه مدنی» به عنوان یک جنبش اجتماعی لزوماً علیه رژیم های تمامیت خواه توسط جنبش های دیموکراسی مورد استفاده قرار گرفت. هر چند جامعه مدنی یک جنبش همیشه موفق نبوده است، ولی «جان گلدیل» [۳] (اکتوبر ۲۰۰۱) در یک کنفرانس بین المللی در مورد « شهروندی و فرهنگ سیاسی در امریکای لاتین» و «گذار دیموکراسی» مکسیکو توضیح داد که چطور گفت و شنود جامعه مدنی، «توانمند سازی»، «مشارکت»، «همکاری» و «دخیل ساختن جامعه» را تشویق می کند که بطور گسترده ای گسترش یافته است!

«استفاده از اصطلاح « دیموکراسی» نه به تنهایی، نه بصورت یکنواخت، و نه بطور کامل اتفاق می افتد؛ بلکه این اصطلاح انتوگرافیکی است. بنابر این باید پرسیم : این اصطلاح از چی کسی است؟ استعمال آن در هر مورد خاص به چی معناست؟ این اصطلاح در کجا بوجود می آید و در کجا نه؟» [۴]

1 -cognitive anthropologist

2 -Sabloff

3 - John Gledhill

4 - Appadurai, Arjuna. *Deep Democracy: urban governmentality and the horizon of politics*. Environment and Urbanization. (Vol 13 No 2), pp. 23-43. 2001. 95

«ار جونا اپادوری» [۱] (۲۰۰۲) گفته است که گفتمان "دیموکراسی عمیق"، " دیموکراسی بدون سرحد" می تواند از ریشه های تهابی جهانی شده ترویج شوند. [۲]

انترپولوجیستان اتنوگرافیک (مردم شناسان قوم شناس)، بالاترین آرمان های دیموکراسی را یک ضرورت قاطع می دانند، زیرا "مشروعیت بیش از هر چیز به یک سیستم پاسخگوی سیاسی و شخصی بستگی دارد که در اصل آن حاکمیت قانون نهادینه می شود."

اکثر محققان این نظریه را مطرح می کنند که دیموکراسی آرمانی ممکن خود را در دیموکراسی عملی، کمتر از فعالیت عملی دیموکراسی کار دهنده محاکم و جنبش های اجتماعی و غیره بیابد، مگر اینکه حقوق بشر، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی، برابری، هماهنگی نژادی به رسمیت شناخته شده باشد و عملاً پیاده شده باشد و تفاوت بزرگ در عواید رفع شده باشد.

### سوم : چند فرهنگی [۳]

با جهانی شدن اقتصاد، یک عده از جوانب فرهنگی آن نیز پدید آمده و گفت و شنود چند فرهنگی آغاز شده است. این پدیده در تکامل ایالات متحده امریکا به عنوان " دیگ ذوب کن" یا ادغام نژاد ها، قومیت ها و برخی از سنن قبیله ای به خوبی شناخته شده است. پس از جنگ دوم جهانی با بی جا شدن ها و مهاجرت ها گفتگو های فزاینده در این زمینه انجام شده است. متأسفانه، این موضوع توسط انترپولوجیست های برجسته پرداخته نه شده است. این در طیف وسیع آن معنون به "تیوری دیگ ذوب کن" یا " تیوری کاسه سلاد" مطرح شده است. متعاقب بحث ها در جوامع دیموکراتیک، یک تیوری لیبرال در باره تیوری «دیگ ذوب کن» یا «کاسه سلاد» مورد توجه قرار گرفته است که در یک جامعه نا همگون، همزیستی و نگهداشتن برخی از خصوصیات رسوم و فرهنگهای منحصر به فرد مردم حفظ گردیده اند. طور مثال ما در شهر نیویورک جوامع متعدد نژادی را می یابیم مثلاً " شهرک جرمن - جرمن تاون، محله فرانسویهای - فرنچ کوارترز، شهرک چینیایی - چاینه تاون، و اودیسه کوچک - لینتل اودیسه و غیره را پیدا می کنیم. متأسفانه که ناسیونالیست های امریکایی چند فرهنگی را به هویت امریکایی تهدید می دانند. در واقع، هویت های شخصی و گروهی، گاهی نقش های سازنده و یا مخرب بازی می کنند! سؤالی که چند فرهنگ گرایان مطرح میکنند، مسئله مهمی در تیوری دیموکراسی است. باری یکی از دوستانم گفته بود که " یک جامعه واقعاً دیموکراتیک هنر موزائیک یا هنر معرق نیست بلکه هنر فرش بافی است. [۴]

یونسکو زمانی این موقف را گرفت که در اعلامیه جهانی خود در مورد تنوع فرهنگی اعلام کرد که " تنوع فرهنگی برای انسانها به همان اندازه ضروریست که تنوع زیست گیاهان و جانداران [۵] برای طبیعت ضروریست."

<sup>1</sup> - Arjuna Appadurai

<sup>2</sup> - Appadurai, Arjuna. *Deep Democracy: urban governmentality and the horizon of politics*. Environment and Urbanization. (Vol 13 No 2), pp. 23-43. 2001.

<sup>3</sup> - Multiculturalism

<sup>4</sup> - Hyland, James L. *Democratic Theory: The Philosophical Foundations*. Manchester University Press/Distributed in USA and Canada by St. Martin's Press; Manchester, New York. ISBN: 07190 4517 7. 1995'

<sup>5</sup> - biodiversity

## چهارم : داینامیک جهانی دیموکراسی ها



شکل دوم

با بحث در مورد ساختار های مختلف دیموکراسی، اکنون باید وضعیت عمومی و شرایط دیموکراسی های امروزی را در سراسر جهان بررسی کنیم. بعضی از آنها در مرحله نوسان اند، عده دیگر شکل های تغییر یافته با نیروی نظامی را در نظر دارند، شمار دیگر تغییرات لازم را به اساس پویایی و مقتضیات فرهنگی خود، رسوم و تاریخ خود وارد کرده اند. ما بعضی اوقات شاهد تحولات تکاملی یا انقلابی و یا هم عقب نشینی کامل هستیم. معلومات ارائه شده به شما از Center for Systemic Peace Polity IV و از پروژه های نگرش Pew تقدیم شده است. در ذیل یک قسمت از استنتاجات مرکز تحقیقات Pew آورده شده که خیلی آموزنده اند. [۱]، [۲]

<sup>1</sup> - Marshal, M.G., Gurr, T.R., Jaggers, Keith. Polity IV Project. Polity IV data version 2016, 2017. Center for Systemic Peace [www.systemicpeace.org](http://www.systemicpeace.org)

<sup>2</sup> - Marshall, M.G., Elzinga-Marshall, G. *Global Report 2017: Conflict, Governance, and State Fragility*. Center for Systemic Peace Polity IV and from Pew Global Attitude Project.

با حمایت گروپ خاص بی ثباتی سیاسی [۱] ، پروژه Polity IV به مرجع تلاش برای جمع آوری معلومات زنده تبدیل شد، بدین معنی که این پروژه بطور مستدام تغییرات رژیم ها را در همه کشور های بزرگ زیر نظر دارد و ارزیابی سالانه از خصوصیات اقتدار رژیم با تغییرات و معلومات تازه بوقت ارائه می دهد.

### برخی از استنتاجات مرکز تحقیقاتی PEW

۱) علی الرغم نگرانیهای بین المللی در مورد وضعیت دیموکراسی ها، بیش از ۵۰ فیصد ان تا تاریخ ۱۴ ماه می سال ۲۰۱۹ تا حال دیموکراتیک مانده اند.

۲) دیموکراسی در سراسر جهان در مقایسه با حکومتی که توسط رهبر قوی یا توسط نیرو های مسلح اداره میشود از طرف مردم بسیار حمایت میشود (۱۸ فیوروری ۲۰۲۱)

۳) "اکثریت مسلمانان خواهان دیموکراسی، آزادی شخصی و اسلام در زندگی سیاسی اند." (۱۸ جولای ۲۰۱۲) "بیش از یکسال پس از اولین تحرکات بهار عربی، در بین اعراب و سائر کشورهای که اکثریت نفوس شان مسلمان اند، تمایل شدید به دیموکراسی در آن دوام دارد.

۴) "یافته های عمده : مسؤولیت سازمانی؛ کدام راه باید گرفته شود؟" به نظر میرسد که برخی از شرکت های بزرگ از این آگاه شده میروند، که دیموکراسی اساس و تهداب منافع آنها را تهدید نمی کند، اما آنها هنوز در اتخاذ یک جبهه واحد برای خود عقب استند.

### ۵) آیا تحصیلات و عاید در کشور های مسلمان بر حمایت از دیموکراسی اثر گذار اند؟

**کشور ها:** شواهد از پروژه نگرش های جهانی Pew در ذیل نشان می دهد که :

خلاصه : با استفاده از معلومات افکار عمومی در سطح خیلی خورد از پروژه ۲۰۰۵ Pew Global ، این مطالعه تأثیر پیشرفت تحصیلات و عاید را پیرامون حمایت از دیموکراسی را در پنج کشور عمدتاً مسلمان بررسی کرده است و این کشور ها عبارتند از: اندونیزیا، اردن، لبنان، پاکستان و تورکیه. این مطالعه ثابت می کند که در مقایسه با عدم پایان تحصیلات ابتدائی، ختم تحصیلات متوسطه و تحصیلات عالی، حمایت از دیموکراسی را در اردن، لبنان و پاکستان تشویق می کند. نتایج نشان می دهد که یکی از مزایای معارف، حمایت از دیموکراسی در اردن، لبنان و پاکستان است. نتایج در مورد عایدات نشان می دهد که گروپ های که عاید متوسط دارند نسبت به افراد فقیر بیشتر از دیموکراسی در لبنان و تورکیه حمایت می کنند. [۲]

<sup>1</sup> - Political Instability Task Force (PITF)

<sup>2</sup> - Shafiq, M.N. Do education and Income Affect Support for Democracy in Muslim Countries. Indian University, Bloomington, IN. May, 2009.

برای دیموکراسی های تثبیت شده اوج سال پس از جنگ ، سال ۲۰۰۶ بود که ۳۵ کشور – ملت و از آلمان دو کشور (بلجیم و ایالات متحده امریکا) از بالاترین سطح لغزیدند. (گزارش پیو)

در سال ۱۹۷۷ از بین ۱۴۳ کشور تنها ۳۵ کشور توسط Polity رتبه بندی شدند، که در این میان تنها ۲۴ فیصد شان واجد شرایط دیموکراسی بودند در حالی که از ۸۹ کشور (۶۲ فیصد شان بشمول ۹ پادشاهی موروثی مطلق به عنوان رژیم های نوع خود کامه طبقه بندی شدند). هر چند تعداد دیموکراسی ها در سالهای بعد شروع به افزایش کرد و تعداد رژیم های خود کامه به تدریج سقوط کرد، ولی نیمی از کشور های که دارای رتبه بندی Polity بودند حد اقل تا سال ۱۹۸۸ خود کامه مانده بودند. با پایان جنگ سرد و سقوط بلاک شوروی دیموکراسی به سرعت گسترش یافت و سرانجام خود اتحاد جماهیر شوروی طی سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۱ فروپاشید. از ۷۵ کشوری که در سال ۱۹۸۷ به عنوان خودکامه رتبه بندی شده بودند تنها ۱۵ کشور (۲۰ فیصد) شان تا سه دهه دیگر یعنی تا ۲۰۱۷ به عین رتبه باقی ماندند. از این جمله بیش از یک بر سوم (۲۷) شان مردمسالار شده بودند بقیه اکثریت شان دارای رتبه بندی مختلط بودند. یک کشور، لیبیا، در سال ۲۰۱۷ به دلیلی رتبه بندی نه شد که رژیم ثبات نداشت و پنج کشور دیگر وجود نداشتند. در میان ۳۰ کشور جدید تشکیل که از سال ۱۹۸۷ به بعد تشکیل شده اند ۱۷ کشور تا ۲۰۱۷ در بین دیموکراسی ها رتبه بندی شده اند، شش کشور خودکامه، چهار کشور مختلط و سه کشور دیگر به دلیل عدم ثبات و یا مداخلات بیرونی رتبه بندی نه شدند.

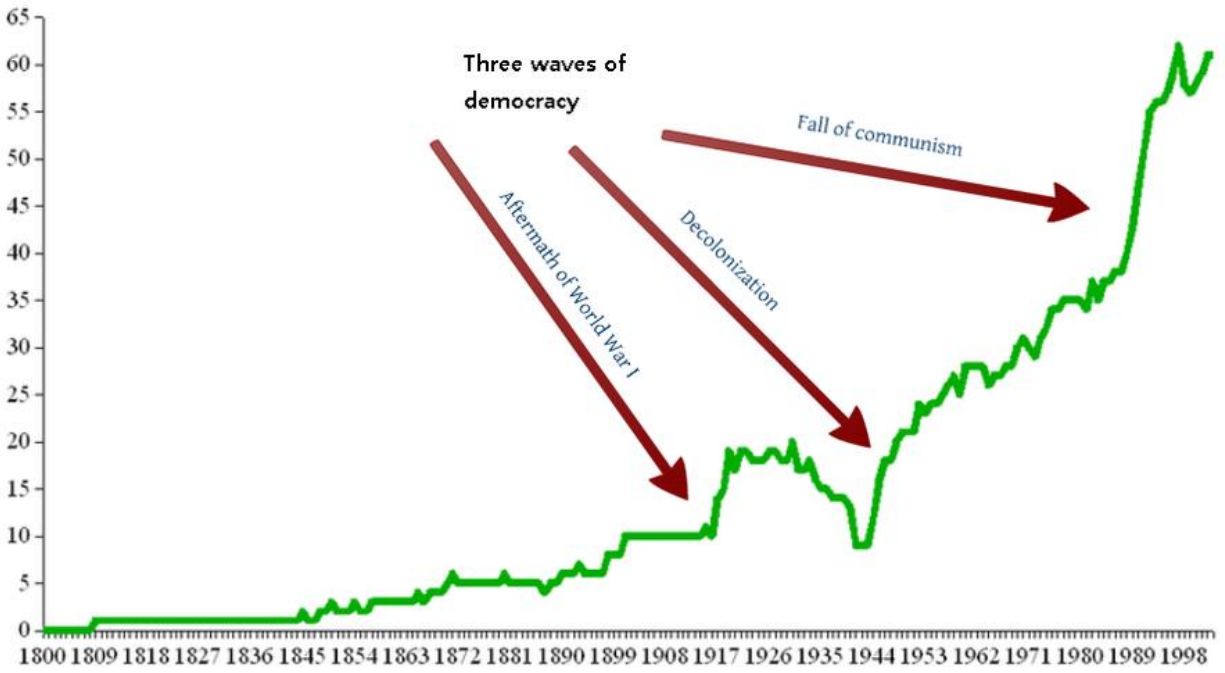
مقیاس رتبه بندی Polity IV از ۱ تا ۱۰ است ( این به اساس معلومات تازه ایست که در ابتداء به تاریخ ۶ دسمبر ۲۰۱۷ منتشر شده بود).

با وجود نگرانی در مورد دیموکراسی، بیش از نیمی کشور ها دیموکراتیک استند. [۱]

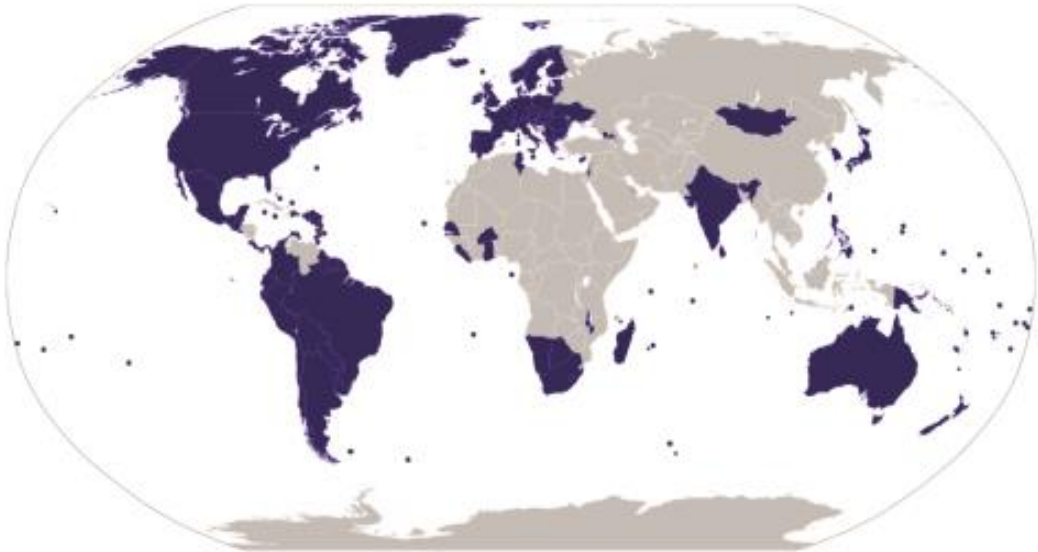
دیموکراسی	دیموکراسی + اتوکراسی	اتوکراسیها	تعداد کشور های
۲۰۱۷ ..... ۹۶ (۵۷ فیصد)	۴۶.....۲۸ فیصد	۲۱.....۱۳ فیصد	مجموع ..... ۱۶۷

<sup>1</sup> - Shafiq, M.N. Do education and Income Affect Support for Democracy in Muslim Countries. Indian University, Bloomington, IN. May, 2009.

Number of nations scoring 8 or higher on the Polity IV scale 1800-2003



شکل سوم



شکل چهارم

۳۳ کشور در سال ۲۰۱۷، منحصیث کشور های دیموکراسی کاملاً یک پارچه در نظر گرفته شدند که رتبه مثبت +۱۰ رتبه بندی Polity را کسب کردند. [۱]

## پنجم : پلان اقداماتی دیموکراسی اروپایی تقویت نمودن دیموکراسیهای اتحادیه اروپا

برای مقابله با چلنج هاییکه دیموکراسیهای اتحادیه اروپا با آن روبروست مانند افزایش افراط گرایی، زیاد شدن فاصله میان مردم و سیاستمداران، پلان اقداماتی برای ارتقای انتخابات آزاد و عادلانه، تقویت آزادی رسانه ها و مقابله با معلومات نادرست رویدست گرفته شد. رئیس اتحادیه اروپا اورسولا فوندر لین<sup>[۲]</sup> گفت : " با استفاده از انقلاب دیجیتال که در راه است شهروندان باید قادر به این انتخاب باشند تا دیدگاه شانرا آزادانه بیان نمایند. حقایق باید از داستان سرایی ها متمایز باشند و جامعه مدنی و میدیای آزاد باید در یک بحث آزاد عاری از دخالت بدخواهانه قادر به شرکت باشند. بنابر این اتحادیه اروپا اقداماتی را رویدست می گیرد تا دیموکراسی های ما را در اتحادیه اروپا مقاوم تر سازند."

معاون رئیس «اتحادیه اروپا» در امور ارزشها و شفافیت (ویرا ژورووا<sup>[۳]</sup>) گفت : دیموکراسی چیزی نیست که بدون پرس و پال و اعتراض بصورت مجانی داده شود؛ دیموکراسی نیاز به پرورش و حفاظت دارد. هدف از برنامه ما حمایت و ارتقای مشارکت پر معنی شهروندان است تا آنها را به این امر توانمند سازیم که در فضای عام بصورت آزادانه حق انتخاب خود را بدون دست ورزی و دستکاری داشته باشند. ما نیاز داریم تا قوانین خود را مطابق عصر و روز عیار سازیم تا از فرصت ها و چلنج های عصر دیجیتال استفاده کنیم. این طرح اقداماتی در حالیکه از آزادی بیان بصورت کامل دفاع میکند، برای افزایش حمایت ژورنالیستان و مبارزه با معلومات غلط و مداخله در نظر گرفته شده است.

" با استفاده از انقلاب دیجیتال که در راه است شهروندان باید قادر به انتخاب آن باشد تا دیدگاه شانرا آزادانه بیان نمایند. حقایق باید از داستان سرایی ها متمایز باشند و جامعه مدنی و میدیای آزاد باید در یک بحث آزاد عاری از دخالت بدخواهانه قادر به شرکت باشند چلنج های پیش روی اتحادیه اروپا محدود به مرز های آن نیست، بنابر این هرگونه اقدامی که در داخل انجام می شود در خارج از آن نیز تأثیر خواهد داشت." [۴]، [۵]

برنامه اقدامات دیموکراسی اروپایی، اعضای اتحادیه اروپا را ترغیب می کند که این اقدام ممکن به سائر دیموکراسی ها بکار گرفته شود

<sup>1</sup> - Center for Systemic Peace's Polity IV Project. Pew Research Center. 2017.

<sup>2</sup> - Ursula von der Leyen

<sup>3</sup> - Věra Jourová

<sup>4</sup> - Ditto.

<sup>5</sup> - The above Action Plan which was created by European Union as European Democracy Action Plan in March 3, 2020 will be "gradually implemented until 2023. Internet.



۱) برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه

۲) تقویت آزادی مطبوعات و پلورالیزم یا کثرتگرایی

۳) مقابله با معلومات غلط

## ششم: جنبه های صلح و جنگ در دیموکراسی ها

در بالا ذکر کردیم که موضوع "جنگ، صلح و دیموکراسی" ممکن متداول ترین موضوع مورد بحث در سراسر جهان باشد. بار ها تکرار شده است که "صلح و دیموکراسی" دو روی یک سکه اند. [۱] از منظر فلسفی شاید این تصویر درستی از رابطه صلح با دیموکراسی باشد. خوانندگان به احتمال زیاد می دانند که امانوئل کانت در مسائل مربوط به اخلاقیات به عنوان غول فکری جهان غرب شناخته میشود. برداشت من از فلسفه او این است: *اقدامات هدفمند شما بدون آنکه به کسی آسیبی برساند باید بصورت جهانی قابل اجراء باشد.* همچنان شاید این هم به فیلسوف بزرگ امانوئل کانت مرتبط باشد که گفته اند " این اراده انسان است که ممکن باتمایل عاطفی یا به دلیل عقل گرایی هدایت گردد. اگر "اراده" نشان دهنده یک کوانتوم تجویز شده یا اختصاص داده شده از انرژی باشد، پس آزادی انتخاب، " اراده آزاد" به عنوان یک مشخصه منحصر به فرد انسانی، او را به یک فاعل آزاد برای اجرای ایده با یک اقدام مشخص یا تمایل عاطفی تبدیل می کند. هسته اصلی آموزه های اخلاقی امانوئل کانت چنین است: "تمام دانش ما از حواس شروع میشود، سپس به درک ادامه می یابد و با عقل به پایان می رسد. هیچ چیزی بالاتر از عقل نیست." وی می افزاید: " بدنبال لطف بسیاری ها نباشید؛ که به ندرت از طرق صادقانه و قانونی به دست می آید. کانت با این فرض شروع می کند که " همه چیز در طبیعت مطابق قوانین عمل می کند."

" این فورمول قانون جهانی طبیعت این است که فقط مطابق با آن اصل عمل کنید که از طریق آن می توانید در همان زمان اراده (آرزو کنید) تا بیک قانون جهانی تبدیل شود." "امر مطلق" به نظر کانت، عینی، بدون قید و شرط و اصل ضروری عقل است که برای همه عوامل منطقی در هر شرایطی صدق می کند. این ادعاها و استدلال ها همه از اصرار کانت سرچشمه می گیرند که *اخلاق مبتنی بر استقلال اراده عقلانی است.* آنچه را که کانت نا دیده می گیرد دلیلی است که او انسان را فاعل اراده عقلانی می داند. به گفته وی از اینکه انسان فاعل عاقل است پس انطباق با این قوانین (موجب) از اهمیت بالایی برخوردار اند! امر مطلق کانت در واقع بر "اراده" انسان متمرکز است که مفهوم اخلاق از آن سرچشمه می گیرد و کاملاً مستقل از اراده های دیگر است. این یک درک ذهنی کانت در مورد اخلاق است، وی آن درک متعارفی را که برای اصول رفتاری چهار چوب تعیین می کند رد می کند. کانت با برتر قرار دادن عقل، مخالف (سرکوب) هوسها است، وی مدعی است که تمام اخلاقیات مبتنی بر تعقل انسان است. وی در ادامه می گوید که اخلاق را می توان از طریق استدلال یک امر ضروری دانست، که امر می کند تا یک عمل را انجام دهد یا نه دهد! هدف از این قوانین حفاظت از جان، اموال و غیره یک یک از افراد جامعه است. به هر حال اخلاق یک ضرورت است، و زمانی بیک امر مطلق تبدیل میشود که هر فرد باید در تنظیم قرار داد اجتماعی سهیم باشد. انسانها قبل از متمدن شدن بسیار خشن و با یکدیگر رفتار خصمانه داشتند و در همه حال در حالت جنگ بودند. برای

<sup>1</sup> - Doyle, Michael W. *Ways of War and Peace*. W.W. Norton. New York. 1997.

کانت که در پای قرار داد اجتماعی امضاء می کند، قوانین آن نه تنها به این دلیل بالایش ضروری می شوند که بوسیله توانایی عقلانی انسان هدایت شده اند بلکه موضوع تعهد به قرار داد هم یک وجبیه است. [1]

کانت بطور کامل توضیح نمی کند که منظورش از عقلانی بودن چیست یا "اراده آزاد" چیست که تحت تأثیر عناصر بیرونی قرار نمی گیرد. از آنجا که همه افعال ناشی از "اراده" اند و طبیعت انسانی دارای قدرت استدلال و همان عقلانی بودن است، پس داشتن اختیار به معنی اراده آزادیست که تحت تأثیر نیروی خارجی نباشد. کانت می نویسد: "به منظور سازماندهی گروهی از موجودات عقلانی که باهم برای بقای خود نیازمند قوانین جهانی اند، در بین شان افرادی وجود دارند که هر کدام شان بطور جداگانه و پنهانی تمایل دارد تا خود را از این قوانین معاف سازد، پس قانون اساسی باید به گونه ای طراحی شود که هر چند شهروندان در برخورد خصوصی خود بایکدیگر مخالف هم اند ولی این دیدگاه های متضاد ممکن جلوی یکدیگر را به ترتیبی بگیرند که رفتار عمومی شهروندان به عین شکل باشد و چنان باشد که چنین رفتارها هرگز حالت شریر نداشته اند." [2]، [3]

با تفکر خلاق و با استفاده از منطق، ممکن ما انسان را *فاعل آزاد* و *منطقی* بدانیم که قادر به تمایز خوب با بد، و خیر با شر باشد و همکاری به عنوان یک امر تجربی اخلاق باشد و بخش غیر تجربی *اخلاقیات* *مینافیزیکی* باشد. به این ترتیب انسانها با تکامل جوامع، سودمندی های تجربی همکاری را تشخیص میدهند که بر سودمندیهای رقابت و درگیری چربی می گیرند. امانوئل کانت معتقد به *جهانی ساختن جمهوری ها* "بود که" منظورش "دیموکراسی های جهانی شده" است، زیرا در آن زمان در اروپای اشرافی دیموکراسی یک کلمه تحقیر آمیز بود و به همین دلیل وی در عوض از اصطلاح جمهوری (جمهوری روم - تکیه بر کلمات از مؤلف است) استفاده میکرد. کانت با جمهوری خواهی جهان شمول خود قصد داشت رفاه بشری را ارتقاء دهد، و نوعی از حکومتی باشد که قصد تأمین امنیت اجتماعی (رفاه: نیازهای اساسی، غذا، سرپناه، تحصیل، مراقبت های صحتی و غیره) را داشته باشد. [4]، [5]، [6]

### نقل قول های از کانت

۱) تمام دانش ما با حواس آغاز میشود، سپس با درک ادامه می یابد و با عقل خاتمه می یابد. هیچ چیزی بالاتر از عقل نیست

<sup>1</sup> - Allison, Henry. *Kant's Transcendental Idealism*. New Haven: Yale University Press, 1983.

<sup>2</sup> - Kant, Immanuel. *Kant's Political Writings*, ed. Hans Reiss and trans. H.B. Nisbet. Cambridge: Cambridge University Press, England. 1970.

<sup>3</sup> - Kant, Immanuel. *Critique of Pure Reason*. The Cambridge Edition of the Works of Immanuel Kant. Translated and edited by Paul Guyer and Allen W. Wood. Cambridge: Cambridge U.P. ISBN 978-0-5216-5729-7. (1999)

<sup>4</sup> - Kuehn, M. *Kant: A biography*. New York: Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-49704-6. 2001.

<sup>5</sup> - Kant, Immanuel. *Foundations of the Metaphysics of Morals*. Trans. Lewis White Beck, Indianapolis, Bobbs Merrill, Page numbers citing this work are Beck's marginal numbers that refer to the page numbers of the standard edition of *Königlich-Preußische Akademie der Wissenschaften* (Berlin, 1902-38). 1969.

<sup>6</sup> - Ditto. Kant, Immanuel. *Kants Political Writing*.

۲) اگر کودکی را بخاطر شیطننت اش تنبیه کنید و به خاطر خوب بودنش به او پاداش بدهید او کار خوب را تنها بخاطر پاداش آن انجام می دهد؛ و وقتی پا به جهان حقیقی می گذارد و ببیند که (خوب) همیشه پاداش ندارد و شرارت هم همیشه تنبیه نه میشود پس وی به مردی تبدیل میشود که خوب و بد را مطابق به مفاد و مزیتی که برایش دارد انجام میدهد.

۳) اما، دروغ، دروغ است و فی نفسة شر است، خواه با نیت خوب و خواه بد گفته شود.

۴) همیشه باید بدانید که افراد انسانی یک هدف هستند و از آنها به عنوان وسیله ای برای اهداف خود استفاده نه کنید.

۵) قوانین خوشی و شادی : کاری را باید انجام داد، کسی را باید دوست داشت، و چیزی برای امید داشتن.

۶) نقد عملی عقل : " دو چیز ذهن مرا با شگفتی و حیرت روز افزون پُر می کند : آسمان پر ستاره بالای سرم و قانون اخلاقی درون من.

## فصل هفتم

### بحران معاصر در دیموکراسی ها

کتابهای ذیل نشان می دهند که نشرات فزاینده ای در مورد بحران در مشهورترین دیموکراسی جهان که بنام دیموکراسی امریکایی یاد میشود وجود دارد که مایه نگرانی بسیاری از امریکایی ها و دیگر دیموکراسی های جهان است. نشریات نگرانی های روز افزون را تأیید می کند، یعنی کتبی از قبیل: " دیموکراسی و بحران آن"، "دیموکراسی امریکایی در خطر"، " دیموکراسی های چگونه می میرند"، " زوال دیموکراسی"، "دیموکراسی در بند زنجیر ها" و غیره. بنابر همین ضرورت، تیوریه‌ها، ایده ها و نظریات بیشتری وجود دارند که همه در جستجوی درمان و یا درمانهای لازم به دیموکراسی ها در سرتاسر جهان اند. در ذیل پنج بحث عملی و پیشنهادات یا اصلاحات مجدد را برای شماری از دیموکراسی های غربی مشاهده می کنید. شاید این جدی ترین چلنج دوران معاصر از جمله هولوکاست اتمی، جنگ کیمیاوی - بایولوژیکی، بحران اقلیمی، جنگ سایبری و غیره باشد. چرا بحران در دیموکراسی های معاصر اینقدر مهم است؟ شاید به این دلیل که دیموکراسی های غربی بعد از تحقق رویا های جهانی برای خوشبختی بشریت، دیگر در حال از دست دادن نیروی سابق خود اند! دیموکراسی های غربی بدون شک ثابت کرده اند که دیموکراسی تنها و تنها میکانیزم مناسب برای حکومت نیست بلکه پایدارترین ایدیولوژی بشریت در زمینه آزادی انتخاب، تهداب های اخلاقیات، آزادی، توازن آرزومندهای بزرگ اجتماعی، فقدان ترس و دستیابی به آرامش حاصل از صلح و هماهنگی نیز است.

#### تیوریهای معاصر امریکایی در مورد حکومتداری سیاسی

الف: جان راولز: (۱۹۲۱ - ۲۰۰۲):

#### عدالت به عنوان انصاف: یک بیان مجدد (۲۰۰۱)؛ تیوری عدالت (۱۹۷۱)

تمرکز: «سه اصلی که نظام قضایی ما به دنبال بازتاب آن است: برابری، انصاف و دسترسی. انصاف چنان جامعه متشکل از شهروان آزاد را توصیف می کند که در آن مردم از حقوق اولیه و همکاری برابر در یک سیستم اقتصادی مساوات طلب برخوردار باشند. پوهاند جان راولز (از پوهنتون هاروارد) به خاطر کتاب «تیوری عدالت» (۱۹۷۱) و (لیبرالیزم سیاسی)» پوهنتون کولمبیا ۱۹۹۶ شهرت دارد. وی با "قرار داد اجتماعی" روسو شروع می کند و اصول عدالت را در توافقی بین فرد و جامعه بر اساس انصاف و برابری توسعه می دهد. این مستلزم آن است که (۱) هر فرد باید از حق برابر بنیادین برخوردار باشد که با آزادی مشابه با دیگران سازگار باشد و (۲) نابرابری های اجتماعی و اقتصادی به گونه ای تنظیم شوند که هر دو به نفع هر کس باشد و همه موقف ها و دفاتر و مناصب جامعه به نفع همه باشد، و باید بروی همه بدون تعصب باز باشد. پوهاند راولز به این باور است که عدالت اولین فضیلت همه نهاد های اجتماعی است، همانگونه که حقیقت مربوط به نظام های فکری است و حتی هر تیوری ای که بیشترین ظرافت و کارایی را داشته باشد، اگر فاقد عنصر حقیقت باشد، نیاز به

بازنگری دارد. به گفته پوهاند راولز، خدشه ناپذیری عدالت که موهبت طبیعی خلقت بشر است، حتی با رفاة یک بخشی یا کل جامعه قابل غلبه نیست. بنابر این حقیقت و عدالت را باید فضایل شهودی سازش ناپذیر نوع بشر بدانیم. [۱]

ممکن است ما بی عدالتی را در قوانین و نهاد های اجتماعی و همچنین در تصمیم گیری ها، قضاوت ها و نسبت ها مشاهده کنیم. شاید سر و کله زشت بی عدالتی در نگرش ها، خلق و خوی خود مردم به عنوان عادل و ناعادل متظاهر شود! برای ما موضوع اصلی عدالت، ساختار اساسی جامعه است، یا بطور دقیق تر، روشی است که در آن نهاد های اساسی اجتماعی حقوق و وجایب را توزیع و مرز تقسیم مزایا را از همکاری اجتماعی تعیین می کند.... هدف من ارائه مفهومی از عدالت است که نظریه آشنای قرار داد اجتماعی را که مثلاً در لاک، روسو و کانت یافت میشود تعمیم دهد و به سطح بالاتر از انتزاع برساند. [۲] زمانی که مردم در صدد مزایای سیاسی و اقتصادی شان اند پوهاند راولز حتی فراتر از مفاهیم باستانی مواهب طبیعی و احتمالات شرایط اجتماعی می رود. وی معتقد است که دولت ها و همه نهاد های دیگر در نهایت بیک «تعادل انعکاسی» قابل تحمل نیرو های سیاسی و اقتصادی می رسند. او معتقد است که «حکومت قانون» تنها با ارزش های دیموکراتیک آزادی های اساسی شهروندان به عنوان آزادی سیاسی (حق رأی دادن، و واجد شرایط بودن برای مناصب دولتی) همراه با آزادی بیان و تشکیل گروه های و تجمعات؛ آزادی افکار و آزادی اندیشه و عبادات؛ آزادی شخصی همراه با حق داشتن اموال (شخصی)؛ و رهایی از دستگیری و توقیف خود سرانه و فراهم آوردن فرصت های واقعی برای آموزش تخصص های ابتدایی و تخصص های آموزشی بلند تر قابل حفظ است. [۳]

ب : رابرت نوزیک : (۱۹۳۸ - ۲۰۰۲)

انارشی، دولت و اتوپیا؛ پاسخ یک آزادیخواه به پوهاند جان راولز «تیوری عدالت»؛ بررسی فلسفی تیوری و مضامین آزادیخواهانه (۱۹۷۴)

نکات اساسی : کتاب " لیبرتنیزم و لیبرتنیزم در ایالات متحده آمریکا [۴]" "انارشی" پوهاند رابرت نوزیک (پوهنتون هارود) در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت و اساس فلسفه آزادی گرایی را در امریکا و سنن لیبرال کلاسیک اروپا گذاشت. [۵] آزادی گرایی

<sup>1</sup> - Rawls, John. *Justice as Fairness: A Restatement*. Belknap Press, USA, 2001

<sup>2</sup> - Notes: As the text suggests, we regard *Locke's Second Treatise of Government*, *Rousseau's The Social contract*, and *Kant's ethical works beginning with the Foundation of the Metaphysics of Morals* as a definitive of the contract tradition. For all of its greatness, *Hobbes's Leviathan* raised special problems. A general historical survey is provided by J.W. Gough, *The Social Contract*, 2nd ed. (Oxford, The Clarendon Press, 1957), and Otto Gierke, *Natural Law and the Theory of Society*, trans. with an introduction by Ernest Barker (Cambridge, The University Press, 1934). A presentation of the contract view as primarily an ethical theory is to be found in *G. R. Grice, The Grounds of Moral Judgment* (Cambridge, The University Press, 1967).

<sup>3</sup> - Voice, Paul. *Rawls explained: from fairness to utopia*. Open Court. pp. 41-48. ISBN 978-0812696806. OCLC 466334703. 2011.

<sup>4</sup> - *Libertarianism and Libertarianism in The United States*

<sup>5</sup> - Voice, Paul. *Rawls explained: from fairness to utopia*. Open Court. pp. 41-48. ISBN 978-0812696806. OCLC 466334703. 2011

ایکه مرتبط به حزب لیبرترین بود در سال ۱۹۷۱ م اساس گذاری شد، که شامل سیاستمدارانی مانند دیوید نولن [۱] و ران پاول بود.

کتاب «انارشی، دولت و اتوپیا» بیانی است که نوزیک از شکل غالب آزادی خواهی در ایالات متحده آمریکا می نویسد و مورد علاقه برخی از جمهوریخواهان است. در سال ۲۰۱۴ نظر سنجی مرکز تحقیقات پیو Pew در مورد نوع شناسی و قطبی سازی نشان داد که ۱۲ فیصد جمهوریخواهان خود را آزادیخواه توصیف می کنند. در سال ۲۰۱۲ شاخه حزب لیبرترین در مقایسه با سائر شاخه های جدید خیلی کوچکتر نشان داده شده است مانند الف ( رأی دهندگان حزب چای [۲]، ب ( جناح پوپولیستی و رادیکال تر حزب چای [۳]، ج ( جمهوریخواهان عملگرا «خیابان اصلی» [۴] و: ی ( محافظه کاران عیسوی انجیلی [۵]، [۶]، [۷]، [۸])

ج : ان اپل بام : (۱۹۶۴ - )

" غروب دیموکراسی : کشش دلفریب سلطه جویی" (۲۰۲۰)

پوهاند اپلبام، مؤرخ و نویسنده ایست که جایزه پولیتزر را بدست آورده است، وی در کتاب خود که اسمش در فوق ذکر شد راهنمایی عالی را برای درک جذابیت و کشش یک مرد قدرتمند به عنوان رهبر، در دوران آشفته کنونی ما ارائه میدهد. وی توضیح می دهد که چرا سلطه جویی با پیچ و تاب تهدید آمیز قرن بیست و یکم در حال بازگشت است. وی می گوید : "امروز در سراسر جهان، از قاره آمریکا گرفته تا اروپا و فراتر از آن، لیبرال دیموکراسی در محاصره است در حالی که پوپولیزم و ناسیونالیزم در حال بلند شدن است." اپلبام در کتاب «غروب دیموکراسی» توضیح غیر منتظره اما بسیار معنی دار ارائه می کند مبنی بر اینکه امروز نوعی از جذابیت عمیق و ذاتی به سلطه جویی، به افراد قدرتمند بخصوص به حکومت یک حزبی وجود دارد. چنین سیستم های حزبی تنها به نفع پیروان راستین رهبر، یا سربازان وفادار شاهی، یا صرفاً به نفع دوستان و اقارب نزدیک به دور رهبر به استثنای هر کس دیگر است. وی استدلال می کند که مردم تنها و تنها ایدئولوژیک نیستند بلکه آنها عملی، عملگرا و فرصت طلب نیز هستند. نگرانی و تشویش فوری آنها در مورد خانواده، خانه و وظیفه شان است. اپلبام که در تعدادی از کشور های اروپایی زندگی کرده است، با تخصص در مورد آنچه که بطور همزمان در پوند، برتانیه، هنگری و هسپانیه اتفاق می افتد بحث می کند. [۹]

<sup>1</sup> - Follesdal Mertens, Andreas. *Real World Justice: Grounds, Principles, Human Rights, and Social Institutions*. Dordrecht: Springer. p. 88. ISBN 9781402031410. 2005. [16]

<sup>2</sup> - Tea Party voters

<sup>3</sup> - Populist, more radical Tea Party wing

<sup>4</sup> - the pragmatic "Main Street" Republicans

<sup>5</sup> - evangelical Christian conservatives

<sup>6</sup> - Rawls, John. *A Theory of Justice: Revised Edition*. p. 266. ISBN 0674000781. OCLC 41266156. 1999.

<sup>7</sup> - Jocelyn Kiley, In search of libertarians, Pew Research Center (August 25, 2014).

<sup>8</sup> - Marsh, Bill, Roberts, Graham, Xaquin, G. V. & Tse, Archie. *A New Guide to the Republican Herd*, *New York Times* (August 26, 2012).

<sup>9</sup> - Applebaum, Anne. *Twilight of Democracy: The Seductive Lure of Authoritarianism*. Doubleday, Penguin Random House, New York, 2020.

## پولند :

حزب قانون و عدالت پولند (PiS) در انتخابات ۲۰۱۵ پیروز شد و از آن زمان تا کنون این حزب کاملاً به راست افراطی روی آورده است. حکومت رئیس جمهور «اندری سبستیان دودا»<sup>[۱]</sup> (۴۹ ساله) در رسانه ها و سیستم حقوقی رخنه کرده و ژورنالیست ها و قضات متجرب را عوض و جاهای شانرا به کاندید ها افراطی راستگرا داده است. وی حملاتی علیه جامعه همجنسگرایان و مسلمانان انجام داده و بحث در باره هولوکاست را محدود کرده است. انتقال ملکیت های عامه رژیم کمونیستی سابق منجر به توزیع دارایی های دولتی در میان الیگارش های کمونیست نیرومند شده است.

## هسپانیه :

پدرو سانچیز پیرز کاستیون<sup>[۲]</sup> از حزب کارگران سوسیالیست هسپانیه<sup>[۳]</sup> از دوم جون سال ۲۰۱۸ صدر اعظم هسپانیه بوده است. ایلپام به نکته مهمی در رابطه با تجربیات نسل فراموش شده مانند کارنامه های فراتر از ملی گرایی جبری فرانکو و غیره اشاره می کند. پس از آنکه پدرو سانچیز در انتخابات سال ۲۰۱۹ مجدداً انتخاب شد ناتوانی موصوف در تشکیل حکومت، باعث شد که هسپانیه را بسوی وضعیت بی ثبات سیاسی ببرد. طور مثال، رئیس شاخه راستگرای ستیزه طلب منطقه مادرید ایزابل دیاز آیوسو<sup>[۴]</sup>، با استفاده از شعار " آزادی" از محدودیت های وبای ساری کرونا توانست که در کمپاین انتخابات مجدداً موفق بدر آید! ایزابل کرسی های خود را در پارلمان محلی دو برابر افزایش داد زیرا حزب سوسیالیست صدراعظم پدرو سانچیز بدترین شکست را در این منطقه تجربه کرد. جنبش جدایی طلب «کنه لان»<sup>[۵]</sup> از سال ۲۰۱۷ با افشای خشونت پولیس دستخوش خشونت شد که احساس نا امنی را در کشور افزایش داده است. همچنان ترس از اسلام که توسط سیاستمداران راست افراطی مورد سوء استفاده قرار می گیرد باعث شده تا نفرت از سلطنت های اسلامی را دامن بزند.

## هنگری

ویکتور اوربان<sup>[۶]</sup> از زمان انتخابش به عنوان رئیس جمهور، حزب خود «Fidesz» را از موقف وسط – دست راستی بسوی راست افراطی هدایت می کند. وی از دروغ و نیمه حقیقت استفاده می کند تا قدرت خود را با آن تقویت کند. وی رسانه ها را بطور کامل در اختیار گرفته و پیروزی هر حزب دیگر را در انتخابات غیر ممکن می سازد. یکی از افسانه های پایداری که زیر زبانه است آن است که در این افسانه یک میلیاردر یهودی بنام جورج سوروس<sup>[۷]</sup> می خواهد با تشویق یک مسلمان قهوه

<sup>1</sup> - President Andrzej Sebastian Duda

<sup>2</sup> - Pedro Sánchez Pérez-Castejón

<sup>3</sup> - Spanish Socialist Workers' Party (PSOE)

<sup>4</sup> - Isabel Diaz Ayuso

<sup>5</sup> - Catalan separatist movement

<sup>6</sup> - Victor Orban

<sup>7</sup> - George Soros

ای پوست یک عیسوی هنگری را نابود کند و به این گونه می خواهد کشور هنگری را تصاحب کند. به گفته رئیس جمهور ویکتر اوربان، سورس، مالکیت حزب دیموکرات آمریکا را هم دارد!

## برتانیه

اپلیم اوقات خوش برای نشنلیم را نه تنها در نوستالوژی (حسرت گذشته - م) انگلستان بلکه عین نوستالوژی را در تعداد دیگر از کشور های استعمارگر نیز می یابد. وی می گوید: «انتخاب ترمپ در ایالات متحده آمریکا منجر به چنان طینینی در سراسر جهان شد که حال احزاب دست راست افراطی، ایده ها و الهام گیری شانرا از «راست گرای الترناتیف»<sup>[۳]</sup> امریکایی دریافت می کنند.» برگزیت (یا خروج برتانیه از اتحادیه اروپا - م) ممکن است به عنوان نابودی عظمت برتانیه پنداشته شود.

[۳]

## د : تام هارتمن ( ۱۹۵۱ - ؟)

«تاریخ پنهان الیگارشسی امریکایی : باز پس گیری دیموکراسی ما از طبقه حاکم» (۲۰۲۱)

**نکات عمده :** «تامس کارل هارتمن»<sup>[۳]</sup> یک شخصیت رادیویی امریکایی، نویسنده، روان درمانگر سابق، تاجر و مفسر سیاسی مترقی است. وی در کتاب خود به اوج دوران بحران الیگارشسی مربوط به وبای کوید - ۱۹ می پردازد. [۴] «هارتمن» معتقد است که این وبای کشنده باعث شد تا میلیون های امریکایی با ورشکستگی مواجه شوند، برای پرداخت قروض و اجاره خانه های شان مبارزه کنند، در حالی که «تعدادی از الیگارشسی ها در داخل و خارج از قصر سفید ترمپ سود جویی کردند و کسب قدرت عظیمی را مهندسی کردند.» «هارتمن» معتقد است که دوران الیگارشسی عمدتاً توسط «چارلس دیوید کخ» زمانی آغاز شد که وی در سال ۱۹۸۰ با استفاده از «تکت لیبرترین» کاندید معاونیت ریاست جمهوری شد. «هارتمن» بیش از ۲۸ جلد کتاب نوشته است که عمدتاً بر روی «استبداد الیگارشسی یا ظلم یک دیکتاتور» تمرکز دارد که از روش ملایم دیموکراسی سو استفاده می کنند. ما از شکم نرم دیموکراسی آگاه هستیم که به دشمنان خود، دیکتاتور ها و ظالمان اجازه میدهد تا روده های آنرا بصورت مکمل بیرون در آورد، درست همان کاری را که «جولیس سیزار» قیصر روم به جمهوریت روم کرد و باز در «رایش سوم» در آلمان توسط هیلتر تکرار شد! نویسنده متعجب است که چرا سقراط، افلاطون، ارسطو، جان استیوارت میل، مونتسکیو و روسو نتوانستند راه ها و ابزار برای توقف خشم انارشسیست ها یا نارضایتی شهروندان بی حقوق بیابند که به قدرت های جاه طلب خارجی اجازه دخالت در امور داخلی کشور های شان را میدهند و بدین ترتیب آن دیموکراسی های را ضعیف می سازند که کار میدهند؟ امروزه آنچه بیش از هر چیز دیگر دیموکراسی ها را تهدید می کند، الیگارشسی دیموکراسی های نماینده نیست، بلکه «اصول دیموکراسی» است که خود کامه ها، مستبدان و دیکتاتور های قدرت های بزرگ و یا کوچک، دیموکراسی

<sup>۱</sup> - American alt-right اختصار از alternative right است یک جنبش ناسیونالیست سفید افراطی راست در امریکاست - م

<sup>۲</sup> - Batson, C. Donald, *Altruism in Humans*, New York: Oxford University Press. 2011.

<sup>۳</sup> - Thomas Carl Hartmann

<sup>۴</sup> - Hartmann, Thom. *The Story of American Oligarchy: Reclaiming Our Democracy from The Ruling Class*. Berrett-Koehler Publishers, Inc. 2021.



را یک ایدئولوژی غیر قابل نفوذی می دانند که هرگز نمی توان آن را با نیروی پولیس و یا قوت های مسلح اردو حذف کرد. قدرت واقعی دیموکراسی امریکایی قدرت نظامی و اقتصادی آن نیست، بلکه مفهوم دیموکراسی آن با داشتن آزادی انتخاب است! که زندگی و آزادی توسط خالق به بشر اعطاء شده است که آنها را قادر می سازد تا از اراده آزاد خود به عنوان عنصر ذاتی خلقت خود استفاده کنند. به همین دلیل است که انسان همیشه فریاد خواهد زد که " بودن، در آزاد بودن است." و یا " یا مرگ یا آزادی". بدون آزادی انتخاب یا اختیار، هیچ اخلاقی، هیچ انصافی، هیچ فضیلتی، هیچ عدالتی و هیچ حقیقتی وجود نخواهد داشت که آنها را متمایز سازد!

این قدرت عالی «آزادی انتخاب» در بالاترین نقطه تکامل آگاهی و شناخت، انسان را قادر میسازد تا از غرایز حیوانی که طی صد هزار سال گذشته هیچ موجود دیگری در آن با ما شریک نیست، فراتر رود و تقریباً به طبیعت ثانوی انسان معاصر مبدل شود. نوع دوست بودن بر اساس فرضیه همدلی- نودوستی یا مهربان بودن به عنوان غریزه عالی جدایی ناپذیر انسانی در نهایت به طبیعت دوم اکثریت انسانها تبدیل شده است. [۱]

ط : پوهاند، جان. ج. مٹوساکه ، پوهنتون کالیفورنیای جنوبی

"بگذارید مردم حکومت کنند: چگونه دیموکراسی مستقیم می تواند با چلنج پوپولیستی مقابله کند" (۲۰۲۰)

**نکات مهم :** جان مٹوساکه [۲] پروفیسور اقتصاد، امور مالی، حقوق و علوم سیاسی در پوهنتون کالیفورنیای جنوبی، لاس انجلس است. قبل از بحث بر روی سهم بزرگ جان مٹوساکه، در وضعیت روبه ضعف کنونی، تحقیقات ما در مورد دیموکراسی های لیبرال در سراسر جهان، ما را نیز به نتایج مشابه به نتیجه گیری جان مٹوساکه رسانده است. با آغاز کتاب او شروع می کنیم : **قسمت اول :** پس از سی سال تدریس و تحقیق در زمینه ریفارندم دیموکراسی مستقیم، تشخیص های او برای بیماری های دیموکراسی های جهان قطع ارتباط مردم عادی با حکومت شان است : الف) *توسط بخش اداری دولت قطع شده*، ب) *توسط محاکم قطع شده* و ج) *توسط قوه مقننه قطع شده*. همانطوریکه در پاراگراف بالا ذکر است مؤلف نیز با تشخیص «پوهاند مٹوساکه» از بیماریهای دیموکراسی موافق است. وی می گوید که آنچه در بحث در باره دیموکراسی های معاصر گم شده است دلیل کمبود و کاستی های آنهاست. ما ممکن است با انجیر می معکوس بتوانیم ، علت تقریبی بیماری و یا بیماریهای آنها را پیدا کنیم. این یک واقعیت است که یک جنبش سیاسی در میان برخی از مردم وجود دارد که بنام «پوپولیزم» یاد میشود که نه به اندازه کافی شناخته شده و نه بطور گسترده مورد بحث قرار گرفته است.

اما ابتداء باید بپذیریم که " دیموکراسی ها، سرگردان و بی هدف اند" چنانچه در بخش فوق ما در اختصار از تحلیل دقیق پوهاند اپلبام دیدیم که دیموکراسی های اروپایی چه مشکلاتی را دارند. ما فکر می کنیم که اگر ابتداء «پوپولیزم» را مورد بحث قرار

<sup>1</sup> - Batson, C. Donald, *Altruism in Humans*, New York: Oxford University Press. 2011.

<sup>2</sup> - John Matsusaka

دهیم، می توانیم به عنوان مظهر نارضایتی مردم عادی و نارضایتی شان از آن دیموکراسی ها، مشکلات دیموکراسی غرب را بهتر درک کنیم. [۱]

«پوهاند مٹوساکه» در کتاب خود، استدلال های را برای دیموکراتیک تر کردن دولت ها، تبدیل شدن شان را به عنوان حکومت مردم، توسط مردم و برای مردم، مطرح میکند! در بالا از سه گسست اصلی بین رأی دهندگان و دستگاه های قوای ثلاثه حکومت یعنی قوای مقننه، قضائیه و مجریه ذکر کردیم؛ چنین به نظر میرسد که این گسست منجر به نارضایتی شهروندان توأم با احساس محرومیت، مهجوریت، سلب مالکیت، درماندگی و ناامیدی شده و نتیجه آن در شعار شان " همه چیز علیه ما درست شده است" منعکس می شود. این منشاء خشم پوپولیست هاست! طبعاً بدون آگاهی حاکمان از نیاز ها و خواسته های حکومت شوندها، مردم به جوش می آیند و آنرا با عصبانیت و رفتار غیر منطقی ابراز می کنند! به گفته «پوهاند مٹوساکه»، این را می توان با بستن شکاف بزرگی که بین ضروریات و خواسته های مردم وجود دارد بصورت منطقی پاسخ داد نه آنکه دولت به آن پاسخ مخالف بدهد و کار را به اصطلاح به "متخصصان بسپارد و با آن بیروکراسی و ناکارایی را گسترش دهد. چنین پاسخی به جای اینکه به آنها فرصت بیشتری برای مشارکت در حکومت شان بدهد، حقوق بیشتری را از مردم سلب می کند! این امر ممکن است با ایفای نقش بیشتر مردم در تصمیم گیری در مورد مسائل مشترک مردم، خواسته ها و نیاز های آنان، تنها با افزایش جنبه های ریفراوند – دیموکراسی حاکمیت امریکا که ترکیبی است از ریفراوند دیموکراسی مستقیم آتن و دیموکراسی غیر مستقیم نماینده رومن، محقق شود. ارائه فرصت بیشتر به شهروندان برای ریفراوند، افزایش تعداد درخواستی اصلاحیه ها از جانب شهروندان که برایش رأی بدهند، همانطوریکه در حال حاضر در بیشتر از ایالات انجام میشود ولی به ندرت به سطح دولت فدرال بوقوع می پیوندد. توازن قوا باید با مردم و حکومت تقسیم شود که می توان با افزایش فرصت ریفراوند با مشارکت مردم به آن نایل شد. [۲] همین استدلال توسط (رابنسن و اسیمولگو) [۳] – ۲۰۲۰) در کتاب شان بنام: " راهرو باریک: ایالات، جوامع و سرنوشت آزادی" [۴] ارائه شده است. [۵]

چنین سیاست دیموکراتیک گسترده تر، ممکن است ناکارآمدی های بیروکراسی های خیلی توسعه یافته دیموکراسی ها را عمدتاً دیموکراسی نماینده امروزی را از بین ببرد. فرصت های بیشتر برای ریفراوند مردمی در غرفه های انتخابات، شرکت شهروندان در حکومت را بصورت قطعی افزایش می دهد. این پاسخ مستقیم و مناسب به خواسته های مردم خواهد بود و اجازه می دهد که قانونگذاری با رأی مردم انجام شود؛ این نه تنها باعث میشود که آنها احساس قدرت و رضایت بیشتری کنند بلکه ممکن است مولدیت شانرا در بلند بردن معیار های زندگی شان افزایش دهند. مؤلف، مطالعه این کتاب مفید را به همه سیاستمداران، حقوقدانان و اعضای مؤسسات اکادمیک توصیه می کند. من با «پوهاند مٹوساکه» مکاتبه دارم، اوشان به من

<sup>1</sup> - Matsusaka, John G. *Let The People Speak: How Direct Democracy Can Meet the Populist Challenge*. Princeton University Press. NJ, Oxford, 2020.

<sup>2</sup> - Ditto

<sup>3</sup> - Acemoglu & Robinson, 2020

<sup>4</sup> - *The Narrow Corridor: States, Societies, and The Fate of Liberty*

<sup>5</sup> -Ditto

اجازه داده اند که برخی از نقل قوی های مفید شانرا که به این جا مرتبط اند خدمت تان ارائه کنم." بگذارید مردم حکومت کنند.<sup>[۱]</sup>

۱) "من استدلال می کنم که ما باید برای تقویت قدرت مردم گام برداریم"

۲) "ما باید شک کنیم که تکنوکرات ها می توانند به عنوان داوران بی طرف در تعقیب برخی از تصورات عینی برای خیر عمومی جامعه مانند شاه فیلسوف افلاطون عمل کنند."

۳) "مسیر پیشروی ما باید شامل مشوره عمومی بیشتر از طریق ریفراندوم، و نهاد های موجود دیموکراسی نماینده باشد."

۴) "در نهایت، خود مختاری به این معناست که هر حکومتی باید حکومت خود را طراحی کند تا بتواند پاسخگوی نیاز های خود باشد."

۵) "هیچ چیز به دیموکراسی نفع رسانده نمی تواند مگر اینکه مردم قواعد و قوانین شانرا تازه تر سازند، تأریخ و شواهد همه به آنها می گوید که آنها می توانند کار ها را بهتر تر انجام دهند."

۶) "ما به اندازه کافی در مورد دیموکراسی مستقیم میدانیم تا از انجام درست آن مطمئن باشیم. وقت آن فرا رسیده تا مردم حکومت کنند."<sup>[۲]</sup>

"امنتان : توسط «جو متیوس»<sup>[۳]</sup> رئیس مشترک انجمن دیموکراسی مستقیم جهانی؛ «جان مٹوساکه» محقق برجسته امریکا در باب دیموکراسی مستقیم یک مورد بسیار نیرومند را برای جهان مطرح می کند : منتقدان امروزی دیموکراسی را نادیده نگیرید. آنها را در کار تقویت قدرت دیموکراتیک شهروندان عادی در همه جا درگیر سازید. این یک کتاب عالی است."<sup>[۴]</sup>

### ی : پوپولیزم به عنوان یک جنبش سیاسی

«مودی» و «روویرا کلت و سر»<sup>[۵]</sup> استدلال می کنند که پوپولیزم یک پدیده مدرن است. پوپولیزم یک جنبش سیاسی نسبتاً مدرن است که خود پوپولیزم ها آن را کاملاً درست نمی دانند، ولی به نقاط ضعف و جنبه های فاسد دیموکراسی های لیبرال حمله می برند. ایتیمولوژی یا ریشه شناسی کلمه «پوپولیزم» از کلمه لاتین (حمایت از مردم) (مفرد: پوپولارس و جمع آن :

<sup>1</sup> - Matsusaka, John G. *Public policy and the initiative and referendum: a survey with some new evidence*. Literature Survey. Springer Science+Business Media, LLC, Published online, 2017.

<sup>2</sup> - Ditto

<sup>3</sup> - Joe Mathews

<sup>4</sup> - Ditto

<sup>5</sup> - Mudde and Rovira Kaltwasser

پوپولاریسم<sup>[۱]</sup> گرفته شده که در اواخر جمهوری روم محبوب آرمان های مردم عادی (پلبی ها<sup>[۲]</sup>) بود. [۳] در دهه ۱۸۰۰م یک جنبش پوپولیستی در میان جناح های چپ دهاقین در ایالات متحده آمریکا ظهور کرد. پس از رنگ باختن این جنبش، این اصطلاح به جنبش ادبی فرانسه در دهه ۱۹۳۰م اطلاق شد. دو باره در دهه ۱۹۶۰م از این اصطلاح برای جنبش های سیاسی استفاده شد که بدنبال جمع آوری آنده مردم عادی بودند که احزاب مستقر (نخبه گان) نگرانی های شانرا نادیده می گرفتند. اما در عین حال برای عوامفریبی غیرمنطقی یا ساده انگارانه نیز استفاده میشد. جنبش های «مردمی» این مردم، در گذشته با ناسیونالیزم (ایتالیای موسولینی)، نژاد پرستی (فاشیزم هیتلری آلمان و اپارتاید افریقای جنوبی) و اغلب توسط کشور های که دارای سوسیالیزم مطلقه بوده اند ترکیب شده است. بنابر این «پوپولیزم» به جای داشتن جهت گیری ایدئولوژیک، مردم - محور است. در علوم اجتماعی و سیاسی معانی ضمنی با بار معنایی متفاوتی وجود دارد که برخی از صاحب نظران نیز پیشنهاد کرده اند که این اصطلاح باید به کلی رد شود.

پس از استقرار جمهوری آمریکا، پوپولیزم با حزب مردم، و در امپراتوری روسیه تزاری به عنوان یک جنبش سوسیالیست دهقانی (نرودیک) ارتباط تنگاتنگی داشت که سرکوب شد. این اصطلاح در دهه ۱۹۶۰م در کشور های غربی در میان دانشمندان علوم اجتماعی محبوبیت پیدا کرد و برای احزابی بکار رفت که در لیبرال دیموکراسی ها فعال بودند. باید بخاطر داشت که این اصطلاح برای هر دو جناح چپ پوپولیزم و همچنین پوپولیزم دست راستی اطلاق میشود.

*جنبش امروزی پوپولیزم* باید یک بار دیگر به عنوان یک جنبش سیاسی شناخته شود که نیاز به پرداختن و مطالعه دارد. این اصطلاح در قرن بیست و یکم، اغلب در مباحثات سیاسی در آمریکا و اروپا برای توصیف گروه های چپ، راست و میانه رو، که سیستم های حزبی سیاسی خوب سازمان یافته را به چلنج می کشانید مورد استفاده قرار گرفت. مردمان عادی پوپولیست معتقد اند که «سیستم» علیه آنها «تقلب» نموده است! آنها از نظام، از طرف احزاب سیاسی و دولتها که آنها را «نخبه گان» و منحیث دشمنان مردم می دانند احساس بی حقوقی و بیگانگی می کنند! آنها عصبانی اند و احساس می کنند که همیشه غارت شده اند، از آنها به عنوان ابزار و وسیله برای انتخابات استفاده شده است، و پس از مدت کوتاهی دور انداخته شده و فراموش شده اند. نخبگان نظام این را یک مشکل ساده ناشی از خشم مردم عادی فکر می کنند که از احساس گرایی و غیر منطقی بودن شان منشاء می گیرد و به کمبود های خود شان مربوط می شود، قادر به حفظ گام گذاری با مقتضیات زمان نیستند و از روپات سازی و دیجیتالی شدن صنایع عقب مانده اند. آنها نمی دانند که خشم، احساسات گرایی و غیر منطقی بودن آنها بسیار پیچیده تر از پیشرفت سرسام آورد علم و تکنالوژی است. نخبگان با این تفکر شان کنترل بیشتری را به تکنوکراتهای به اصطلاح عاقل و باثبات در نظام مستقر، بیشتر به مقامات دولتی اعم از قضات، مأمورین و غیره واگذار می کنند و ناآگاهانه حکومت را کمتر دیموکراتیک می سازند. بزرگترین نگرانی ما باید تجزیه و تحلیل علل این نارضایتی و عدم ارتباط و یافتن

1 - Populares, singular popularis

2 - plebeians

3 - Mudde, Chas; Rovira Kaltwasser, Cristóbal (2013). "Exclusionary vs. Inclusionary Populism: Comparing Contemporary Europe and Latin America". *Government and Opposition*. 48 (2): 147–174. doi:10.1017/gov.2012.11

راه‌ها برای اصلاح آنها باشد، نه تنها به خاطر دیموکراسی امریکایی بلکه به خاطر سائر دیموکراسی‌ها تا اطمینان حاصل کنیم که حقوق اولیه انسانی تضمین شده خود را یعنی زندگی، آزادی و تلاش برای خوشبختی را از دست نمی‌دهند. [۱]

---

<sup>1</sup> - Emmenegger, P., Leemann, L. Walter, A. *Coalition size, Direct Democracy, and Public Spending*. Journal of Public Policy. University of Zurich. DOI: <https://doi.org/10.1017/s0143814x20000306>. 2020. Permissions for Publication have been obtained.

## فصل هشتم

### بیماری های کنونی دیموکراسی ها

#### اول : دیموکراسی و صلح جهانی

از آنجایی که بسیاری از دولت - ملت ها در پی جنگ های استقلال طلبانه یا انقلاب ها و شورش به وجود آمده اند، می پرسیم که آیا دیموکراسی می تواند پیش از تبدیل شدن به ابزار صلح برای همه ملت ها زنده بماند و به عنوان ابزار صلح برای یک ملت عمل کند؟ آیا این مشکل «مرغ یا تخم مرغ» است؟ سوالات فرعی دیگری نیز وجود دارد.

۱) آیا بدون صلح در یک ملت، زمانی که جناح های متخاصم برای جایگزینی دولت حاکم به مبارزه ادامه می دهند، این امکان وجود دارد که در آنجا دولت واقعاً دیموکراتیک وجود داشته باشد؟

۲) آیا دیموکراسی به عنوان یک پروسه تکاملی می تواند وجود داشته باشد؟ در حالی که هیچ یک شان در تاریخ باستان زنده نمانده اند، از آتن شروع شد اما در امریکا و اروپای غربی بار دیگر ظهور کرد!

۳) ممکن این نکته را مطرح کنیم که بدون صلح، دیموکراسی واقعی وجود نه خواهد داشت، و بدون اصول دیموکراتیک پذیرفته شده جهانی، صلح واقعی وجود نه خواهد داشت. باید بخاطر بسیاری که صلح فقط و فقط به معنی نبود جنگ نیست، بلکه مستلزم تدابیر دفاعی مداوم است. جوامع و ملت ها در طول تاریخ برای دسترسی مطمئن به ضروریات زندگی یعنی حفاظت از جان و مال، غذا و آب، حفاظت از عناصر طبیعی که تنها توسط یک سازمان جمعی یا یک سیستم حکومتی بخاطر هماهنگی و صلح پایدار در جوامع شان با برقراری نظم و قانون می توانست تأمین شود، تلاش کرده اند. [۱] بهترین مثال های تاریخی چنین دولت ها تنها در دو ملت سوئیس و امریکا به چشم می خورد. آنها دریافتند که صلح به یک سلسله پیش شرط ها نیازمند دارد مانند امنیت خانواده، حقوق مساوی، انتخابات عادلانه، مشارکت مستقیم مردم و یا از طریق ریفاندم (نمایندگان)، داشتن روابط بین المللی هماهنگ، توسعه اقتصادی - اجتماعی بخصوص تلاش برای مقابله با جنگ و اختصاص منابع بیشتر برای ارتقای آموزش و دیموکراسی.

کتاب «کریستوفر کوتز» [۲] در باره «جنگ و دیموکراسی» بیان می کند: «از نظر من، مؤلفه حیاتی دیموکراسی مربوط میشود به سمت و سوی متقابل ما در اعمال جمعی ما: اینکه افراد چگونه اعمال خود را در رابطه با یکدیگر و در رابطه با مجموعه

<sup>1</sup> - The essay draws on parts of Michael W. Doyle's *Ways of War and Peace*. New York: W.W. Norton.1997.

<sup>2</sup> - Christopher Kutz

گسترده تری از اهداف که ساختن یا دفاع از نهاد های باز سیاسی را در بر بگیرد تصور و درک می کنند.» این دیدگاه، وی را از جریان اصلی اخلاق جنگ متمایز می سازد و با تیورپس های دیموکراتیک مخالف است. تصور گسترده که وی آنرا «دیموکراسی عامل [۱]» می نامد، شامل «اخلاق» آسیب رساندن و کشتن است! وی در باره « تیوری دیموکراتیک» خود بیشتر سؤال خلق می کند تا پاسخ. «کوتز» مایل است از اصول اولیه دیموکراتیک انحراف نماید و بیان می کند که یک سرباز و یا یک انقلابی به دلیل عملکردش تحت آرمان های دیموکراتیک کمتر از یک رأی دهنده یا یک دولتمرد مورد قضاوت قرار نمی گیرد، زیرا «اراده مردمی می تواند خود را هم در خشونت و همچنین در نظر سنجی هایش نشان دهد.» این قلم دیدگاه منفی پوهاند «کورتز» را در مورد «تیوری دیموکراسی» به دلیلی گنجانیده تا خوانندگان بتوانند پیامد های بحران فعلی در دیموکراسی ها را بهتر درک کنند. زمانی که وی دیموکراسی را " به عنوان یک کالای بی الیاژ یا نوشداروی برای همه امراض اجتماعی" در نظر می گیرد کاملاً در مقابل دانشمندان جریان اصلی دیموکراسی قرار می گیرد. نارضایتی او از دیموکراسی امریکایی به نظر میرسد از مثال های متعدد او در باره قوانین و اقدامات امریکا پس از تراژیدی ۱۱ سپتمبر باشد که با مقاله او در مورد «دیموکراسی و مرگ نورم ها» شروع میشود مانند ترک نمودن (حبس های غیر قانونی). [۲] «کورتز» اساساً نگران سؤال استفاده دیموکراسی ها از «دیموکراسی» است، مانند یافتن بهانه ای برای توجیه اخلاقی آنها برای براه انداختن جنگ، استفاده از روش های غیر قانونی در جمع آوری معلومات استخباراتی و استفاده از خشونت های ممنوعه بین المللی و جنایات جنگی.

[۱]

می خواهیم متخصص دیگری را بنام «رودولف جی. رومل» (۱۹۳۲ - ۲۰۱۴) در مورد مسائل صلح و جنگ به شما معرفی کنم که آنرا در «تیوری دیموکراتیک صلح» توضیح داده است. وی در «هاوایی» ایالات متحده امریکا چشم به جهان گشود، وی دانشمند علوم سیاسی بود و به عنوان یک پوهاند در پوهنتون های «اندینانا»، «پیل» و «هاوایی» (۱۹۶۳ - ۱۹۹۵) خدمت نمود. پوهاند «رومل» تخمین کرده است که تعداد مجموعی مردمی که در قرن بیستم توسط همه حکومت ها کشته شده اند، که خونین ترین شکل آن در طول تاریخ بوده است، ۲۱۲ یا ممکن ۴۰۰ میلیون نفر باشد که از جمله ۱۴۵ میلیون نفر توسط رژیم های کمونیستی (تأکید از اوست) طی دوره ۱۹۱۷ تا ۱۹۸۷ کشته شدند. [۳]، [۴] وی ۲۴ کتاب علمی در مورد خشونت جمعی و جنگ و حل آنها منتشر کرد. او کلمه (دیمو ساید Democide) را برای قتل هر شخص یا مردمی که توسط دولت ها از جمله نسل کشی، قتل های سیاسی و دسته جمعی صورت می گیرد ابداع کرد. پوهاند «رومل» یکی از محققان اولیه تیوری صلح دیموکراتیک بود. وی عوامل متعددی را یافت که مانع و یا هم باعث کاهش چانس کشور های دیموکراتیک برای درگیر شدن در جنگ های تسلیحاتی یا مسابقات تسلیحاتی نظامی می شود. آنها به شرح ذیل شمرده میشوند :

۱) رهبران دیموکراسی ها باید قبل از رأی گیری عمومی مسؤول از دست دادن جان و گنج شمرده شوند

1 - Agentic Democracy

2 - Habeas corpus

3 - Kutz, Christopher. *On War And Democracy*. Princeton University Press. Princeton, NJ, Oxford, UK, 2016.

4 - Rummel, R.J. *Democracies are Less Warlike than Other Regimes*. European Journal of International Relations. pp. 457-479, December 1995.

5 - Rummel, R.J. *Democracy as a Method of Nonviolence*. Transaction Publishers. New Brunswick, NJ. 1997. [On The Nature of Democracy] 121

۲) مسؤولیت پذیری عمومی برای سوق دادن دولت و مردم به منظور ایجاد نهاد ها برای حل مناقشات بین الایاتی از طریق مذاکره؛

۳) مسؤولیت پذیری عمومی، نیرویی است برای ایجاد انگیزه در دولت ها برای اجتناب از درگیری یا افزایش تنش برای توجیبات غیر قبل قبول؛

۴) دولت های دیموکراتیک معمولاً سیاست ها و دوکتورین رژیم های همسایه را به رژیم های خود شان خصمانه نمی دانند؛

۵) دولت های دیموکراتیک معمولاً از نظر اقتصادی و اجتماعی امن تر استند و نمی توانند منابع و زیربنا های خود را بخاطر جنگ به خطر بیاندازند.

مطالعات تحقیقاتی وی با اتفاق نظر با ادبیات نشان داده میدهد که دیموکراسی ها نسبت به رژیم های غیر دیموکراتیک به طور قابل توجهی با  $P > 0.05$  کمتر جنگجو استند. معهداً دیموکراسی ها نیز به اندازه سائر دولت ها طی دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در جنگ ها شرکت داشتند<sup>[۱]</sup>. وی استدلال می کند که آمادگی جنگی رژیم ها در رابطه شدت جنگ های دیموکراسی ها در برابر دولت های غیر دیموکراتیک، با میزان اجرای اصل دیموکراتیک همبستگی معکوس دارد. (۱۹۸۷ – ۱۹۰۰)

وی کتاب های زیادی در مورد درگیری، صلح، جنگ و حل مناقشات نوشته است، اما ما پنج کتاب اخیر او را مهمتر می دانیم : (اسم کتاب ها با شرح مختصر آن در پاورقی آمده است مترجم ضرورت ترجمه آنرا نمی بیند) [۱]، [۲]، [۳]، [۴]، [۵]

## دوم : دیکتاتوری، فاشیزم و روان شناسی مردم

<sup>1</sup> - Weed, 1984: 637

<sup>2</sup> - *The Conflict Helix: Principles & Practices of interpersonal, Social & International Conflicts & Cooperation, Transection.* (1991):

یک تیوری هم پیوند در رابطه با مناقشات و همکاری در تمام سطوح (شخصی، اجتماعی و بین المللی) ارائه می کند؛ کار خود را بر اساس کار تجربی فراگرفته در علوم اجتماعی و روان شناسی استوار می سازد؛ وی با مناقشات و همکاری، صلح و جنگ در یک چهار چوب برخورد می کند؛ وی اصول و قواعد مشترک حل مناقشات را برای تمام سطوح مناقشات بیان میدارد.

<sup>3</sup> - *Democide: Nazi Genocide and Mass Murder.* (1992);

دیموساید : جنوساید و قتل عام توسط نازیها ۱۹۹۲

<sup>4</sup> - *Death by Government.*(1997);

<sup>5</sup> - *Statistics of Democide; Mass Murder since 1900.*(1999):

<sup>6</sup> - *Never Again (series: War & Democide (2004); Nuclear Holocaust (2004); Reset(2004); Red Terror (2004); Genocide (2005); Never Again? Ending War, Democide & Famine Through Democratic Freedom. Holodomor: To Kill by Starvation, Terror Famine in Soviet Ukraine 1932-33.* (2005) Praise for books by Nobel Peace Prize finalists.”... the most important ,, in the history of International Relations.” (By JM Moore Prof.Law, Chairman of Board of Directors of the U.S. Institute of Peace; “... truly brilliant ,, ought to be mandatory reading.” (By RF Turner, Prof. Of Law, Former President of Institute of Peace)}



تهدید های دیموکراسی می تواند به ما نشان دهد که دیموکراسی ها کجا اشتباه کرده اند، یا بیماری آنها چیست. این گونه است که دکتوران طب، مریضی ها را از طریق علائم و نشانه های آن تشخیص می دهند. دیکتاتوری شیوه ای از حکومت است که ممکن است در یک سلطنت مطلقه (شاه یا امپراتور)، در یک جمهوری یا در یک الیگارشی اضافه تر از یک نفر وجود داشته باشد. شاه مطلقه یا امپراتور یا رئیس جمهور یا در الیگارشی مطلقه هر آنچه آنها بگویند شما باید طبق گفته او عمل نمایید، هیچ فرد، و یا گروهی از مردم حق آزادی بیان، حق عبادت، حق گردهم آیی، حق مسافرت و یا حق درخواست خواسته های خود را ندارند. همه تابع هر هوس دیکتاتور یا پادشاه در آن زمان اند؛ حکومت ظالم می تواند مردم را بدون محاکمه برای مدت نامعلومی زندانی نماید. اگر این کار دیکتاتور را خوشنود می سازد پس افراد و گروه ها را می توان با شتاب زندانی و محکوم به اعدام کرد. تفاوت دیکتاتوری و فاشیسم در نحوه رفتارشان با افراد و مردم نیست، بلکه در توجیه آنها از هر عمل ظالمانه ای است که مرتکب آن می شوند؛ این عمل با «دگما Dogma» یا «دکتورین» آنها قابل توجیه است، مانند دکتورین فاشیستی موسولینی یا هیتلر یا صدام حسین و یا بن لادن. یکعده، ملی گرایان مذهبی افراطی را فاشیست می نامند. ما بصورت عام می بینیم که دیکتاتور ها می آیند و می روند ولی فاشیست ها تا دیر ها در اطراف می مانند، دلیلش آنست که آنها مردم شانرا مغز شویی می کنند، یا فرقه گرایی دارند و یا در خانواده بسیار مستبد تربیت دیده اند. این ممکن است به افرادی اتفاق بیفتد که در طول دوره طولانی عمیقاً با احساسات انتقام جویانه سر دچار شده اند، یا ممکن به دنبال تلفات غم انگیز تصادفی و یا هدفمند آسیب زا و یا فقط با رفتار های ظالمانه خانواده، جامعه و یا دولت های رخ دهد.

کتاب معروف روانکاو، «ویلهلم رایش» [1] به عنوان «روان شناسی جمعی فاشیسم» [2] که در طول بحران آلمان ۱۹۳۰ - ۱۹۳۳ نوشته شده اروپا را درگیر توفان کرد. در سال ۱۹۳۵ این کتاب توسط فاشیست ها با سائر ادبیات روانشناسی سیاسی ممنوع شد. این کتاب در سال ۱۹۴۲ به انگلیسی ترجمه شد؛ «پوهاند ویلهلم رایش» در مقدمه چاپ سوم خود می نویسد: «فاشیسم در ناب ترین شکل خود مجموعه تمام عکس العمل های غیر منطقی یک شخصیت متوسط انسانی است.» وی در جای دیگر می نویسد که: «فاشیسم یک پدیده بین المللی است که در تمام بدنه های جامعه بشری همه ملت ها نفوذ می کند.» این نتیجه گیری با رویداد های بین المللی پانزده سال گذشته مطابقت دارد (۱۹۲۸ - ۱۹۴۲) و در ادامه می نویسد: «فاشیست، خورد ضابط مربی یا معلم برای تربیت سربازان تازه کار در لشکر عظیم عصر ماست، عصریکه تمدن عمیقاً بیمار و به شدت صنعتی شده دارد» «پوهاند رایش» همچنان به نکته بسیار خوبی اشاره می کند که تیوری نژادی محصول فاشیسم نیست، بلکه برعکس این فاشیسم است که نفرت نژادی را تحریک می کند، که به بیان سازمان یافته سیاسی آن تبدیل میشود و مردم را به رفتار های غیر منطقی سوق می دهد. او بیان می کند که این را می توان در زندگی واقعی در میان «فاشیسم آلمانی ها، ایتالیایی ها، انگلوساکسونها، یهودی ها و عرب ها» مشاهده کرد. وی قاطعانه بیان می کند که «ایدیولوژی نژادی بیان «بایو پتیکی» ناب از ساختار شخصیت به شدت هیجانی و ناتوان است. ابتداء باید برخی از اصطلاحات کلیدی را که «پوهاند رایش» بطور مداوم از آن استفاده می کند تعریف کنیم، این اصطلاحات را وی به عنوان روانکاو طی سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۳۰ زمانی نوشت که ویانا پایتخت روان درمانی، روان شناسی و اسطوره شناسی مکتب فرویدی بود.

1 - Wilhelm Reich

2 - The Mass Psychology of Fascism

اصطلاحاتی را که پوهاند رایش در کتاب خود بکار برده :

انرژی ارگون<sup>۱</sup>: انرژی اولیه کیهانی؛ بصورت جهانی وجود دارد و قابل اثبات بصورت بصری، حرارتی، الکتروسکوپی و یا توسط شمارنده گیگر - مولر<sup>۲</sup> است که بین ۱۹۳۶ - ۱۹۴۰ توسط او کشف شد.

بایوپتی<sup>۳</sup>: اختلال ناشی از اختلال در نبض بایولوژیک در مجموع ارگانیزم؛ همه بیماری های دستگاه زندگی خود مختار. ساختار شخصیت: ساختار معمولی یک فرد، شیوه کلیشه ای او برای عمل و عکس العمل. مفهوم ارگونومیک شخصیت عملکردی و بایولوژیکی و یک مفهوم روانشناسانه و یا اخلاقی راكد و غیر متحرک نیست.

اضطراب ارگاسم: اضطراب جنسی ناشی از ناامیدی بیرونی از ارضای غریزوی و در درون به دلیل ترس از کاهش تحریک جنسی لنگر انداخته است.

ناتوانی ارگاستیک: فقدان قدرت ارگاستیک یعنی ناتوانی در تسلیم شدن کامل در برابر تشنج غیر ارادی ارگانیزم

اقتصاد جنسی: نحوه تنظیم انرژی بایولوژیکی یا اقتصاد انرژی های جنسی فرد

سیاست جنسی: یا: «سیاسی جنسی» صرفاً کار برد مفاهیم اقتصاد جنسی در امر اجتماعی بصورت جمعی دارد.

به نظر من پس از کنار گذاشتن اقتصاد جنسی، بایوپتی، اضطراب ارگاسم و ناتوانی ارگاسم، «دیموکراسی کار» اساساً سهم اصلی پوهاند رایش است و به نظر میرسد که در مفهوم کار - دیموکراسی او نفوذ کرده و رایج است. مهعذا پوهاند رایش به این نکته اشاره می کند که «دیموکراسی کار» سیستم «سیاسی» یا «ایدیالوژیک» نیست و از این جهت متمایز میشود که همه سیاست ها و عوام فریبی ها را رد می کند... وی ادامه می دهد که آنچه جدید است این واقعیت است که دیموکراسی کار این است: "کار - دیموکراسی .... روشی است از مجموع همه کار کرد های زندگی که توسط روابط بین فرد بصورت عقلانی اداره میشود و به شکل طبیعی و ارگانیک بوجود آمده، رشد و توسعه یافته است." این قلم موافق است که تحول دیموکراسی از یک خانواده مغاره نشین تا بیک جامعه و به گروهبندی های ملی از طریق سودمندی همکاری، مزایای تأمین مایحتاج زندگی، دسترسی برابر، امنیت خانواده ها و صلح به عنوان نیاز های لازم در ایجاد حکومت های به عنوان خود مختار، توسط مردم به نفع مردم همه از راه های طبیعی و ارگانیک که از انرژی حیات تا کنون تکامل نموده، بمیان آمده است. این که درک کنونی ما را از حکومت دیموکراتیک «غیر سیاسی» یا «غیر ایدئولوژیک» بنامیم در مورد هیچ ابزار کنونی یا گذشته هیچ حکومت دیموکراتیک صدق نمی کند.

در حال حاضر ما در دیموکراسی های غربی، آگاهی کمتر از خطر مرگبار جنبش های پوپولیستی می بینیم. به همین ترتیب مردم در سراسر جهان بطور کلی عمیقاً در گیر رویا های دستیابی به سبک های زندگی مجلل هالیوود یا بالیوود و برنامه های تلویزیونی ثروتمند اند و این حالت آنها را از خطرات قریب الوقوع استبداد دیکتاتوری ها و رژیم های فاشیستی نا آگاه نگهمیدارد. متأسفانه زندگی رویایی در سالون رقص یا بالروم، مطمئناً آگاهی بسیاری از مردم را از خطرات استبداد،

1 - Orgone Energy

2 - Geiger-Mueller counter

3 - Biopathy

دیکتاتوریه‌ها و رژیم‌های فاشیستی (خودکامه و پوپولیسم) کاهش می‌دهد. همانطوریکه جنبش‌های پوپولیستی قبلاً مورد بحث قرار گرفت، ظهور خورد ضابطان رزمی جنبش‌های پوپولیستی در هر دو سوی اوقیانوس اطلس چیزی است که باید به همه ما هشدار بدهد که اگر موضوع رژیم‌های دیکتاتور و فاشیست (خودکامه و پوپولیست) به گفتمان مردمی تبدیل نه شود بسیاری از دیموکراسی‌ها ممکن به خوبی تحت سلطه نوابداران رژیم‌های دیکتاتور و مستبد قرار بگیرد و سقوط خواهند کرد.

سوم: روانشناسی مردم [۱]

امروزه بیشتر روانشناسان ترجیح می‌دهند که به جای «روان‌شناسی مردم» از اصطلاحات «روانشناسی جمعیت» یا «روانشناسی عوامل الناس» استفاده کنند. تیوری‌های پیشرفته را معمولاً بنام تیورین‌های شان یاد می‌کنند؛ مانند: «گوستاو لوبون»، «گابریل تاردی»، «زیگموند فروید»، «ستیف ریچر»، «برلون» [۲] و غیره.

در حالی که روانشناسی فرد ممکن است نسبتاً دست نخورده باقی بماند، تأثیر جمعیت، انبوه مردم یا «توده» می‌تواند بر افراد غلبه کند و آنها را مجبور به از دست دادن مسئولیت خود کنند و رفتار عاطفی جمعیت را تقلید کند که اغلب اجتناب ناپذیر میشود! همانطوریکه انتظار می‌رود تفاوت‌های در بین جمعیت وجود دارد: بیرلونگ [۳] (۱۹۹۵) [۴] جمعیت را به عنوان تماشاگر، تظاهر کننده، یا فراری طبقه بندی کرد و آن را با هدف تجمعات لازم و ملزوم دانست؛ «مومبوسی» [۵] آنها را چنین تصنیف می‌کند: (۱) تصادفی، (۲) عادی، (۳) گویا و رسا، و (۴) تهاجمی. در بین آنها انترپولوزست – داکتر طب فرانسوی گوستاو لوبون [۶] تأثیر گذارترین تیورینست شد. گوستاو تیوری سه مرحله ای عواطف و احساسات جمعیت را داشت: (۱) غرق شدن، (۲) سرایت و (۳) پیشنهاد. اولی مربوط به از دست دادن فرد از خودیت است و در نتیجه از دست دادن مسئولیت خود است. سرایت مستلزم انقیاد غیر قابل انکار فرد توسط قدرت غالب ایده‌ها و احساسات بر جمعیت تلقین پذیر است. رفتار جمعیت از یک «ناخود آگاه باستانی مشترک» گرفته شده است. همچنین با احساس طغیان کننده ای، اعضای جمعیت که کنترل خود را به دلیل «آگاهی جمعی» از دست داده کمتر احساس گناه می‌کنند. فروید بر باز کردن قفل ضمیر ناخود آگاه تأکید می‌کند که بر جایگاه «سوپر ایگو»<sup>۷</sup> (مرکز اخلاقی آگاهی) غلبه می‌کند و به سطوح ابتدایی احساسات جامعه ماقبل تمدنی باز می‌گردد [۸] «تیوری هویت اجتماعی» پیشنهاد می‌کند که خود – انسان سیستم پیچیده ای است که عمدتاً از مفاهیم گروپ‌های

1 - Mass Psychology

2 - Gustave Le Bon, Gabriel Tardy, Sigmund Freud, Steve Reicher, and Berlongh

3 - Berlongh (1995)

4 - Berlongh, Alexander E. 'Understanding and planning for different spectator crowds'. Safety Science. 18(4): 239-47. 1995.

5 - Momboisse

6 - Le Bon, Gustave. 'The Crowd: a study of popular mind. Whitefish, Mont. Kessinger Pub. ISBN:0-7661-3008-8

7 - super-ego

8 - Freud, Sigmund. Group Psychology and Analysis of the Ego. Rans. Jame Strachey. W.W. Norton & Co. New York, London. 1959.

عضو یا غیر عضو تشکیل شده و جمعیت با آنها شناسایی میشود (مانند عیسویان، هندوها، مسلمانان یا فعالان مدنی) که ایده هایشان اقدامات جمعیت را دیکته می کند. [1]، [2]

#### چهارم: اعراض و علائم بیماری های دیموکراسیها

آنچه که بیماری دیموکراسی تلقی میشود آنست که حکومت مردم از آن مردم نباشد، که حکومت توسط مردم، جایگزین بیروکراسی شود، و زمانی که دولت برای مردم، در خدمت مردم عادی نباشد، در عوض در خدمت نخبگان، افراد بسیار ثروتمند و در خدمت شرکت های ممتاز و قدرتمند باشد!

این بیماری ها را چگونه تشخیص می نمایم؟ این امراض با آگاهی بیشتر از دنیایی که در آن زندگی می نمائیم تشخیص داده میشوند. آنچه که به اصطلاح، عوام فریبان ضد نخبگان اند بر امواج پوپولیزمی سوار اند که با شور و شوق نشانیستی تحریک شده و می کوشند دیموکراسی را با اتوکراسی وصلت دهند. این به آسانی در پولند، هنگری، برتانیه و برازیل به آسانی دیده میشود، اینها فقط چند موردی اند که به آن اشاره کردیم. می توان آنرا به این گونه بیان نمود: یک میدان نبرد در حال گسترش برای برخورد جاری دیموکراسی ها با اتوکراسی ها وجود دارد، زیرا برخی از رژیم های دیکتاتور در حال بیدار کردن اژدهای فاشیزم اند. به جای اینکه شاهد سقوط سبک دومینو در دیکتاتوریها باشیم، عکس آنرا می بینیم، مانند بهار عربی، در نیانمار و کودتای وینزیویلا. کودتا های دیگری که موفقیت آمیز بوده یا تلاش کرده اند عبارتند از: ۲۰۲۱ در مالی. ۲۰۲۰ – ۲۰۲۱ در جمهوری افریقای مرکزی؛ ۲۰۲۰ دوباره در مالی، ۲۰۱۹ در ایتوپیا. از سوی دیگر بر اساس ویکی پدیا تعداد کودتا های موفق یا تلاش برای کودتا در کشور های غیر دیموکراتیک بی شمار اند مانند:

افغانستان: ۱۹۱۹ – ۱۹۹۰ (۱۰ بار کودتا)؛ البانیا: ۱۹۶۲ – ۱۹۹۲ (۳ بار کودتا)؛ ارجنتاین ۱۹۳۰ – ۱۹۷۸ (۱۲ بار)؛ ارمنیا ۲۰۲۱ (یک بار)؛ استرالیا ۱۹۳۴ (۱ بار)؛ بنگله دیش ۱۹۷۵ – ۲۰۱۱ (۸ بار)؛ بولیویا ۱۸۲۸ – ۲۰۱۹ (۳۴ بار)؛ برازیل ۱۸۸۹ – ۱۹۶۹ (۱۵ بار)؛ چیلی ۱۷۸۱ – ۱۹۷۳ (۳۶ بار)؛ چین ۲۴۹ م – ۱۹۳۶ (۱۹ بار)؛ کولمبیا ۱۹۵۳ (۱ بار)؛ دنمارک ۱۶۶۰ – ۱۷۸۴ (۳ بار)؛ مصر ۱۸۷۹ – ۲۰۱۳ (۶ بار)؛ انگلستان ۱۶۰۳ – ۱۶۸۹ (۷ بار)؛ ایتوپیا ۱۹۱۰ – ۲۰۱۹ (۹۵ بار)؛ فرانسه ۱۵۶۷ – ۱۹۶۱ (۱۷ بار)؛ جرمنی ۱۹۱۹ – ۱۹۴۴ (۶ بار)؛ هایتی ۱۸۰۶ – ۲۰۰۴ (۲۷ بار)؛ هنگری ۱۹۱۹ – ۱۹۵۶ (۴ بار)؛ اندونیزیا ۱۹۵۰ – ۱۹۹۸ (۴ بار)؛ ایران ۵۵۲ ق. م – ۱۹۸۰ (۲۵ بار)؛ عراق ۱۹۳۶ – ۱۹۶۸ (۶ بار)؛ ایتالیا ۱۳۵۵ – ۱۹۷۰ (۵ بار)؛ جاپان ۶۵۶ – ۱۹۷۰ (۱۶ بار)؛ لیبیا ۱۹۶۹ – ۲۰۱۶ (۵ بار)؛ مکزیکو ۱۷۹۹ – ۱۹۲۰ (۷ بار)؛ موراگو ۱۹۷۱ – ۱۹۷۲ (۲ بار)؛ میانمار ۱۹۶۸ – ۲۰۲۱ (۴ بار)؛ هالند ۱۷۹۸ – ۱۹۱۸ (۴ بار)؛ نایجیریا ۱۹۶۶ – ۱۹۹۳ (۸ بار)؛ ناروی ۱۵۳۷ – ۱۹۴۰ (۲ بار)؛ عمان ۱۹۷۰ (۱ بار)؛ پانامه ۱۹۳۱ – ۱۹۸۹ (۵ بار)؛ پاکستان ۱۹۵۱ – ۱۹۹۹ (۶ بار)؛ پاراگوای ۱۸۸۹ – ۱۹۸۹ (۱۹ بار)؛ پیرو ۱۹۱۴ – ۱۸۸۲ (۸ بار)؛ فیلیپین ۱۵۶۵ – ۱۹۶۹ (۳۴ بار)؛ پولند ۱۹۱۹ – ۱۹۸۱ (۳ بار)؛ پرتگال ۱۴۷ – ۱۹۷۵ (۱۲ بار)؛ رومانی ۱۸۶۶ –

<sup>1</sup> - Reicher, Stephen. Kezdin, AE (Ed.). Encyclopedia of Psychology. Washington DC: APA. pp. 374-77. ISBN: 1-55798-650-9.

<sup>2</sup> - Momboisse, Raymond. Riots, Revolts and Insurrections. Springfield, Ill.: Charles Thomas. OCLC 512791. 1967.

۱۹۸۹ (۷ بار)؛ روسیه ۱۹۱۷ - ۱۹۹۳ (۴ بار)؛ عربستان سعودی ۱۹۶۹ (۱ بار)؛ اسکاتلند ۱۶۸۸ (۱ بار)؛ سربیا ۱۸۰۴ - ۱۹۱۷ (۵ بار)؛ هسپانیه ۶۰۳ - ۱۹۸۵ (۳۶ بار)؛ سودان ۱۹۵۸ - ۲۰۱۹ (۸ بار)؛ سوئزرلند ۱۷۱۷ - ۱۸۳۹ (۱۲ بار)؛ سوئد ۱۵۶۹ - ۱۸۰۹ (۷ بار)؛ سوریه ۱۹۲۵ - ۱۹۷۰ (۹ بار)؛ تایلند ۱۹۱۲ - ۲۰۱۴ (۲۱ بار)؛ تونس ۱۹۵۷ - ۱۹۸۷ (۲ بار)؛ ترکیه ۱۸۰۷ - ۲۰۱۶ (۱۵ بار)؛ یوگندا ۱۹۶۶ - ۱۹۸۶ (۵ بار)؛ اوکراین ۱۸۹۸ - ۱۹۱۸ (۸)؛ برتانیه ۱۸۰۲ - ۱۹۷۴ (۳ بار)؛ ایالات متحده آمریکا ۱۷۱۹ - ۲۰۲۱ (۱۳ بار)؛ یورگوا ۱۸۹۸ - ۱۹۷۳ (۴ بار)؛ وینزیولا ۱۸۳۵ - ۲۰۰۲ (۱۱ بار)؛ ویتنام جنوبی ۱۹۶۰ - ۱۹۶۵ (۶ بار)؛ یمن ۱۹۶۲ - ۲۰۲۱ (۴ بار)؛ یوگوسلاویا ۱۹۱۹ - ۱۹۴۱ (۲ بار)؛ زامبیا ۱۹۹۰ - ۱۹۹۷ (۲ بار)؛ زیمبابوی ۲۰۰۷ - ۲۰۱۷ (۲ بار).

### لیست شایع ترین بیماریهای دیموکراسی

۱) *از دست دادن اعتماد* : از دست دادن ارتباط مردم با قوای اجرائیه ، مقننه و قضائیه منجر به از بین رفتن اعتماد مردم نسبت به نماینده ها و حکومت شان می شود.

۲) *جهل خود خواهانه* : مقامات مهم حکومتی (نخبگان) در عایق پبله مانند پنهان و خود را در انزوا قرار میدهند این حالت باعث میشود تا مردم خواسته های شانرا، آرمان ها و انتظارات شانرا به گوش مقامات رسانده نه توانند.

۳) *از دست دادن مسؤولیت پذیری* : مادامیکه مقامات بلند رتبه اغلباً نسبت به وعده های که حین انتخابات به رأی دهنده گان داده اند عهد شکنی می کنند؛ زمامیکه حسابدهی بین مردم و حکومت منبع اصلی اعتماد مردم است، و نیروی محرکه بزرگ برای حکومت و مردم برای ایجاد نهاد ها حل منازعات میان مردم و حکومت، میان گروپ های ملی، میان شرکت های غول پیکر - اقتصادی - صنعتی، تضاد منافع با اقتصاد، امنیت، حریم خصوصی، و شستوشوی مغزی میشوند یا بوسیله پلاتفرم های اجتماعی شان از طریق تبلیغات منفی میدیای الکترونیکی و اجتماعی فریب می خورند!

۴) *کوچک شدن طبقه متوسط* : طبقه متوسطی که از لحاظ مالی نیرومند باشد ستون فقرات دیموکراسی است؛ ایجاد فرصت های بیشتر برای افراد و شرکت های فردی و خانوادگی تا ستندرد های زندگی خود و اقتصاد عمومی را بهبود بخشند.

۵) *عدم مسؤولیت پذیری رهبران در دیموکراسی ها* : یکی از عمیق ترین نمونه های از دست دادن اعتماد مردم زمانی است که مقامات حکومتی شان مانند یک دیکتاتور یا ظالمی عمل کنند که « به حکم خود» یا به «امر خدا» خود را فارغ از هر نوع مسؤولیت بدانند! هر انسانی باید در برابر "وجدان خود و حتماً در برابر افرادی که اختیارات خود را به او تفویض کرده پاسخگوی اعمال خود باشد. ضروری است که از نمایندگان شان در قبال تمام مشکلاتی که ناشی از وضع قانون بدون رضائیت مردم از طریق ریفراندم یا تطبیق هر نوع پالیسی بدون رضائیت از طریق ریفراندم اکثریت مردم بخصوص در مسائل منوط به اتحاد ملت، مداخلات خارجی در امور داخلی به مثابه نقض حاکمیت ملی بشمول حقوق رأی منصف و عادلانه برای هر شهروند میشود، احتساب بعمل آید. یک دولت دیموکراتیک نمی تواند اجازه هرگونه تحریف، سرکوب آزادی بیان و مردمی را که آزادانه رأی می دهند و ستون های اصلی دیموکراسی هستند، بدهد. رأی دادن به عنوان یک شهروند آزاد بدون

هیچ مانع و فشاری دقیقاً همان اولین حق آزادی بیان در قانون اساسی است که اولین اصلاحیه آن است! یکی توسط صدای شهروندی بیان میشود و دیگری با رأی شهروندی قدرتمندتر است!

۶) کار برد قوانین ضد اعتماد [۱]: در صورتی که قوانین، منافع شرکت های غول پیکر را نیست به منافع عامه مردم بخاطر منافع خودخواهانه مقام نماینده رسمی حفاظت نموده بتواند، در آنصورت ریفراندم مردمی باید بر پیشنهادات مقامات و یا اصلاحات مقامات صرف نظر از منافع شخصی، سیاسی و تجارتي اعضای حکومت غلبه حاصل نماید.

۷) برای جنگ های خارجی باید هیچ نوع توجیهی وجود نداشته باشد مگر اینکه از دشمنان درگیر در جنگ شناسایی دقیق صورت گرفته و همیشه به دنبال ریفراندم های مردمی باشد.

۸) حکومت باید نهاد های را برای حل و فصل منازعات بین المللی و ملی و بین الدولتی با روش های بخوبی تحقیق شده و تثبیت شده حل منازعات ایجاد کند.

۹) افزایش نا امیدی مردم از شنیده شدن صدای شان؛ مسلماً مردم باید بتوانند خواسته های خود را برای اصلاحات با رأی دادن بیان نمایند.

۱۰) در انتخابات کانگرس علاوه بر اینکه مردم به نمایندگان خود رأی می دهند، مردم باید مبرم ترین اصلاحات شانرا بخاطر تصویب به اکثریت آرای کانگرس ارائه کرده بتوانند که در حال حاضر در انتخابات ایالاتی انجام می شود اما در انتخابات فدرال بصورت کافی وجود ندارد!

باید بخاطر داشته باشیم که لیبرال دیموکراسی امریکایی دفاع از حقوق فردی، از جمله آزادی بیان، دین - مذهب، سبک زندگی، تجمع، تظلم خواهی و رأی دادن «به عنوان سخنرانی» را در اولویت قرار می دهد که در قانون اساسی امریکا به عنوان امر قطعی یک دیموکراسی شناخته شده است. بسیاری از ما می دانیم که «ویکتر اوربان» از حزب راست میانه در هنگری رسانه ها را کاملاً در اختیار گرفته و پیروزی احتمالی هر حزب دیگر را ممنوع کرده است. ممکن است بیاد داشته باشید که در فصل قبلی «پوهاند ان ایلپام» در باره خروج برتانیه از اتحادیه اروپایی یا برگزیت و انتخاب ترمپ در ایالات متحده امریکا صحبت کرد؛ وی گفت که انتخاب شدن ترمپ در واقع منجر به طنینی در سرتاسر جهان شد که گویا احزاب دست راستی افراطی جهان از جریان راست متبادل امریکایی ایده و الهام گرفته اند. همچنان چین برگزیت برخی از برتانیایی ها نمی دانستند که خروج برتانیه از اتحادیه اروپا برای شان به چی معنی است، لطفاً فکر نه کنید که سقوط دومینو ها ادامه خواهد داشت!

۱ - Anti-Trust Laws : انتی ترست یا ضد اعتماد مجموعه از قوانینی است که برای تنظیم شیوه های تجارتي به منظور اطمینان از وقوع رقابت منصفانه در اقتصاد بازار آزاد به نفع مصرف کنندگان وضع شده است. م : منبع :

<https://www.techtarget.com/whatis/definition/antitrust>

## پنجم : انارشی به مثابه دشمن دیموکراسی

ابتداء، بحث خویشرا از دیموکراسی ريفراندم مستقیم آتن شروع کردیم، ما باید در باره دو گروه مخالف یا اپوزیسیون قوی دیگر یعنی انارشیت و آزادیخواهان چپ سیاسی نیز بحث کنیم. انارشیزم از زمان دشمنی ها در میان خانواده های بدوی بشریت آغاز شده است. گاهی اوقات بی نظمی در خانواده ها رخ می دهد که توسط یک «تمرد یا عصیان» شروع میشود مثلاً عصیان علیه اقتدار والدین ، که ممکن به خوبی «انارشیت» و همچنان شورش خوانده شود.

همانطوریکه حدس زدیم، در طول فلسفه های رو به رشد سقراط، افلاطون و ارسطو، یک دوره از سفسطه و شک و تردید نیز وجود داشت. شک و تردید بطور کلی ممکن است به عنوان عملکرد طبیعی مغز ما برای اندیشیدن به "ایده ها"، برای تصور کردن در نظر گرفته شود، اما مغز به مشاهده پدیده ها تصادفی، و وقوع اتفاقی نیز تمایل طبیعی دارد که باعث ایجاد شک و تردید و گاه شک در ذهن ما می شود.

اضداد در جهان فیزیکی بمانند جهان تصویری ما در میتافیزیک نیز منعکس میشوند. انارشیزم به عنوان یک فلسفه سیاسی احتمالاً در دهه های اول قرن نوزدهم زمانی آغاز شد که جنبش های سیاسی خود آگاه ظهور کردند. این زمانی است که مردم نسبت به پادشاهی های مطلقه و امپراتوری های سلسله مراتبی اجباری غیر ارادی بدبین شدند، و این زمانی است که یاغیان مادرزاد و خشمگین شروع به دعوت مردم برای سرنگونی دولت و حتی زیر پا کردن نور اخلاق خانوادگی و تجاوز جنسی شان نمودند، درست آنچه که در قیام بلشویک سال ۱۹۱۷ در روسیه بوقوع پیوست. جناح آزادیخواه جنبش سوسیالیستی دیموکراتیک به عنوان ضد – تیزس در برابر اروپای بسیار قدرتمند سرمایداری مطرح شد. این زمانی بود که جنبش انارشیزم تا جنگ داخلی هسپانیه که دوره کلاسیک انارشیزم را تا مدتی خاتمه داد بود، شگوفا شد. کلمه یونانی «ارخوس»<sup>[۱]</sup> (بدون رهبر) کلمه ایست که انارشیزم از آن مشتق شده و انارشیزم برای اولین بار در انگلستان در سال ۱۶۴۲م به عنوان بی نظمی شناخته شد؛ این بی نظمی ها در انگلستان در سال ۱۵۳۹م آغاز شده بود. «پیری جوزف پرودون»<sup>[۲]</sup> اولین فیلسوف سیاسی بود که خود را انارشیت خواند. در این اواخر خطوط منفصل کننده بین «سوسیالیست های آزادیخواه»، «چپ های جدید» و «مارکسیست های آزادیخواه» خیلی تیره و تار شده اند! «گورین» در کتاب خود «نقد سوسیالیزم اقتدار گرا» چاپ ۱۹۷۰ می نویسد که «نوام چامسکی» انارشیزم را در کنار «مارکسیزم آزادیخواه» به عنوان «جناح آزادیخواه سوسیالیزم» توصیف می کند. بطور خلاصه، ما باید تهدیدات بسیار جدی را که در برابر طولانی ترین دیموکراسی امریکا در جهان وجود دارند و اکنون تحت بمباران پوپولیست ها و انارشیت ها قرار دارد، مقابله کرده و آنرا کاهش دهیم!

## ششم : مودل دیموکراسی سویس

<sup>1</sup> - arkhos

<sup>2</sup> - Pierre-Joseph Proudhon

ما در فصل پنجم «دیموکراسی سوئیس» را مورد بحث قرار دادیم و سپس روی چندین گزینه «سوئیتزلند» در باب ریفرا ندیم یعنی در باره ریفرا ندیم دیموکراسی مستقیم و اصلاح آن با دیموکراسی نماینده صحبت کردیم. اینجا کمی بیشتر به آن اضافه می کنیم. اما اجازه بدهید تا این نکته را واضح سازم که چرا این موضوع تکراراً آورده شده و هدف مؤلف چیست که دوباره روی آن تماس می گیرد. در اینجا، شما برتری دیموکراسی سوئیس را به دلایلی پیدا می کنید که دیموکراسی سوئیس مورد توجه تعدادی از فیلسوفان سیاسی و دانشمندان علوم سیاسی به عنوان الگو برای سیاستمداران امریکایی قرار گرفته تا برخی از عناصر قابل اجرای دیموکراسی سوئیس را برای دیموکراسی جمهوری امریکا در نظر بگیرند. زیرا مردم باید چند نکته را برای تکمیل کردن قدیمی ترین، موفق ترین و قدرتمند ترین دیموکراسی در جهان، دیموکراسی امریکا، بدانند که تا هنوز به عنوان رشک جهانیان باقی مانده است. همانطوریکه قبلاً اشاره شد، این مقایسه بین دولت های سوئیس و امریکا نیست، بلکه اینها عناصر کوچکی اند که طی بی طرفی دائمی ۲۰۵ ساله فدراسیون سوئیس در کوره زمان پخته شده و اینجا و آنجا در میان نفوس ۸,۴ میلیونی سوئیس پیدا میشود، سوئیس که ۲۸۳ بار کوچکتر از امریکاست و حدود ارضی آن از شهرک اوردینای کالیفورنیای شمالی بزرگتر نیست.

## مقایسه قانون اساسی امریکا و سوئیس

ایالات متحده امریکا	سوئیتزلند
---------------------	-----------



قانون اساسی	در سال ۱۸۴۸ از مدل امریکایی الهام گرفته است	قانون اساسی امریکا ۱۷۸۷
ایراد قانون اساسی	نه خیر	می تواند به قوانین فدرال اعتراض کند
نوع : دیموکراسی مستقیم و دیموکراسی نماینده	اکثراً ریفراندوم دیموکراسی مستقیم	اکثراً دیموکراسی نمایند
حق ابتکار	در ۱۸۹۱: صد هزار تن رأی دهنده می توانند پیشنهاد اصلاح در قانون اساسی را بنمایند	هیچ
<b>وابسته به قانون اساسی</b>	<b>۱۲۳ ماده در سال ۱۸۷۴</b>	<b>مواد = ۷</b>
ماده ها	تا ۲۰۱۴ - ۱۹۶ ماده	بخش ها = ۲۱
عناوین	۴۶	ماده ها = ۷
تعدیلات	ماده ها = ۱۹۶	اصلاحات = ۲۷
مجموع بازنگري	بلی	نخیر
باز نگرى قسمی	بلی	نخیر
دولت	پارلمانی و ریاست جمهوری	ریاست جمهوری
سنتره محکمه	قضات انتخابی - تصدی شش ساله	تصدی عمری
~~~~~	با قوه مقننه و اجرائیه برابر نیست	۳ شاخه برابر
~~~~~	بوسیله اسامبلی فدرال انتخاب می شوند	بوسیله رئیس جمهور / با رضایت سنا
حکومت	رسماً کانفدراسیون ولی مشابه به جمهوری فدرال	جمهوریت فدرال
سیستم قانونی	قانون مدنی؛ بررسی قضائیی	در فدرال، قانون کامن لای انگلیس همچنان کامن لا در ایالات / لوویزیانا
مقننه	دو مجلسه اسامبلی فدرال	کانگرس دو مجلسه (مجلس نمایندگان و سنا)
فشار سیاسی بوسیله گروهها و رهبران	هیچ	محدود : شرکت ها، اتحادیه ها، کلیسا ها، نژاد ها، زراعت، صحت، گروپ سربازان متقاعد جنگی، ترانسپورت، PACs 2600 و غیره و غیره گروپ های ذینفع نیز به عنوان ناظر عمل می کنند
قانون اساسی بازنگري شد : ۱۸۱۵، ۱۸۳۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۵، ۱۸۴۸ فدرال؛ توسعه دیموکراسی مستقیم : ۱۸۷۴، ۱۹۹۹، ۲۰۰۲، ۱۹۷ ماده بعد از هندوستان دومین قانون اساسی ضخیم در جهان		دفاع از قانون اساسی دولت ۱۸۴۱؛ ایالات متحده امریکا؛ در سال ۱۷۸۷ بوسیله جان آدمز در کنوانسیون پن (Penn) ، پس از تحقیقات گسترده در باره جمهوریتها، دیموکراسی های آتن تا به دیموکراسی های سویس پرزنتیشن یا ارانه کلیدی
مصارف زندگی در سویس ۷۶ بار قیمت تر از مصارف زندگی در ایالات متحده امریکاست		

### شکل ششم

در میان کنفدراسیون های مدرنی که «جمیز مدیسن» تحلیل کرده یکی هم حکومت سویتزرلند کنفدراسیون «هلویتیک» بود. اولین نمایشنامه موزیکالی که بوسیله امریکایان اجراء شد در ۱۷۹۶ به تأریخ ۱۸ اپریل در شهر نیویارک بود. «کمانداران» یا «کوهنوردان سویس» تصویر دراماتیک از «ویلیام تل» و هموطنان سویسی اش را نمایش می داد و به این دلیل بسیار محبوب شد که امریکایی ها با سویسی های احساس خویشاوندی معنوی کردند و برخی ها آنها را «برادران و خواهران روحی» خود خطاب کردند!

لیست کشور هاییکه حد اقل از سال ۱۹۵۰ تا کنون بطور ثابت دیموکراتیک بوده اند

کشور ها	قویاً فدرال	قویاً دو مجلسه	مجلس فوقانی نمایندگی برابر ندارد	بازنگری قوی قضائیه	سیستم انتخاباتی	سیستم حزبی	ساختار
۲۳	۸ = بلی	۷ = بلی	۵ = بلی	۴ = بلی	مختلط	۱ = دو	ریاست
	۱۶ = نخیر	۱۶ = نخیر	۱۸ = نخیر	۱۹ = نخیر		۲۲ = چندین	جمهوری = ۲
شکل هفتم							
پارلمانی = ۲۱							

«پوهاند دال»، با نگاهی به درجه بندی «فریدم هاوس»، به این نتیجه میرسد که هیچ نوع تلازم یا همبستگی قابل تشخیصی میان هفت خصوصیت قانون اساسی و درجه بندی در مورد حقوق سیاسی یا مدنی در میان ۲۳ کشور دیموکراتیکی که مقایسه شده اند وجود ندارد.

«رابرت دال» متعلق به اکادمی ملی علوم، انجمن فلسفی امریکا، اکادمی هنر و علوم بود. وی به عنوان یک استاد و پوهاند متقاعد «پوهنتون ییل»، کتاب مشهور خود را «قانون اساسی امریکا چقدر دیموکراتیک است؟» نوشت که در سال ۲۰۰۳م اقبال چاپ یافت. از آنزمان تا کنون بحث های موافق و مخالف زیادی در مورد آن وجود داشته است. از آنجاییکه به قول معروف، عظمت یک ملت در قانون اساسی آن کشور منعکس می شود، در ذیل به چند مورد مهم اشاره می کنیم که خوانندگان باید در مورد آنها فکر کنند. [۱]

قانون اساسی امریکا طبق نظر رابرت دال :

۱) بردگی را مجاز می دانست؛ ۲) عدم تضمین حق رأی/ رأی دادن؛ ۳) الکترا ل کالج بالاتر از رأی مردم؛ ۴) سناتور ها بوسیله قانونگذاران ایالتی انتخاب میشوند؛ ۵) قانونگذاری دو مجلسه؛ ۶) دستگاه قضائیه بدون محدودیت قوانین حاکم برخلاف قانون اساسی است؛ ۷) در مقایسه با سایر کشور های دیموکراتیک کانگرس در تنظیم اقتصاد محدود است؛ ۸) عدم ذکر از احزاب سیاسی، حقوق و وجایب آنها؛ ۹) تأمین مالی کمپاین بدون محدودیت؛ ۱۰) هیچ اشاره به احزاب سیاسی نه شده است، هرگز این را مد نظر نه گرفته که یک حزبی هر سه قوه را در اختیار دارد، توازن قواء را از بین میبرد؛ ۱۱) حمایت ناکافی از دسترسی برابر مردم به رأی دادن و تأیید رأی آنها؛ ۱۲) تأریخ، از زمان آتن ثابت می کند هر قدر که تصدی مقامات منتخب طولانی تر باشد به همان اندازه تعداد و تمرکز مراکز قدرت آنها بیشتر شده می رود که باعث تضعیف حکومتداری دیموکراتیک می گردد. خدمات دراز مدت حکومتی تهدید های مبهمی را برای حکومت دیموکراتیک ایجاد می کند.

مؤلف، خوانندگان را به احتیاط دعوت می کنند مبنی بر اینکه نوشته های «پوهاند دال» و شاید تعداد زیادی از نویسندگان متخصص از معضل ارائه تحقیقات گسترده رنج می برند که بدون آنکه خوانندگان عمومی از آن نفع ببرند، اغلب شمار خوانندگان را تنها به مراکز علمی محدود می سازد. و این کار به دیموکراسی مردم چندان مفاد نمیرساند. بسیار مهم است که ارائه دانش کافی برای افرادی باشد که اکثریت یک جامعه دیموکراتیک را تشکیل می دهد. صرفاً به دلیل ضرورت دفاع از

<sup>1</sup> - Dahl, Robert A. *How Democratic is the American Constitution?* Yale University Press: Mew Haven.2003.

دیموکراسی امریکایی، بخصوص در بحبوحه حملات پوپولیستی به دیموکراسی امریکایی، مستفید شوندگان از چنین دانشی باید «ما مردم» باشد.

از نظر تاریخی، دو تن از فرانسویان در دهه ۱۸۳۰م توسط دولت شان برای تحصیل در سیستم زندان های امریکا فرستاده شدند اما اجازه داشتند که به میل خود مطالعات دیگری هم داشته باشند پس آنها در باره عملکرد دیموکراسی امریکایی هم تحصیل کردند. یکی از آنها «الکسیس دو توکوویل» نام داشت که در سال ۱۸۳۵ - ۱۸۴۰ به نام (در پا ورقی<sup>[۱]</sup>) مقالات خود را نوشت که اخیراً به دلیل دلچسپی آن دو باره مورد غور قرار گرفته و در حلقات خاصی در ایالات متحده امریکا مشاهدات وی مورد بحث قرار گرفت که:

۱) وی از قانون اساسی امریکا ۱۷۸۷م زیاد سخن می گوید چونکه توسط "اراده مردم نوشته شده است".

۲) اعتقادش بر آن بود که آداب و رسوم یا «عادات ذهنی» مردم نقش عمده ای در حفاظت از آزادی ایفاء می کند که مشتمل است بر: دیموکراسی تالار شهر<sup>[۲]</sup>؛ آداب، قوانین و شرایط؛ استبداد اکثریت؛ دین و اعتقادات؛ خانواده؛ فرد گرایی؛ انجمن ها؛ نفع شخصی به درستی درک شده است و ماتریالیزم. وی معتقد بود که این پیورترین<sup>[۳]</sup> ها «جنبش مطهریه عیسوی که قبلاً آنرا ذکر کرده ام - م» بودند که اصول حاکمیت مردم را در قانون اساسی کنفدراسیون " نظام بنیادی کناکتیکت<sup>[۴]</sup>" پایه گذاری کردند و انقلاب امریکا با این چنین اصول رواج یافت و توسط کنوانسیون قانون اساسی ۱۷۸۹ تجسم یافت. از این رو نهاد ها توسعه یافتند تا اراده مردمی را مدیریت کند.<sup>[۴]، [۳]، [۲]</sup>

«پوهاند جفری. آر. لاکس» و «پوهاند جستین ایچ فیلیپس»<sup>[۵]</sup> از پوهنتون کولمبیا دپارتمنت علوم سیاسی در سال ۲۰۱۲ مقاله ای را معنون به «کمبود های دیموکراسی در ایالات متحده» به نشر رساندند. آنها کوشش کردند تا در هشت موضوع، حمایت به سطح دولت را در باب ۳۹ پالیسی که برخی از آنها شامل موضوعاتی از قبیل سقط جنین، اجرای قانون صحت و معارف بود، تعیین کنند. آنها اظهار داشتند: «ولی ما یک کمبود قابل توجه دیموکراتیک را نیز کشف کردیم: سیاست با اکثریت فقط با نصف از زمان همسازی دارد.»

نتیجه گیری آنها:

<sup>1</sup> - De la democracie en Amerique

<sup>2</sup> - Town-hall democracy

<sup>3</sup> - Puritans

<sup>4</sup> - Fundamental Orders of Connecticut

<sup>5</sup> - de Tocqueville, Alexis (1835). *De la démocratie en Amérique. I* (1st ed.). Paris: Librairie de Charles Gosselin. Retrieved 24 June 2015.

<sup>6</sup> - de Tocqueville, Alexis *De la démocratie en Amérique. II* (1st ed.). Paris: Librairie de Charles Gosselin. Retrieved 24 June 2015.via Gallica

<sup>7</sup> - Tocqueville, Alexis de. *Democracy in America*. Chicago: University of Chicago Press. p. 7. ISBN 0-226-80532-8. 2000.

<sup>8</sup> - Professors Jeffrey R. Lax and Justin H. Phillips

## یافته های مربوط به کیفیت دیموکراتیک حکومت به سطح ایالتی

الف) حکومت ایالتی معمولاً به موضوعات مورد پسند رأی دهندگان که شامل طیف وسیعی از «مسائل برجسته» میگردد پاسخ می دهند.

ب) ساختار سیاسی ایالات در ارائه سیاست های لیبرال تر به ایالات لیبرال و سیاست های محافظه کارانه تر برای به ایالات محافظه کار درست جواب می دهد.

ج) آنها در تحلیل خود پیامد های مهمی را برای ارزیابی فدرالیسم امریکا یافتند. آنها می گویند که برخی استدلال می کنند که دولت های ایالتی به رأی دهندگان خود نزدیکتر قرار دارند. بنابر این، بهتر تر از دولت فدرال و دولت ملی در واکنشگن دی. سی. می توانند سیاست های عمومی را با ترجیحات رأی دهندگان خود تنظیم کنند. اما آنها تأکید می کنند که تا به حال این فرضیه آزمایش نشده را نمی دانند که چگونه مقامات منتخب ایالتی سیاست را با نظریات محلی بطور مؤثر مطابقت خواهند داد.

د) با این حال آنها دریافتند که سیاست حزبی «سیاستهای حزب نخبگان» با کنترل قانون گذاران و مقام های والیان تأثیر زیادی دارد.

ی) گروه های ذینفع: قدرت سیاسی آنها از یک ایالت تا ایالت دیگر خیلی تفاوت دارد. همه ایالات در معرض نفوذ هزاران لابی گران راجستر شده قرار دارند که نگرانی های خود را در بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی نشان میدهند (لووری و [1] گری ۱۹۹۵ - ۲۰۰۴). نیازی نیست که گروه های ذینفع به ترتیبی دیده شوند که گویا کاملاً ضد دیموکراتیک اند، گاهی اوقات آنها حتی افکار عمومی را هم تقویت می کنند. [2]

هشتم: مدل دولت دیموکراتیک مستقیم «مخوساکه»

<sup>1</sup> - Lowery and Gray 1995, 2004

<sup>2</sup> - Lax, JR. Phillips, JH. The Democratic Deficit in the United States. American J.Pol.Science: Vol. 56, No(1). Pp. 148-166. PDF. 2012.

پوهاند «جان جی مٹوساکه» [۱] پس از سی سال تدریس و تحقیق در زمینهٔ ریفراوند - دیموکراسی مستقیم، بیماری های دیموکراسی ها جهان را تشخیص داده و آنرا به عنوان قطع ارتباط مردم عادی با دولت های شان بطور خلاصه چنین نشان داده است: «۱) قطع ارتباط به سطح اداره یا قوهٔ اجرائیه، ۲) قطع ارتباط به سطح محاکم یعنی قوهٔ قضائیه، ۳) قطع ارتباط به سطح قوهٔ مقننه»

وی به عنوان یک متخصص شناخته شدهٔ جهانی در دیموکراسی ریفراوند، دیموکراسی مستقیم، افزایش عنصر مستقیم جنبهٔ ریفراوند دیموکراسی امریکایی را راه حلی برای بستن شکافی می داند که طی دو قرن ایجاد شده است. او نشان می دهد که در مطالعهٔ اخیر «بروکینگز»، که «بحران مشروعیت» دولت اداری [۲] را مورد تحلیل قرار داده، ریفراوند را به عنوان یک راه حل بر اساس این که «شهروندان نه مایل و نه قادر به انجام این کار هستند» رد کرده است. این پوهاند بلافاصله این ادعا ها را کم ارزش می داند که «هیچ چیز نمی تواند دور از حقیقت باشد: زیرا نظر سنجی های نظریات مردم بطور مداوم نشان می دهند که مردم مشتاق اند تا در تصمیم گیری در بارهٔ مسائل مهم شرکت کنند.» نظر سنجی «مرکز تحقیقات پیو» در سال ۲۰۱۷ نشان داد که دو بر سوم امریکاییان و دو بر سوم مردم در سراسر جهان علاقمند بودند تا شهروندان «مستقیماً در مورد مسائل مهم ملی» رأی بدهند. [۳] وی به کتاب «دیوید برودر» [۴] رئیس بخش مطبوعاتی واشنگتن اشاره می کند، کتابش «دیموکراسی از مسیر خارج شد» نام دارد، وی در این کتاب ریفراوند را «شکل جدیدی از حکومت تشریح می کند (که) در ایالات متحدهٔ امریکا در حال گسترش است و آنرا «بیگانه» و «وارداتی» می خواند و تهدیدی برای «بر اندازی سیستم حکومتی امریکایی می داند.» پوهاند جان مٹوساکه شکایت می کند که متخصصین، به نحوی از انحا آب ها را گل آلود کرده و باعث ایجاد تعصب علیه دیموکراسی ریفراوند شده اند. وی شرح می دهد: الف) ریفراوند مشورتی، رأی گیری در مورد پیشنهادات دولت، مانند رأی مشورتی اخیر در مورد خروج برتانیه از اتحادیهٔ اروپا «برگزیت» نتیجهٔ الزام آور نیست. ب) ریفراوند اجباری، این هم رأی دادن به پیشنهادات دولت است، اما نتیجهٔ آن الزام آور است که برای اصلاح قانون اساسی نیاز به تأیید رأی دهندگان دارد، ج) در خواست (یا ریفراوند مردمی)، رأی به الغای قانون موجوده که بوسیلهٔ درخواست شهروندی با تعداد امضای معین خوانده میشود. مثال: کالیفورنیا خریطه های پلاستیکی را در مغازه های مواد غذایی ممنوع کرد.

از لحاظ تاریخی، دیموکراسی مستقیم در ایالات متحدهٔ امریکا هرگز ریفراوند ملی را برگزار نه کرده، اما دارای تأریخچهٔ بسیار غنی از دیموکراسی مستقیم از طریق ریفراوند است و یکی از ثروتمندترین ها در جهان است. زمانیکه «رود آیلند» بخاطر پیوستن به اتحادیه رأی داد این اولین استفاده از دیموکراسی مستقیم بود. رأی مردم پس از «ماساچوست» و «نیو همپشایر» بیک نورم مبدل شد، متعاقب آن «مین» در سال ۱۸۱۹، «تینیسی» در سال ۱۸۳۴، «میشیگن» در سال ۱۸۳۵ و غیره و غیره رأی مردمی دادند. اصلاح قوانین اساسی ایالتی نیز همین مسیر را دنبال کرد. این را می توان در مسودهٔ قانون اساسی «تامس

<sup>1</sup> - Professor John G. Matsusaka

<sup>2</sup> - administrative state

<sup>3</sup> - See Postal (2012) for a conservative critique (from Heritage Foundation) and Wallach (2006) for a liberal critique (from Brookings Institution). Strauss (1984) is a classic scholarly article and Vermeal (2015), legal issues.

<sup>4</sup> - David Broder

<sup>5</sup> - *Democracy Derailed*

جفرسن» برای «ویرجینیا» در سال ۱۷۷۶ پیدا کرد. «پروسه ابتکار» نیز علاوه بر ريفراندم محبوبیت بیشتری پیدا کرده است. " پروسه ابتکاری یا ابتکارات رأی گیری" (پیشنهاد قوانین کالیفورنیا بدون حمایت گورنر یا قوه مقننه، شهروندان را قادر می سازد تا بدون طی کردن سلسله مراتب از قانونگذاران ایالتی، قوانین پیشنهادی را جابجا نمایند که در برخی ایالات شامل اصلاحات قانون اساسی نیز می شود. بنیان گذاران امریکایی، دیموکراسی شهر - دولت آتن را تحسین می کردند بخصوص آزادی و باز بودن آن را، اما سقوط آن را ناشی از افراط در دیموکراسی مستقیم می دانستند، همانطوریکه «مدیسن» در مقاله فدرالیستی شماره ۵۵ نوشت: " هرگاه هر شهروند آتنی یک سقراط می بود، پس هر مجلس آتنی «ایکلیسیا» نیز یک مجلس مردمی عوام می بود." در آن زمان جزوه های (نوح - وبستر) از دیموکراسی مستقیم به عنوان علت «تشنج های مکرر»، شرارت های بی شمار» و «اقدامات هوسبازانه» انتقاد میکرد، درست مانند آتن و روم باستان که اجداد شانرا با برانگیختن از شورش، نسبت به ريفراندم مستقیم مخالف ساختند. «پوهاند جان مٹوساکه» این بیزاری را نه فقط نظری بلکه به دلیل عملی تر برای اعمال دیموکراسی نماینده می داند. در آن زمان مجموع نفوس امریکا در سرزمین پهناور و وسیعی با سیستم های ارتباطی بسیار کند و دشوار و با تعداد زیاد از اتباع بی سواد پراکنده بود و در آن زمان به دست آوردن معلومات هم پر مصرف بود که آنهم به راحتی قابل دسترس نبود. «پوهاند مٹوساکه» در فصل ۱۸ کتاب خود تحت عنوان «بهترین شیوه»، برای افزایش جنبه های ريفراندم دیموکراسی مستقیم در امریکا به نکته مهمی اشاره دارد که ابتداء باید" مزایا و معایب ريفراندم ها را ارزیابی کنیم [۱]". وی نکات ذیل را پیشنهاد می کند:

- ۱) " یک پیشنهاد برای رأی گیری باید سؤال خاصی را مطرح کند؛ در حالت ایده آل: تایید یا نه"
- ۲) "به رأی دهندگان باید در باره افراد یا گروه های که از ريفراندم حمایت یا از آن مخالفت می کنند، معلومات داده شود"
- ۳) "در صورت لزوم بودیجه عمومی باید تأمین شود تا اطمینان حاصل شود که هر دو طرفی که استدلال می کند آنرا به اطلاع عامه برسانند"
- ۴) "اصل جفرسن: تغییرات عمده در سیاست نباید بر اساس اکثریت ضعیف باشد. درخواستی ريفراندم باید دارای تعدادی از امضاهای مشخص شده و پروسه تنظیم شده توسط څارنوال منطقه باشد."
- ۵) "قوانین درخواست شده باید به صورت آزادانه تفسیر شوند و ترجیحاً رأی دهندگان بتوانند آنرا بالای آن قضاوت نهایی کنند"

#### مسیر اصلاحات - پیشنهادات

- ۱) " ريفراندم مشورتی - توسط کانگرس فرا خوانده میشود"

<sup>1</sup> - Matsusaka, John G. *Let The People Speak: How Direct Democracy Can Meet the Populist Challenge*. Princeton University Press. NJ, Oxford, p.17. 2020

۲) «ریفراندم مشورتی – توسط درخواست بوسیله مردم فرا خوانده میشود»

۳) «ریفراندم مشورتی – در مورد مسائل خاص مورد نیاز است»

۴) «ریفراندم الزام آور – در مورد مسائل خاص مورد نیاز است»

۵) «ریفراندم الزام آور – که توسط درخواست فراخوانده میشود» [۱]

۶) «اصلاحات قوانین اساسی – که توسط درخواست پیشنهاد شده است»

آخرین بخش افکار «پوهاند مٹوساکه» برای درک پیشنهاد او بخاطر افزایش دیموکراسی مستقیم که بخشی از دیموکراسی امریکایی است بسیار مهم اند. صنعتی شدن، شهرنشینی و جهانی شدن به سطح بلند ایالات متحده امریکا، نیاز به تخصص تکنوکراتیک برای مدیریت حکومتداری پیچیده و پویا دارد که به نوبه خود درک و کنترل تصمیمات سیاسی را برای مردم عادی دشوار تر و دشوار تر می سازد. این وضعیت امور دولتی را هنوز پیچیده تر می کند که در را به روی انبوهی از گروپ های ذینفع خاص می گشاید و باید منابعی در اختیار باشد تا بیروکراسی ها را از منافع مردم دور سازد! جای تعجب نیست که «پوپولیست ها» احساس می کنند که در سیستم علیه آنها تقلب شده و آنها را وادار می کند که علیه مقامات حکومتی روی بیاورند.

در نهایت «پوهاند مٹوساکه» بما توصیه می کند که: «ما آنزمان خیلی عاقل خواهیم بود که بخش های دیموکراتیک دولت را بسازیم و به مردم اعتماد کنیم که خود شان خود را اداره کنند».... من معتقدم که ما بیش از حد آماده آنیم که جهان را از دریچه عدسیه عینکهای حزبی ببینیم و نیاز داریم تا از مزیت تمایل حزبی به تغییرات در ساختار حکومت، خود را محفوظ داریم....

در نهایت برخی ها استدلال می کنند که راه حل در حال حاضر بصورت آماده در دست خود مردم است. تنها ترین چیزی که بدان نیاز دارند آن است که باید کنترل بیشتری بر نمایندگان منتخب خود داشته باشند، در اعتراضات و مبارزات سیاسی مشارکت بیشتری داشته باشند ووظایف مدنی خود را یادگیرند و از آنها استفاده کنند. [۲]

## بخش چهارم آینده دیموکراسیها

### فصل نهم

<sup>1</sup> - Ditto. Matsusaka. p.162.

<sup>2</sup> - Mounk, Y. *The people vs. Democracy: Why Our Freedom Is in Danger and How to Save It*. MA: Harvard University Press. 2018.

## اختلالات اجتماعی – روانی اخیر

اول : فرقه ها و فرقه گرایی ها

در انگلیسی مدرن، اصطلاح «فرقه» به عنوان یک گروه اجتماعی «غیر متعارف / غیر معمول» تعریف شده است : ( ۱ ) ( گروه مذهبی، ۲ ) گروه روحانی، ۳ ) گروهی با اعتقادات فلسفی، و ۴ ) گروهی که در مورد یک شخصیت، شی یا هدفی علاقمندی مشترک داشته باشد. در مطالعات جامعه شناسی اکادمیک که در دهه ۱۹۳۰ آغاز شد فرقه گرایی موضوع مورد مطالعه جامعه شناسی در زمینه رفتار دینی شد. [۱]، [۲] «مکس وبر» (۱۹۲۰ – ۱۸۶۴) معتقد بود که که اکثراً شالوده و اساس فرقه های متکی به رهبریت «کرزما تیک» است. [۳] دو سال بعد طبقه بندی جامعه شناسانه آن توسط جامعه شناس امریکایی «هوارد پ. بکر» [۴] صورت گرفت. [۵] عالم الهیات «ارنست ترولخ» [۶] سه نوع فرقه را می شناسد : ( ۱ ) کلیسایی، ( ۲ ) سکتاریست یا وابسته به فرقه، ( ۳ ) عرفانی. ولی «هوارد بکر» فرقه را گروه های مذهبی کوچکی توصیف می کند که فاقد ساختار سازماندهی هستند و تأکید بر خصوصیات و باور های شخصی دارد که گاهی اوقات شکل یک گروه مذهبی منحرف را بخود اختیار میکند. [۷]، [۸] «جان لو لند» [۹] به کلیسای «وحدت یانگ سن کیم» [۱۰] کوریای جنوبی پیوست و دست به مطالعه زد و بعد در تیزس دکتورای خود در سال ۱۹۶۴ در مورد آنها به عنوان : ناجیان جهان : مطالعه عملی پروسه های فرقه، یاد کرد. [۱۱] [۱۲] جامعه شناس «روی والس» (۱۹۹۰ – ۱۹۴۵) فرقه را به عنوان یک «فرد گرایی معرفت شناسی» [۱۳] توصیف

<sup>1</sup> - "cult". *Oxford English Dictionary* (Online ed.). Oxford University Press. (Subscription or participating institution membership required.) - "2.a. A particular form or system of religious worship or veneration, esp. as expressed in ceremony or ritual directed towards a specified figure or object."

<sup>2</sup> - Weber, Max. [1922] 1947. "The Nature of Charismatic Authority and its Routinization." Ch. 4§10

<sup>3</sup> - Weber, Max. [1922] 1947. "The Nature of Charismatic Authority and its Routinization." Ch. 4§10 in *Theory of Social and Economic Organization*, translated by A. R. Anderson and T. Parsons. Available in its original German Richardson, James T. 1993. "Definitions of Cult: From Sociological-Technical to Popular-Negative." *Review of Religious Research* 34(4):348-56. doi:10.2307/3511972

<sup>4</sup> - Howard P. Becker

<sup>5</sup> - Campbell, Colin (1998). "Cult". In William H. Swatos Jr. (ed.). *Encyclopedia of Religion and Society*. Walnut Creek, CA: AltaMira. pp. 122-23. ISBN 978-0-7619-8956-1

<sup>6</sup> - Ernst Troeltsch

<sup>7</sup> - Swatos, William H., ed. "Conversion" and "Unification Church" in *Encyclopedia of Religion and Society*. Hartford, CT: AltaMira Press. ISBN 978-0-7619-8956-1. Archived from the original on 21 January 2012 (Conversion) and 13 January 2012.

<sup>8</sup> - Galanter, Marc, ed. 1989. *Cults and New Religious Movements: A Report of the Committee on Psychiatry and Religion of the American Psychiatric Association*. American Psychiatric Association. ISBN 0-89042-212-5.

<sup>9</sup> - John Lowland

<sup>10</sup> - South Korean Young Son Kim' Unification Church

<sup>11</sup> - "The World Savers: A Field Study of Cult Processes".

<sup>12</sup> - Chryssides, George D. [1999] 2001. *Exploring New Religions (Issues in Contemporary Religion)*. Continuum International Publishing Group. ISBN 978-0-8264-5959-6.

<sup>13</sup> - "epistemological individualism"



می‌کند. وی معتقد است که فرقه‌ها از «محیط فرقه» سرچشمه می‌گیرد. [۱] «بروس کمپبل» دو نوع را به عنوان فرقه یکی فرقه غیبی یا پنهانی و دیگری میتافیزیکی مورد بحث قرار می‌دهد. [۲] بسیاری از ما و شما با «فرقه‌های مخرب» و گروه‌های فرعی فرقه‌ها مانند «معبد مردمی» «جیم جونز» [۳] آشنا هستیم. روان‌شناس «مایکل لانگون» مدیر اجرایی ضد فرقه (انجمن بین‌المللی مطالعات فرقه)، یک فرقه ویرانگر را چنین توصیف می‌کند: «یک گروه به شدت دغل‌کار که از اعضای خود سوء استفاده می‌کند، آنها را استثمار می‌کنند و گاهی از نظر جسمانی و / یا روانی به اعضای و گماشتگان خود آسیب میرساند.» «بنجامین زابلوکی» از پوهنتون «راتگرز» [۴] فرقه‌های مخربی را توصیف می‌کند که برای اعضای خود توهین آمیز میشوند که تا حدودی به دلیل تجمید اعضا از رهبران کارزماتیک است و به فاسد شدن رهبر توسط قدرت، کمک می‌کنند. [۵] «کرنبرگ» می‌گوید که برخی از گروه‌های فرقه‌ها خطرناک‌ترند مثلاً به اعضای خود آموزش می‌دهند که از مواظبت‌های منظم صحتی استفاده نکنند که این امر قدرت آنها را فراتر از آسیب‌های فیزیکی و روانی، گسترش می‌دهد. [۶] به گفته «بارت» در فرقه‌های مخرب رایج‌ترین اتهام، سوء استفاده جنسی است! جالب است که این به اصطلاح فرقه‌ها معتقد به روز قیامت آخرالزمان و هزارسالگی گرایی [۷] هم اند که هر دو گروه فاجعه را پیش بینی میکنند و حتی گروه‌های استند که تلاش دارند آنها را بیاورند! البته که فرقه‌های اقدامات سیاسی و ایدئولوژیک‌های سیاسی هم وجود دارند که بنام «فرقه‌های سیاسی» یاد میشوند و عمدتاً از برنامه‌های چپ افراطی یا راست افراطی حمایت می‌کنند. [۸]، [۹] تعدادی از سازمان‌ها یا انجمن‌های گروهی وجود دارند که ممکن است به فرقه‌انقدر نزدیک باشند که فرقه نامیده شوند مثلاً «انستیتیوت آین راند»<sup>۱۰</sup> که «روتبارد»<sup>۱۱</sup> مدعی است که انستیتیوت مزبور به شیوه یک سازمان «اننیستی» سازماندهی شده است؛ همچنین کسانی مانند جنبش «لیندون لاروش»<sup>۱۲</sup> که چندین بار خواستار نامزدی ریاست جمهوری شدند و سازمان وی توسط نیویورک تایمز یک فرقه نامیده شد. [۱۳]

<sup>1</sup> - Wallis, Roy. 1975. "Scientology: Therapeutic Cult to Religious Sect." *British Sociological Association* 9(1):89–100. doi:10.1177/003803857500900105.

<sup>2</sup> - Campbell, Bruce. 1978. "A Typology of Cults." *Sociology Analysis*. Santa Barbara.

<sup>3</sup> - Jim Jones's *People Temple*

<sup>4</sup> - Benjamin Zablocki of Rutgers University

<sup>5</sup> - Zablocki, Benjamin. 31 May 1997. "A Sociological Theory of Cults" (paper). *Annual meeting of the American Family Foundation*. Philadelphia. "Archived copy". Archived from the original on 8 March 2005. Retrieved 29 March 2005.

<sup>6</sup> - Zablocki, Benjamin. 31 May 1997. "A Sociological Theory of Cults" (paper). *Annual meeting of the American Family Foundation*. Philadelphia. "Archived copy". Archived from the original on 8 March 2005. Retrieved 29 March 2005.

<sup>7</sup> - Millenarianism

<sup>8</sup> - Tourish, Dennis. 1998. "Ideological Intransigence, Democratic Centralism and Cultism: A Case Study from the Political Left." *Cultic Studies Journal* 15:33–67.

<sup>9</sup> - Tourish, Dennis. [1998] 2003. "Introduction to 'Ideological Intransigence, Democratic Centralism and Cultism'." *What Next?* 27. ISSN 1479-4322.

<sup>10</sup> - Ayn Rand Institute

<sup>11</sup> - Rothbard

<sup>12</sup> - Lyndon LaRouche movement

<sup>13</sup> - Bennett, David Harry (1988). *The party of fear: from nativist movements to the New Right in American history*. UNC Press Books. p. 362. ISBN 978-0-8078-1772-8.

## سایکولوژی فرقه گرایی

### رهبر فرقه

الف : روان شناس درمانگر بازیابی – فرقه، «راشل برنشتاین»<sup>[۱]</sup> که اعضای سابق «ساینتولوژی [۲]» و «NXIVM» را درمان کرده بود می نویسد که سه نوع رهبر فرقه وجود دارد : (۱) روان پریش/ سایکوسیس، (۲) شخصیت خود شیفته، (۳) اکثراً ترکیبی از هر دو اند.

ب : کرزما<sup>[۳]</sup> : رهبر فرقه اغلب شخصیت بسیار کرزماتیک [۴] دارد که جذابیت قانع کننده ای را به کار می گیرد که الهام بخش در دیگران است و باعث میشود پیروان آنها محبوب و مقبول باشند.

ج : تاکتیک های مغز شویی : رهبران فرقه، در "زندان" فرقه به دور از آزاد اندیشی، از تکنیک های مغز شویی بخاطر جذب و حفظ پیروان خود استفاده می کنند.

ی : رفتار اعضای فرقه :

۱: این گروه بدور یک رهبر فعال و زنده جمع، و اعضای گروه تعهد بی چون و چرای بیش از حد و علاقمندی و اشتیاق فراوان را از خود متباز می سازند؛ آنها مصروف آوردن اعضای جدید استند؛ گروه مصروف پول در آوردن یا پول سازی است؛ در داخل گروه از شک و مخالفت جلوگیری و حتی مجازات میشود.

۲: تعهد مشترک بیک رهبر کرزماتیک و یا ایدیولوژی

۳: اعتقاد به دکتورین یا آموزه ای که پاسخی برای همه سوالات زندگی دارند،

۴: تمام مشکلات با پیروی از احکام رهبر قابل حل است.

۵: اعضای فرقه با تحسین بی چون و چرای شان، با رهبر، هم- ذات پنداری می کنند،

۶: اعضای فرقه ممکن است به راحتی مرتکب اعمال غیرقانونی و خطرناک شوند.

۷: اعضای فرقه بر این باورند که ایدیولوژی و اعمال رهبر فرقه درست مثل قانون، یک حقیقت است.

<sup>1</sup> - psychologist cult-recovery therapist, Rachel Bernstein

<sup>2</sup> - Scientology

<sup>3</sup> - Charisma

<sup>4</sup> - charismatic

۸: اعضای فرقه مصروف تغییر ذهن استند، طور مثال شعار دادن، محکوم کردن جلسات یا ضعیف ساختن روال عادی کار.

۹: اکثریت اعضای فرقه به طور ناخود آگاه نخبه گرا استند و برای خود و رهبر شان جایگاه والایی قابل اند تا مسیحای شان باشد، درست مانند یک «اوتار»<sup>۱</sup>

۱۰: این گروه با ذهنیت قطبی شده «خود» را مانند «ما» می بیند.

۱۱: این گروه به این باور است که اهداف شاد شان هر وسیله را که لازم بداند توجیه می کند؛ از جمله دروغ گفتن به خانواده یا دوستان یا جمع آوری پول برای خیریه های جعلی.

۱۲: رهبری برای کنترل بالای فرقه در میان اعضا احساس ناامنی، شرم یا گناه را از طریق اعمال فشار بوسیله همسالان و اشکال ظریف متقاعد ساختن شان، ایجاد می کند.

۱۳: گروه اغلباً بر اعضا فشار می آورد تا روابط شان را با خانواده و دوستان قطع کنند.

۱۴: اعضا تشویق می شوند که تنها با اعضای گروه زندگی و معاشرت کنند.

۱۵: این گروه بر این باور است که راه دیگری برای «بودن» وجود ندارد، اعضای گروه می ترسند که اگر گروه را ترک کنند و یا به فکر ترک کردن شوند، خود شان و خانواده شان با انتقام رهبری روبرو می شوند.

## سوم: معلومات بیشتر در باره فرقه و فرقه گرایی

این قلم معتقد است که در باره این اختلال اجتماعی به معلومات بیشتر نیاز است تا چنین سیستم های ناباور پیچیده قرن بیست و یکم را بهتر بشناسیم، سیستم های که آینده بشر را از هر لحاظ به چلنج کشیده است. علاوه بر آن اثرات سیل آسای معلومات جهان دیجیتال و معلومات نادرست تحیر آور میشوند.

آئین های معنوی یا مذهبی گروهی، از همان بدو زندگی قبیلوی، جزء ذاتی جوامع بشری بوده اند. بنابر این می خواهم توجه تانرا به مقاله کوتاهی که توسط «لوئیس هیوز»<sup>[۲]</sup> کشیش دومینیکن و سرپرست کلیسا که در این اواخر به مناسبت افتتاح کالج تخنیکی ساحوی «تالاگت، دوبلین ایرلند»<sup>[۳]</sup> نوشته است جلب نمایم.

<sup>۱</sup> - avatar : در سانسکریت : अवतार «اوه تاره» یا avatāra یک مفهوم اعتقادی در هندوییزم است که معنی تحت اللفظی آن به معنی «نزول» است و منظور آن نزول رب النوع در تجسم مادی به روی زمین است. لغت مترادف به آن «پیاپاده شده» است و اکثراً در خطاب به گورو هم گفته میشود. - م

<sup>۲</sup> - Louis Hughes

<sup>۳</sup> - Regional Technical College Tallaght, Dublin, Ireland

وی می گوید، "در این مقاله می خواهم استدلال کنم که فرقه ها و فرقه گرایی ارتباط چندانی با تعلیمات رسمی یا فلسفه هر گروه یا جنبش خاصی ندارند. چیزیکه یک فرقه را می سازد پروسه های غیراخلاقی کنترل ذهن است که در همه آنها مشترک است." وی ادامه می دهد، "در حالی که اینها تمرکز اصلی این مقاله است، فرقه های سایکولوژیکی، سیاسی، اقتصادی و عصر جدید هم وجود دارند که زندگی اعضای خود را با بی رحمی کنترل می کنند. طی بیست سال گذشته و در هر کشوری در غرب فرقه های با هر توصیفی موفق شده اند که اشخاص هوشیار باانگیزه و بزرگسالانی را که تحصیلات عالی دارند بخود جذب نمایند."

**الف:** چند سال قبل، مؤسس IHOP «مایک»، به نکات ذیل در مورد فرقه ها اشاره کرده است :

۱: آنها با تفکر انتقادی مخالف اند

۲: اعضا را منزوی و بخاطر ترک فرقه مجازات می نمایند

۳: بر دکتورین یا تعالیم خاص خارج از کتاب مقدس تأکید می کنند

۴: به دنبال وفاداری نامناسب به رهبران خود اند

۵: واحد خانواده را محترم نه نمی شمارند

۶: عبور از مرز های رفتاری در کتاب مقدس (در مقابل معصومیت و پاکی جنسی و مالکیت شخصی)

۷: جدایی از کلیسا (اتلانتیک، اثر از : بوز هرینگتن) [۱]

**ب:** برخی دیگر از نشانه های و اعمال فرقه ها

توسط «مت سلیک» [۲] | ششم اپریل ۲۰۱۴ | سوالات، ادیان

---

<sup>1</sup> - (The Atlantic by Bose Herrington)

<sup>2</sup> - Matt Slick

مطالعات جدی در باره داینامیک یا پویایی فرقه ها و رفتار افراد درون آن فرقه ها انجام شده است. در ذیل فهرست مُعرف از خصوصیات رایج در گروه های فرقه آورده شده است. این گونه نیست که تمام فرقه به همه موارد ذکر شده ذیل پابند باشند: (۱) تسلیمی، (۲) انحصار، (۳) مجتمع آزار و اذیت، (۴) کنترل، (۵) انزوا، (۶) بمباردمان عشق، (۷) دانش خاص، (۸) تلقین، (۹) رستگاری، (۱۰) فکر گروهی، (۱۱) ناهماهنگی ادراکی، غیر منطقی، انکار حقایق، (۱۲) اجتناب یا اخراج، (۱۳) نقش جنسیت، (۱۴) ستندرد های ظاهری «یکنواختی در لباس و ظاهر جسمی»

### ج : سایکولوژی فرقه گرایی :

«داکتر بارکر» [۱] با داشتن سالها تجربه در بخش عاجل منیجمنت طبیب، اخیراً دوره «ریزدنسی» [۲] یا دستیاری طبابت را در بخش روان درمانی در شفاخانه دولتی «کامریلو در کالیفورنیا» [۳] به پایان رسانده است. این مقاله که از سخنرانی موصوف به په پرسونل طبی تهیه شده، قابل شنیدن است.

فرقه ها پدیده های تازه نیستند: عمر آنها ممکن است برابر با عمر آدم – و یا حتی گله های حیوانات باشد. فرقه ها ممکن است به دور یک فرد، یک شی یا یک حیوان و یا یک مفهوم شکل بگیرند. اعضای فرقه ها همواره قدرت جادویی را به «هدف» پرستش خود نسبت می دهند – قدرتی که بخاطر حفاظت اعضای فرقه در برابر ارواح شیطانی، شیطان، بلایای طبیعی، ورشکستگی، مریضی و یا هر چیز دیگر محیط را اداره و تحت کنترل کند. «داکتر بارکر» عناصر خیلی مهمی را بطور گسترده مورد بحث قرار میدهد که در اکثریت فرقه ها نفوذ می کنند. این عناصر عبارتند از: (۱) ریشه وابستگی [۴] مانند وابستگی دوران نوزادی، اثر آدلر [۵] عصر تخصص: شگفتی های تکنالوژی اتکاء به خود و استقلالیت را به هم می زند. (۳) فرقه مواد مخدره، (۴) مکتب مانند مذهب، همانطوری که روانشناسی فرقه گرایی روابط والدین / طفل را حفظ می کند. (۵) تأکید بر آزادی عبادت؛ و می گویند اولین اصلاحیه قانون اساسی چیزی است که از رویای پدران بنیانگذار باقی مانده است و نباید با سهل انگاری کنار گذاشته شود. [۶] عدول از اصول اساسی آزادی و می گویند که بنیاد این ملت بر اساس اصول اخلاق دینی یهودی – مسیحی گذاشته شده است: « اکنون در مکاتب ما نماز نیست، اتحادیه نیست، معلمان سوسیالیست » اذهان-م» جوانان ما را با حيله و خیانت پروگرام می کنند.

سوم: فوگ تجزیوی [۲] (فوگ روان زا [۳])

1 - Dr. Barker

2 - residency

3 - Camarillo State Hospital in California

4 - Cf. S. Ferenczi, "Stages in the Development of the Sense of Reality," *Outline of Psychoanalysis*, by J. S. Van Tessler, page 112.

5 - Ashok Rao, M.D., and Jennifer A. Katze, M.D., "The Role of Religious Belief in a Depressed Patient's Illness," *Psychiatric Opinion*, June, 1979, pp. 39-43.

6 - Dissociative Fugue: کلمه فوگ از کلمه لاتین flight "پرواز" گرفته شده است. افراد مبتلا به فوگ تجزیوی بطور موقت حس هویت شخصی خود را از دست می دهند و بطور خود انگیخته و فی البدیهه سرگردان میشوند یا از خانه یا محل کار خود دور میشوند. آنها در اغلب موارد اینکه چه کسی هستند گیج میشوند و حتی ممکن است هویت جدیدی برای خود ایجاد کنند. م

7 - Psychogenic Fugue: فوگ تجزیوی (فوگ روان زا، یا حالت فوگ) حالتی است که شخص با ناتوانی در یاد آوری بخشی یا تمام گذشته خود یک سفر ناگهانی و غیر منتظره به دور از خانه از خود نشان می دهد و معمولاً با سترس های شدید روانی – اجتماعی همراه می باشد. – م

DSM-5 به فوگ تجزیوی به عنوان حالت "سرگردانی گیج" اشاره می کند؛ فوگ تجزیوی یک مریضی نادر است که با تخمین کمتر از صفر اعشاریه دو فیصد نفوس عمومی دیده شده است. ناهمبستگی بصورت عام منحنیث یک میکانیزم دفاعی در برابر «تراما» در نظر گرفته میشود و به افرادی کمک می کند که از پریشانی روانی شدید که ممکن است یک فراموشی مؤقت یا دائمی باشد جدا شوند. حالت فوگ تجزیوی وضعیتی است که در آن فرد ممکن است از نظر ذهنی و فیزیکی از محیطی که تهدید آمیز یا غیر قابل تحمل است فرار کند. علائم آن عبارتند از:

- سردرگمی دوامدار در مورد هویت
- سردرگمی دوامدار در مورد گذشته
- اینکه اعتقادات خود را به چلنج بکشاند امتناع می کند بخصوص در مورد اینکه چی کسی هستند

#### الف : علل

فوگ های تجزیوی با رویداد های دشواری همراه هستند مانند آفات طبیعی و جنگ و همچنین مشکلات شدید زنا شوهری یا مالی، سو استفاده از الکل، افسردگی و داشتن سابقه که در کودکی مورد آزار و اذیت و قرار گرفته اند.

#### ب : تداوی

یک شیوه برخورد همدلی و حمایتی به روان درمانی به افرادی که فوگ تجزیوی را تجربه کرده اند کمک می کند تا احساس امن کنند و برای تداوی آماده باشند. پروسه درمانی ممکن است شامل ایجاد مهارت های مقابله ای سالم باشد که به افراد کمک می کند تا تخنیک یا سترس و درد روانی را بطور مؤثر تری مدیریت کنند. سائر اشکال درمانی مانند درمان ادراکی – رفتاری و شرایط رفتاری دیالکتیکی؛ طور مثال مریضان مبتلا به اضطراب یا تخنیک که ممکن است از ادویه جات که آن شرایط را هدف قرار می دهند منفعت ببرند.

[1]. American Psychiatric Association. Diagnostic and statistical manual of mental disorders (5th ed.). Arlington, VA: American Psychiatric Publishing. 2013.

[2]. Coons, P. M. Psychogenic or dissociative fugue: a clinical investigation of five cases. Psychological reports, 84(3), 881-886. 1999.

[3]. Jha, M., & Sharma, V. Dissociative fugue disorder: Identification and psychological intervention. Psychological Studies, 60 (1), 17-24. 2015.

## فصل دهم

### ساختار های معاصر برای دیموکراسی ها

دیموکراسی ها باید با تکامل جوامع تکامل یابند

اصطلاح «تکامل» برای اکثر مردم « تیوری تکاملی داروین» (رشته مؤلف) را تداعی می کند. در این بحثی از تکامل شخصیت انسان و جامعه، منظور از «تکامل» به معنی تغییر مستمر در شخصیت فرد و جامعه است که بطور ثابت در طول زمان با تغییر محیط و شرایط رخ می دهد. از دهه ۱۸۰۰م به بعد دانش فزاینده ای در علوم رفتاری انسانی بوجود آمد که به نام های «جامعه شناسی تکاملی»، «روانشناسی تکاملی» و «ایکولوژی رفتاری انسان» یاد میشوند. مبانی تیوریک آنها «مودل ستندرد علوم اجتماعی [۱]» نامیده میشود. این مودل این فرض را ایجاد می کند که «رفتار» خودش تقریباً بطور کامل توسط خصوصیات مختلف اجتماعی و فرهنگ رفتاری تعیین می شود. نسخه دیگری که می توان آنرا «تیوری نقش [۲]» نامید و اخیراً به نام تیوری «ساخت گرایی اجتماعی» نامیده شده توسط جامعه شناسان و انتروپولوژیست ها مطرح شده است. درک ما این است که نگرانی ما از تکامل دیموکراسی به عنوان میکانیزم حکومت داری در یک جامعه، در محدوده وسیع «فرهنگ» قرار می گیرد. فرهنگ توسط جامعه شناسان به این صورت تعریف شده است: «هنر ها یا شیوه زندگی در کل مرتبط بیک گروه است و به باور های اشاره دارد که مردم در رابطه با «حقیقت» دارند، عبارت از نورم های اند که رفتار و کردار شان را هدایت می کنند، عبارت از ارزشهای اند که تعهدات اخلاقی شانرا جهت می دهند؛ یا سیمولی است که از طریق آن این باور ها، نورم ها و ارزش منتقل میشوند.» [۳] درک ما از فرهنگ مجموع از باورها، ارزشها، نورمها، رسوم، الگوهای رفتاری و هنر های است که توسط یک جامعه خاص در هر سرزمینی که ممکن است واقع شده باشد، ایجاد شده است. موضوع «دیموکراسی» که بخشی از فرهنگ است باید در معرض تحول و تغییر باشد. در این جا این سؤال مطرح میشود که آیا تکامل داروینی یک تغییر تصادفی (بصورت چانس) است که در کنار مبارزه برای بقا، سازگاری بقا و انتخاب طبیعی، به عنوان قوانین طبیعی یک جهت ذاتی هم دارد؟ اگر تکامل بدون هیچ جهتی و بدون هیچ هدفی تصادفی باشد پس ما باید در یک جامعه پر هرمرج زندگی کنیم که بدتر از سلطنت جهان حیوانات باشد، چنان یک جهان پر هر ج و مر جی که ملت ها که در آن هرگز نهاد های به نام سازمان ملل متحد، WHO هزاران نهاد های انسانی و بشر دوستان را نمی داشتیم. ما در نهایت بدون امید به آینده ای بهتر برای بشریت، در یک جهان کاملاً آشفته و در یک کیهان کاملاً آشفته بر سر می بردیم! داروین آنرا به طور کامل شناسایی و توضیح داد که با توسعه بشریت، مزایای همکاری بر مزایای رقابت بیشتر شد. بنابر این ممکن است بقای مناسب ترین ها توسط انتخاب طبیعی قابل کاهش نباشد. با این حال من تا هنوز به داروین باور دارم.

## الف : تکامل جوامع و دیموکراسی ها

در اینجا نمی خواهیم وارد بحث های فلسفی و کیهانی «تیوری آشوب [۴]» و ایده ها در باره بغرنجی ذاتی و غیر قابل پیشبینی بودن شویم که اکنون نادرست بودن شان ثابت شده است؟ «پارادوکس» های وجود دارند، «فیزیک الهیات [۴]»، «علت هوشمندانۀ

1 - Standard Social Science Model (SSSM)

2 - Role Theory

3 - Oxford Bibliographies, 2011

4 - Chaos Theory

5 - Physics-theology

افلاطون [۱]، «نظم الهی [۲]»، یا «طراحی هوشمندانه [۳]» که همه شان به عنوان «برهان تیلولوجیک [۴]» کنار گذاشته شده اند. بیابید ببینیم حقایق تاریخی باستان شناسی و مردم شناسی به ما چی می گویند:

## ب : پیدایش و خروج انسان از افریقا

در ذیل شما سیر تکاملی انسان را مطابق با تیوری داروین مشاهده می کنید :

استرالوپیتیکس	Australopithecus	=	از ۴ تا ۴,۳ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
ا.چ. هبیلیس	H. habilis	=	از ۱,۸ تا ۲,۳ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
هومو ایرکتس	Homo erectus	=	۱,۸ میلیون سال قبل (میلیون سال قبل)
ا.چ. هیلدبرجنسیس	H. heidelbergensis	=	۴۰۰ تا ۶۰۰۰۰ (میلیون سال قبل)
هومو سی پینز نیندر تالسیس	Homo sapiens neanderthalensis	=	۲۵ - ۳۰۰۰۰ انقراض (هزار سال)
هومو سی پینز (ایتوپیا)	Homo sapiens (Ethiopia)	=	۵۰ تا ۶۰ هزار سال قبل

تصور میشود که (جین خروج یا هجرت [۵]) (نین در تال ها [۶]) از طریق یک دهلیز باریک بین شمال شرق افریقا به سمت اروپا، اندونیزیا، پاپوا [۷] نیوگینیای، استرالیا، چین، شمال شرق سایبریا از طریق بیرینگ [۸]، الاسکا، شما و جنوب امریکا، آسیا و استرالیا = ۴۰ سال قبل سفر کرده است.

اروپا	~	۳۵ هزار سال قبل
سایبریا الاسکا	~	۱۵ - ۲۰ هزار سال قبل (عصر حجر قدیم فوقانی)
امریکای جنوبی	~	۱۰ هزار سال قبل (انفجار فرهنگی)

اکثر مردم در سراسر جهان با «تیوری تکاملی» داروین موافق نیستند، زیرا نمی توانند بپذیرند که اجداد شان میمون بوده اند. برای آنها غیر قابل تصور است که اجداد شان میمون بوده اند، در حالی که از لحاظ انتروپوجی، اصل و نسب یا نیاکان، پایه اعتقادات مذهبی و فرهنگی سنتی به عنوان پاسخ آنها به این سؤال جهانی است که " ما کیستیم؟" است، (خاستگاه نوع بشر چیست؟) بنابر این یافتن تنها یک زنجیره انتروپولوجیک - باستان شناسی از مواد انسان نما های اولیه با شگاف های بزرگ غیر قابل توضیح کافی نیست تا آنها را متقاعد کنیم که کمی بهتر از حیواناتی اند که حیوان رام ناشدنی در اعماق آنها کمین کرده و با غرایز حیوانی خود آنها را کنترل می کند، آنها را از تکامل بیشتر ذهن شان باز می داند و سد راه تکامل میتافیزیکی انسان بودن شان میشود! دیگر چیزی جز قوانین غار یا جنگل برای آنها تصور نمی شود. مهمتر از آن بایولوجیست های

1 - Plato' Intelligent Cause

2 - Devine Order'

3 - Intelligent Design

4 -Teleologic Argument

5 - EXODUS gene

6 - Neanderthals

7 - Papua New Guinea

8 - Bering



اجتماعی و روان شناسان تکاملی توافق دارند که طبیعت انسان، بدون توجه به بایولوژی اجتماعی حیوانی، پایه و تهداب اکثر رفتار های انسانی است. [۱]

### ج : تکامل دیموکراسی به عنوان بخشی از تکامل انسان

۱	دیموکراسی های آتن و روم	۵۰۰ - ۴۰۰ ق.م.
۲	کانفدراسیون سویس	۸۰۰ م تا ۱۸۱۵ میلادی = تا حال
۳	جمهوریت ایتالیا	۱۲۰۰ - ۱۵۰۰ میلادی
۴	شاهی مشروطه انگلستان/ کامنولت	۱۶۴۹ تا دهه ۱۷۰۰ م
۵	دیموکراسی جمهوری امریکایی	۱۷۷۶ تا حال
۶	اولین جمهوریت فرانسه	۱۷۸۹ تا ۱۸۰۵
۷	پنجمین جمهوریت فرانسه	۱۹۴۷ - ۱۹۵۸
۹	دیموکراسی های پسا استعماری	۱۹۴۷ - ۲۰۰۲؟
۱۰	دیموکراسیهای بعد از انحلال شوروی	۱۹۹۲ - ۱۵ دیموکراسیهای مورد مناقشه

همانطوریکه ممکن است حدس بزنید که دیموکراسی ها در طی ۲۶۰۰ سال در اول از تعداد بسیار اندک (آتن و روم) شروع شد تا اینکه به تعداد دیموکراسی های مختلط موجود رسید، و اکنون در لیست دیموکراسی (اندازه گیری وضعیت دیموکراسی) ۱۶۷ کشور وجود دارد که از میان آنها ۱۶۴ کشور عضو سازمان ملل متحد اند، و به آرامی به سوی پروسه انتخاباتی بیشتر و بیشتر، کثرت گرایی و آزادی های مدنی پیش میروند. خوشبین ها می گویند: «تکامل مسلم و قطعی به سوی آزادی های فردی و اجتماعی، عدالت، برابری برای ملت های شاد تر و خوش تر و پر امن تر وجود دارد.» همه ما بطور عام باور داریم که دیموکراسی ها تا حدودی به نگرانی های اصلی بشر که ما و شما آنرا زندگی، آزادی و جستجوی خوشحالی می دانیم نزدیکتر شده اند. من باورمندم که بشریت پیوسته و به تدریج به سمت بیشتر جهانی شدن، درک بیشتر و آرزوی وحدت آینده بشریت و صلح جهانی در حرکت است.

### دوم : وحدت ملی و مدرنیته برای تکمیل دیموکراسی امریکایی

#### الف : وحدت ملی

قبل از اینکه ما در جستجوی راه حل یا علاج آن باشیم نخست باید تشخیص دهیم که علل عدم اتحاد در جامعه امریکایی چیست؟ بیایید سعی کنیم تا آنها را با توجه به فوریت آنها برای رفع نمودن بر شماریم :

- ۱) اختلاف نژادی
- ۲) افراط گرایی مذهبی
- ۳) جدایی فرهنگی
- ۴) شکاف بزرگ تحصیلی که (سطوح مکاتب ابتدایی و کالج ها و یا تحصیلات عالی را کاهش میدهد)

<sup>1</sup> - Sanderson, Stephen K. Human Nature and the Evolution of Society. Taylor & Francis Group; Westview Press: New York, London. 2014.

- ۵) تقسیم ثروت زیاد (خیلی غریب و خیلی ثروتمند)
- ۶) افراط گرایی احزاب سیاسی و ناتوانی در سازش – (بُن بست و افلیج قبیله گرایی)
- ۷) کمیته های اقدامات سیاسی (PAC) و غیره) با جاه طلبی های غیر منطقی
- ۸) افزایش نارضایتی عمومی مردم از مقامات فدرالی و ایالتی خود
- ۹) ظهور جهانی «جبر گرایی»، «نسبی گرایی» و «نهیلیزم» و همچنان در سراسر امریکا
- ۱۰) افزایش قدرت و کنترل رسانه های اجتماعی توسط شرکت های غول پیکر (نیاز به اقدامات ضد اعتماد) دارند
- ۱۱) رشد گسترده مداخله خارجی با (کمیته های اقدامات سیاسی PAC) شان، شبکه های انترتی- استخباراتی، افزایش مالکیت عقار (املاک) توسط دول خارجی تحت نام های اشخاص منفرد برای اعمال نفوذ در امور داخلی ایالات متحده امریکا
- ۱۲) تضعیف پیوند های خانوادگی
- ۱۳) کاهش غرور ملی
- ۱۴) تبلیغات مداوم، رسانه های اجتماعی و شبکه های باج خواهی – سایبری و سیاسی و سائر حملات سایبری توسط حکومت خود کامه بالای دولت های دیموکراتیک که آنها را به سوی هرج و مرج سوق می دهد.
- ۱۵) دوره خدمت طولانی قضات ستره محکمه، کانگرس، والیان و غیره منجر به ایجاد مراکز افزایش قدرت و انحصار میشود.
- ممکن است از دیدن این لیست طولانی تعجب کنید و بگویید: «از کجا می توانیم شروع کنیم و چگونه می توانیم بر آنها غلبه کنیم؟» ممکن است حق با شما باشد! اما لطفاً نگاهی به تاریخ جمهوری امریکا و دیموکراسی امریکا بیندازید.
- در جریان جنگ استقلال امریکا در سال ۱۷۷۶م بسیاری از ملت ها مبارزه خود را نا امید کننده تلقی میکردند و هیچ کس روی موفقیت این جنگ شرط نمی بست! مردم امریکا در مواجهه با بزرگترین امپراتوری تاریخ، امپراتوری برتانیه، با بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی در برابر نفوس نسبتاً کم و زراعت پیشه که بطور گسترده در یک بیابان بزرگ، بدون ارتباطات زیاد و بدون ثروت پراکنده بودند، پدیده ای را ایجاد کردند که قبلاً دیده نه شده بود و در آن «قلم قدرتمندتر از شمشیر» بطور مسلم ثابت شد. این ضرب المثل پر معنی توسط نویسنده انگلیس «ادوارد بولور لیتن»<sup>[۱]</sup> در سال ۱۸۳۹م ایجاد شد که نشان می دهد کلمات و ایده های نوشته شده، ابزار مؤثری برای ارتباط و اتحاد، به دور یک «ایده ذاتی»<sup>[۲]</sup> قدرتمندتر از اردو های نظامی و خشونت های و رعب آفرین اند. به تعبیر دیگر کلمات نوشتاری مانند اعلامیه استقلال و درد «حس مشترک» با ضرب المثل «یا مرگ یا آزادی»؛ چنین سخنانی که ملامت با احساسات نجیب و شریف باشند، قدرت غیر قابل تصویری برای اقدامات، برای تغییر و برای اتحاد یک ملت در هر سطح ساختار اداره وی آن بشمول رسانه های مستقل که در یک دیموکراسی متعادل و پایدار پایه چهارم آنرا را تشکیل می دهند می داشته باشد.
- که در نمایشنامه بولور<sup>[۳]</sup>، «ریشلیو» یا «توطئه» به این صورت است:

1 - Edward Bulwer-Lytton

2 - Innate Idea

3 - In Bulwer's play 'Richelieu' or 'The Conspiracy'

آیا این درست است! — که  
تحت سلطه حکومت مردان کاملاً بزرگ  
قلم توانا تر از شمشیر است. دیده باشی  
عصای جادوگر را! — [۱]

تفسیر این قلم از این شعر این است: آن قلمی که نوشته است: « همه انسان ها توسط خالق شان برابر آفریده شده اند و برخی حقوق غیر قابل انکار توسط پرودگار به آنها اعطاء شده است، از جمله حق زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی» این کلمات قوی تر از شمشیر بودند که با همان صلابت تا حال همانگونه استوار باقی مانده اند، زیرا هنوز می توانند انرژی غیر قابل درک آگاهی انسان را روشن کند تا مانند آتشفشانی در دفاع یا ایجاد ایده های جهانی مانند دیموکراسی فوران کند. جالب تر اینکه «تامس جفرسن» در سخنرانی افتتاحیه ساختمان کتابخانه کانگرس در سال ۱۸۷۹م آنچه را که در دیوار داخلی آن حک شده بود با صدای رسا و بلند خواند: «قلم نیرومند تر از شمشیر است».

به نظر نویسنده، مقدمه «تامس جفرسن» در مورد «اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا» اولین و بزرگترین اثبات ضرب المثل «بولور» است. این نه تنها شکست امپراتوری برتانیه توسط دیوید (داوود) ضعیف دنیای جدید بدون سنگ یا شمشیر بود بلکه با قدرتمند ترین ایده ای بود که برابری و یگانگی ذاتی بشری را اعلام کرد. بشر برای سالیان متمادی به آسمان پر ستاره نگاه کرده و اغلب می پرسید: «هدف از خلقت ما چی بود؟» فیلسوفان، حکیمان و بزرگترین دانشمندان نتوانسته اند به این سؤال پاسخ دهند که هدف از «وجود» ما چیست؟ آنها برای پاسخ به سؤالات ذیل تلاش کرده اند ولی برای ما کافیت تا در مورد آنها فکر کنیم:

۱) آیا در خلقت زندگی هدفی وجود دارد؟

۲) هدف انسانیت چیست؟

۳) هدف از یک جامعه انسانی چیست؟

۴) آیا در ایجاد خط شیری، منظومه شمسی و سیاره زمین و انسان به عنوان سرور آن، هدفی وجود داشت؟ به ما گفته شده که تمام سؤالات فوق قابل پاسخگویی نیستند زیرا آنها حوادث تصادفی طبیعت هستند. آنها آزمایش های کوری هستند که ساینس و تکنالوژی تا حال نه توانسته به آن پاسخی بیابد و تمام امید ها برای آینده بشریت به زنجیر یک ستاره در حال مرگ بسته شده اند!

برای سؤالات فوق ما پاسخ مستقیم، ساده و یا عمیق نمی یابیم غیر آنچه که در پنج سطر اول پاراگراف دوم اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا آمده اند:

<sup>1</sup> - Zikria, B.A. Spencer, J.L., Kinney, J.M., and Broel, J.R. *Alterations in ventilatory function and breathing patterns following surgical trauma*. Ann. Surg. 179: 1-12, 1974

ما این حقایق را بدیهی می‌دانیم که همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و برخی حقوق غیر قابل انکار توسط پروردگار به آنها اعطاء شده است، از جمله سائر موارد، حق زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی است. — اینکه برای تأمین این حقوق دولت‌های در میان مردم ایجاد می‌شوند که اختیارات عادلانه خود را از رضایت حکومت‌شوندگان می‌گیرند — هرگاه هر شکلی از حکومت، مخرب این اهداف شود، حق مردم است که آن را تغییر دهند یا لغو کنند».

من فکر می‌کنم که فلسفه‌ای که در عقب این سه کلمه «زندگی، آزادی و شادی» نهفته است در بین این سیاره منفرد به زندگی ما هدف می‌دهد و به عنوان نتیجه‌گیری در پسگفتار مورد بحث قرار خواهد گرفت.

### ب : موازنه دیموکراسی ريفراندم و دیموکراسی نماینده

همانطوریکه در «بخش سوم، فصل پنجم» در مورد ريفراندم مستقیم سویس بحث کردیم؛ در فصل «هشتم، ششم و هفتم» شایستگی‌های مدل دیموکراسی سویس و پیشنهادات متخصصان را دیدیم که چگونه حکومت ایالات متحده آمریکا می‌تواند راه بهتری را مورد ملاحظه قرار بدهد یا می‌یابد تا برخی از نقاط ضعفی را که در حکومتداری آمریکا رخنه کرده است رفع نماید. برخی از تغییرات تکاملی و شرایطی در دیموکراسی امریکایی به دلیل پیشرفت‌های فوق‌العاده در علم و تکنالوژی و همچنین گذشت زمان، شرایط در حال تغییر و مهمتر از همه پویایی فرهنگ دائماً در حال تحول جامعه آمریکا به عنوان یکی از مترقی‌ترین جوامع، اجتناب ناپذیر بودند.

### ج : پیشنهادات برخی از متخصصین برای به حد کمال رساندن دیموکراسی امریکا

( ۱ ) اکثریت دانشمندان موافق افزایش جنبه‌های ريفراندم دیموکراسی امریکایی اند که ممکن است در معادله زیر بیان گردد.

توازن دیموکراسی امریکایی	=	افزایش دیموکراسی مستقیم + تنظیم دیموکراسی ريفراندم	< = >	دیموکراسی مستقیم + دیموکراسی ريفراندم	=	دیموکراسی امریکایی
--------------------------	---	--	-------	---------------------------------------	---	--------------------

«پوهاند جان ج. مئوساکه» پنج میتود و شش نوع ريفراندم را برای تقویت دیموکراسی مستقیم پیشنهاد کرد (بخش سوم، فصل هشتم و ششم)

( ۲ ) می‌توان با استفاده از طریق «کیفیت سیاست نمایندگی» [۱]، که توسط شاخص‌های خاص مبتنی بر تیوری ریاضی و پنج معیار دیگر «پوهاند تنگیان» [۲] اندازه‌گیر شده، ارزیابی کنیم (فصل یازدهم: سوم)

<sup>1</sup> - quality of policy representation

<sup>2</sup> - Professor Tangian

۳) پیشنهادات «پوهاند لوکس» [۱] و «پوهاند فیلیپس» [۲] (از پوهنتون کولمبیا) بخاطر بکارگیری مؤفقت آمیز بعضی تکنیک های ریفراوند ایالتی (فصل هشتم)

۴) معرفی اصلاحیه ها مبتنی بر ریفراوند بیشتر مردمی در قانون اساسی امریکا و تعدیل محدودیت قدرت برای بازگردان «موازنه قدرت»، چنانچه که در سوئیس و عده دیگر از دیموکراسی های اروپایی وجود دارد.

۵) خلاصه: الف) طی انتخابات فدرال و ایالات اصلاحات از طریق مردم را افزایش دهید، ب) کاهش انحصار قدرت شرکت های غول پیکر، قوای ثلاثه حکومت، شبکه های اجتماعی منفی و مداخلات خارجی، ج) همه دیموکراسی ها را به عنوان یک نیروی بین المللی متحد سازید، د) کانگرس باید تعریف مسؤولیت و قدرت احزاب ساسی را به اضافت نظریات مردم بررسی، اصلاح و تعریف نماید، ط) رأی دادن و سائر ابزار های لازم را برای مشارکت مردم در حکومت شان آسانتر و عملی تر سازید، ی) کاهش محدودیت های زمان خدمات، و عدم مادالمر بودن در فدرال و ایالت

### سوم: چارمین انقلاب صنعتی

اجازه دهید که کتاب بسیار مهم دیگری را با شما به اشتراک بگذاریم (چهارمین انقلاب صنعتی [۳]) که طی تحقیقاتم با آن روبرو شدم. این کتاب توسط پوهاند کلاوس شواب [۴] از سویترز لند در سال ۲۰۱۶ - ۱۷ نوشته شده است، موصوف بنیانگذار و رئیس اجراییه «مجموعه جهانی اقتصاد» [۵]، با کنفرانس های بین المللی سالانه منظم در مورد اقتصاد در «داوس سویترز لند» [۶] بودند. وی دوکتورای اقتصاد را از «پوهنتون فریبورگ» [۷] دریافت کرد و انجیری را از انسیتیوت تکنالوژی فدرال و ماستری را در مدیریت عامه از «پوهنتون هاردود» به دست آورد. به نظر مؤلف، کتاب «پوهاند کلاوس» ممکن است یکی از مهمترین و روشنگر ترین کتابها طی دهه گذشته باشد. پوهاند کلاوس چهار انقلاب صنعتی را در نظر می گیرد که دنیای کنونی ما را شکل داد:

۱) انقلاب صنعتی اول: (۱۷۶۰ - ۱۸۴۰): ذغال سنگ: انجن بخار، خط ریل، آغاز تولید میکانیکی

۲) انقلاب صنعتی دوم: (اواخر دهه ۱۸۰۰ تا اوایل دهه ۱۹۰۰): بنزین و برق: موتر ها. برق بود که اجازه خط مونتاژ و تولید انبوه را داد.

1 - Professor Lux

2 - Professor Phillips

3 - The Fourth Industrial Revolution

4 - Professor Klaus Schwab of Switzerland

5 - World Economic Forum

6 - Davos, Switzerland

7 - University of Fribourg

۳) انقلاب صنعتی سوم : (دهه ۱۹۶۰) : نیمه هادی ها - محاسبات اصلی، محاسبات شخصی (دهه ۱۹۷۰ - دهه ۱۹۸۰) و اینترنت که «برینجولفسن و مکافی» [۱] از MIT همه آنها را در کتاب خود بنام «دوران ماشینی دوم» یاد می کند. [۱]

۴) چهارمین انقلاب صنعتی «در ذیل از الف تا دال»

شما بخاطر دارید که ما از اصطلاح «انقلاب» نه به عنوان یک اصطلاح سیاسی، بلکه به عنوان یک اصطلاح تغییرات ناگهانی و بزرگ استفاده می کنیم. هر چند این تغییرات اصلاً ناگهانی نیستند زیرا تغییرات رادیکال سال ها طول می کشد تا درست بمیان آیند. «پوهاند شواب» این تغییرات پیچیده رادیکال انقلاب صنعتی چهارم را به شرح ذیل ساده تر ساخته است :

## روند های غول پیکر

الف : فیزیکی : ۱) وسایط نقلیه خود ران

۱) وسایط نقلیه خود ران : در حال حاضر موتر های بدون راننده موضوع مورد بحث است ولی لاری ها و یا موتر های کانتینر بر، طیارات، قایق ها و طیارات بدون سرنشین یا (درون [۲]) با پیچیدگی بسیار بیشتر با تکنالوژی ها حسگر (سنسر [۳]) و هوش مصنوعی، آنها را تا حد زیادی به سرعت نسبتاً سریع بهبود می بخشد.

۲) چاپ سه بعدی [۴] : دیجیتال سه بعدی در مرحله اول مدل سه بعدی را ترسیم می کند (الگو های دیجیتال) و سپس با چاپ (ساخت با موادی غیر از کاغذ) لایه به لایه دقیقاً شی سه بعدی را ایجاد می کند. جالب اینجاست که این پروسه ساخت تفریقی صنایع تولیدی موجود است. این در ساخت توربین های بادی بزرگ و یا «القاء های بسیار کوچک طبی» استفاده می شود [۵].

۳) روبات های پیشرفته : تا کنون روبات ها در تعدادی از صنایع موتر سازی و ماشین های دیگر استفاده می شوند. ولی در آینده آنها حسگر ها و هوش مصنوعی پیشرفته تری خواهند داشت که با آنها می توانند به معلومات از راه دور از طریق (ابر [۶]) دسترسی پیدا کنند و با شبکه های روبات های دیگر ارتباط برقرار سازند. به دلیل سوالات روانشناسی و اخلاقی مطرح شده، ساخت آنها نیاز به ارزیابی های اخلاقی دارد. [۷]

1 - Brynjolfsson and McAfee of MIT

2 -]. Brynjolfsson, Erik and McAfee, *The Second Machine Age: Work, Progress, and Prosperity in a Time of Brilliant Technologies*, W,W, Norton & Company, 2014,

3 - Drone

4 - sensor

5 - 3D Printing

6 - very small medical implants

7 - cloud

8 - Ford, Martin. *Rise of the Robots*. Basic Book, 2015.

۴) **مواد جدید** : مواد – نانو<sup>[۱]</sup> های پیشرفته مانند گرافین<sup>[۲]</sup>، ۲۲ بار قوی تر از فولاد، و میلیون بار نازکتر از موی انسان اند؛ مواد دیگر سبک تر، قوی تر، قابل استفاده مجدد، خود ترمیم شونده و خود پاک کننده با حافظه اند.

#### ب : دیجیتال

IOT : اینترنت همه اشیا<sup>[۳]</sup>؛ این جمع آوری و اتصال فوق العاده جهان فیزیکی به یک دنیای مجازی است. میلیون ها دستگاه را می توان از طریق اینترنت باهم وصل کرد که ممکن است شما را به معرفی دیموکراسی الکترونیک و در بسیاری از جا های دیگر کمک کند!

ج : **بایولوژیکی** : تسلسل سازی و ایدیت جینیکی نقش خود را از قبل در تولید واکسین ثابت کرده است. بایولوژی مصنوعی در درمان مریضی های جینیکی یا با اجزای جینیکی به عنوان مثال رگ های قلب و سرطان و غیره امکان پذیر میشود. این فراتر از جینیکیک انجیری حیوانات و گیاهان دهه ۱۹۸۰ با کارایی دقیق، مؤثر و سهولت بیشتر است.

#### د : ترکیب هر سه مورد که در فوق ذکر شد :

همه موارد فوق ممکن است در دوره ده ساله آینده در دسترس قرار گیرند، زیرا واقعیت جدید ایجاد شده توسط انقلاب صنعتی چهارم ادامه دارد. نگرانی و ترس های ما در مورد انقلاب چهارم استفاده های منفی و مخرب آنها مانند باج – افزار<sup>[۴]</sup> های که شبکه های کمپیوتری را تحت کنترل خود در می آورند، خطرات جنگ جهانی سایبری را افزایش می دهد! فراگیر شدن شبکه سایبری تحت کنترل دولت ممکن است برخی از دشمنان در داخل دولت را تحریک کنند تا از آن برای گیچ کردن، مختل ساختن و از بین بردن حسگر ها، ارتباطات و حتی شیوه های تصمیم گیری شان استفاده کنند! علاوه بر جنگ افزار های معمول و سنتی، اکنون احتمال موجودیت «جنگ افزار های روبرو» با هوش مصنوعی نیز وجود دارد. «پوهاند شواب» نه تنها مواهب بزرگ غیر قابل تصور انقلاب صنعتی چهارم را برای ما آشکار می کند، بلکه از جهان می خواهد که اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی را برای تأثیرات منفی آن که بی نظمی اجتماعی را ایجاد می کند، روی دست گیرد.

#### پنجم : تأثیرات انقلاب صنعتی چهارم

1 - nano-materials

2 - graphene

3 - Internet of all things

4 - ransomware

**الف :** اقتصاد، ملی- جهانی و اجتماع : رشد = +/ - ؛ ۲) پیشرفت سن و سال : سن و سال تقاعد بلند خواهد رفت؛ ۳) مؤلدیت : +/ - «شواب» خوشبین است؛ ۴) استخدام : - / + «شواب» خوشبین است؛ ۵) خلای جنسیتی : - / + ؛ ۶) اقتصاد روبه توسعه : +/ - ؛ ۷) کاروبار : عیناً؛ ۸) ترکیب جهان های دیجیتال، فیزیکی و بایولوژیکی : + + ؛ ۹) حکومت ها : حکومتداری الکترونیکی + + ؛ ۱۰) امنیت جهانی : - / + ؛ ۱۱) طبقه متوسط جامعه : منفی است و عدم تساوی ثروت بلند می رود؛ ۱۲) انجیری جینیکی افراد : + + + ؛ ۱۳) هویت، اخلاقیات و ارزش های اخلاقی بحث های عمیق و انتقادی : +/ - ولی هوش مصنوعی باز (هوش مصنوعی غیر انتفاعی) < خوشبین ولی قابلیت پیش بینی هوش مصنوعی رفتاری ممکن است بر اراده آزاد تأثیر منفی بگذارد!

### هوش الهام گرفته شده - روح

«پوهاند شواب» می گوید : « در کنار هوش سیاقی [۱] و احساسی، سومین مؤلفه حیاتی برای هدایت مؤثر انقلاب صنعتی چهارم وجود دارد.» برگرفته شده از (spirare) لاتین به معنی تنفس، هوش احساسی مداوماً در صدد معنی و هدف است. این هوش بر تغذیه انگیزه خلاق و بلند بردن بشریت بسوی آگاهی جمعی و اخلاقی جدید مبتنی بر حس مشترک سرنوشت تمرکز دارد. «پوهاند» به ما توصیه بسیار مهمی دارد که : از جامعه من - محور کنونی، ما باید با این علم و تکنالوژی حرکت کنیم تا بر " احساس فراگیر هدف مشترک" تمرکز کنیم. [۱]

### ب : یک رنسانس فرهنگی جدید

«پوهاند کلاوس شواب» کتاب روشنگرانه ۱۷۰ صفحه یی خود را اینگونه به پایان می رساند، "سرانجام این به مردم، فرهنگ ها و ارزش ها بر می گردد. در واقع ما باید سخت کار کنیم و اطمینان حاصل کنیم که همه شهروندان در فرهنگ ها، ملت ها و گروپ های عایداتی این موضوع را درک کنند که تسلط بر نیاز های انقلاب صنعتی چهارم و چلنج های تمدنی آن داشته باشند. بیایید با هم آینده ای را شکل دهیم که با اولویت دادن به مردم و توانمند سازی آنان برای همه کارساز باشد و مداوماً بخود یاد آوری کنیم که همه این تکنالوژی های جدید اولین و مهمترین ابزار ساخته شده توسط مردم برای مردم اند. [۲]

## فصل یازدهم

### اقدامات خاص مدرن برای کمک به دیموکراسی ها

<sup>۱</sup> - contextual intelligence : هوش سیاقی : عبارت از استفاده عملی از دانش و معلومات در موقعیت های دنیای واقعی است. این یک پروسه خارجی و تعاملی است که شامل سازگاری و اصلاح یک محیط برای دستیابی بیک هدف دلخواه است. و نیز تشخیص اینکه سازگاری چی زمانی انتخاب مناسب نیست. - م

<sup>۲</sup> - Novak, Martin and Highfield. *Super Cooperators: Altruism, Evolution and Why We Need Each Other to succeed.* Free Press, 2012.

<sup>۳</sup> - Schwab, Klaus. *The Fourth Industrial Revolution*, Crown Publishing Group/ Random House LLC, 2017 and by World Economic Forum, Geneva, Switzerland. 2016,



در بالا یاد آوری کردیم که چگونه سه انقلاب اول صنعتی که بوسیله بخار، پترولیم و تکنالوژی دیجیتال نیرو گرفته بود، چه خوب یا بد، دنیای طبیعی، توپوگرافی محیط، شهر ها، میترپولها، سنتیشن های فضایی، سرعت های مافوق صوت، انرژی اتمی، شرکت های چند ملیتی، شرکت های غول پیکر، تغییرات اجتماعی، اقتصاد های غول پیکر را تغییر داد و سرانجام آخرین تغییری که بصورت منفرد بوقوع پیوست در حکومتداری سیاسی بود! انقلاب صنعتی چهارم، همانطوریکه توسط «پوهاند شواب» اقتصاددان، انجنیر و تاجر توضیح داده شده است، که عصر دیجیتال توسط هوش مصنوعی با ادغام دنیای دیجیتال، دنیای فیزیکی و دنیای بایولوژیکی تقویت شده است که همه رشته ها را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد و دید ما را در مورد اینکه چی کسی استیم، چی استیم و به کجا میرویم به چلنج خواهد کشید! کتابی را که می خوانید به آن جوامع بشری می پردازد که توسط دولت های دیموکراتیک اداره می شوند که آن جوامع را کنترل می کند و نیز مشخص می سازد که کدام سو می روند و سؤالاتی را در مورد آینده بشر مطرح می کند! این قلم سعی دارد تا برای خوانندگان معلومات و دانشی را ارائه کند تا خود تصمیم بگیرند و یا نظر شانرا مطابق تحفه خالق متعال که اراده آزاد است و با قرار داد اجتماعی (با یک حکومت دیموکراتیک) که بر آزادی تأکید دارد، تغییر دهد.

## اول : نیاز بزرگ به پیوند مجدد مردم با دولت ها

همانطوریکه تا کنون در مورد تاریخ و عملکرد دیموکراسی ها، بخصوص در مورد پیشرو ترین، قدیمی ترین و موفق ترین دیموکراسی امریکایی خوانده اید، به عنوان اتباع امریکایی باید متوجه باشیم که دیموکراسی امریکایی پس از دو نیم قرن، مانند سایر دیموکراسی های قابل مقایسه، با توسعه جهانی شدن و پیشرفت های سرسام آورد علم تکنالوژی و تغییرات اجتناب ناپذیری که به همه جوامع رخ داده نیاز به تعدیل و تطبیق دهی دارد.

برای یاد آوری نیازهای ضروری لطفاً به کتاب ها و مقالات ذیل نگاهی بیندازید :

۱) جان راولز : «عدالت به مثابه انصاف : بیان مجدد» [۱] ۲۰۰۱

۲) رابرت دال : قانون اساسی امریکا چقدر دیموکراتیک است [۲] ۲۰۰۳

۳) فالسدیل : «عدالت جهانی : مبانی، اصول، حقوق بشر و نهاد های اجتماعی» [۳] ۲۰۰۵

۴) لاکس و فیلیپس «کسر یا کمبود دیموکراتیک در ایالات متحده امریکا» [۴] ۲۰۱۱

1 - John Rawls. "Justice as Fairness: A Restatement", 2001.

2 - Robert Dahl. "How Democratic is American Constitution" 2003.

3 - Fallesdale et.al. "World Justice: Grounds, Principles, Human Rights and Social Institutions" 2005.

4 - Lax & Phillips. "Democratic Deficit in the United States" 2012.

- ۵) ننسی مک لین: «دیموکراسی در زنجیرها: تأریخ عمیق طرح مخفیانه راست رادیکال برای امریکا» [۱] ۲۰۱۷
- ۶) مارش: «راهنمای جدید برای عوام جمهوری خواه» [۲] ۲۰۲۰
- ۷) ان اپلیام: «افول دیموکراسی: کشش اغواکننده اقتدارگرایی» [۳] ۲۰۲۰
- ۸) ایمنگر: «اندازه ائتلاف، دیموکراسی مستقیم و مخارج عمومی» [۴] ۲۰۲۰
- ۹) مئوساکه: «بگذارید مردم صحبت کنند: چگونه دیموکراسی مستقیم می تواند با چلنج پوپولیستی مقابله کند» [۵] ۲۰۲۰
- ۱۰) هارتمن: «داستان الیگارشی امریکایی: باز پس گیری دیموکراسی ما از طبقه حاکم» [۶] ۲۰۲۱

### دوم: آیا دیموکراسی الکترونیکی می تواند به ایجاد این تعدیل ها کمک کند؟

ضمن تحقیق، من مقاله ای را از ویکتوریای آسترالیا که توسط «اندرو مونگان» نوشته شده پیدا کردم ولی او را هرگز پیدا کرده نه توانستم! ولی به دلیل اینکه این یکی از اولین مقالات مرتبط به موضوع است، آنرا برای بحث خود خدمت شما ارائه می کنم. عنوان آن این است: «تحقیق در مقاله بحث دیموکراسی الکترونیکی» (اکتوبر ۲۰۰۲، ۲۶ صفحه) [۷]

این مقاله تنها سیستم دیموکراسی نماینده آسترالیا را در نظر گرفته است، اما به همان اندازه می تواند به دیموکراسی امریکایی که دارای عناصر مشترک ریفراندم دیموکراسی مستقیم و دیموکراسی غیر مستقیم نماینده است، ربط گیرد. دیموکراسی الکترونیکی می تواند نقش حیاتی برای آگاهی مردم و داشتن یک دیموکراسی سالم و پاسخگو داشته باشد. تکنالوژیهای نو ظهور الکترونیکی یک پروسه شهروند - محور خواهد بود.

**تکنالوژی الکترونیک** (تکنالوژی معلوماتی، انترنت، آیفون، کمپیوتر، اندروید، هوش مصنوعی و غیره که روی شان بحث خواهد شد)

<sup>1</sup> - Nancy McLean. "Democracy in Chains: The Deep History of the Radical Right's Stealth Plan for America" 2017.

<sup>2</sup> - Marsh et.al. "A New Guide to Republican Herd" 2020.

<sup>3</sup> - Anne Applebaum. "Twilight of Democracy: The Seductive Lure of Authoritarianism" 2020.

<sup>4</sup> - Emmenegger. "Coalition Size, Direct Democracy, and Public Spending" 2020.

<sup>5</sup> - Matsusaka. "Let The People Speak: How Direct Democracy Can Meet Populist Challenge" 2020.

<sup>6</sup> - Hartmann. "The Story of American Oligarchy: Reclaiming Our Democracy from Ruling Class" 2021

<sup>7</sup> - Monaghan, Andrew. *Inquiry into Electronic Democracy. Discussion Paper*. Austrian Gov. October 2002. "This inquiry involves an analysis of the opportunities available through the use of new technologies to improve public access to, and participation in, the processes of Parliament and Government. It is not intended that the inquiry will examine issues related to service delivery and Government on-line processes, except where they may impact directly on issues of electronic democracy. The aim of this Discussion Paper is to outline key issues relating to electronic democracy to assist interested parties and members of the public to consider its future role." [andrew.monaghan@parliament.vic.gov.au](mailto:andrew.monaghan@parliament.vic.gov.au)

استفاده از تکنالوژی الکترونیکی در پروسه های دیموکراتیک، شاید به شرح ذیل باشد :

- ۱) دسترسی ارزان و عملی توسط شهروندان و سازمان ها به معلومات عمیق و گسترده با مزیت بدون قید زمان (از لحاظ سرعت)
- ۲) مشارکت بیشتر افراد، سازمان ها و مقامات دولتی و مشغول شدن شان در ارتباطات تعاملی (با افزایش دستگاه های کمپیوتری) و غلبه بر فواصل و محدودیت های زمانی
- ۳) این اجازه را میدهد تا خدمات و یا معلومات ارائه شده در خدمت نیاز های خاص شهروندان باشد.
- ۴) به شهروندان فرصت «نظر دهی» در مورد نیاز های در حال تغییر و نظریات شان می دهد.
- ۵) دیموکراسی الکترونیکی به شدت به نفع شهروندان است.
- ۶) نهاد های دیموکراتیک با شهروندان و سائر نهاد ها تعامل بهتری دارند و به ضروریات شان به سرعت و بصورت ارزان پاسخ میدهند.
- ۷) این روش ممکن است بر کنترل دروازه بانان معلومات در مورد مسائل سیاسی نیز غلبه کند.
- ۸) ممکن است عدم اعتماد مردم بالای منبع ثانویه معلومات کاهش یابد.
- ۹) در حال حاضر مصرف یا قیمت معلومات قابل اعتماد بلند و به سختی به دست می آید.
- ۱۰) ممکن است بالای تعامل دو طرفه محدود امروزی غلبه صورت گیرد.
- ۱۱) مشکلات بیروزی در ایجاد شبکه های اینترنتی امروزه خیلی آسان شده اند.
- ۱۲) ممکن است دیموکراسی الکترونیکی نابرابری در دسترسی به معلومات را بطور اساسی کاهش دهد.
- ۱۳) ممکن تمام معلومات شخصی را با حفاظت از حریم خصوصی بصورت مناسب حفظ کند.
- ۱۴) بهبود مؤثریت تمام نهاد های ذیربط
- ۱۵) با افزایش شرکت کنندگان، مسلماً که دستیابی به اجماع دشوار تر خواهد بود.
- ۱۶) چنین ارتباط نزدیک هم معروض به گسترش معلومات غلط و هم معروض به پخش سریع آن است بنابراین، برای جلوگیری از حوادث فاجعه بار نیاز به اقدامات خاص است.

خلاص مقاله

« تکنالوژی الکترونیکی، ظرفیت ایجاد تغییرات عمده را دارد، نه تنها در پروسه های موجود و شرکت کنندگان، بلکه در ساختار اساسی دیموکراسی نیز این ظرفیت را دارد. در حالی که برخی از این تغییرات منعکس کننده تغییرات گسترده تری در جامعه خواهد بود، همچنین پوتنسیل قابل توجهی برای عواقب ناخواسته دارد.» در این مقاله موضوع نهایی که مطرح شده پیرامون موضوع تعامل امنیت و حریم خصوصی است. [1]

ما به این باوریم که مسائل امنیتی/ حریم خصوصی را می توان با دانش عملی و تجربی مؤسسات معلوماتی مانند گوگل، آمازون، اپل و غیره و نیز تحقیقات بیشتر بطور رضایت بخشی به حد اقل رساند. [2]

## سوم : تیوری ریاضیاتی دیموکراسی

به اندازه کافی جالب توجه است که روش ریاضی با دیموکراسی ممکن است با ارسطو شروع شده باشد که در " تیوری جدید ریاضیات در باره دیموکراسی [3]" از آن یاد شده است. اما ما هیچ نوع استفاده احصائیوی - ریاضی در کتابهای ارسطو به استثنای استفاده کلاسیک از قیاس ارسطویی، اقتباس از ریاضیات (Posterior Analytics.1.5.cf. Metaphysics xii.2) نیافتیم. علمای کلاسیک معتقد اند که توضیح ریاضی ارسطو هیچ نقشی در مطالعه طبیعت بخصوص در رشته های بیولوژیکی ندارد.

تا پایان قرن نوزدهم، بیشتر علوم اجتماعی تنها به لحاظ کیفی تدوین تصنیف میشدند و همه علوم اجتماعی خارج از قلمرو میتودلوژی علمی تلقی می شدند. حال آنکه در اواخر دهه ۱۹۰۰م استفاده از ارقام در گزارش های مطالعات تجربی در طیف وسیع از شاخه های علوم (اقتصاد سنجشی، روانشناسی تجربی، اقتصاد رفتاری، در لابراتوار ها، در درون موجودات زنده، در طب و مطالعات کلینیکی و غیره) شروع شد. ما نسبت به افزایش آگاهی در باره مشکلات میتودیکی، موازی با افزایش در علاقه و استفاده از تکنیک های ریاضی و احصائیوی در بیشتر علوم اجتماعی از جمله علوم سیاسی خوشبین هستیم. اخیراً پیشرفت های سرسام آور و استفاده از تکنالوژی کمپیوتر در تجارت، احصائییه نفوس، هوا شناسی، زلزله شناسی و غیره صورت گرفته است. سرانجام، با ظهور هوش مصنوعی [4]، رئیس جمهور بایدن و کانگرس، واحد خاص تحقیقاتی هوش مصنوعی را برای امنیت بیشتر تجارت، کمک های خارجی امریکا، امنیت داخلی و غیره به موقع تأسیس کردند.

<sup>1</sup> - Monaghan, Andrew. *Inquiry into Electronic Democracy. Discussion Paper*. Austrian Gov. October 2002. "This inquiry involves an analysis of the opportunities available through the use of new technologies to improve public access to, and participation in, the processes of Parliament and Government. It is not intended that the inquiry will examine issues related to service delivery and Government on-line processes, except where they may impact directly on issues of electronic democracy. The aim of this Discussion Paper is to outline key issues relating to electronic democracy to assist interested parties and members of the public to consider its future role." andrew.monaghan@parliament.vic.gov.au

<sup>2</sup> - Ditto

<sup>3</sup> - Mathematical Theory of Democracy

<sup>4</sup> - artificial intelligence (AI)

در قرن بیستم، علم احصائیه و فورمول های ریاضی بیشتر و بیشتر شد و از مدل های ریاضی نیز با موفقیت استفاده صورت گرفت. در اوایل دهه ۱۹۷۰م ما بوسیله یک کمپیوتر غول پیکری که یک اتاق را اشغال کرده بود، با چنین مدل های ریاضیاتی و محاسباتی، پویایی میتابولیزم را در مریضان وخیم در بخش جراحی، واحد میتابولیک مرکز طبی پوهنتون کولمبیا<sup>[۱]</sup> مطالعه کردیم. [۱]. [۲]

مقاله «کلاسیک های انتخاب اجتماعی» در سال ۱۹۹۵م توسط «مک لین» و «اورکن»<sup>[۳]</sup> منتشر شد، پس از آن «ریاضیات و دیموکراسی» توسط «سایمون» و «پوکلشیم»<sup>[۴]</sup> نشر شد. [۲]. [۱] شورای اروپا در سال ۲۰۱۶ / ۲۰۱۹ (برگرداندن ابزار «استفاده از مشوره رأی گیری» به یک آموزش سیاسی در روش انتخاباتی جدید) را در «انجمن جهانی برای دیموکراسی» پیشکش کرد و دانشمند «اندرانیک تنگیان» چندین مقاله برای آن انجمن نوشت و بعداً کتاب دو جلدی «تئوری تحلیلی دیموکراسی» او در سال ۲۰۲۰ منتشر شد. [۳]. [۱]. [۲]

به اساس «تئوری ریاضی برای دیموکراسی» از «پوهاند اندرانیک تنگیان»<sup>[۱]</sup>، ایده «نمایندگی سیاست» در اوایل سال ۱۹۶۰م وارد عرصه مصطلحات سیاسی شد. این تحقیقات بالای این هدف متمرکز بودند که نظام های حزبی و دولت ها تا چه اندازه اولویت های سیاست رأی دهندگان را نشان می دهند. در حال حاضر سیاست نمایندگی تحت مطالعه است و از طریق پایگاه معلوماتی «مانیفستو»<sup>[۲]</sup> نظارت میشود که برنامه های انتخاباتی احزاب در ۵۰ ایالت دیموکراتیک را از سال ۱۹۴۵م نشان می دهد. از این، در برنامه مشاوری رأی گیری<sup>[۳]</sup> هالند استفاده صورت گرفت. [۴] تمرکز تئوری ریاضی برای دیموکراسی کیفیت ارائه سیاست است که با شاخص های خاص بر اساس ساختار معلومات درج شده مشابه VAA/اندازه گیری میشود و برای طیف وسیعی از مسائل از آن استفاده صورت می گیرد مانند :

<sup>1</sup> - Surgical Metabolic Unit (SMU) of Columbia University Medical Center.

<sup>2</sup> - Zikria, B.A. Spencer, J.L., Kinney, J.M., and Broel, J.R. *Alterations in ventilatory function and breathing patterns following surgical trauma*. Ann. Surg. 179: 1-12, 1974

<sup>3</sup> - Zikria, B.A., et al. *Reperfusion Injuries/Clinical Capillary Leak Syndrome*. Eds. Zikria, Oz & Carlson. Futura Pub. NY. 1994; Wiley & Blackwell, London, UK. 2008.

<sup>4</sup> - McLean and Urken

<sup>5</sup> - Simone and Pukelsheim

<sup>6</sup> - Hartmann, Stephen and Sprenger, Jan. *Mathematics and Statistics in the Social Sciences*. Tilburg, The Netherlands. Webpage: www.stephenhartmann.org 2010.

<sup>7</sup> - McLean, Iain; Urken, Arnold Bernard, eds. *Classics of social choice*. Ann Arbor MI: University of Michigan Press. 1995.

<sup>8</sup> - Hartmann, Stephen and Sprenger, Jan. *Mathematics and Statistics in the Social Sciences*. Tilburg, The Netherlands. Webpage: www.stephenhartmann.org 2010.

<sup>9</sup> - McLean, Iain; Urken, Arnold Bernard, eds. *Classics of social choice*. Ann Arbor MI: University of Michigan Press. 1995.

<sup>10</sup> - Simeone, Bruno; Pukelsheim, Friedrich, eds. *Mathematics and Democracy*. Berlin-Heidelberg: Springer. 2006.

<sup>11</sup> - Professor Andranik Tangian

<sup>12</sup> - MANIFESTO

<sup>13</sup> - VAA-VoteMatch

<sup>14</sup> - Volkens, Andrea; Bara, Judith; Budge, Ian; McDonald, Michael D; Klingemann, Hans-Dieter, eds. *Mapping policy preferences from texts: Statistical solutions for manifesto analysts*. Oxford: Oxford University Press. 2013.

۱) ارزیابی توانایی نمایندگان انفرادی

۲) اثبات ناکارایی یک دیموکراسی بی ثبات

۳) ارزیابی نتایج انتخابات

۴) تحلیل طیف های سیاسی ملی

۵) تصمیم گیری چند معیاره جمعی

۶) در روش انتخاباتی به اصطلاح " رأی سوم" برای افزایش نمایندگی سیاست استفاده میشود

«پوهاند تنگیان» چندین معیار کمی را برای ارزیابی دیموکراسی ریفراندم ایجاد کرد؛ با توجه به سه شاخص: الف) نمایندگی بودن، ب) محبوبیت و ج) جهانی بودن؛ همه با هدف تعیین درجه منفعت برای مردم است. وی از طیف وسیعی از ریاضیات، از هندسه تا ترکیب شناسی گرفته تا محاسبات معمول احصائیوی استفاده کرد. [۱]

با مدل دیموکراسی مستقیم «مخوساکه» که در بالا مورد بحث قرار گرفت، استفاده از شاخص های «تنگیان» و افزایش ارتباطات بین مردم عادی و نمایندگان شان در میتود های متعدد عصر دیجیتال امروزی که به راحتی قابل دسترس اند ممکن است مورد استفاده قرار گیرند. مانند انترنت، ایمیل، آیفون، اندروید، رسانه های اجتماعی، زوم و غیره و تکنالوژی های آینده. ممکن است ما بتوانیم تا حد زیادی جنبه های ریفراندم دیموکراسی امریکایی را که یک دیموکراسی طولانی مدت و ترکیبی از دیموکراسی مستقیم و ریفراندم دیموکراسی است بهبود بخشیم و اعتماد مردم را نسبت به دولت و نمایندگان شان باز یابیم. ریاضیدان «دارن گلس» [۲] در بررسی خود می گوید: «تنگیان» موفق شده تا در مورد طیف موضوعات بسیار گسترده در ژرفای ریاضی، تاریخی و فلسفی بنویسد که در عین حال کتاب بسیار خواندنی است. [۳]. [۴]

### چهارم: الکترونیک مردم و نمایندگان را با هم مجدداً وصل می کند

عصر دیجیتال که از دهه ۱۹۶۰م شروع شد، ما را به ماه رساند و اکنون در آستانه تسخیر مریخ قرار داریم. در ذیل خلاصه از پیشرفت های مستمر تکنالوژی معلوماتی الکترونیکی با نکات قابل توجه آنها آورده شده است:

<sup>1</sup> - Tangian, Andranik. *Mathematical theory of democracy*. Studies in Choice and Welfare. Berlin-Heidelberg: Springer. 2014

<sup>2</sup> - Darren Glass

<sup>3</sup> - Glass, Darren. Book Review. *Mathematical Theory of Democracy*. *Mathematics and Society Social Choice Theory*. Gettysburg.University. dglass@gettysburg.edu. Springer Pub. ISBN 9783642387234. 2013.

<sup>4</sup> - Nurmi, Hannu. Book Review. Tangian, Andranik: *Mathematical theory of democracy*. *Studies in social choice and welfare*. XIII, 615pp. Springer, Berlin-Heidelberg, 2014

- ۱) استفاده از فایبر اپتیک یا فایبر نوری در طبابت<sup>[۱]</sup>: «اینیاک» (مدغم کننده عددی الکترونیکی و کامپیوتر)<sup>[۲]</sup> که در سال ۱۹۶۴ میلادی ۳۰ تن وزن داشت و اتاقی را به ابعاد ۳۰ در ۵۰ فوت را اشغال میکرد. <sup>[۳]</sup>،<sup>[۴]</sup>،<sup>[۵]</sup>
- ۲) در سال ۱۹۶۲ قیمت هر واحد مدار همبسته<sup>[۶]</sup> یک مایکروچپ نیمه هادی<sup>[۷]</sup> ۵۰ دلار بود ولی با کشف یک کریستال قیمت آن در سال ۱۹۶۸ به ۲,۳۳ دلار پائین آمد.
- ۳) در سال ۱۹۷۵ م قانون (مور) پیشبینی کرد که طی هر دو سال ظرفیت هر (چپ / chip / توتۀ الکترونیکی) دو چند می شود. ترانسزیسترها و سیم یا لین دوانی<sup>[۸]</sup> و غیره ضروریات یک مدار الکترونیکی<sup>[۹]</sup> را می توان روی یک توتۀ الکترونیکی سیلیکان با استفاده از تکنیک عکاسی قرار داد که اندازه آن به اندازه یک ناخن کودک نوزاد است. <sup>[۱۰]</sup>
- ۴) در سال ۱۹۸۲ م ضربان ساز های قلب<sup>[۱۱]</sup> و دریچه های مصنوعی<sup>[۱۲]</sup> راه را برای پیوند اعضای بدن باز کرد که با پیوند گرده، قلب، جگر و شش و پانقراس و غیره آغاز شد.
- ۵) در دهه ۱۹۸۰ م/انترنت برای اولین بار ۲۰ «گره»<sup>[۱۳]</sup> «کمپیوتری را با هم وصل کرد و منجر به جهانی شدن بی سابقه و کم نظیر معلومات شد و به این ترتیب «شبکه از شبکه های انترنتی» را ایجاد کرد. <sup>[۱۴]</sup>،<sup>[۱۵]</sup>
- ۶) در CERN (سوئیتزرلند) انجیران ایده هاپیر تکست<sup>[۱۶]</sup> را به ترانسفر کنترل پروتوکول<sup>[۱۷]</sup> (TCP) و [دومین نیم] سیستم<sup>[۱۸]</sup> (DNS) پیوند زدند که منجر به ایجاد هاپیر تکست ترانسفر پروتوکول (HTTP) شد که اساس وب جهانی (www) با پیشوند «http» شد. <sup>[۱۹]</sup>

<sup>1</sup> - The National Academies of Sciences Engineering Medicine. National Academy of Sciences Press. 2014.

<sup>2</sup> - ENIAC (*Electronic Numerical Integrator and Computer*)

<sup>3</sup> - The National Academies of Sciences Engineering Medicine. National Academy of Sciences Press. 2014.

<sup>4</sup> - "ENIAC: Celebrating Penn Engineering History," Penn Engineering, University of Pennsylvania, <http://www.seas.upenn.edu/about-seas/eniac/operation.php>.

<sup>5</sup> - "Programming the ENIAC," Columbia University Computing History, <http://www.columbia.edu/cu/computinghistory/eniac.html> 2/6.

<sup>6</sup> - integrated circuit unit

<sup>7</sup> - semiconductor microchip

<sup>8</sup> - Transistors and wiring

<sup>9</sup> - electronic circuit

<sup>10</sup> - "The History of Supercomputers," ExtremeTech, April 10, 2012, <http://www.extremetech.com/extreme/125271-the-history-of-supercomputers>.

<sup>11</sup> - heart pacemakers

<sup>12</sup> - artificial valves

<sup>13</sup> - node

<sup>14</sup> - "IP Address (Internet Protocol Address," <http://searchunifiedcommunications.techtarget.com/definition/Internet-Protocol>.

<sup>15</sup> - "A Brief History of the Internet," Internet Society, <http://www.internetsociety.org/internet/what-internet/history-internet/brief-history-internet>.

<sup>16</sup> - hypertext

<sup>17</sup> - Transfer Control Protocol (TCP)

<sup>18</sup> - Domain Name System (DNS)

<sup>19</sup> - History of the Web," World Wide Web Foundation, <http://www.webfoundation.org/vision/history-of-the-web/>.

۷) پروژه جینوم انسانی [۱] در سال ۱۹۹۳م شروع شد که شامل کمپیوترها در میان تیم‌های بین‌رشته‌ای بود که تا سال ۲۰۰۳م با انتشار توالی جینوم کامل یک انسان تکمیل شد و عصر دیجیتال را نوید داد. [۲]. [۳]

۸) حتی با قانون «مور» قابل تصور نیست که اختراع یک ماده حساس نسبت به نور، که در حال حاضر بصورت تجارتي در دسترس است، جایی که «مایکرو پروسر» حاوی ۷ بیلیون «ترانسیستور» می‌تواند ۸,۷۵ میلیون آن در ۲۲ بیلیونم حصه متر در یک میلی متر مربع بسته بندی شود، که منجر به افزایش شدید قدرت محاسباتی با کاهش قیمت و مصرف شده است. [۴]

۹) کشف «گرونگ» و «فرت» [۵] که در سال ۲۰۰۷م برای شان جایزه نوبل را به ارمغان آورد باعث شد که ظرفیت دستگاه‌های ذخیره سازی معلومات هر سال فراتر از قانون مور دوبرابر شود که در دسترس گرفتن فلم‌ها، مجموع کتاب‌ها در کتابخانه‌ها یا مجموعه‌های موسیقی فوراً با لمس دستگاهی که در کف دست تان است میسر میشود!

۱۰) از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ مقالاتی مانند موارد ذکر شده بالا مورد بحث قرار گرفت، یکی از استرالیا و دیگری از ایالات متحده آمریکا، این زمانه‌ایست که تکنالوژی معلوماتی و جهانی شدن (آغاز عصر دیجیتال) بدون جلب توجه بسیاری از مردم آغاز شد. [۶]، [۷]، [۸]، [۹]، [۱۰]

این قلم امیدوار است که بحث فوق در مورد پیشرفت‌های شگرف در علوم و انجینیری که تنها در بیست سال گذشته به دست آمده اند خوانندگان را متقاعد سازند که دیموکراسی الکترونیکی این ظرفیت را دارد که مردم و دولت‌ها را با هم یکجا ساخته تا ارتباط مؤثر و کارآمد با هم داشته باشند و دولت و مردم را بدون ابزار جنگی معمول و یا سایبری از خودکامگی‌ها نجات دهند! ما خیلی امیدواریم که شما از دیموکراسی الکترونیکی حمایت کنید. در مورد آنچه در آینده بشر نهفته است ما از «الن کی» رئیس انستیتوت تحقیقات دیدگاه‌ها [۱۱] نقل قول می‌کنیم که می‌گوید: «بهترین راه برای پیش بینی آینده، اختراع آن است.»

<sup>1</sup> - Human Genome Project

<sup>2</sup> - The Human Genome Project Completion: Frequently Asked Questions,” National Human Genome Research Institute, <http://www.genome.gov/11006943>.

<sup>3</sup> - “The Nobel Prize in Physics 2000,” Nobel Media AB 2014, [http://www.nobelprize.org/nobel\\_prizes/physics/laureates/2000/](http://www.nobelprize.org/nobel_prizes/physics/laureates/2000/).

<sup>4</sup> - ICT Facts and Figures 2014, <http://www.itu.int/en/ITU-D/Statistics/Pages/stat/default.aspx>.

<sup>5</sup> - Grunberg and Fert

<sup>6</sup> - Simensen, Jarle, “Democracy and Globalization: 1989 and ‘The Third Wave,’” Journal of World History 10, no. 2 (Fall 1999), 391–412.

<sup>7</sup> - “Globalization and the Collapse of the Soviet Union,” <http://connection.ebscohost.com/c/articles/83534248/globalization-and-the-collapse-of-soviet-union>.

<sup>8</sup> - “Amazon Talks Strategy, International Growth,” December 10, 2008, <http://blog.seattlepi.com/amazon/2008/12/10/amazon-talks-strategy-international-growth/>.

<sup>9</sup> - “Digital Life in 2025,” Pew Research Center, March 2014, <http://www.pewinternet.org/2014/03/11/digital-life-in-2025/>.

<sup>10</sup> - Science Engineering Medicine. *Making a World of Difference: Engineering Ideas into Reality* National Academies Press. <https://doi.org/10.17226/18966>. 20014.

<sup>11</sup> - Alan Kay, the president of the Viewpoints Research Institute





## فصل دوازدهم

پنجم : آینده دیموکراسی در امریکا

الف : چشم انداز دیموکراسی امریکا

از زمان صدور اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا در سال ۱۷۷۶م، مردم امریکا طی ۲۴۵ سال گذشته از استقلالیت آن با خون و زحمات شان دفاع کرده اند. ملت امریکا چه در جنگ داخلی و چه در جنگ های خارجی و جهانی و یا سائر درگیری ها هرگز به اندازه یک ذره از دیدگاه خود منحرف نه شده و علی الرغم تخلفات داخلی و مداخلات خارجی باز هم این منحصر به فرد ترین چشم انداز جهانی را با میل پذیرفته اند. در حال حاضر امریکا نفوس ۳۳۲ میلیون نفری دارد ولی پیشگامان امریکا زمانیکه این جهان بینی شانرا در برابر جهان اعلام میکردند در آنزمان نفوس شان کمتر از ۵۰ میلیون بود: در ۱۷۷۶.

اول : اعلامیه دیدگاه امریکا تزلزل ناپذیر باقی می ماند

ما این حقایق را بدیهی می دانیم، که همه انسان ها برابر آفریده شده اند و برخی از حقوق غیر قابل انکار توسط پروردگار به آنها اعطاء شده است، از جمله آن موارد : حق زندگی، آزادی و جستجوی خوشبختی است. که برای تأمین امنیت این حقوق، حکومتی در میان مردم ایجاد می شوند که اختیارات عادلانه خود را از رضایت حکومت شوندگان می گیرند.

دوم : ریفراندوم دیجیتال اعلامیه دیدگاه امریکا را تقویت می کند

شاید بپرسید که این اعلامیه دیدگاه چیست که در نهایت ادغام مردم امریکا را در ملت واحد انقسام ناپذیر ایالات متحده امریکا مهرولاک کرد. به نظر این قلم، به غیر از مقدمه قانون اساسی ایالات متحده امریکا، هیچ بیانیه دیگر بهتر برای اعلامیه دیدگاه ملت امریکا وجود ندارد.

سوم : اعلامیه دیدگاه امریکا (قانون اساسی امریکا) ثابت می ماند

«ما مردم ایالات متحده، برای تشکیل یک اتحاد کامل تر، برقراری عدالت، تضمین آرامش داخلی، تأمین امور مشترک دفاعی، ارتقای رفاه عمومی و مصونیت نعمت آزادی برای خود و آیندگان ما دستور می دهیم و این قانون اساسی را برای ایالات متحده امریکا بنیان می گذاریم.»

در اینجا باید تکرار کنم که نه تنها مردم امریکا، بلکه تمام جهان شاهد بوده که این دولت امریکا، از مردم و توسط مردم و برای مردمی است که از ۲۳۵ سال پیش تا امروز رسالت خود را انجام داده و برای دفاع از دیدگاه خود تا به ابد منحصت ملت واحد و انقسام ناپذیر باقی می ماند.

#### چهارم : نقش ریفراندم که بوسیله تکنالوژی معلوماتی تقویت شده باشد

همانطوریکه «پوهاند جان ج. مٹوساکه» اشاره کرد، که مشکل اصلی نه تنها برای مردم امریکا بلکه برای دیموکراسی ها اروپایی و سائر دیموکراسی ها نارضایتی مردم از حاکمان شان است، زیرا مقامات دولتی به طور فزاینده ای از مرجع انتخابات خود یعنی «مردم» فاصله گرفته اند. این قطع ارتباط به فقدان برخی از انواع ارتباطات خلاصه میشود مانند: نبود ارتباط فیزیکی، یا حتی درخواستی ها، اعلامیه ها، رسانه های خبری و میدیای اجتماعی، از طریق لاین تیلیفون، ایفون، کمپیوتر یا از طریق فیس تایم و غیره و غیره. حتی ماشین های ارتباطی ساده موجود به ندرت مورد استفاده قرار گرفته است و دلیل آن در دسترس نبودن وسایل ارتباطی قابل اعتماد مؤثر و یا عدم تمایل مسؤولان که تلاش کنند یا بخود زحمت بدهند، و یا ممکن مردم علاقه نداشته باشند تا یکدیگر را زحمت بدهند و یا دانش کافی نه دارند و یا ترکیبی از اینها. آیا این می تواند به علت قانون بنیادی برای ذخیره انرژی همه اشکال حیات باشد؟ اما در معادله تعادل انرژی :

الف : تخمین تمایل مردم برای		<=====>		برقراری ارتباط با نمایندگان شان	
انتخابات نماینده	۱۰/۱۰	<=====>	۱۰/۶	رای دهی مردم	
منافع نمایندگان	۱۰/۱۰	<=====>	۱۰/۴	منافع مردم	
	۱۰/۸	<=====>	۱۰/۳	انرژی مصرف شده	
	۹ ، ۳	.....	۴ ، ۳	مجموعه اوسط ها	

موارد فوق به ما می گوید که رأی شما برای نماینده شما بسیار مهم است و ما باید در همه موارد با هر وسیله ای که در دسترس داریم از آن استفاده کنیم! در حال حاضر ریفراندم بیشتر اوقات در طول انتخابات ایالتی به عنوان اصلاحیه یا گزینه ها توسط اتباع در ۵۰ ایالت، ایالات متحده امریکا انجام میشود، ولی در سابق برای اصلاحیه های دولت فدرال فقط چند ریفراندم صورت گرفته بود. ریفراندم به مردم این امکان را می دهد که سیاست مورد نظر خود را انتخاب کنند. چندین تن از علمای سیاسی، دیموکراسی الکترونیک را درمان این بیماری در دیموکراسی پیشنهاد کرده اند و نارضایتی فزاینده، مردم را به سمت جنبش های پوپولیستی به عنوان پدیده ای جدیدی از ناسازمانی سوق می دهد. ما فکر می کنیم که ممکن است دیموکراسی الکترونیک بر مشکل نمایندگان پنهان شده در پیله شان غلبه کند.

مدل سویسی «پوهاند مٹوساکه» در [فصل هشتم] مورد بحث قرار گرفت. اما ابتداء باید مسوده میکانیزمی را ببینیم که بوسیله آن بتوانیم از طریق تکنالوژی معلوماتی و ارتباطات الکترونیک، دیموکراسی الکترونیک را عملی سازیم، این نوع دیموکراسی می تواند مردم و دولت ها را بطور غیر مستقیم یا از طریق دنیای مجازی باهم وصل کند تا قبل از اینکه مردم رأی خود را به صندوق انتخابات بریزند بتوانند روی معلومات، ایده ها، نگرانی های مالی، اجتماعی و سیاسی و پیشنهاد های

شان بحث و تبادل نظر کنند. پس از خواندن کتاب متخصص مشهور «برنارد مار» «مسیر تکنالوژی در عمل : ۲۵ تکنالوژی  
ایکه چهارمین انقلاب صنعتی را به پیش می برند»<sup>[۱]</sup> «متقاعد شدیم که «آقای برنارد مار»<sup>[۲]</sup> که بطور منظم در هفته نامه  
«مجمع تبادل نظر جهانی اقتصاد»<sup>[۳]</sup> برای «فوربس» همکاری می کنند، که رئیس «مجمع تبادل نظر جهانی اقتصاد»  
«کلاوس شواب»<sup>[۴]</sup> اند توانایی نوشتن کتاب معتبر و قاطع در مورد دیموکراسی الکترونیک را دارند.<sup>[۵]</sup>،<sup>[۶]</sup>  
بسیاری از دانشمندان تعجب می کنند که چرا ما نمی توانیم دیموکراسی های آتن و سویس را از طریق غلبه بر موانع امروزی  
مانند نفوس زیاد، مشکلات جمع آوری مردم و با استفاده از برج های ارتباطی رو به رشد عصر الکترونیک برای تأمین  
ارتباط میان مردم، و بخاطر ایجاد یک حکومت واقعی مردم توسط مردم و برای مردم با سعادت و شادی پایدار مردم زنده  
سازیم. این بیشتر یک دیموکراسی ریفرا/ندم مردم – محور خواهد بود. در ذیل یک تعدادی از پیشنهادات پوهاند جان مٹوساکه  
آورده شده اند

### ب : راه های تیوریکی :

وسایل تیوریکی		
پیشنهاد ۱ :	ریفراندم های مشورتی	توسط کانگرس فراخوانده میشود
پیشنهاد ۲ :	ریفراندم های مشورتی	به اساس درخواستهای مردم فراخوانده می شوند
پیشنهاد ۳ :	ریفراندم های مشورتی	در مورد مسائل خاص به آن نیاز است
پیشنهاد ۴ :	ریفراندم های اجباری/ الزام آور	در مورد مسائل خاص به آن نیاز است
پیشنهاد ۵ :	ریفراندم های اجباری/ الزام آور	به اساس درخواستی ها فراخوانده می شوند
پیشنهاد ۶ :	اصلاحات قانون اساسی	به اساس درخواستی ها فراخوانده می شوند

از آنجایی که اصلاح قانون اساسی ایالات متحده امریکا تقریباً غیر ممکن است، «پوهاند جان جی. مٹوساکه» پیشنهاد می کند  
که راه های مختلفی وجود دارند که دیموکراسی (ریفراندم) را هدایت می کند و بوسیله آن می توان برای رفع انسداد پروسه  
اصلاحیه قانون اساسی استفاده کرد.

### ج : وسایل تکنالوژیکی

<sup>1</sup> - “Tech Trends In Practice: The 25 Technologies that are Driving the 4th Industrial Revolution”

<sup>2</sup> - Mr. Bernard Marr

<sup>3</sup> - World Economic Forum (WEF)

<sup>4</sup> - Klaus Schwab

<sup>5</sup> - Marr, Bernard. *Tech Trends in Practice: The 25 Technologies That Are Driving The 4th Industrial Revolution*. Wiley & Sons, West Sussex, UK. 2020.

<sup>6</sup> - Matsusaka, John G. *Let The People Rule: How Direct Democracy Can Meet the Populist Challenge*. Princeton University Press. Princeton, New Jersey, USA. 2020.

۱) اینترنت اشیا<sup>[۱]</sup>: با افزایش روزمره وسایل و دستگاه های برقراری ارتباط با مردم، یک تعداد از آنها قبلاً به اینترنت وصل اند. [ مترجم : اینترنت اشیا : سیستمی از دستگاه های محاسباتی مرتبط، ماشین های میخانیکی و دیجیتلی، اشیاء، حیوانات و یا انسانها است که با شناسگر های منحصر به فرد و توانایی انتقال معلومات از طریق شبکه بدون ضرورت انسان با انسان و یا تعامل انسان با کمپوتر ارائه میشوند. ]

۲) Big Data and Augmented Analytics – با دانستن روابط بین Data Points می توان نتایج آینده را بهتر پیشبینی کرد و تصمیم هوشمندانه تری گرفت.

۳) کمک در تهیه هارد ویبر و سافت ویبر مورد نیاز

۴) فضا های هوشمند و مکان های هوشمند : خانه ها، تعمیرات اداری که مجهز به تکنالوژی هوشمند اند مردم را متصل ساخته است.

۵) Blockchains and Distributed Ledgers - آنچه را که اینترنت برای ارتباطات کرد همان را blockchain ( دیتابیس خیلی مصوون) برای تبادلات و معاملات مورد اعتماد انجام می دهد.

۶) Cloud and Edge Computing - حجم عظیمی از معلومات را ذخیره می کنند که مراکز دیگر دیتا از آن استفاده می کنند و از طریق شبکه (اینترنت) به آن وصل میشوند. با افزایش شمار Cloud Service Providers مانند آمازون، گوگل و مایکروسافت، نیازی به افراد (مردم) نیست که در زیر بنای های حیاتی تکنالوژی معلوماتی با امنیت در سطح بلند جهانی کار نمایند.

۷) Digitally Extended Realities (XR) - (گوشی یا Headset) XR شامل Virtual Reality، augment reality و mixed reality میشود. این ابزار رأی دهندگان را در یک محیط مصنوعی دیجیتلی قرار می دهند درست مانند مجمع عمومی (مثل ایکلیسیا یونانی) یا تالار شهر امریکا American town hall آنها در آن محیط احساس حضور فیزیکی می کنند. اصطلاحات: VR (Virtual Simulated Reality)؛ AR (Augmented Real – word reality) و MR (Mixed Reality) (VR with AR) که در آن استفاده کنندگان AR نمی تواند با معلومات تعامل داشته باشد ولی استفاده کنندگان MR می توانند. MR جهان های مجازی و حقیقی را کنار هم می آورد و برای رأی دهندگان تجربه ای مرتبط تر با محیط سیاسی ایجاد می کند.

۸) Natural Language Processing (NLP) - این به کمپیوتر کمک می کند تا متن را بخواند، ایدیت یا اصلاح کند و یا متن را با قدرت گفتار از گوینده بنویسد مانند رابط های صوتی و چت Voice interdice and chatbots در Alexa و Siri

۹) Computer Vision and Facial Recognition : این پروگرام ها می توانند رأی دهندگان را بطور مصوون شناسایی کنند.

۱۰) 5G and Faster, Smarter Networks - این نه تنها نتورک یا شبکه های بی سیم پایدار، سریعتر و بیشتر را می دهد بلکه می تواند به دستگاه های بیشتری وصل شود

---

<sup>1</sup> - The Internet of Things [IoT]

۱۱) Digital Platforms – این شبکه یا نتورکی است که ارتباطات را برای شریک ساختن معلومات آسانتر و ارزشمندتر می سازد و خدمات دیگری مانند تویتر، انستاگرام، سکای سکندر و ایکسپدیا Sky Scanner and Expedia را ارائه می کند.

۱۲) Cyber Security and Resilience - افزایش توانایی برای جلوگیری از جرایم سایبری و کاهش آسیب در صورت به خطر افتادن

۱۳) Quantum Computing – کمپیوتر های فعلی با چنین توانایی کار می کنند که یک bit از معلومات را در یک زمان به اساس سیستم باینری binary یک و صفر پروسس می کنند. کار کرد در سطح تحت اتمی Operating at subatomic level : ماشین های اند که در آینده قابلیت پروسس دیتا را صدها میلیون بار سریعتر از کمپیوتر های کنونی خواهند داشت! « برنارد مار» در کتاب فوق العاده عالی شان نتیجه گیری می کنند که «بسیاری از این تکنالوژی ها بصورت خودی تأثیرات فراوانی بر تجارت و جامعه خواهد داشت، اما تغییر در مجموع فراتر از آن چیز است که بسیاری از ما امروز می توانیم تصور کنیم. آنها مشاغل ما را اصلاح می کنند، مدل های کسب و کار را متحول می سازند و به مشاغل و صنایع کاملاً معنی دیگر میدهند.» [۱]، [۲]

این قلم آرزومند است که جوامع ما شروع به تمرکز بر ایده ها، میکانیزم های عملگر ایانه معاصر و خوب ساخته شده نمایند تا رویا های بشریت برای صلح پایدار جهانی به تدریج تحقق یابند. به امید آنکه قرن بیست و یکم در نهایت تبدیل به اولین قرنی در تاریخ بشریت شود که بشر در جامعه آزاد، سرنوشت خود را به عنوان تنها ترین مخلوق جهان شناخته شده با یک « آگاهی انسانی بسیار تکامل یافته و با قوت عقل و قلب» تعیین کند، و فراتر از غرایز حیوانی با داشتن ظرفیت انتخاب منحصی فاعل مختار، زندگی با عزت و آزادی را آزادانه انتخاب کند و عدالت، حقوق برابر، امنیت، صلح، آرامش ذهنی و رضایت را برای هر فرد و در کل برای جامعه به دست بیاورد.

#### د : مبارزه قدرت اقتصادی جهانی

بتاریخ ۲۱ جولای سال ۲۰۲۱ شنیدیم که رئیس جمهور «جو بایدن» به ساعت ۲۸ : ۲۰ در تالار شهر «سینسیناتی» به سؤالات «دن لمون» پاسخ می دهد. رئیس جمهور گفت که وی در کنفرانس اخیر «G – 7» با رئیس جمهور چین «شی جین پینگ» و رئیس جمهور «لادیمیر پوتین از فدراسیون روسیه» صحبت نموده است. رئیس جمهور «بایدن» گفت که هر دو تن از این خود کامه گان معتقد اند که قرن بیست و یکم، «عصر دیجیتل» برای دیموکراسی ها غربی بسیار سریع است که نمی توانند با تغییرات سریع و رویداد های سریع آن هماهنگی داشته باشد. بنابر این، قرن بیست و یکم باید قرن دیموکراسی های شرقی گردد، زیرا آنها می توانند سریعتر تصمیم بگیرند تا با سرعت و کارایی بیشتری عمل کنند. این ارزیابی رئیس جمهور «بایدن» بیش از هر زمان دیگر روشن می سازد که برای بقای دیموکراسی ها، ضروری است که ایالات متحده امریکا

<sup>1</sup> - Marr, Bernard. *Tech Trends in Practice: The 25 Technologies That Are Driving The 4th Industrial Revolution*. Wiley & Sons, West Sussex, UK. 2020.

<sup>2</sup> - Matsusaka, John G. *Let The People Rule: How Direct Democracy Can Meet the Populist Challenge*. Princeton University Press. Princeton, New Jersey, USA. 2020.

به عنوان رهبر دیموکراسی های جهان، با سائر دیموکراسی ها یکجا کار کند تا از تسلیمی دیموکراسی ها به دیکتاتوریه‌ها که نوع حکومتداری ایده آل بشر است جلوگیری کند!

# پسگفتار

## ظهور یک درک جدید از دیموکراسی

سه سال قبل، متعاقب نوشتن یک مقاله در مورد کوید - ۱۹ به یک روزنامه محلی، در ماه مارچ سال ۲۰۲۰ بود، که اراده نویسنده برای نوشتن این کتاب مسلم شد. با نگاهی به گذشته می‌نگریم که بحران جاری نه تنها تهدید فزاینده به دیموکراسی های لیبرال بود بل انبوه از توفان خشم و اضطرابی بود که چهره خود را در تظاهرات نافرمان مردم علیه دولت های شان نمایان ساخت.

نویسنده بیاد کتابی افتاد که تقریباً نیم قرن پیش نوشته شده بود. این کتاب «شورش توده ها» نام داشت و نویسنده آن یکی از اندیشوران بزرگ قرن بیستم «اورتیگا. وای. گاست» بود. اینجا توجه شما را بخاطری به این کتاب بخاطر معطوف میدارم که سردرگمی سیاسی امروز، وخامت سریع اقلیم جهانی و ظهور سائر خطرات تهدید کننده به حیات، ناشی از دست انسان موازیاً با همان هوشدار ستوده «اورتیگا» در حرکت است که وی آنرا در قالب شورش توده ها علیه دیموکراسی های لیبرال عنوان کرده بود، اورتیگا می‌گوید «... طوری که یک دکترین بنیادی یا ارگاتیک را در مورد واقعیت بس مهم زمان ما ایجاد کنیم.» «اورتیگا» از وحدت سیاسی و قضائیی حمایت کرد و خواستار «یک پارچگی، نه از هم پارچگی برای اروپا» شد تا افراط در «نیو لیبرالیزم» و «توتالیتریزم» یا تمامیت خواهی هر دو اصلاح گردد. می‌توان این را به عنوان یکی از اولین صدا ها برای شکل گیری اتحادیه اروپا نامید. مهمتر از آن «اورتیگا» گفته بود، "اگر هر سیستم برتر تر تحول و تکامل می‌یابد در نهایت باید به اساس دانش تخنیکی و لیبرال دیموکراسی تکامل یابد." [۱] در اینجا ما مشابهت های "شورش توده ها" و ابر های جمع شده "پوپولیزم" را بر علیه دیموکراسی ها، تقریباً در همه جای دنیا می‌بینم.

بطور خلاصه، آنچه که طی چهار بخش در دوازده فصل این کتاب ارائه شده اند عبارتند از (۱) تأریخ دیموکراسی ها، (۲) تکامل دیموکراسی ها، (۳) بحران مدرن و بیماری های دیموکراسی ها و بلاخره (۴) درمانهای مدرن برای دیموکراسی ها که امید است پاسخ مؤثری برای هوشدار های «اورتیگا» باشد.

دیگر نیازی نیست که به تکرار از انواع فلسفه، انتروپولوژی / مردم شناسی، سوسیولوژی / جامعه شناسی و ریاضیات دیموکراسی بپردازیم. از آنجائیکه دیموکراسی های لیبرال در معرض حملات خود کامگی ها یا «اتوکراسی ها» قرار دارند در اینجا مؤلف سعی می‌کند تا اهمیت عمیق "ایده" دیموکراسی را در زمان کنونی نشان دهد. نیاز مبرمی به "مفهوم جامع دیموکراسی" وجود دارد که ایدیت سازی دیموکراسی امریکا را می‌توان بوسیله بکار انداختن دانش "عصر دیجیتال" میسر ساخت.

<sup>1</sup> - Ortega y Gasset. *The Revolt of the Masses*. Duffy, Mary (Ed.) Translated by Guerrero, Marciano. Routledge Lib. Editions. 2012.



## ۱) آیا پیشتر علم و تکنالوژی می تواند منشاء دیموکراسی را آشکار کند؟

وقتی سه سال پیش تحقیقاتم را در باره دیموکراسی آغاز کردم از خود پرسیدم که آیا آنقدر انسان خردمند [۱] «همو سی پین» استم که ایده یا مفهوم دیموکراسی را زیر سؤال ببرم؟ ایده ای که شاید قدامت آن به اندازه اولین گرد هم آیی قبیله ای بشری باشد و در طول بیشتر از سه هزار سال، کتاب های بی شماری در این زمینه توسط فیلسوفان و دانشمندان بزرگ نوشته شده است! علاوه بر آن از خود پرسیدم که من کیستم که چنین پرسشی را مطرح کنم؟ خوب، من یک داکتر طب استم و قبل از آن *داکتر طب دیگری هم بود که بنام یکی از پدران عصر معاصر «دیموکراسی» شناخته می شود، منظوم «جان لاک» (۱۶۳۲ – ۱۷۰۴)* است که با کتاب مشهور خود «لویاتان»، شبیه کتاب «هابس»، فیلسوف سیاسی شد. رابطه داکتر طب و فیلسوف سیاسی می تواند بیشتر یک امر تصادفی باشد. داکتر طب که با مرگ دست و پنجه نرم می کند، ممکن است کاملاً شبیه یک شوالیه زرهپوش سفید (لباس سفید) در نظر گرفته شود که برای نجات حیات می جنگد. ممکن است «جان لاک» هم با فرارسیدن «عصر روشنگری» مجهز به «میتودلوژی ساینسی» چیزی در مورد «بایولوژی» و تکامل می دانسته و یا احساس کرده باشد. ما در مورد تحقیقات طبی او بالای اجساد و یا آشنایی او با نوشته های طبیبان سابق مانند «بقراط» [۲]، «جالینوس» [۳]، «کورنلیوس سلسوس» [۴] (انسایکلوپیدیا نویس ۲۵ ق. م تا ۵۰ میلادی) و کتاب ابن سینا قانون (در طب – م) (انسایکلوپیدیا نویس طبی قرن یازدهم) چیزی زیادی نمی دانیم. من فکر می کنم که «جان لاک» باید پیوند بین دیموکراسی و خود زندگی را با نیاز های مشابه و میسر مشابه، تصور کرده باشد!

همان بود که این اندیشه، مسیر فکری من برای تحقیق و نگاشتن این کتاب شد، بخصوص پایان نامه *پسگفتار* ان که امیدوارم جوانب *بایولوژیکی- ساینسی دیموکراسی* معاصر را برملا سازد.

آیا دیموکراسی فقط یک مفهوم و ایده ای است که توسط ذهن انسان ایجاد شده و از لحاظ کرونولوژیکی به بیش از ۳۰۰۰ سال به عقب بر می گردد؟ یا یکی از اشکال *تکامل یافته خیلی طبیعی از سازمان یک جامعه انسانی* برای رشد و بقای خود است که در اثر تکامل تدریجی دیگری از طبیعت، تصادفاً بوقوع پیوسته است؟ اگر دیموکراسی حاصل تخیل بشر است پس چرا این امر بطور مستدام در ذهن افراد و در خرد جمعی بشر وجود داشته است؟ ما نمی دانیم، آیا ممکن است دیموکراسی به عنوان یک مفهوم در ذهن اولین مرد و زن، در ذهن اولین خانواده انسانی و یا در ذهن اولین قبیله بشر وجود داشته باشد؟ قبلاً در یک مورد ذکر شد که پایداری تاریخی یک ایده یا یک تیوری بدون اثبات نادرستی آن و یا با انقراض آن، تاریخ را بیک آزمون اسیدی برای اعتبار یک حقیقت «مثل طلا» تبدیل می کند که برای بسیاری از چیز ها خواه در قلمرو علوم طبیعی یا علوم اجتماعی باشد قابل اجراء است. سؤال بعدی این است که " محرک مغز انسان برای راه اندازی این "ایده" چه بود؟" هر چند تیوری «چارلس داروین» مستقیماً به این سؤال پاسخ نداده ولی آنرا با «نظریه انتخاب طبیعی» توضیح داده است که در آن هر بار «بهترین یا مناسب ترین» برنده میشد. اینها هم مانند سائر تیوریهای فلسفه جبر، منتج به بحث های طولانی و

1 - Homo sapiens

2 - Hippocrates

3 - Galen

4 - Cornelius Celsus

خود خواهانه میشد. "انتخاب طبیعی، بقای مناسب ترین هاست. مناسب ترین ها کسانی اند که زنده می مانند. بنابر این انتخاب طبیعی در «توتولوژی» یا تکرار واضح است." [۱]، [۲]

فیلسوف برجسته قرن بیستم «هنری برگسن» [۳] مطرح کرد که راز "زندگی" را می توان با ظهور یک انرژی اسرار آمیز در کره زمین توضیح داد و او آنرا (Élan Vital) «نیروی حیات» [۴] نامید که برای بدست آوردن تکامل رضایت بخش خود بطرف بالا و به سمت پیش رانده میشود. [۵] نویسنده به این باور است که «برگسن» ممکن حق داشت تا این انرژی را به عنوان یک «نیروی حیاتی» بنامد که به یک آگاهی بالاتر و در حال گسترش تکامل یابد تا تداوم زندگی، تکثیر- باز رویش یا باز زایی آن را تضمین و سرانجام منحصیث یک «انسان عاقل یا هوموسی پین» بیک فاعل آزاد و پویا تبدیل شود. پدر فیزیولوژی انسانی «کلاود برنارد» [۶] این تعادل پیچیده فیزیولوژیکی «خوشبختی» را بنام تعادل درونی "استتباب" [۷] نامید. باید بخاطر داشته باشیم که با آغاز از دنیای تحت اتمی تا کیهانی، هیچ چیزی در گیتی چهار بعدی بدون تعادل نیروهای مثبت و منفی آن نمی تواند وجود قابل اثبات داشته باشد. این استتباب یا «هموستاز» در انسان ها بیشتر گسترش می یابد تا به تعادل عالی جسمی و روانی تبدیل شود که ما طبیبان آنرا "صحت خوب" می نامیم. این هم به اندازه کافی جالب توجه است که یکی از نوابغ امریکایی همین تعادل را برای فرد به عنوان «خیر بزرگتر» برای جامعه نامیده است.

ما دقیقاً نمی دانیم که این نیروی حیات چیست، اما می توانیم انرژی آنرا ببینیم که فعالیت های پیچیده اش خود را همواره در اشکال بی شمار در یک تعادل عالی با جزئیات کامل برای بقا، خواه در بحر باشد، خواه در خشکی یا در هوا نمایان می سازد. وقتی می گوئیم تکامل در حال پیشرویست منظور ما این نیست که نیروی تکاملی، دارای آگاهی توسعه یافته با آگاهی از گذشته، حال و آینده دارد، همانطوری که در انسان های یافت میشود، بلکه این آگاهی است که حتی در کوچکترین آنها به عنوان («واحد حیاتی» یا واحد سطح هوشیاری) [۸] مانند «آمییب» هم وجود دارد که توسط قوانین غیر قابل برگشت طبیعت تعیین میشوند. [۹] در عقب این "انرژی حیاتی چیست" چرا می خواهد خود را تابع قانون تکاملی طبیعت یا یک نیروی خلاق قرار دهد؟ سؤال «زندگی چیست؟»، «اروین شرویدینگر» [۱۰] برنده جایزه نوبل در فیزیک را در کتاب (۱۹۹۴) شان به این نتیجه رساند که ما تا هنوز توانایی علمی کافی پاسخ آنرا نداریم [۱۱]. وی در یکی از مقالات خود "میتافیزیک به طور کل" با ظهور فاشیزم موسولینی/ هیتلر با ناامیدی زیاد نوشت: "انسان غربی در معرض خطر بازگشت به سطح اولیه رشد خود قرار

<sup>1</sup> - Wilkins, John. *Evolution and Philosophy: A Good Tautology is Hard to Find*. URL (<http://www.talkorigins.org/faq/evolphil/tautology.html>),

<sup>2</sup> - Poton, Peter. *On the claimed "circularity" of the theory of Natural Selection*. Open Journal of Genetics. Vol.2 No.2, 2002, revised 2012.

<sup>3</sup> - Henri Bergson

<sup>4</sup> - "Élan Vital" or the 'Vital Force'

<sup>5</sup> - Bergson, Henri. *Creative Evolution*. Henry Holt & Co., Hawkins Camelot Press. New York, NY. 1911.

<sup>6</sup> - Claud Bernard

<sup>۷</sup> - homeostasis : در بایولوژی استتباب، حالت شرایط ثبات داخلی، فزیک و کیمیاوی است که توسط سیستم های زنده حفظ می شود - م

<sup>8</sup> - 'one unit of consciousness level' (CL)

<sup>9</sup> - Hawkins, David R. *Transcending Levels of Consciousness: The Stairway to Enlightenment*. AZ. USA. 2005.

<sup>10</sup> - Erwin Schrödinger

<sup>11</sup> - Schrodinger, Erwin, *What is Life*. Cambridge University Press. Cambridge, New York, Madrid, Singapore. 1944. ISBN 978-0-521-42708-1., 19--45, -48, -51, -55, -62, -92, 2013.

دارد که هرگز بر آن به درستی غلبه نه کرده است: «غرور بی بند و بار سر پوزخند خود را بالا می برد و مشت اش که نیروی مقاومت ناپذیر را از عادات بدوی وی می گیرد، به سکان رهاشده کشتی ما می رسد.» [۱]

## اول: زندگی و فعل مختار

آیا تا به حال فکر کرده اید که علی الرغم شباهت متجاوز از ۹۸ فیصد جین های ما با شامپانزه ها و گوریلاها چه چیزی ما انسان ها را از میمون های بزرگ متمایز میسازد؟ با همه تحقیقات گسترده در مورد «نخستی ها» [که انسان نما ها، میمون و گوریلا ها جزء آن اند - م] شباهت های زیاد ما را با آنها نشان میدهد ولی اکثریت دانشمندان به این نتیجه رسیده اند که هیچ موجود دیگری به جز انسان بالاترین قدرت مهارت های شناختی (با ۸ جزء ذکاوت) را در روی این کره خاکی ندارد. برتری انسانها بر قلمرو حیوانات تنها بوسیله هوش (عقل) آنها نیست، بلکه می توان آنها را تحفه خالق خود دانست و یا فقط یک رویداد تصادفی تکامل باپولوژیکی اشکال حیات بخاطر تنازع بقا و تداوم DNA آنها نامید.

مرکز بلندتر توانایی شناخت مغز انسان بزرگتر و خصوصیات اناتومیکی مانند (موقعیت شکل زبان، نسبت دهان به حلق ۱:۱، مجرای صوتی فوق حنجره و سمبول های زبانی) دارد و انسانها به نحوی به چیزی دست یافتند که هیچ موجود دیگر آنها نداشت. [۲] مهمتر از همه، انسانها دارای ظرفیت «آزادی انتخاب» هستند که توسط ادیان و سائر زمینه های معنوی و میتافیزیکی به عنوان «فعل مختار» شناخته شده است.

بیا بید یک مرور مختصر از آنچه که در باره «فعل مختار» می دانیم انجام دهیم. اگر بخاطر داشته باشید ما بحث خود را در باره دیموکراسی با سقراط، افلاطون و ارسطو آغاز کردیم که در گذشته های دور (۵۰۰ - ۴۰۰ ق.م) به «سازگاری» فعل مختار با «جبر» طبیعت معتقد بودند. ولی ما دقیقاً نمی دانیم که آیا آنها کاملاً به «جبر» خدایان المپیک [۳] خود و یا «فعل مختار» انسان همانطوریکه امروز درک می کنیم اعتقاد داشتند یا خیر؟ برخی از رواقیون [۴] (۳۵۰ - ۲۰۰ ق.م) در مورد دو جنبه آزادی یعنی آزادی اندیشه و آزادی عمل، بدون آنکه اهمیت آزادی اراده را تشخیص دهند، نوشتند. «تامس اکوی ناس» [۵] بزرگترین عالم الهیات (قرن سیزدهم میلادی) معتقد بود که بشر توسط سلطه عقل، اراده و احساسات اداره میشود. ممکن است شما «نقد عقل محض» [۶] «ایمانوئل کانت» [۷] را بخاطر داشته باشید که بعداً یکی از شاگردانش «رودلف شتاینر» [۸] نوشت: «تفکر را هرگز و نباید یک فعالیت محض ذهنی تلقی کرد. تفکر فراتر از فاعل و مفعول قرار

1 - Schrodinger, Erwin. *My view of the World*. Translated by Hastings, Cecily. Cambridge University Press. 1964.

2 - Lieberman, Philip. *The Evolution of Human Speech: Its Anatomical and Neural Bases*. Current Anthropology, Vol 48, No. 1. Journals.uchicago.edu. Feb. 2007.

3 - Olympic gods

4 - stoics

5 - Thomas Aquinas

6 - Critique of Pure Reason

7 - Immanuel Kant

8 - Rudolf Steiner

دارد [۱]. فیلسوف دیگر، «آرتور شوپنهاور» [۲] (۱۷۸۸ - ۱۸۵۰) در کتاب خود "جهان به عنوان اراده و نمایندگی" [۳] در باره معمای فعل مختار و مسؤلیت اخلاقی بحث کرد. «ویلیام جیمز» [۴] (۱۸۴۲ - ۱۹۱۰) فیلسوف بزرگ امریکایی که در عین حال یک روان شناس هم بود به این فکر بود که فعل مختار یک مسئله میثافیزیکی [۵] است و توسط علم حل نمی شود و اینکه "جبرگرایی" مفهوم توانایی انسان را در بهبود بخشی این و آن، مزیداً تضعیف می کند. معتقدان معاصر به وجود فعل مختار از دیدگاه روان شناسی، روان درمانی و «نیوروفیزیالوژی» [۶] و «نیورو ساینس» [۷] یا عصب شناسی همگی تصورات متفاوتی از فعل مختار دارند و تنها یک "مخالف مشترک" دارند، جبرگرایی ماتریالیزم و ضد سازگاری.

اجازه دهید بیشتر به موضوع "فعل مختار" بپردازیم. به نظر من فعل مختار چیزی است که ما را از همه حیواناتی که قانون جنگل و غرایز شان (قانون طبیعت) بر آنها حاکم است متمایز می سازد. توانایی انسان در "انتخاب" خارج از قوانین طبیعت و فراتر از غرایز حیوانی او، وی را قادر می سازد تا از جهان فیزیکی چهار بُعدی فراتر رفته و وارد جهان پنج بُعدی "دانش شهودی میثافیزیکی" گردد که بُعد معنوی انسانیت است. برای یک لحظه تصور کنید داخل مغازه بزرگی میشوید ولی در بین اشیای زیبا که برایتان به عین اندازه مطلوب اند نمی توانید انتخاب خود را بکنید! آیا آدم را دیوانه نه خواهد ساخت؟ اجازه دهید اکنون به تشریح مفهوم فعل مختار ادامه دهیم. بخشی "اختیار" از "فعل مختار" ما را واقعاً آزاد می سازد که به دست آوردن آزادی زندگی، آزادی ماست. این بخش اختیار یا "آزاد" با نحوی به خود "زندگی" متصل به نظر میرسد، زیرا "خود" آنرا در اولویت قرار می دهد و یا ممکن است به این دلیل باشد که "زندگی" و "آزادی" "جین" های یکسان در انسان دارند؟ چرا «تامس پین»<sup>۸</sup> فریاد زد که: "یا مرگ یا زندگی"؟ شاید به همین دلیل است که در جنگ ها مردان و زنان جوان برای آزادی کشور خود جان شان فدا می کنند. شاید به همین دلیل است که یک شاعر جنگجو فریاد می زند: "بودن یعنی آزاد بودن". برای بسیاری انسانها "زنده" بودن بدون آزادی "بی معنی" "بی مفهوم" است. حتی برای عده معدودی زمانیکه تعادل زندگی با رنج زیاد برهم می خورد، زیستن دیگر هیچ ارزشی زنده بودن" را ندارد و مرگ را به جای آن همه عظمتی انتخاب می کنند که زندگی ارائه می کند.

در اینجا باید اضافه کنیم که در هم ادغان شدن روانی "خود" زمانی رخ می دهد که شخص "احساس میکند که آزاد شده است و احساس آزادی میکند". حتی ممکن است کسی بگوید که "من احساس آزادی می کنم، پس من هستم. همانطوریکه فیلسوف بزرگ «دکارتس» گفته بود "من فکر می کنم، پس من هستم" [۹] "ما با انسان بودن، وجود خود را بعنوان یک فاعل مختار، احساس و درک می کنیم. بدون آن آزادی شاید ما انسانیت و "انسان" بودن خود را از دست بدهیم. ممکن است این "بازی با

1 - Thinking lies beyond subject and object  
 2 - Arthur Schopenhauer  
 3 - The World as Will and Representation  
 4 - William James  
 5 - a metaphysical issue  
 6 - neurophysiology  
 7 - neuroscience  
 8 - Thomas Pain  
 9 - "Cogito ergo sum." (I think, therefore I am)

کلمات" به نظر برسد، اما ما با فکر کردن و احساس کردن، این چیزها را با ذهن خود درک می‌کنیم، و ممکن است آنرا در زیر بصورت گرافیکی بیان کنیم :

تحقق هورمانیتیک = عقل یا خرد => درک کردن => شناخت + احساس کردن + فکر کردن

انسان بودن زمانی است که احساس کنیم یک "موجود" آزاد و "یک فاعل" مختار هستیم و نیروی محرکه زندگی ما را قادر می‌سازد تا یک فکر را با عملی که ذهن آگاه ما انتخاب می‌کند اجراء کنیم. اجازه دهید یک چیز دیگر را روشن کنیم، منظور ما از "اختیار" اطفای خواسته‌ها (از قبیل میل، خواستن، تلاش، اشتها، رابطه جنسی و غیره) نیست، بلکه منظور ما از "اختیار"، "مرحله دوم" نیروی حیات" است و عبارت از: موجی از انرژی حیاتی است که توسط استدلال عقل هدایت می‌شود. همانطوریکه قبلاً ذکر شد، "فعل مختار" و عقل انسانی با هم ارتباط تنگاتنگی دارد اما یک چیز نیستند. عقل انسان با مشاهده قانون تغییر ناپذیر "علت و معلول" طبیعت، استدلال را می‌آموزد. درست همانطوریکه «داروین» قوانین طبیعی، طبیعت تکاملی را کشف کرد!

انسان خردمند یا هوموسی پین	====>	فاعل مختار =	{ انرژی = اختیار + مختار بودن }	= زندگی
----------------------------	-------	--------------	---------------------------------	---------

قبل از رفتن به مرحله بعدی تجزیه و تحلیل، به عنوان یکی از ضروریات علوم دقیقه یا مثبت، همه چیزهای را که می‌دانیم باید در قالب یک معادله عمومی گنجانیده شود. «بنیامین لیبیت» در تحقیقات لابراتواری علوم اعصاب یا «نیوروساینس» خود در اواخر دهه ۱۹۸۰ نشان داد که "فعالیت ناخود آگاه مغز" پوتنسیل آمادگی را که منجر به حرکات یک «عمل» میشود تقریباً نیم ثانیه قبل از قصد به فعل درآمدن فاعل، آگاهی دارد. بنابراین «لیبیت» نظر داد که انسانها دارای آن درجه از اراده آزاد اند که بستگی به پروسه‌های آگاهانه و ناخود آگاه مغز انسان دارد. اما وی همچنان با تفسیر نمودن تمام تحقیقات لابراتواری خود که اعتبار فعل مختار را تائید می‌کند منحيث یکی از مدافعان قوی فاعل مختار باقی ماند [۱].

## دوم : فاعل مختار و دیموکراسی

در این مرحله قبل از تلاش برای نشان دادن ارتباط طبیعی دیموکراسی با فعل مختار بیابید بیاد بیاوریم که چگونه مفهوم دیموکراسی را تعریف کردیم. قبلاً ذکر شد که "مفهوم دیموکراسی یا مردم سالاری چیست؟" همانگونه که افلاطون می‌گفت : "قبل از یافتن قوانین کاربرد یا عمل ما باید "مفهوم فلسفی چیز"، همانا جوهر را آنر باید پیدا کنیم! با درک مفهوم بنیادی، هسته آن، "ماهیت آن" ما به درک ناب‌ترین جنبه میتافیزیکی مفهوم یا ایده می‌رسیم که ممکن است در درک بهتر «شکل و عملکرد» آن به ما کمک نماید. همانطوریکه میدانید اصل مرکزی دیموکراسی بر این ایده استوار است که هر فرد از حق

<sup>1</sup> -Libet, Benjamin. *Unconscious cerebral initiative and the role of conscious will in voluntary action*. PDF. 1985.

مساوی آزادی برخوردار است. همانطوریکه در فوق استدلال کردیم، در انسان هر مفهوم انسانی باید با نیروی اسرار آمیز حیات، انرژی زندگی آغاز شود. "خلص! بدون زندگی، چیز دیگری برای بحث وجود ندارد!" برای یک فرد و همچنین هر جامعه ای، حفظ و دفاع از زندگی بشر به عنوان یک قانون ضروری انسانها و حیوانات زنده به فکر ثانوی یا ایده فوری تبدیل میشود. در این مرحله دوم ایده، همانطوریکه در بحث بالا دیدیم بین "زندگی انسان" و "آزادی انسان" یک «هم ظرفیتی» یا کوولانسی<sup>[۱]</sup> یا چیزی شبیه دو روی یک سکه وجود داشت. اراده آزاد انسان برای فرد و جامعه است که او را قادر می سازد تا خوب را از بد، نیکی را از شر، سازندگی را از ویرانگری جدا سازد و در نتیجه مفاهیم اخلاق، رفاه، شادی و رضایت را ایجاد کند. این گونه است که "زندگی و آزادی" به هستی و تدوام یک جامعه مدنی معنا می بخشد. به این ترتیب همه آنها با هم جمع شدند و دلیل<sup>[۲]</sup> تأسیس دولتی شد که به اختصار در اعلامیه استقلال ایالات متحده امریکا توضیح شده است:

خوانندگان محترم مرا ببخشند صحبت هایم تا حدی تکراری و بعضاً گیج کننده شده است! بلی حق باشماست! ولی من متجاوز از سه سال است که در ذهنم با مبانی فلسفی، هسته بنیادین «ایده» «دیموکراسی» دست و پنجه نرم می کنم. لطفاً آنها را به عنوان درد زیمان آن ایده، به عنوان انقباضات زیمان و تطهیر "مفهوم فلسفی دیموکراسی" مانند جدا کردن نوزاد «دیموکراسی» از پلاستنا<sup>[۳]</sup> «منشای حیات بخش» در نظر بگیرید!

در این مرحله، قبل از تلاش برای نشان دادن ارتباط طبیعی دیموکراسی با فعل مختار بیائید بخاطر بیاوریم که مفهوم دیموکراسی را چگونه تعریف کردیم. قبلاً ذکر شد که "مفهوم دیموکراسی چیست؟" همانگونه که افلاطون می گفت: "قبل از یافتن قوانین کاربرد یا عمل ما باید "مفهوم فلسفی چیز"، همانا جوهر را آنر باید پیدا کنیم! با درک مفهوم بنیادی، هسته آن، "ماهیت آن" ما به درک ناب ترین جنبه میتافیزیکی مفهوم یا ایده می رسیم که ممکن است در درک بهتر «شکل و عملکرد» آن به ما کمک نماید. همانطوریکه میدانید اصل مرکزی دیموکراسی بر این ایده استوار است که هر فرد از حق مساوی آزادی برخوردار است. همانطوریکه در فوق استدلال کردیم، در انسان هر مفهوم انسانی باید با نیروی اسرار آمیز حیات، انرژی زندگی آغاز شود. "خلص اینکه! بدون زندگی، چیز دیگری برای بحث وجود ندارد!" برای یک فرد و همچنین هر جامعه ای، حفظ و دفاع از زندگی به عنوان یک قانون ضروری "طبیعت" یا "خالق" به امر حتمی تبدیل میشود. در این مرحله دوم ایده، همانطوریکه در بحث بالا دیدیم بین "زندگی انسان" و "آزادی انسان" یک «هم ظرفیتی» یا کوولانسی<sup>[۴]</sup> یا چیزی شبیه دو روی یک سکه وجود داشت. فعل مختار انسان، برای فرد و جامعه است که او را قادر می سازد تا خوب را از بد، نیکی را از شر، سازندگی را از ویرانگری جدا سازد و در نتیجه مفاهیم اخلاق، رفاه، شادی و رضایت را ایجاد کند. این گونه است که "زندگی و آزادی" به هستی و تدوام یک جامعه مدنی معنا می بخشد. به این ترتیب

<sup>۱</sup> - covalence : تعداد الکترونهاى مشترکى که هر اتم می تواند با اتم های مجاور خود داشته باشد. م

<sup>۲</sup> - raison d'être

<sup>۳</sup> - placenta : مشیمه، زهدان، رحم

<sup>۴</sup> - covalence : تعداد الکترونهاى مشترکى که هر اتم می تواند با اتم های مجاور خود داشته باشد. م

همه آنها با هم جمع شدند و دلیل [1] تأسیس دولتی شد که به اختصار در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا تسجیل شده است:

" ما اعتقاد داریم که این حقایق بدیهی هستند که تمام مردان برابر هستند که خالق به آنها حقوق سلب ناشدنی داده است و این که از بین این حقوق زندگی، آزادی و بدست آوردن شادی را می توان نام برد. اینکه برای استوار کردن این حقوق، دولت ها توسط افراد بنیان نهاده می شوند و قدرت شان را از رضائیت و توافق مردم شان می گیرند. اینکه هرگاه هر نوع دولتی در هر کدام از موارد بالا مخربانه عمل کند، حق مردم است که جلو آنها بگیرند و یا آنها را از بین ببرند. "

موارد فوق مجموعه معجزه آسا از ایده های است که حقیقت بدون تحریف ثابت شده اند، و در سه کلمه زندگی، آزادی و شادی گنجانده شده که بیش از دو قرن توسط مردم ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از بهترین انواع حکومتها با موفقیت اجراء شده است. برای ساده کردن آن به عنوان یک معادله اجتماعی :

حکومت دیموکراتیک	=>	{اخلاق برای خیر برتر}	=>	{فاعل مختار + زندگی} حفاظت	=>	{آزادی انتخاب + زندگی}
---------------------	----	-----------------------	----	----------------------------	----	------------------------

نیروی حیات، که ذاتاً فاعل مختار است، حیات انسان را آفرید، و با توانایی انتخاب، اخلاق را پدید آورد و عقل (شناخت) با منطق اکتسابی خود حکومتی را برای پاسداری از فرد و عالی ترین خیر جامعه برپا ساخت تا از زندگی و آزادی (آزادی انتخاب) در یک سیستم حکومتی حفاظت و حراست نماید که از اراده مردم (اراده جمعی) نشأت گرفته و توسط مردم فعال و به نفع مردم توسط یک حکومت مردم سالار اجراء شود.

تیوری موازی های تکاملی			
	توازن یا هموستاس	آزادی انتخاب	آزادی زندگی
زندگی	=====>		
دیموکراسی	=====>		
	خوشبختی	آزادی	زندگی

<sup>1</sup> - raison d'être

# ضمیمه اول

## دیموکراسی در حال رقابت علیه آتوکراسی ها

در دینامیک جهانی دیموکراسی ها [۱] «بخش ۳؛ فصل ۶؛ عنوان چهارم) شواهدی مبنی بر افزایش تعداد دولت های مردم سالار توسط پروژه نگرش جهانی «پیو» [۲] نشان داده شده است. سازمان ملل متحد گزارش داد که ، معلق شدن دولت – ملت ها به سازمان ملل متحد از ۵۱ کشور در سال ۱۹۴۶ به ۱۹۳ کشور در ۲۰۲۰ افزایش یافت که انواع و تعداد آنها به شرح ذیل است :

## رقابت کنونی بین دیموکراسی ها و آتوکراسی ها

سال	خودکامه گی ها / آتوکراسیها	مختلط	دیموکراسی ها
۱۹۷۶	۶۲	۱۳	۲۵
۲۰۱۷	۱۳	۱۳	۵۲

دولت های عضو سازمان ملل متحد			
۱۹۴۶	۱۹۷۶	۱۹۹۱	۲۰۲۰
۵۱	۷۰	۱۱۵	۱۹۳
شکل دهم			

<sup>1</sup> - Global Dynamics of Democracy

<sup>2</sup> - Pew Global Attitudes Project



آیا دیموکراسی‌ها می‌توانند با حکومت استبدادی در قرن بیست و یکم در فاصله ۱۰۰ «یاردی»<sup>[۱]</sup> پیروز شوند؟

خوانندگان باید خود به این سؤال پاسخ دهند. شاید شنیده باشید که رئیس‌جمهور «بایدن» در مورد دو آشنای قدیمی خود با دو رئیس‌جمهور دو دولت (جمهوریت خلق چین ۱۹۴۹) و جمهوری سوسیالیستی فدراتیف شوروی روسیه (از سال ۱۹۹۲) که دیموکراسی‌های غربی را ابزار سرمایه‌داری و استعمار، نامیده‌اند، چه گفت؟ بنابراین، ما باید در برابر جهان روشن‌سازیم که دیموکراسی واقعی چیست، که توسط بینانگذاران امریکایی در سال ۱۷۷۶م اساس‌گذاری شد. دیموکراسی امریکا به اقتصاد بازار آزاد معتقد است، اما منحصراً با نیات سرمایه‌داری یا استعماری عمل نه کرده است. قدرت‌های استبدادی با سابقه ایدئولوژیک مارکسیستی خود، بدون شک به فلسفه ای مبتنی بر جبرگرایی ماتریالیزم معتقدند. جالب اینجاست که هر دو ابر قدرت، پشت نقاب‌های «دیموکراسی» و «جمهوری خواهی» پنهان شده‌اند. آنها بر این باور‌اند که آینده بشر قبلاً در یک جهان منحصراً فیزیکی و جهان بینی مادی متشکل از حواس پنجگانه انسانی تعیین شده و چیزی بیشتر از آن نیست! آنها هزاران سال دانش تجربه معنوی، میتافیزیکی و شهودی بشر را به عنوان چیزی بیش از اختراع سرمایه‌داران که از آن به عنوان مواد افیونی برای نگه داشتن توده‌های تحت کنترل خود استفاده می‌کنند، رد می‌کنند!

## ضمیمه دوم

### الف : فلسفه حیات

ما جوانب اساسی فلسفه دیموکراسی را مورد بحث قرار دادیم یعنی آنرا به عنوان شاخه از «اخلاقیات تطبیقیه [۲]» با معایر اخلاقیات میان اشخاص و فلسفه معیاری با اصول اخلاقی مستقل که اعمال سیاسی را توجیه می‌کند مورد بحث قرار دادیم. (قسمت سوم، فصل ششم، عنوان اول) یونانی‌های این پروسه اجتماعی - سیاسی را «دیموکراتیا» (حاکمیت مشترک مردم) نامیدند که اشتقاق ریشه‌شناسی آن به عمل آن مربوط می‌شد. همانطوریکه قبلاً توضیح داده شد که شکل «دیموکراتیا» باید مقدم بر عمل آن باشد؟ اما باید توضیح دهیم که این چی‌شکلی از دیموکراتیا است که مقدم بر عملکرد آن است؟ این ما را به افلاطون بر می‌گرداند که به ما گفته بود: قبل از یافتن قواعد تطبیقی، عملکرد/ عمل آن، ابتداء باید ایده، هسته آن، جوهر آنرا بررسی کنیم. او به نوعی می‌دانست که با یافتن جوهر ایده، ما به شناخت هسته میتافیزیکی آن می‌رسیم که ممکن است به ما کمک کند تا راه‌های بهتری را برای تحقق یابی شکل و کارکرد آن بیابیم. این چیزی است که افلاطون به ما آموخت. اما

<sup>۱</sup> - 100-yard dash : مسابقه دویدن ۱۰۰ یاردی یک مسابقه دوش در میدان با سرعت ۱۰۰ یارد یا ۹۱,۴۴ متر است. تاسال ۱۹۷۰م بخشی از بازیهای کشورهای مشترک المنافع بود و در سال ۱۹۰۴ در مسابقات سه‌گانه اولمپیک گنجانیده شد. معمولاً در مسابقات بین‌المللی استفاده نمیشود و با دوش ۱۰۰ متر جایگزین میشود. - برگرفته از ویکیپدیا - م

<sup>۲</sup> - 'Applied Ethics': اخلاق تطبیقیه : به کار برد عملی ملاحظات اخلاقی اشاره دارد. این اخلاق با توجه به اعمال دنیای واقعی و ملاحظات اخلاقی آنها در زمینه‌های زندگی خصوصی و عمومی، حرفه‌ها، صحت، تکنالوژی، قانون و رهبری است. م

ما تا هنوز هم منشاء این ایده را نمی دانیم. چه چیزی مغز های بزرگتر انسان را با عقل «شناخت» و نحو زبانی و نمادگرایی بیشتر سوق داد تا به مفهوم «حاکمیت مشترک مردم» که «مردم سالاری» یا دیموکراتیا نامیده میشود برسد؟

مقدمه این پدیده، این مفهوم چه بوده است؟ قبل از شکل گیری مغز در شکل حیات، باید خود «زندگی» به عنوان مقدمه موجود بوده باشد. قبلاً اشاره کردیم که با ایجاد حیات یک حجره وی با شواهدی از آگاهی، هرچند خیلی بدوی بود ولی نیرو یا انرژی همراه با آن وجود داشت که ارگانیزم را به سمت بقاء به حرکت در می آورد. این را می توان نیروی حیات به عنوان یک جنبه ذاتی خود زندگی نامید. با خلقت یا تکامل انسان، یک فاعل مختار متولد شد که از قوانین طبیعی جنگل و غرایز حیوانی رهایی یافت، اما نه بطور کامل. بنابر این، انسان های خردمند یا «هوموسی پین ها [1]» به فرمانروای سیاره زمین مبدل شدند که در رأس هرم تکاملی ایستاده بودند. انسانها «هوموسی پین ها» در یک مرحله ای از رشد یا تکامل خود، از طریق نیروی حیاتی زندگی، یعنی فعل مختار، شناخت بالاتر به دست آوردند. با خلقت یا تکامل انسان، وی اکنون دارای احساس آزادی و جهت گیری هوشمندانه ای است تا در آزادی زندگی کند و در جستجوی فرد برای خوشبختی و توصل به "خیر برتر" جامعه گردد. بنابر این دیموکراسی زاده "تخیل انسان" نیست بلکه چیزیست که ذاتاً در اعماق وجود انسان، در اعماق حجرات و روح آنها موجود بود. بنابر این دیموکراسی شیوه طبیعی زندگی بشر است که می توان آنرا «فلسفه طبیعی زندگی» انسان نامید.

تصویر ذیل بسیاری از چیز های را در یک چوکات خلاصه می کند که مؤلف در مورد آن صحبت نموده است!

جشن بیست و پنجمین سالگرد اکادمی ملی انجیری

[به مؤلف اجازه نشر داده شده]

<sup>1</sup> - Homo sapiens



کره خاکی کوچک شونده

VIII

## ب : جهانی شدن :

"پدیده ای که به عنوان جهانی شدن شناخته میشود این است که- بهم وصل بودن فزاینده مردمان، اقتصادها و فرهنگ های جهان - از دهه ۱۹۷۰ به بعد با پیشرفت های انجینری در حمل و نقل، تولید، ارتباطات و مهمتر از همه در کمپیوتر و تکنالوژی معلوماتی، شتاب گرفته است. در سال ۱۹۸۹م در حالی که اکادیمی ملی انجینری بیست و پنجمین سالگرد تأسیس خود را جشن گرفت، بیش از ۱۲ کشور به اینترنت در حال رشد سریع متصل شده بودند و تولد (وب جهانی [۱]) در حال تقرب بود.

به هم وصل بودن فزاینده مردم جهان، اقتصادها و فرهنگ ها از دهه ۱۹۷۰م با پیشرفت های در حمل و نقل، تولید، ارتباطات و در کمپیوتر و تکنالوژی معلوماتی به شکل شتابان در حال ترکیب شدن است. تا سال ۱۹۸۹ بیش از ۱۲ کشور به اینترنت در حال رشد سریع وصل شدند و در مدت کوتاهی تولد «شبکه جهانی وب» ایجاد شد. [۲]

۹ ماه پس از آنکه لشکر سرخ از افغانستان خارج ساخته شد، دیوار برلین در نوامبر سال ۱۹۸۹م فروریخت؛ انهدام این دیوار در واقع نشاندهنده پایان جنگ سرد بود که موانع سفر را کاهش داد و تبادلات سیاسی و اقتصادی بین شرق و غرب فزونی یافت. این تحول چانس همکاری های بین المللی بیشتر را در مورد مسائل مربوط سیاره ما و ملت ها بصورت انفرادی افزایش داد. اما دو دهه بعد ابر های سیاه پوپولیزم و فاشیزم شروع به جمع شدن کردند و به حرکت خود ادامه دادند.

## ضمیمه سوم

### اول : فلسفه دیموکراسی

ما در مورد تعریف دیموکراسی و در مورد مردم سالاری بحث کردیم که از یونان و روم باستان شروع میشود و تا به دیموکراسی های معاصر از سویس تا ایالات متحده امریکا میرسد و ما آنرا تحت عنوان «فلسفه دیموکراسی» مورد بحث قرار دادیم. (بخش سوم، فصل ششم؛ اول)

از نظر «ایمانوئل کانت» بالا ترین خیر برای یک جامعه اساساً «خوشبختی متناسب با فضیلت است، که در آن فضیلت خیر بدون قید و شرط است ولی خوشبختی خیر مشروط است.» «کانت» مدعی است که مفهوم «بالا ترین خیر» " تنها و تنها شرح منطقی سازمان یافته از یک تیوری نیست، بلکه روایتی است که بُعد اخلاقی - آموزشی و روانی هم دارد.» وی همچنین به

1 - World Wide Web

2 - National Academy of Engineering. National Academy of Science Publications.

چیزی اشاره دارد که اکثر ما در باره آن شنیده و تجربه کرده ایم و آن "ندای درون" است. او همچنین به چیزی اشاره دارد که اکثر ما در باره آن شنیده ایم و بعضی از ما و شما آنرا تجربه کرده ایم و آن «صدای درون است».

[<sup>۱</sup>]<sup>۲</sup>، [<sup>۳</sup>]<sup>۴</sup>، [<sup>۵</sup>]

اجازه دهید با نقل قول از «سورن کیرکگارد» [<sup>۶</sup>] که می گوید: "زندگی را می توان با نگاه به عقب درک کرد ولی برای زندگی کردن باید به جلو نگاه کرد" [<sup>۶</sup>] به بحث «فاعل مختار» بازگردیم که از لحاظ تاریخی به مثابه هسته اسلوب عملکرد انسان تثبیت شده، که به اساس آن هر زمانی که بخواهد، فراتر از غرایز حیوانی، خود را از طریق زبان، بیان و یا عمل میکند. خوانندگان بیاد دارند که منظور از این استدلال برای کسانی نیست که به «جبرگرایی مطلق» اعتقاد دارند.

اکثر ما خود را در زمره معتقدان «سازگار گرایی» [<sup>۷</sup>] می دانیم و باورمندیم که «فعل مختار» با جبر طبیعت سازگار است. ما فعل مختار را یک ظرفیت روانی برای فعل یا عمل نمی دانیم که با عقل طنین انداز میشود. ابتداء باید بدانیم که فعل مختار چیست. بنابر این باید فعل مختار انسان را به دو مؤلفه لفظی (ریشه شناسی یا ایتیمولوژی) و فلسفی تجزیه کنیم. در اینجا منظور ما ایتیمولوژی یا ریشه شناسی کلمه و یا هرمنوتیک (تفسیر متنی - م) نیست، هدف ما درک از «فعل مختار» به عنوان پروسه ذهن با پوتنسیل تبدیل شدن به یک عمل است.

فعالیت های مغزی انسان با بیش از ۳۰ بلیون نیورون با ۱۰۰ میلیون - بلیون سیناپس [<sup>۸</sup>] (اتصالات) با نواحی نشان دهنده حواس پنجگانه ما گفتار به علاوه سائر فعالیت های حرکتی کنترل کننده عضلات، تعادل دماغ اصغر، ناحیه تفکر در بخش جلو مغز، قهر، رابطه جنسی، شغف و شادی، افسردگی، درد جسمی و روحی، گریه، خنده و غیره نقشه برداری شده است که هرکدام موقعیت خاص خود را در نقشه مغز دارد. اما مغز انسان هنوز بطور کامل نقشه برداری نه شده است. یکی از چیزهای که علم و تکنالوژی به آن پی برده است این است که بشر به اندازه کافی در باره خود و جهان نمی داند، و صدای باستانی «سقراط» را بازتاب می دهد: «می دانم که نمی دانم»؛ و شاید یکی از دلایلی بوده که او را بزرگترین و خردمندترین فیلسوفان نامیده اند! [<sup>۹</sup>]

اگزیستنیالیست [<sup>۱۰</sup>] (پیرو فلسفه هستی - م) های قرن بیستم که به پوچ بودن جهان نگاه می کردند فقط دو انتخاب داشتند: یا قیام علیه نورم های جامعه و زندگی بر اساس قوانین خود ساخته و یا با انتخاب خود فرد برای خودکشی! برای اکثر مردم

<sup>1</sup> - "Scientists discover how humans develop larger brains than other apes". *phys.org*. Retrieved 19 April 2021.

<sup>2</sup> - Aufderheide, J, Bader, R.M. *The Highest Good in Aristotle and Kant*. Oxford University Press. ISBN 9780197140192015. 2015.

<sup>3</sup> - Timmermann, J. Section 1. Of *Kant's Groundwork of the Metaphysics of Morals: A Commentary*. Cambridge University Press, 2007.

<sup>4</sup> - America, K, 'Kant on the Good Will', *Interpreting Kant's Critique*. Clarendon Press, 2003.

<sup>5</sup> - Soren Kierkegaard

<sup>6</sup> - Kierkegaard, Soren. *Philosophy: Journals and Papers*. V. III. Reprinted in Indianan University Press. Bloomington, 1967-78

<sup>7</sup> - Compatibilism

<sup>8</sup> - synapses (connections)

<sup>9</sup> - "Scientists discover how humans develop larger brains than other apes". *phys.org*. Retrieved 19 April 2021.

<sup>10</sup> - existentialist

آنچه که همه این فلسفه‌ها را به هم مرتبط می‌سازد فقدان عنصر اساسی یعنی فعل مختار انسان است. آنها فراموش کرده‌اند که این آزادی انتخاب یا فعل مختار بود که در طول تکامل بایولوژیکی هنگامی ظاهر شد که حیوان به انسان تبدیل شد. بدون حضور فعل مختار، اخلاق وجود نه خواهد داشت. بدون فعل مختار که انسان را قادر به انتخاب می‌کند هیچ تمایزی بین خوب و بد و خیر و شر و فضیلت و خبثت وجود نه خواهد داشت. بدون فعل مختار نه مفهومی از آزادی وجود خواهد داشت و نه آزادی انتخاب. بدون فعل مختار، انسان‌ها ماشین‌ها پیش نیستند. بدون فعل مختار معنایی از حقیقت و زیبایی وجود نخواهد داشت. اگر آزادی انتخاب نمی‌داشتیم، اراده انسانی، اراده‌ای برای انجام کار، اراده‌ای برای حرکت بیشتر، اراده‌ای برای حرکت به سمت هدف انتخابی وجود نمی‌داشت. بدون این عنصر نیروی حیات، یعنی «آزاد بودن و داشتن اراده»، کدام هدفی، کدام امیدی و کدام آینده‌ای برای خود حیات انسان وجود نمی‌داشت! بطور خلاصه، «واقعیت ما» به عنوان «محصول حواس پنجگانه انسانی ما» در دنیای بحران زده‌امروزی برای نجات ما کافی نیست!

ساینس از حس ششم انسانی، فراگیری فوری و بدون استدلال انسانی که بیشتر از یک حس است انکار می‌کند؛ حال آنکه این یک بُعد خلاقانه سالم است که هنگام مواجهه با زیبایی و حقیقت به انسان تجربیات خلاقیت در هنر، در کشف قوانین طبیعت، تجربه از هیبت و خلسه را میدهد، زیرا حقیقت زیبایی است، و زیبایی همانگونه که «جان کیتس [1]» بیان کرده حقیقت است! [2]

## دوم : فلسفه جهان گرایی و آینده

### الف : جهان گرایی و صلح به عنوان یک فلسفه

ضرورتی برای آینده زندگی در سیاره زمین؟

ببخشید که تکرار می‌کنم، اجازه بدهید توضیح کنم. در این سه سال پسین، در جهان انتزاعی ذهنم به دنبال این نظر بودم که در عقب «ایده» یا «مفهوم دیموکراسی» چه چیزی نهفته است؟

سی و چهار دیالوگ «دیالکتیک» افلاطون نشان می‌دهد که همین، طریقه جست و جوی روش علمی فلسفه او بوده است. افلاطون تأکید می‌کند یافتن ماهیت و هسته چیز برای کشف شکل و کارکرد واقعی آنها، برای درک بهتر از موجودیت و بکار انداختن آن ضرور است. من حدس می‌زنم که افلاطون با این روش خود معتقد بود که ممکن روزی بشریت بتواند مفهوم دیموکراسی را با ایجاد یک مدل حکومت داری پاریدار که بطور ایده آل توسط مردم به نفع نوع بشر اداره می‌شود، به واقعیت

<sup>1</sup> - John Keats

<sup>2</sup> - Gardner, Martin. *How Keats famous line applies to Math and Science*. John Keats, *Ode on a Grecian Urn*. Scientific American, Technology. April 1, 2007.

تبدیل کند. چنین پروسه تفکر یا پروسس ذهنی را می توان تعمق متمرکز یا مدیتیشن متمرکز [۱] ویا عصف ذهنی یا توفان فکری [۲] نامید. الکس فاکنی آزیورن [۳] اصطلاح عصف فکری را در کتابش «چگونه فکر کنیم» چاپ سال ۱۹۴۲ و باز در سال ۱۹۵۳ در کتابش «قوة تخیل عملی» [۴] مروج ساخت، موصوف می گوید که توفان فکری تکنیک گروهی است. پیدایش توفان فکری الکس فاکنی ناشی از ناامیدی های کاری وباری او بود، زیرا موصوف قادر به توسعه ایده های خلاقانه بصورت فردی برای کمپاین های تبلیغاتی خود نبود. میتود او را می توان چنین خلاصه کرد؛ الف) کاهش خویشتن داری های اجتماعی در بین اعضای گروه؛ ب) تحریک نظریه پردازی و ج) افزایش خلاقیت گروه.

الکس فاکنی بزود به میزبانی جلسات تفکرگروهی، به بهبود قابل توجه در کیفیت و کمیت ایده های تولید شده توسط کارمندان خود پی برد. به همین اساس بود که قدرت اعلانات نه تنها برای کاروبار ها شناخته شد بلکه به تدریج مبدل به قدرت هشدار دهنده کمپاین های تبلیغاتی در تغییر چشم اندازهای سیاسی، فرهنگی و حتی اخلاقی شد! این ما را از روان شناسی توده ها به فرد باز می گرداند که مفهوم دیموکراسی ناشی از نگرانی های دو فرد برای امنیت خود شان، امنیت فرزندان شان، آزادی آنها، دسترسی برابر آنها به همه نیاز های اساسی زندگی است. به همین دلیل است که سقراط و افلاطون به عنوان پروردگان «دایه های ایده ها»، بسیار عمیق تر به منبع «ایده» یا ایده پردازی «تشکیل ایده» پرداختند. افلاطون در جست و جوی جهانی از اشیاء با اشکال و کارکردهای ایده آل شان بود که معتقد بود فراتر از فضا و زمان در یک جهان انتزاعی «خارج از جهان چهار بعدی ما - م» وجود دارد. افلاطون معتقد بود که دنیای حواس ما که در آن زندگی می کنیم سایه ای از ایده آل است که این نظر او پسرها به عنوان یک پدیده تبدیل به بحث های پدیدار شناسی ویلهلم هگل و مارتین هایدگر در قرن نوزدهم شد. لطفاً بامن حوصله داشته باشید، این تکرارها انعکاسی از «ایده» من مانند شدیدترین درد ذاتی زایمان است که می خواهم با شما در میان بگذارم که چگونه «ایده» "زندگی چیست" در شکل اصلی خود، و چگونه مفهوم دیموکراسی موازی با تکامل هدف عمده زندگی شکل گرفت!

در طول تاریخ غیب گویان و حکیمان برای هموعان خود به دنبال فلسفه زندگی، یافتن راه طبیعی یا شیوه ارگاریک برای زندگی مصوون و رضایت بخش بوده اند. در قرن شانزدهم «اگوستینو ستیوکو [۵]» در سال ۱۵۴۰ (*De perenni philosophy libri*) را نوشت، و «فیلسوف لیبنیس» [۶] (۱۶۴۶ - ۱۷۱۶) (*Philosophy Perennis*) را نوشت که فلسفه های همیشگی و جاویدان اند.

«آلدوس هکسلی» [۷]، نویسنده کتاب کلاسیک قرن بیستم «Brave New World» و متعاقباً در سال ۱۹۴۴ کتاب «فلسفه دائمی» را نوشت که نیویورک تایمز آنرا «شاهکار گلچین» [۸] ها نامید. [۹] به گفته «آلدوس هکسلی»، «فلسفه دائمی

1 - focused-meditation

2 - brain storming

3 - Alex Faickney Osborn

4 - Applied Imagination

5 - Augostino Steuco

6 - Philosopher Leibnitz

7 - Aldous Huxley

8 - The Masterpiece of Anthologies

9 - Huxley, Aldous. Perennial Philosophy

"میتافیزیکی است که "واقعیت الهی" را در جهان اشیا، زندگی و ذهن به رسمیت می شناسد؛ روان شناسی چیزی را در روح، چیزی شبیه و حتی یکسان به "واقعیت الهی" می یابد؛ اخلاقیات غایت نهایی انسان را در شناخت درونی و شالوده عروج همه هستی قرار میدهد، چیزی که جاویدوانی و جهانی است.» «هکسلی» می افزاید: «ولی در شرایط موجود، کوچکترین چنانسی وجود ندارد که هیچ یکی از ادیان سنتی مقبولیت جهانی پیدا کند.» بنابر این، او با نشان دادن اینکه همه ادیان دارای بالاترین عامل مشترک همان نظام میتافیزیکی هستند که پیامبران، اولیا و حکما آنرا موعظه کرده اند، از «فلسفه دائمی» حمایت کرد. وی به شدت احساس میکرد همچنانیکه که گل های همیشه بهار برای همه فصول خوب اند، فلسفه دائمی نیز می تواند برای همه ملت ها خوب باشد. برای روشن شدن موضوع، ما آنرا "جهان گرایی دائمی [۱]" می نامیم. برای مردم کاملاً ممکن است که یهودی، عیسوی، هندو، بودایی، کنفوسیونیست یا مسلمان خوب و غیره و غیره باقی بمانند که به راحتی می توانند اندکی فراتر از آداب و سنن فرا بروند و به عنوان انسان خردمند جهان علم یا انسان فروتن جهان خلقت با صرف نظر از نژاد یا دینی که خدا خلق کرده است متحد شوند که ارسطو آنرا «علت اول» نامیده است. تنها کاری که آنها باید انجام دهند این است که بین خود بر سر این مفهوم بسیار ساده و مشترک «جهان شمول گرایی» توافق کنند که می توانند همه ادیان مذهبی را با اصول جهانی خود مانند احترام به زندگی انسان، کرامت انسانی، همدلی، شفقت، رحمت، بخشش، عشق و محبت انسانی، فعل مختار، آزادی و غیره با هم پیوند دهند، (لطفاً به مقالات جهان گرایی دائمی در ذیل مراجعه کنید.) این قلم در کتاب خود بنام: «یک خانه، یک خانواده، یک آینده» (۲۰۱۰)، این فلسفه خیلی مشابه را با توسعه بیشتر به عنوان «فلسفه جهانی» یا «جهان گرایی» ارائه کرده است. [۲]

## ب: حمایت از فلسفه جهان گرایی

می خواهم برخی از آثار مرتبط «اسوالد اسپنگلر» [۳] (۱۸۸۰ - ۱۹۳۶) را که به عنوان یکی از تأثیر گذار ترین فیلسوفان و نام آشنای قرن بیستم شناخته میشود، مورد توجه شما قرار دهم. من با دیدگاه بدبینانه او در مورد سقوط تمدن غرب موافق نیستم. اما به عنوان یک مؤرخ و فیلسوف پرحرارت جرمنی چیزی پیشنهاد کرده که خلاف آنچه است که این قلم در مورد آن می نویسد (با حروف تکیه نشان داده شده) و آنرا برای تأیید دیدگاه خوشبینانه از تکامل بشری ضروری دیدم. شهرت «اسپنگلر» با انتشار جلد اول اثر بزرگش «زوال غرب» در سال ۱۹۱۸ آغاز شد و سپس مجلد دوم آن در سال ۱۹۲۲ منتشر شد که تمام تاریخ ثبت شده جهان را پوشش می داد. [۴] ولی کتاب آخر او به عنوان «انسان و تکنیک: سهمی در فلسفه زندگی [۵]» نشان می دهد که مفهوم جبر حیوانی او از تکنیک (تکنالوژی) که تمدن بشری را در نتیجه «اراده به قدرت» حیوانی غریزی حیوانی نابود می کند و به وجود بشریت، پایان می دهد برای من هزلیات بیش نیست! اما، عنوان فرعی کتاب با ندای «سهمی در فلسفه زندگی» خوش بینی را نشان میدهد. ولی پس از مطالعه کتاب، از دیدگاه ایده آلیستی تکاملی او

1 - 'Perennial Universalism'

2 - Zikria, B.A. One Home, One Family, One Future. AuthorHouse Pub. Bloomington, ID. 2010.

3 - Oswald Spengler

4 - Spengler, Oswald. *The Decline of the West: .... Vol. 1 1918, Vol. 2, 2022*

5 - Man and Technics: A Contribution to A Philosophy of Life



متعجب شدم که با به اصطلاح «قاطعیت واقع بینانه» وی در مورد نابودی تمدن بشری در تضاد بود. [۱] «سپنگلر» پیشبینی کرد که انسان غربی در نهایت از سبک زندگی مصنوعی خود خسته میشود و شروع به جستجوی فلسفه ای طبیعی و ارگانیک تر از زندگی می کند! این گپیچ کننده است که «سپنگلر» که عمیقاً از «مفهوم تراژیدی به مثابه پرده برداری تدریجی سر نوشت بی رحمانه، بی تفاوت نسبت به رنج افراد» از «نیچه» الهام گرفته بود باز هم به قول (لارس اچ. هولم [۲]) به «اندیشه های الهام گرفته از نیچه در یونان در مورد وضعیت انسان» باورمند بود، و باید اصرار «سپنگلر» را در نظر گرفت که انسان واقعاً فاعل مختار است، اما در واقع چاره ای نیست، زیرا جایگزین به تراژیدی به اوج میرسد! [۳] «سپنگلر» می گوید، «تکنیک را نمی توان بر حسب ابزار فهمید.» وی همچنان می افزاید، «تخنیک، تاکتیک تمام زندگیست» شکل یا پروسه درونی که در آن مبارزه به کار میرود که با خود زندگی یکسان است.

این نظر سپنگلر چیزی بیش از آن نیست که تیوری تکاملی «چارلس داروین» آنرا در سال ۱۸۵۹ بر ملا ساخت. «سپنگلر» در کتاب خود که در سال ۱۹۳۶ منتشر شده تنها یک بار نام «داروین» را به دلیل کاهش درجه اسم او ذکر می کند. «بنابر این نبرد طبیعت درون با طبیعت بدون، نه آنطوری که «شوینهار» آنرا می دید و «داروین» آنرا «مبارزه برای زندگی» قلمداد میکرد بلکه یک معنای بزرگی است که زندگی را والامقام میسازد «*amor fati*» (در لاتین به معنی عشق به سر نوشت یا مفهوم [تکرار ابدی] از «فردریک نیچه») (تبصره نویسنده). و انسان به این نوع تعلق دارد.» نویسنده خود را مکلف میداند که بار دیگر از «سپنگلر» نقل قول کند که انگیزه عمیق خود را القاء می کند زمانیکه می گوید: «در اوج رشد انسانی، نژاد اصیل انسان - *der Rassemensch* گونه ای است که در تمام تمدن های برتر " در میان آسیایی ها، افریقایی ها، امریکایی های ماقبل کولمبیایی" وجود داشته است، یهودیان و اعراب، هم همینطور». عدم حساسیت استعمارگران اروپایی به درد و رنج بومیان و مفهوم *Ausheutung* «استثمار» بخش مهمی از فلسفه او بود، وی به این آرزو بود که به عنوان شکاک و بی طرف ارزشمند تلقی شود. همچنین این با تیزس او هماهنگی کامل دارد که انسان در ذات معنوی خود یک شکارچی است - «یک *Rassemensch* برتر.» نوشتن در مورد فعل مختار «این همان چیزی است که رهایی او را از اجبار جنس یا نوع تشکیل می دهد، پدیده ای منحصر به فرد در تاریخ تمام زندگی در این سیاره. با همین انسان به وجود می آید. وی زندگی فعال خود را تا حد زیادی فارغ از وضعیت بدن خود، و فارغ از غرایز حیوانی خود ساخته است. [تکیه از نویسنده] [۴]

در مطالعه گسترده او در مورد تکامل تاریخ بشر در برخی از عناصر، یکعده از جرقه های الهامات شهودی را (که با خط برجسته مشخص شده اند) می یابیم که از مفاهیم بنیادی فلسفه جهان شمول گرایی حمایت می کند!

1 - Spengler, Oswald. *Man and Technics: A Contribution to A Philosophy of Life*. Arktos Media Ltd. 1931. 2015.

2 - Lars H. Holm

3 - Ed. Forgas, p. Joseph, Grand, D. Wm, Fiedler, Klaus. *The Psychology of Populism* (Sydney Symposium of Social Psychology) Rutledge Taylor & Francis Group. ISBN 978036753817. 2021.

4 - Spengler, O. *Man and Technics*. Ditto

## خلاصه

آنچه در این کتاب بحث شد بطور خلاص عبارتند از: (۱) تأریخچه تکامل دیموکراسی، (۲) چرا دیموکراسی لیبرال بهترین حکومت برای یک جامعه بشری است، (۳) ظهور نیروی حیاتی اسرار آمیز یا انرژی حیات در سیاره زمین، (۴) تکامل

زندگی چگونه ابتداء با آزادی ذاتی، برای حفظ خود برای تحرک بیشتر برای دفاع ارگانیزم از حیات خود، با انرژی از غذا و آب حرکت کرد، (۵) شناخت توانایی ذاتی نیروی حیات در انتخاب که آنرا قادر می سازد تا از قلمرو خود، و تولید مثل و مرمت خود و غیره دفاع کند، (۶) الف : تلاش برای هستی، ب: بقای مناسب ترین، ج : انتخاب طبیعی، (۷) انتخاب کار آمد ترین و قدرتمند ترین حیوان برای حکومت بر جنگل (انتخاب توسط طبیعت)، (۸) یک اتفاق اسرار آمیز دو باره رخ داد که «انسان خردمند یا هومو سی پین» با فعل مختار ظهور کرد و با شناخت برتر و قدرت مغزی بیشتر از وضعیت حیوانی که توسط قوانین طبیعت کنترل می شد از طریق غریز حیوانی و قوانین جنگل فراتر رفت، (۹) «انسان خردمند یا هومو سی پین» با فاعل مختار بودنش، کار آمد ترین و قدرتمند ترین انسان شد، مفهوم اخلاق را توسعه داد و شروع به ترک حیوانیت در جنگل و صحرا کرد و به شهر های کلان نقل مکان کرد، (۱۰) و انسان با منطق برتر توانست همکاری را به جای خشونت در رقابت انتخاب کند؛ صلح را به جای جنگ های مداوم برای بقا انتخاب کرد «داروین»؛ (۱۱) از طریق فعل مختار، با منطق و حس شعوری بهترین حکومت را به عنوان یک حکومت مردم سالار با صلح در جامعه و سائر ملل ایجاد کرد، مانند جامعه ملل، که طی یک دهه با اعلامیه جهانی حقوق بشر به « سازمان ملل متحد تبدیل شد [۱] و مجمع عمومی مؤر دهم دسمبر سال ۱۹۴۸ «۳۰» « حقوق و آزادی های » را اعلام کرد که به هر انسانی در این سیاره زمین تعلق دارد. « از میان ۱۹۲ کشور عضو کنونی سازمان ملل متحد، ۱۹۲ کشور در توافق با اعلامیه جهانی حقوق بشر در پای اعلامیه امضاء کرده اند. ما امیدواریم که روزی همه مردم، همه جوامع، همه ملت ها شیوه زندگی ارگانیک طبیعی داشته باشند، و فلسفه ای از زندگی که با تکامل خود زندگی سازگار باشد که مقبولیت جهانی پیدا کند.

## ج: اصول فلسفه جهانی / جهان گرایی جهان شمول

۱: برای یک انسان همه اشکال زندگی درست مانند زندگی سزاوار احترام اند .

---

<sup>1</sup> - UDHR-December 10, 1948

- ۲: همه انسان ها در خلقت برابر آفریده شده اند تا با انتخاب آزاد به دنبال خوشبختی و مسئولیت پذیری در قبال دیگران باشند.
- ۳: همه فرهنگ ها، ادیان، مذاهب و سنن نزد پیروان خود دارای اعتبار هستند که باید مورد احترام قرار گیرند و چنان مورد احترام قرار گیرند که به باور های خود احترام دارند.
- ۴: انسان ها باید بر اساس قوانین جهانی طبیعت عمل کنند، مانند نیکی کردن با دیگران؛ همانطوریکه می خواهید آنها با شما نیکی کنند که یک قانون طبیعی برای رفتار انسان است..
- ۵: حلقه خبیثه شرارت را چنان بشکنید که کینه توی نه کنید.
- ۶: هیچ دین و یا آئینی را نمی توان با زور بالای شخصی یا مردمی تحمیل کرد.
- ۷: خشونت به منظور تغییرات ایدئولوژیکی، اقتصادی یا فرهنگی غیر قابل قبول است.
- ۸: همه ملت ها و انسان ها از همان حقوق و آزادی های مدنی یکسانی برخوردار اند که در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه حقوق مسجل اند.
- ۹: مردم باید فرصت های برابر برای توسعه پوتنسیل های خود و برای بهبود معیار های زندگی خود داشته باشند.
- ۱۰: تکامل جوامع باید به سمت مساوات طلبی، عدالت اجتماعی و برابر اقتصادی باشد و باید به شدت پرورش داده شود.
- ۱۱: معنویت گرایی و ساینس دو حوزه بزرگ انکشاف و پیشرفت انسان اند؛ ایندو حوزه باید پرورش یابند مگر نه به قیمت یک دیگر.
- ۱۲: آموزش و خلاقیت همه انسان ها باید در سطح جهانی به شدت افزایش یابد. خلاقیت بزرگترین ثروت بشریت است.
- ۱۳: در برابر فقر، بیماری و استبداد باید از طریق ابزار مدنی توسط همه مردان و زنان دارای استطاعت، شاگردان، محصلین، مؤسسات، سازمان های بشر دوستانه، مؤسسات غیر دولتی، جوامع، دولت های جهان و نیگو کاران بشردوست مبارزه شود.
- ۱۴: قدردانی از علم و هنر باید توسط همه جوامع ترویج شود.
- ۱۵: سیاره زمین خانه بزرگ ماست.
- ۱۶: انسانیت خانواده بزرگ ماست.
- ۱۷: ما باید از سیاره زمین مراقبت کنیم، زیرا در نهایت همه ما و نسل های آینده ما با افزایش مصرف، اثرات گازات گلخانه ای، کاهش منابع، افزایش نفوس، آلودگی محیط و تغییرات اقلیم جهانی روبرو خواهیم شد.
- ۱۸: ما نباید بنام شرقی یا غربی همذات پنداری کنیم، بلکه باید با تمدن واحد انسانی همذات پنداری کنیم.
- ۱۹: تاریخ به اثبات رسانده که سیاسی ساختن و تبلیغ ادیان مفید نیست و اغلب باعث تفرقه میشود و درگیری ایجاد می کند.

- ۲۰: هویت انسانی با هیچ فرهنگ یا دینی نباید مورد تهدید یا ریشه کنی قرار گیرد. ما باید هویت شخصی و اجتماعی یکدیگر را در پرتو مدارا، قدردانی و احترام بپذیریم.
- ۲۱: هر نوع آزادی و حریت باید متعادل و مسؤولانه باشد.
- ۲۲: تمام فعالیت های که تعصب، نفرت و خشونت را در میان مردم و ملت ها ترویج می کنند باید توسط هر شخص، هر سازمان، هر دولت و سازمان ملل متحد محکوم شود.
- ۲۳: آزادی ای که به دیگران صدمه می رساند، سؤ استفاده از آزادی است.
- ۲۴: یونیورسیالیزم دائمی، جهان گرایی جهانی نه انترناسیونالیزم است و نه فرهنگ یا جهانی شدن اقتصادی است. این نیروی محرکه جهانی زندگی است.
- ۲۵: جهان گرایی دائمی نه یک دین است و نه یک جزم یا دگما. این یک دیدگاه در حال تکامل است که همه مردم جهان را با آگاهی بیشتر از خود، دیگران و هویت انسانی بزرگتر شان متحد می سازد. جهان گرایی دائمی می تواند فلسفه ای جهانی باشد که غنای فراوان در تنوع فرهنگ ها و عقاید می یابد و همه جوامع را قادر می سازد تا بطور مؤثر تر و کارآمد تر پیشرفت کنند. در قرن بیست و یکم است که این دیدگاه بیک ضرورت تأریخی برای بقاء و پیشرفت تبدیل شده است.

**در خواست از مردان و زنان بشر دوست جهان تا بر حسب توانایی و انتخاب شان  
در این تلاش سهم گیرند**

نیاز میرم به مشارکت بشر دوستان بزرگ امریکایی و بین المللی، سازمانها، نهاد ها و نیکوکاران بزرگی وجود دارد تا در این کار خیر به بشریت سهم گیرند مانند:

بیل گیتس، ملیندا فرنچ گیتس، وارن بفت، اندی جیسی از امازون، مایکل بلومبرگ، جورج سورس، جستی تاتا، عرفا جاوید، مارک زاکربرگ، ایلی براد، پییر امید یار، چک فینی، لی کاشینگ، جیورج قیصر، اوپرا وینفری، هیوارد هیو اورگ، بارون هیلتن، جولیان رابرتسن، گوردن و خانواده بتی مورد و جان د. آرنولد و غیره

چا

چا

ن



تصویر نویسنده